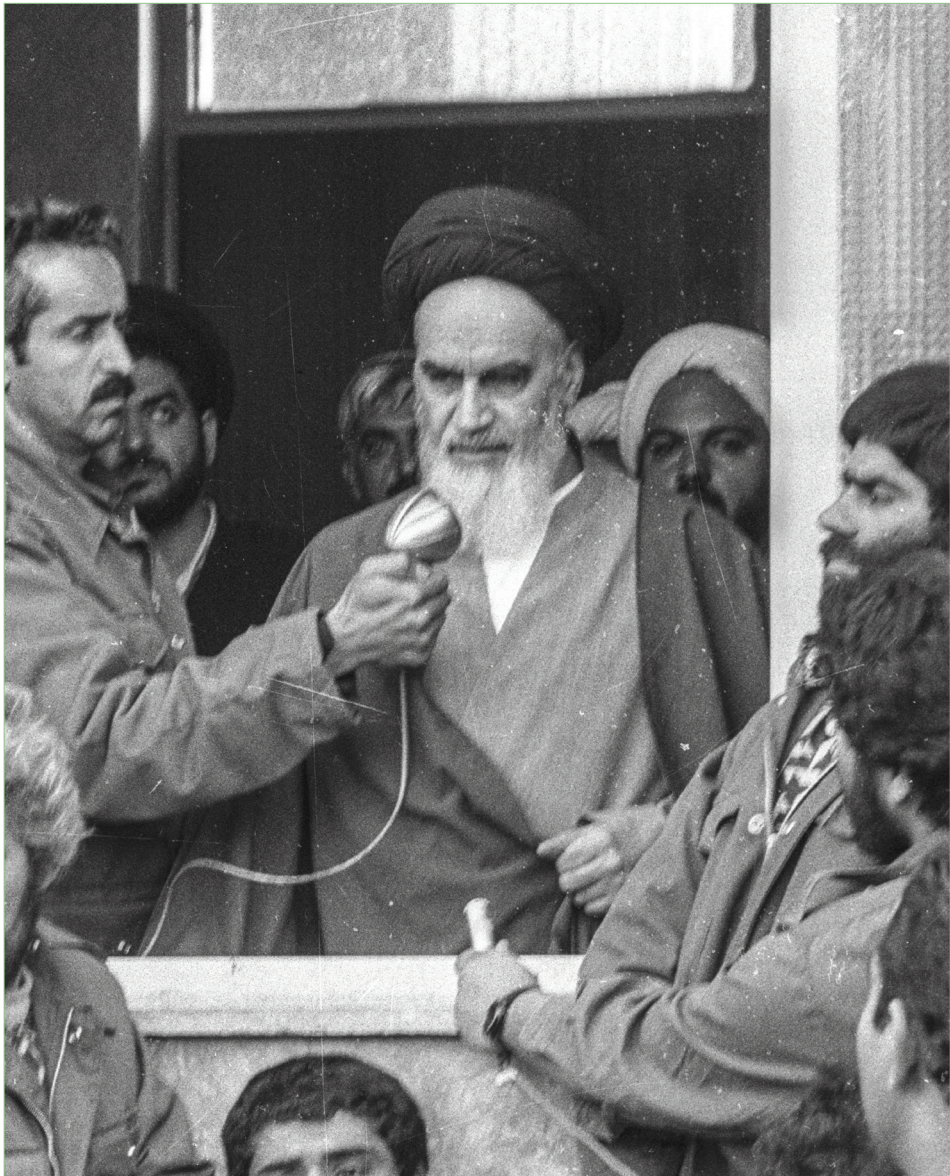




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



■ مرد میدانِ عمل

امام از دوران مبارزات تا پایان حیات مبارکش در میدان عمل نیز در نقش یک فرمانده بی نظیر، روند تحول خواهی راهبری و اقیانوس عظیم ملت ایران را در مسیر تحقق اهداف، طوفانی و متلاطم می کرد.

عید همای
۱۳۹۶/۰۱/۳۰
رهبر انقلاب اسلامی

■ رئیس شورای سیاست‌گذاری و مدیرمسئول:
علی اصغر جعفری
■ جانشین مدیرمسئول: قاسم یکه
■ سردبیر: محمود اکرامی
■ مدیر تحریریه: مصطفی عمانیان
■ مدیر هنری: علیرضا زمانی
■ مدیر اجرایی: مرتضی قاسمی

■ صاحب امتیاز:

موزه انقلاب اسلامی
و دفاع مقدس

ماهنامه فرهنگی هنری
سال دوم
شماره بیست و پنج
پهمن واسفند ۱۳۹۹

واویان



۴۶ | گفتگوی حاجت الاسلام
والمسلمین حیدر مصلحی
۴۱ | به شهادت تاریخ
۴۲ | هشت روایت در خصوص
سردار شهید «حسن باقری»
۴۸ | جنگ سیل بندها
۵۱ | عملیات هوشمندانه

پادمان



۴۲ | بازتاب افتتاح موزه
مقاومت
۴۳ | موزه در عصر کرونا
۴۶ | نبرد مجنون
۴۰ | روزگاران...
۴۲ | درباره موزه تاریخ نظامی
لوکزامبورگ

گفتمان

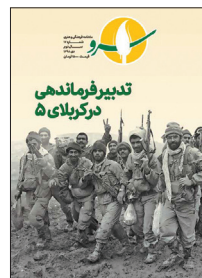


۶ | رجعت به عاشورا
۸ | گفتگوی حاجت الاسلام
دکتر کاظم قاضی زاده
۱۳ | تأثیر قیام عاشورا
بر انقلاب اسلامی
۱۷ | گفتگوی
دکتر علیرضا علوی تبار

ماهنامه‌ای فرهنگی و هنری
برای ترویج فرهنگ مقاومت
و تبیین ارزش‌های انقلاب اسلامی
و دفاع مقدس



شماره ۱۶ / آذر ۹۸



شماره ۱۷ / دی ۹۸



شماره ۱۸ / بهمن ۹۸

۱۱۹

روزهای انقلاب

عکس‌هایی دیده نشده از روزهای پیروزی انقلاب اسلامی
از میشل ستبون؛ عکاس فرانسوی



■ شورای تحریریه:

محمود اکرامی، سعید بکناش، علی اصغر جعفری، فتح‌اله جعفری، مجید رضاییان یعقوب زهدی، رسول شادمانی، ابراهیم گلغام بیژن مقدم، محمد جعفر محمدزاده، حسین ولی‌وند، قاسم یکله، مصطفی عمانیان

■ با همراهی:

حجت حسینی، هادی مسعودی، سمانه پرهام، علی بدرخانی، محمد حسن جعفری، طاها بدری کبری سنگوری زاده، سید ناصر سعادت، ریحانه جعفری، آزاده مختاری، ارمغان محمدی، زهرا صلواتی فرزانه میرآخوریلو، محسن محمدی، آزاده سادات سید حسینی، مهرداد صالحی، سید ابراهیم آل مصطفایی محمد حسن جعفری، عادل عساکره، ابوالفضل صالحی، مهدی رجبی

دیده بان



۵۶ | گفتگو با عباس رافعی
کارگردان سینما
۶۱ | پاتک رسانه‌ای
۶۲ | آسمانی‌ها
۶۷ | روایت از درون
۷۱ | سِر دلبران

پرسه‌مان



۷۶ | دخالت و جدایی خواهی
۸۰ | صدام به دنبال صلح و دوستی نبود
۸۲ | گفتگو با «علی شجاعی صائین»
۸۶ | دعوت به برادری

راهنمایان



۹۰ | سخنرانی سردار باقری
۹۹ | سخنرانی سردار سلامی
۱۰۵ | سخنرانی سردار جعفری
۱۱۲ | سخنرانی سردار اشتري
۱۱۶ | همچنان باشکوه



۸
کاظم
قاضی زاده



۱۷
علیرضا
علوی تبار



۳۶
حیدر
مصلحي



۵۱
عباس
محتاج



۵۶
عباس
رافعی



۸۲
علی شجاعی
صائین

■ نشانی:

تهران، میدان ونک، بزرگراه شهید حقانی، جنب مترو شهید حقانی، موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
تلفن: ۸۵۰ ۸۸۶۵۷۰۲۶ داخلی

■ همراه شوید:

سرواز همراهی پژوهشگران، هنرمندان و اهالی قلم استقبال می‌کند.
مطالب ارسالی می‌بایست بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ کلمه بوده و در فایل word به آدرس الکترونیکی art@iranhdm.ir ارسال شوند.



مصطفی عمایان

سال سینمای انقلاب اسلامی

گاهی بی همه چیز می شود، و در همین وضعیت است که تقی ایدئولوژی در می آید. اگر بخواهم به قاعده‌ی انصاف بنویسم البته، جریان رسانه‌ای انقلاب هم همین برخورد را دارد، دفاع از مضمون و محتوای انقلابی به هر ضرب و زوری که شده است. تلک الایام نداولها بین الناس... روزگار هم که دائم دائرمداریک قوم و قبیله نیست، دست به دست می چرخد تا آنان که در جستجوی حقیقتند را به آن هدایت کند.

حرف انقلاب اسلامی برای ما همین است، دریافتن طیف‌گونگی جامعه‌ی ایران و با هم برای استقلال و آزادی و هویت خویش قدم برداشتن. اگر مصلحت فیلم خوبی است، که هست، نباید با قضاوت ایدئولوژیک آن را ندید و اگر جدایی فیلم خوب و به روزی است نباید با چوب تعریف بیگانه آن را طرد کرد و هزار و یک برچسب به فیلم و فیلمساز آن زد. اگر امسال فیلم‌های متعلق به جریان سینمای انقلاب خوب و قابل اعتنا است، نه به خاطر مضمون یا حرف فیلم است و نه به خاطر کارت بلانش نهادهای حاکمیتی، برای دریافتن اقتضائات سینما است و کار را به کاردان سپردن، ای بسا فیلم‌های بی خاصیتی که با همین حمایت‌ها و بودجه‌ها سخته شده‌اند، و شاید از یک جایی به بعد، واکنش ایدئولوژیک مخاطب سینما به سینمای انقلاب هم معلول همان بی تدبیری‌ها و کج سلیقه‌ی‌ها باشد.

در پایان این و جیزه هم دو بار افسوس می خورم؛ برای مهدویان و آبیاری، برای مهدویان و فیلم شیشلیک خیلی، و برای نرگس آبیاری و ابلق تا حدودی! تاسفاتی که البته بی ارتباط با سینمای انقلاب و نهادهای و مدیران فرهنگی دست‌اندرکار آن نیست.

در جشنواره‌ی فیلم‌های بی خاصیت و ضد مخاطب، چهار فیلم «یدو»، «مصلحت»، «منصور» و «تک تیرانداز» که متعلق به جریان سینمای انقلاب اسلامی بودند بالاتر از همه ایستادند و به جز «یدو» که به حق بهترین فیلم جشنواره‌ی فجر سی و نهم شد، آن سه به چشم داوران هم نیامدند. باین حساب امسال سال سینمای انقلاب و مدیریت فرهنگی حامی آن بود. سازمان اوج، روایت فتح و حوزه هنری توانستند بی اینکه آثار تولیدی شان طعم سینمای سفارشی و شعاری داشته باشد، فیلم‌هایی با قواعد هنری و متناسب با نیازهای روز مخاطب تولید کنند. در منصور و تک تیرانداز که هر دو بر مبنای شخصیت‌های واقعی ساخته شدند، با قهرمان مواجیم و ضد قهرمان؛ شهید منصور ستاری و شهید عبدالرسول زرین، قهرمان‌هایی که ملموس و باورپذیر می شوند. در مصلحت چالش مهم دیروز و امروز نظام که ارتباط مصلحت و عدالت است در قالب درامی مهیج مطرح می شود و دریدو مسالهی دفاع از خانواده و بالاتر از آن، وطن، در هیئت هویت نوجوانی آبادانی شکل می گیرد. در بوق و کرنا کردن «بی همه چیز» و «ابلق» را هم نباید پای فیلم‌ها گذاشت، که فیلم‌هایی ضعیف و نهائیتا متوسط هستند. بلاخره جشنواره‌ی هر سال نیاز به فیلم‌هایی دارد که ذائقه‌ی مخاطب کلنی سینمای ایران و عاداتی که به سرش افتاده را لودهد، عاداتی ایدئولوژیک که برای نقد و فحاشی به ایدئولوژی رسمی و به هم نریختن رُست معترض و خدایی نکرده نزدیک نشدن به خط فکری انقلاب، باید از هر چیزی که این مرزبندی را پررنگ تر می کند دفاع کند، این دفاع البته همیشه فیلم‌های خوب و خوش ساخت در چنته ندارد،

گفتمان



۸
 نهضت خمینی (ره) پرتوی از نهضت
 حسینی (ع)



۶
 رجعت به عاشورا



۱۷
 چتر عاشورا بر تفکر انقلابی



۱۳
 تأثیر قیام عاشورا بر انقلاب اسلامی



یادواره ای برای سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی رجعت به عاشورا

تمام آنات و لحظه ها جایگاهی برای بصیرت و بیداری اند، برای هم سخنی با آینه های ناگهان هستی و نظر در ابتدا و انتها. گویا خالق این کلیت شگرف در جزء جزء آن رمزی از همه ی وجود را نهاده است. تنها حبه ای را به دست بگیری به رسم جوامع الکلم خوشه در آستین می بینی. با این همه لحظه های دیگری هستند که انگار فراتر از همیشه اند. بر فراز ایستاده اند. به پیش و پس خود، چنان مرکزی می مانند که قله ای به دامنه ی کوه. از آنجا و در آنجا، همه ی اشیاء و اطوار جلوه ای دیگر دارند. از آن منظر تماشای برقی دیگر بر چشم ها می اندازد و حالی دیگر در جان ها می تراود. از این دست لحظه ها و ساعات و اوقات ...

آری، این ها وقت اند، و نسبتی با گذر لیل و نهار ندارند، بلکه علت آمد و رفت ماه و آفتاب اند. و اگر اهل شهود را این الوقت خوانده اند شرحی بر همین معناست. چه اینکه تمام شناخت و آگاهی آنان زاده ی همین اوقات بوده است. در تفکر شیعه عاشورا از این دست است، بلکه اصل و ریشه ی همه ی این اوقات و آنات است. و بعد و قبل از آن هرچه در نهان خانه ی اعیان گذارده شده، معلول وقت عاشورا است. چنان انقلاب و شب های بهمن ۵۷ و روزهای جنگ و مقاومت مدافعان خرمشهر. چنان شب های عبور از فاو در و الفجر ۸ و روزهای عطش کربلا ۵ در شلمچه.



عباس عطشانی

انقلاب اسلامی در سالروز پیروزی اش می‌تواند به اول و ابتدای خویش مبعوث شود، چنان که در ابتدا نیز برانگیختنی بود به ابتدای تاریخ و مبدا انسانیت. به تغافل که انسان مدرن به آن گرفتار آمده بود و فلسفه و بازسازی و وضعیت اصلاحی - انتقادی پست مدرن هم برای تذکر به او حيله‌ای نداشت. غفلتی که به تعبیر هایدگر ۲۵۰ سال وجود و حقیقت را به محاق برده بود و سخن امثال او و نیچه و کگارد و دیگر اندیشمندانی که در دامنه‌ی آشفشان ساکن بودند و گریبان چاک می‌کردند برای افسون زندگی و ابتلا عظیم بشر جدید، بی‌فایده بود.

آری؛ شاید آن‌ها نمی‌دانستند که هبوط بشر حقیقتی تاریخی است و تنها تفکری که در همه‌ی اعصار تار جوع و بازگشت دوباره‌ی آدمیان، ارتباط میان زمین و آسمان را برقرار داشته، شیعه‌ی انقلابی است. شیعه‌ای که بر مدار انسان کامل می‌گردد و با اصالت دادن به جوهری فردی از جامعه و تاریخ و تکوین نیز غافل نیست. تفکری که تا بقاء استکبار و استعمار و بت تراشی و بت پرستی قائل به مبارزه است و در همین اثنا با انسان دور افتاده نیز به مدارا قدم می‌زند. تفکری که با خوف و رجائی و کمتر از آنی به خود و گذاشته نیست تا با تفسیر و تاویل نابجا، به توجیه‌گری ختم شود. اندیشه‌ای که گرچه از مراقبه و محاسبه نمی‌گریزد اما وصول حق را به هیچ سالکی وعده نداده است. می‌توان در وقت چهل سالگی اصول را مرور کرد. آنکه اصول را در جان خود به امانت و عاریه دارد همواره به خوف از دست دادن و بریدن به خویش مشغول است. طوبی لمن شغله عیبه من عیوب الناس (نهج / خ ۱۷۶)

این سالک چهل و دو ساله در طی طریقتش گرچه با عداوت‌ها و کینه‌ها روبرو بوده است اما تغافل افرادی که تناسبی با آن دارند از حقیقتی که جزو علل معده‌ی انقلاب است، آن‌ها را به عداوتی ناخواسته با رسم انقلاب کشانده است. انقلاب حرکتی جمعی و طلبی است که آن‌ها از ساختارهای اجتماعی دارند، اما هر فردی، حتی بی هیچ نسبتی با جمعیت، می‌تواند بهره‌ای از آن داشته باشد. و این از رسوم فراموش شده‌ی انقلاب است. راوی فتح در شب‌های عاشورایی و الفجر هشت ما را به این تماشا فراخوانده است که؛ بیا و بعثت دیگر باره‌ی «انسان» را تماشا کن، خداوند بار دیگر «انسان» را برگزیده است.

به همین مناسبت سالگرد انقلاب نیز اگر به عیار خرد سنجیده شود می‌بایست وقتی باشد برای اهل جهاد و مبارزه و مدارا که خرقة‌ی پشمینه را به تماشایی دیگر تکان دهند، گرد و غبار از خویش و همراهان عاری کنند. این اوقات را باید غنیمت دانست و آینه‌های حقیقت و معیت با حق را در دل جلاداد.

سالگرد انقلاب می‌تواند برانگیختن دیگری باشد به دوباره و چند باره یافتن آن چه برایمان حکم آب را داشت در برهوت دنیای نو. به واقعه‌ای که زمان کثیف بی معنایی و بی هویتی را با زمان لطیف صاحب الزمانی مماس کرد. به آن روزها که هم مبارزه و جهاد و خون داشت، و هم مدارا و خردورزی، هم روح اساطیری قوم را تجسم داده بود و هم عقل معاش جسمانی را ترؤخ. می‌توان به روزهایی رجوع کرد که گویا از آفتاب مدینه النبی (ص) نور می‌گرفت، روزهایی که گرچه در حال طی می‌شدند اما در گذشته‌ای تاریخی می‌گذشتند. نه... این اقوال، ظن و گمان و نوستالژی‌های کسی که هیچ وقت آن روزها را ندیده نیست. سنت الهی برای این است که جوامع بر تکرار حوادث تاریخی قوام ببینند و تلک الایام نداولها بین الناس (آل عمران / ۱۴۰). و این روزگار است که بین مردم دست به دست می‌شود تا در تاریخ همواره نور حقیقت روشن بماند. در این بین حق و حقیقت را با هیچ شخص و قبیله‌ای عقد و پیوند نیست. این ماییم که باید به وقت برسیم و در پرده‌ی تکرار حیات، تصویری نوبه‌نورا به نظاره بایستیم. روزگاری شیخ علی صفایی که متفکری است در جهت حقیقی انقلاب گفته بود؛ در برابر ضعف‌ها و مشکلات انقلاب، توجیه حماقت است، تضعیف جنایت است و تکمیل رسالت. با این نگاه می‌توان از لاک فردیت انتزاعی بیرون آمد و در پیوند با جامعه و همراه با حرکت جوهری انقلاب به آن چه ما را گرفتار سطحیت‌ها و آغشته‌ی سرگشتگی‌ها کرده است تعرض داشت، که اصل فارغ از زمان و مکان، طالبان را به خویش دعوت می‌کند. اصل آن است که برای فرد به فرد واقع می‌شود و اگر سرچشمه‌ها گل آلود نباشد، لاجرم همه را به حقیقتی واحد فراخوان می‌دهد. جمعیت لامحاله هیچ فردی را رها نمی‌کند و انقلاب و آرمان و حکومت و عدالت و آزادی و اقتصاد و ساختار فکری و اجتماعی اسلام چاره‌ی همین فردی است که تنهاست. گرچه در جمع و با جمع است. لقد جئتمونا فرادی کما خلقناکم اول مره (انعام / ۹۴)



نهضت خمینی (ره) پرتوی از نهضت حسینی (ع)

گفتگو با حجت الاسلام دکتر کاظم قاضی زاده
استاد حوزه و دانشگاه و رئیس مؤسسه پژوهشی و فرهنگی فهیم

پیوند انقلاب اسلامی با عاشورا از جمله مسائل بنیادین در تحلیل گفتمانی آن است. و از همین جاست که انقلاب اسلامی خارج از تئوری های مرسوم به عنوان پدیده ای نو در تاریخ انقلابات مطرح می شود. واکاوی این ارتباط که که ربطی وثیق و محکم است می تواند ما را در فهم بیشتر و عمیق تر مهمترین رخداد تاریخ معاصر ایران یاری کند. بر همین اساس و در سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران این موضوع را دست مایه ی گفتگویی با حجت الاسلام دکتر کاظم قاضی زاده: استاد حوزه و دانشگاه و رئیس مؤسسه پژوهشی و فرهنگی فهیم قرار دادیم که در ادامه می خوانید.



آزاده سادات

سید حسینی

هر چه هست منکرات است، اینها باید از بین بروند و ما که تابع سیدالشهدا هستیم باید بینیم که ایشان چه وضعی در زندگی داشت، انگیزه‌اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین بروند از جمله قضیه حکومت جور، حکومت جور باید از بین بروند.

خطر تحریف حقیقت اسلام و محدودین از هر خطری بالاتر است، از این رو در تراجم بین حفظ «جان مسلمین» و «دین خداوند» جای هیچ گونه تردیدی در تقدم حفظ دین نیست. امام حسین (ع) نیز گرچه خود و فرزندان و اصحابش از بهترین مسلمین روی زمین بودند، اما در مبارزه با این انحراف نه به سرنوشت خود اندیشه کرده و نه توقع موفقیت ظاهری و فوری را داشتند. امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «آن روزی که در وجهه اسلام بخواهد خدشه وارد بشود، آن روز است که بزرگان اسلام جان‌شان را دادند برای او، در زمان معاویه و در زمان پسر خلف معاویه مسئله این طور بود که چهره اسلام را اینها داشتند قبیح می‌کردند... اینجا بود که تکلیف اقتضا می‌کرد برای بزرگان اسلام که مبارزه کنند و معارضه کنند... ولوانسان به کشتن بروند.»

با توجه به بیان اخیر، مسئله دیگری که بعضاً در انگیزه قیام سیدالشهدا (ع) گفته می‌شود قابل قبول و تحلیل است؛ یعنی رسیدن به مقام شاخ شهادت. اگر مقصود آن باشد که حضرت صرفاً برای شهید شدن و رسیدن به مقامی والا و بی نظیر در نزد خدا به این کار بزرگ دست زده است، نمی‌تواند مورد قبول باشد؛ اما اگر مقصود آن است که حضرتش هیچ وسیله‌ای را برای رسوایی دشمن و نهی از منکر جز خون پاک خویش و یاران خود نداشتند و در این مسیر گرچه بر شهادت خود نیز آگاه بودند، رضایتمندانه به سوی این هدف حرکت کردند، این هدفی مقدس و انگیزه‌ای کاملاً موجه و قابل قبول است. امام خمینی (ره) هم به این انگیزه اشاره می‌فرماید: «حضرت سیدالشهدا تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند و محو کنند آثار معاویه و پسرش را.» یا «سیدالشهدا برای اسلام خودش را به کشتن داد.» می‌بینیم که حضرت امام (ره) به قیام امام حسین (ع) انگیزه‌های مختلفی را نسبت داده‌اند، از جمله تشکیل حکومت اسلامی، جلوگیری از ظلم ظالمان، دفاع از حقیقت اسلام و مبارزه با کج‌اندیشی‌ها و انحرافات فکری، شهادت خواهی در راه رسوایی ظلم و حیات اسلام، امر به معروف و نهی از منکر. به نظر می‌رسد

در میان اندیشمندان و محققانی که پیرامون انقلاب اسلامی بحث و پژوهش می‌کنند معروف است که این انقلاب برگرفته یا الهام گرفته از نهضت حسینی (ع) است. جایگاه نهضت امام حسین (ع) در انگیزش انقلابی مردم ایران را چگونه می‌توان تبیین کرد؟

قیام خونین امام حسین (ع) مهم‌ترین حرکت سیاسی و اجتماعی ایشان، بلکه مهم‌ترین حرکت اصلاحی تاریخ اسلام محسوب می‌شود. تأثیرات این واقعه در طول تاریخ و تجلیلی که از آن صورت گرفته و می‌گیرد، بی‌نظیر است، ابعاد این واقعه علی‌القاعده باید با تحلیل‌ها و بررسی‌های مفصل و گوناگون مواجه شود، اما به علل مختلف در گذشته کمتر بررسی تحلیلی از این واقعه صورت گرفته است. در صد سال اخیر کتب تحلیلی در خور و شایسته‌ای در این موضوع نگاشته شده است و یکی از موضوعات مورد بحث که جواب یکسانی نیز نداشته است، مسأله انگیزه قیام حسینی است. طبیعی است پاسخ به این پرسش با بررسی بیانات و موضع‌گیری‌های امام حسین (ع) و مجموعه خصوصیات قیام ایشان امکان‌پذیر است و دیدگاه‌های اجتهادی اندیشمندان، زمینه پاسخ‌های متفاوتی را فراهم آورده است.

حضرت امام خمینی (ره) در بعضی از موارد انگیزه حرکت امام حسین (ع) را تشکیل حکومت معرفی کرده‌اند: «این جور نبود که آمده است ببیند که [چه می‌شود] بلکه آمده بود حکومت هم می‌خواست بگیرد. اصلاً برای این معنی آمده بود... برای اینکه باید حکومت دست مثل سیدالشهدا باشد، مثل کسانی که شیعه سیدالشهدا هستند، باشد.»

گاهی نیز انگیزه امام حسین (ع) را امر به معروف و نهی از منکر اعلام می‌کردند. امر به معروف و نهی از منکر مفهومی گسترده است و مراتب مختلفی را شامل می‌شود، جلوگیری از ظلم ظالمان، معرفی انحرافات مذهبی و دینی حکومت به ظاهر دینی، رسوا نمودن ظالمان، محو حکومت ظالمان و تشکیل حکومت اسلامی می‌تواند مصداقی از امر به معروف و نهی از منکر باشد: «سیدالشهدا (ع) از همان روز اول که قیام کردند برای این امر انگیزه‌شان اقامه عدل بود، فرمودند که می‌بینید که به معروف عمل نمی‌شود و به منکر عمل می‌شود. انگیزه این است که معروف را اقامه و منکر را از بین ببرد، انحرافات همه از منکرات است جز خط مستقیم توحید

شجاعت و سیاست و دوراندیشی و استقامت و ...) و اکتسابی (مثل اخلاقی و عرفانی و فقهی و علمی و ...) ایشان نیز همراه شده و نهضتی عظیم را به ارمان آورده است.

ممکن است وارد جزئیات شوید و مصادیقی از تشابه انگیزه‌ها بین نهضت حسینی (ع) و نهضت خمینی (ره) را تبیین بفرمایید. با مطالعه سیره هر دو بزرگوار، انگیزه‌های مهم و اساسی نهضت امام خمینی (ره) که برگرفته از نهضت حسینی (ع) است را می‌توانیم کاملاً منطبق با یکدیگر توضیح دهیم.

یکی از انگیزه‌های اساسی امام در نهضت، «عزت خواهی» امام بوده است. ایشان از ذلت‌پذیری دولت ایران که طبعاً به پای مسلمین، مراجع تقلید و شیعیان نیز نوشته می‌شد سخت بیزار بودند. یکی از پرهیجان‌ترین سخنرانی‌های امام که در مقابل جمعیت بسیاری از مشتاقان ایشان انجام شده، سخنرانی علیه پیمان ذلت‌بار کاپیتولاسیون است. در این سخنرانی مردم تحت تأثیر احساسات امام قرار گرفته و بارها ناله زدند؛ به طوری که بیش از پانزده بار گریه شدید حضار سخنان امام را قطع کرد. ایشان در پیامی هم فرمودند: «من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأورین شما حاضر کرده‌ام، ولی برای قبول زورگویی‌ها و خضوع در مقابل جباری‌های شما حاضر نخواهم بود.»

موضع‌گیری‌های فوق، انگیزه رد بیعت از سوی امام حسین (ع) را به خاطر می‌آورد؛ تعبیر بلند «هیئات منالذله» و نیز جمله معروف ایشان در ملاقات با محمد حنفیه که فرمود «اگر در دنیا هیچ ملجأ و مأویی برای من باقی نماند باز هم با یزید بن معاویه بیعت نخواهم کرد» الهام‌بخش سازش ناپذیری و عزت‌طلبی امام بوده است.

دومین انگیزه امام خمینی (ره) رفع منکرات از دولت بود. فریاد ایشان در برابر ظلم‌ها و غارت‌ها و زیر پا گذاشتن دستورات اسلام از سوی سردمداران رژیم شاه قسمت عمده‌ای از حجم سخنرانی‌های امام را در دوران نهضت تشکیل می‌دهد. اینها همه در کنار دعوت به اجرای اسلام و پیاده کردن احکام آن گویای انگیزه امر به معروف و نهی از منکر است: «دستگاه حاکمه ایران به احکام مقدسه اسلام تجاوز کرد و به احکام مقدسه قرآن قصد تجاوز دارد، نوامیس مسلمین در شرف هتک است و دستگاه جابر به تصویب نامه‌های خلاف شرع و قانون اساسی می‌خواهد زن‌های عفیف را ننگین و ملت ایران را سرافکننده کند.»

همه انگیزه‌های فوق مقدس و مطلوب و با هم قابل جمع است. انگیزه دیگری که در «طول» همه انگیزه‌های فوق است و جوهره حرکت امام (ع) را تشکیل می‌دهد و همه انگیزه‌های دیگر در ذیل آن جمع می‌شوند انگیزه «ادای تکلیف الهی» است. امام خمینی (ره) به این انگیزه نیز اشاره فرموده‌اند: «اینکه حضرت ابی‌عبدالله (ع) نهضت کرد و قیام کرد، با عدد کم در مقابل این [ظالمان]، برای اینکه گفتند تکلیف من این است که استنکار کنم، نهی از منکر کنم.» یا «او تکلیف می‌دید برای خودش که باید او با این قدرت مقابله کند و کشته هم بشود تا به هم بخورد این اوضاع، تار سوا بکند این قدرت را با فداکاری خودش و این عده‌ای که همراه خودش بود. او دید که یک حکومت جائری است که بر مقدرات مملکت او سلطه پیدا کرده است، تکلیف خودش را، تکلیف الهی خودش را تشخیص داد که باید نهضت بکند و راه بیفتد و برود و مخالفت بکند و اظهار مخالفت و استنکار کند هر چه خواهد شد، در عین حالی که به حسب قواعد معلوم بود که یک عدد اینقدری نمی‌تواند با آن عده‌ای که آنها دارند مقابله کند ولی تکلیف بود.» حضرت امام (ره) با توجه به این انگیزه قیام حسینی پیروزی آن را قطعی و صرف انجام عمل به نیت ادای تکلیف و اطاعت را پیروزی می‌دانستند و می‌فرمودند: «حضرت سیدالشهدا را کشتند اما [کشته شدن] اطاعت خدا بود، برای خدا بود، تمام حیثیت برای او بود، از این جهت هیچ شکستی در کار نبود، اطاعت کرد.»

پس می‌توانیم بگوییم همین انگیزه ادای تکلیف الهی، نیروی اصلی تحریک‌کننده مردم در دوران نهضت اسلامی ما بوده است؟

بله. امام خمینی (ره) به تبع معصومین (ع) بر این نکته تکلیف‌گرایی در مبارزه با ظلم اشاره تأکید محوری دارند: «ما بنا داریم به تکلیف عمل کنیم، ما مکلفیم که با ظلم مقابله کنیم... ما مکلفیم از طرف خدای تبارک و تعالی که با ظلم مقابله کنیم، با این آدم‌خوارها و با این خونخوارها مقابله کنیم.»

امام خمینی (ره) شخصیتی برخاسته از حوزه علمیه قم و تربیت شده مکتب اهل بیت (ع) است. بدون تردید ساختار شخصیتی ایشان مبتنی بر آموزه‌هایی است که در فرهنگ دینی وجود داشته است؛ گرچه وجود ایشان در مقابل اقران حوزوی‌شان از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده است. ما می‌توانیم فهم نسبتاً جدیدی را از دین به ایشان نسبت دهیم، خصوصاً که با اوصاف ذاتی (مثل

دیگر مورد توجه و عنایت قرار داده اند، مسئله ادای تکلیف الهی است. این انگیزه نه تنها در زندگی سیاسی که در زندگی فرهنگی و اجتماعی امام نیز نقش اساسی را داشته و سکوت و فریاد، هجرت و جهاد، تحصیل و تدریس امام همه و همه به انگیزه ادای تکلیف الهی بوده است. امام خمینی (ره) حتی مبارزه با ظلم را به انگیزه ادای تکلیف شرعی می داند: «همه ما، همه مسلمین، همه علما، همه روشنفکرها، همه سیاسیون، هر کس هست تکلیف شرعی الهی اش این است که با این (شاه) مخالفت کنند، هر کسی مخالفت نکند برخلاف تکلیف شرعی الهی عمل کرده است.»

در واقع تکلیف گرایی را چه غالب هر دو نهضت حسینی (ع) و نهضت خمینی (ره) می دانید؟

به طور مسلم این دیدگاه مبتنی بر یک جهان بینی الهی است و به پیروی محض و تبعیت خالصانه امام خمینی (ره) از ائمه اطهار (ع) خصوصاً امام حسین (ع) برمی گردد. این دیدگاه انسان را قبل از هر چیز دیگر و مهم تر از هر مسئله ای مرهون نعمت های خدایی و مسئول در برابر او می داند، حق سؤال از همه را برای خداوند محفوظ می داند و چون همه از رحمت عام الهی برخوردار هستند و هر یک در زمینه ای مسئولیت و اختیار دارند همه را در برابر خداوند مکلف می داند. این انگیزه تکلیف گرایی اختصاص به دو نهضت یاد شده ندارد. هر جا که موحدی راستین وجود داشته باشد در حرکت های وی رنگ تعبد و بندگی و روحیه تکلیف گرایی و امتثال امر الهی مشاهده می شود.

سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که گاهی تکلیف الهی با تدبیر سیاسی واقعاً یا ظاهراً تراحم و منافات دارد. در این موارد وظیفه ما چیست و چه روشی را باید در مشی سیاسی خود اختیار کنیم؟

تشخیص تکلیف الهی همواره با تشخیص وظیفه سیاسی یک سیاستمدار منطبق نیست؛ چرا که ملاک های تکلیف الهی اعم از ملاک سیاستمداران است. با توجه به مجموعه معیارهای مهم در دیدگاه یک انسان تکلیف گرا گاهی اوقات عملی که از جهت سیاسی دارای برد و پیروزی قطعی یا حتی احتمالی نیست از جهت شرعی مطلوب و لازم الاجراست. امام در تفاوت بین این دو دیدگاه با اشاره به اعمالی که مشمول تکلیف الهی قرار می گیرند می فرماید:

فریاد اسلام خواهی امام حتی انگیزه ملیت خواهی را تحت الشعاع قرار می دهد و ایشان به صراحت در مقابل کسانی که به انگیزه های ملی در قیام اشاره داشتند می فرمودند: «نهضت ما اسلامی است قبل از آنکه ایرانی باشد، نهضت مستضعفین سراسر جهان است، قبل از آنکه به منطقه ای خاص متعلق باشد.»

منکرات مختلفی که امام درباره آن فریاد می زدند و در مسیر دفع آن قیام کردند منحصر به جنبه های فرهنگی نبود. ظلم سیاسی، اقتصادی و حرکت های ظالمانه نظامی و قتل و غارت های رژیم هم در این زمینه موثر بود. خبرنگاری بی سی در گفتگو با امام خمینی (ره) ضمن سؤال از انگیزه حرکت ایشان به طور مشخص به دو انگیزه مذهبی و سیاسی اشاره می کند و می پرسد: آیا بیشتر دلایل سیاسی است یا به خاطر از بین رفتن اسلام و ارزش های اسلام است؟ و مبانی عقیدتی حرکت اسلامی شما چیست؟ امام در پاسخ می فرماید: «اسلام دینی است که هم سیاست دارد و هم اموری که مربوط به غیر سیاست است و شاه که با او مخالف هستیم هم با سیاست اسلامی مخالف است که سیاست مملکت هم همان است و هم با امور مذهبی، و ما به این هر دو جهت با شاه مخالف هستیم، هم نسبت به مذهب تعدیات و جسارت هایی کرده است و هم نسبت به مملکت خیانت هایی در طول تاریخ زندگی اش کرده است و بدین جهت همه مردم با او مخالفند.»

یعنی در حقیقت امام منکرات سیاسی را نیز جزو منکرات دینی می دانند و مبارزه با آن را جزئی از مبارزه دینی و تکلیف الهی خود قلمداد می کنند...

بله همین طور است. انگیزه سرنوشتی شاه و تشکیل حکومت اسلامی از دیگر انگیزه های امام بود، خصوصاً در ماه های قبل از پیروزی، ایشان هر گونه سازش، مذاکره و عقب نشینی از مواضع اعلام شده مبنی بر لزوم مبارزه تا سرنوشتی رژیم شاه را مردود می شمارند. البته این انگیزه اساسی و اصلی امام نبود، زیرا در آغاز نهضت که هنوز رژیم شاه به خیانت های بعدی آلوده نشده بود، امام راه تذکر، نصیحت و خیر خواهی را پیش گرفته بودند و درخواست سرنوشتی رژیم را نداشتند. اما هر چه بر ظلم شاه و وابستگی وی به اجانب افزوده شد، مواضع امام هم شدید و شدید تر شد تا هنگامی که دیگر رژیم شاهنشاهی را غیر قابل پذیرش دانستند. اما یکی از انگیزه های مهمی که امام در طول همه انگیزه های



«هدف و انگیزه مردم ایران از انقلاب اسلامی، نابودی ظلم، استبداد و استکبار و برپایی حکومت عدل الهی و اجرای احکام اسلامی به عنوان معروف و جلوگیری از وابستگی به اجانب و بیگانگان به عنوان منکر بود. اینها همان انگیزه و هدف امام حسین (ع) از قیام عاشورا بود، آنجا که می فرماید: انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی اريد ان آمر بالمعروف و انهي عن المنکر و اسير بسيرة جدی و ابی علی ابن ابی طالب (ع). اگر یزید بن معاویه تجاهر به فسق و فجور داشت، خاندان پهلوی نیز همان گونه عمل می کردند و به عنوان نمونه باید گفت: اسلام زدایی را تا آنجا رساندند که به طور رسمی تاریخ هجرت پیامبر اکرم (ص) را به تاریخ شاهنشاهی تبدیل کردند!! امام راحل (ره) درباره تأثیر عاشورا بر اهداف و انگیزه های انقلاب اسلامی می فرماید: حضرت سید الشهدا (ع) به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائر چه باید کرد».

ایام عزاداری امام حسین (ع) و اماکنی از قبیل مساجد، تکایا و خیمه های عزاداری به عنوان مهم ترین زمان و مکان برای فعالیت نیروهای انقلاب و آگاهی مردم از مفاسد حکومت پهلوی و سازمان دهی آنان برای راهپیمایی، تظاهرات و فعالیت های انقلابی، محسوب می گردید.

قیام عاشورا در کلام و بیان امام خمینی (ره)، ص ۵۵

شرعی مان عمل کرده ایم». این منطق نوعی آرامش و اطمینان خاطر ایجاد می کند و سیره امام خمینی (ره) همچون سیره جد بزرگوارشان حضرت امام حسین (ع) همواره نشانگر این آرامش درونی است. ایشان در کلامی می فرمایند: «اگر چنانکه ما برای مقاصد اسلام بترسیم دین نداریم ... از چه بترسیم؟»

از آثار بسیار مطلوب این دیدگاه احساس پیروزی دائمی است، چرا که نفس انجام تکلیف، خود نتیجه است. حال اگر نتیجه مورد انتظار نیز حاصل شود پیروزی دو چندان شده و اگر نه، پیروزی توفیق انجام تکلیف به حال خود باقی است. چون رسیدن به نتایج دیگر در مقایسه با نتیجه انجام تکلیف الهی از اهمیت کمتری برخوردار است، انسان تکلیف گرا همواره احساس پیروزی می کند. امام در این خصوص می فرمایند: «ما نباید نگران باشیم که مبادا شکست بخوریم، [بلکه] باید نگران باشیم که مبادا به تکلیف عمل نکنیم. نگرانی ما از خود ماست، اگر ما به تکلیفی که خدای تبارک و تعالی برای ما تعیین کرده عمل نکنیم باکی از این نداریم که شکست بخوریم چه از شرق، چه از غرب، چه از داخل و چه خارج و اگر به تکلیف خودمان عمل نکنیم شکست خورده هستیم، خودمان، خودمان را شکست داده ایم.» از لوازم دیگر این دیدگاه نیز استقبال از خطرات و قاطعیت و طرد مسامحه های سیاسی است.

«در همه مسائلی که انسان اقدام می کند یک قسم مسائل این طور است که انسان باید ملاحظه کند که در این عملی که می کند نتیجه حاصل می شود؟ آیا می رسد به این مقصدی که دارد؟ نمی رسد؟ اگر مطمئن شد که به آن مقصد می رسد، اقدام می کند و اگر مطمئن نشد اقدام نمی کند. یک قسم از مسائل هم هست که انسان تکلیف دارد از طرف خدا که اصل مطلب یک تکلیفی است و نتایجی هم احتمال می رود حاصل بشود و احتمال هم می رود که حاصل نشود.»

حضرت امام در بعضی از مقاطع حساس با توجه به منطق مذکور، به کارهایی دست می زدند که از دید عرفی و عملی سیاسیون شایسته و مناسب نبود، اما ایشان پس از تشخیص تکلیف الهی، بدون توجه به درصد پیروزی و موفقیت آن، به آن عمل مبادرت می کردند. ایشان در خاطره ای می فرمایند: «من در پاریس که بودم، بعضی خیراندیش ها می گفتند که نمی شود دیگر، وقتی که نمی شود باید چه کرد؟ باید قدری ... گفتیم: ما تکلیف شرعی داریم، عمل می کنیم ... قدرتش را هم الان نداریم اما تکلیف داریم، ما تکلیف شرعی خودمان را عمل می کنیم. من این طور تشخیص دادم که باید این کار را بکنیم، اگر پیش بردیم هم به تکلیف شرعی عمل کرده ایم، همه رسیده ایم به مقصد، اگر پیش نبردیم به تکلیف



تأثیر قیام عاشورا بر انقلاب اسلامی

بررسی ادبیات سیاسی رایج در روند انقلاب اسلامی، شعارها، سخنرانی‌ها، بیانیه‌های انقلابیان و رهبران نهضت نشان می‌دهد که از میان عناصر دینی و مذهبی، فرهنگ عاشورا و نهضت امام حسین (ع) در این زمینه نقش بسزایی ایفا کرده است. این بحث در دو محور قابل بررسی است:



مهرداد صالحی

اول) اثر فرهنگ عاشورا بر پیدایش انقلاب اسلامی

۱. اثرگذاری بر اهداف و انگیزه انقلابیان

هدف و انگیزه مردم ایران از حضور در نهضت اسلامی، نابودی ظلم و استبداد حکومت دست‌نشانده پهلوی و ستم و بیداد استکبار جهانی بود و در راستای آن، برپایی حکومت عدل الهی و اجرای احکام اسلام بود. جلوگیری از وابستگی به اجانب و بیگانگان و مبارزه با ظلم و استبداد داخلی به عنوان نهی از منکر و تشکیل حکومت اسلامی به مثابه امر به معروف در میان انقلابیان محسوب می‌شد. اینها همان انگیزه و هدف امام حسین (ع) از قیام عاشورا بود. اگر یزید بن معاویه، تاج‌هره فسق و فجور داشت، خاندان پهلوی نیز همان‌گونه عمل کردند. امام راحل (ره) درباره تأثیر عاشورا بر اهداف و انگیزه‌های انقلاب اسلامی می‌فرماید: «حضرت سیدالشهدا (ع) به همه آموخت که در مقابل ظلم و ستم در مقابل حکومت جائز چه باید کرد.»

۲. اثرگذاری بر رهبری انقلاب

وجود رهبری حسین‌گونه همچون امام خمینی (ره) یکی از مهم‌ترین اثرگذاری‌های نهضت عاشورا در پیدایش انقلاب اسلامی بود. مردم ایران صفاتی همچون صلابت، شهامت، شجاعت، قاطعیت، سازش‌ناپذیری و روح حماسی امام حسین (ع) را در شخصیت امام خمینی (ره) متجلی می‌دیدند و شرایطی را که امام حسین (ع) برای رهبر و حاکم جامعه اسلامی توصیف کرده بودند، در او می‌یافتند. شعار «خمینی، خمینی، تو وارث حسینی»، نشانگر همین اعتقاد است.

۳. اثرگذاری بر شیوه مبارزه

در مکتب‌های مادی نباید مشت به نبرد با درفش برود، ولی مردم ایران تحت تأثیر نهضت عاشورا، روحیه شهادت‌طلبی امام حسین (ع) و اصحابش را در خاطره‌ها تکرار کردند. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «کیفیت مبارزه کردن - اینکه قیام در مقابل یک حکومت قلداری که همه جا را در دست دارد، بایک عده محدود باید چطور باشد - حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است». تأثیر فرهنگ مبارزه در عاشورا آنچنان زیبار بود که بیان امام خمینی (ره) جلوه کرد که با اعتقاد اسخ فرمود: «خون بر شمشیر پیروز است.» و همین نتیجه نیز حاصل شد.

۴. اثرگذاری از طریق مراسم عزاداری

زمان‌هایی که مراسم عزاداری امام حسین (ع) برگزار می‌شود و مکان‌های آن از قبیل مساجد، تکایا و خیمه‌های عزاداری، مهم‌ترین زمان‌ها و مکان‌ها برای فعالیت نیروهای انقلاب و بیداری مردم از مفاسد حکومت پهلوی و سازمان‌دهی آنان برای راهپیمایی و فعالیت‌های انقلابی به شمار می‌آمد. اساساً هر سال در ماه محرم مبارزات و اعتراضات اوج می‌گرفت و خصوصاً در تاسوعا و عاشورای سال‌های ۵۶ و ۵۷، به کلی پایه‌های اساسی رژیم ستم‌شاهی به لرزه افتاد.

دوم) اثر فرهنگ عاشورا در پیروزی انقلاب اسلامی

با مرور دوره‌های سرنوشت‌ساز در پیروزی انقلاب اسلامی درمی‌یابیم که نقطه آغازین آنها، ایام عزاداری امام حسین (ع) و با الهام از آموزه‌های نهضت عاشورا بوده است:

۱. قیام ۱۵ خرداد که آغاز نهضت اسلامی و نقطه عطفی در تاریخ انقلاب شمرده می‌شود، به دنبال سخنرانی شدیدالحن امام خمینی (ره) در بعد از ظهر عاشورا یعنی ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ به وقوع پیوست.

۲. تظاهرات ۱۷ شهریور نیز یکی از برهه‌های مهم انقلاب بود که تحت تأثیر عاشورا و فرهنگ آن شکل گرفت. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «هفده شهریور، مکرر عاشورا و میدان شهدا، مکرر کربلا و شهدای ما، مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما، مکرر یزید و وابستگان او هستند.»

۳. تظاهرات تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ به قدری گسترده و فراگیر بود که حضور خیل کثیری از مردم را در عرصه مبارزات را موجب شد؛ تا جایی که کار را برای سران رژیم تمام شده نشان داد و زمینه فرار شاه و فرو ریختن ارکان رژیم پهلوی را به دنبال آورد.

۴. اعلامیه تاریخی امام (ره) در روز ۲۱ بهمن ۵۷ مبنی بر شکستن کودتا و حکومت نظامی رژیم، نوعی حماسه عاشورایی به شمار می‌رفت. مردم تحت تأثیر این اعلامیه و فرمان حسین زمان خویش به خیابان‌ها ریختند و شهادت را به جان خریدند تا امامشان را تنها نگذارند و فرمانش بدون لبیک نماند و به این ترتیب توطئه رژیم را در هم شکستند و پیروزی قطعی را کسب کردند.

خویش می دانستند و برای توجیه حکومت فاسد و ظالم خود به ترویج اندیشه های انحرافی از جمله جبرگرایی می پرداختند. بنابراین، هرگونه اعتراض و انتقاد علیه وضع موجود و حکومت اموی انتقاد و اعتراض به قدرت و مشیت الهی قلمداد می شد. امام حسین (ع) با قیام خود اولین اعتراض را به اندیشه های انحرافی رایج در جامعه زمان خود وارد کردند.

پیش از انقلاب اسلامی نیز جامعه در زمینه عقاید الهی و مذهبی دچار آسیب های جدی بود. برداشت های دینی رایج به گونه ای بود که دین به هیچ یک از امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه کاری نداشت و تنها به برخی از عبادات و اعمال فردی ختم می شد. چنین برداشتی از دین به وسیله حکومت های باطل در میان مردم رواج یافته بود که به نظریه «جدایی دین از سیاست» می انجامید. رواج این اندیشه به دلیل اینکه هرگونه مسئولیت اعتقادی و اجتماعی را از افراد سلب می کرد، با روحیه تسامح و راحت طلبی نیز سازگاری داشت.

۲. آسیب های سیاسی و اجتماعی

پس از رحلت پیامبر اعظم (ص) معیارها و ضوابط اسلامی از نظر سیاسی و اجتماعی تحت الشعاع ارزش های قومی و نژادی قرار گرفت. بدین ترتیب، مهاجر بر انصار و قریش بر غیر قریش و عرب بر عجم ترجیح داده شد و ایمان و شایستگی افراد در تصاحب مناصب سیاسی و اجتماعی فراموش شد. معاویه بر خلاف خلفای پیشین، حکومتی سلطنتی و اشرافی ایجاد کرد و تصمیم گرفت حاکمیت اسلامی را برای خاندان بنی امیه، موروثی گرداند و بر خلاف سیره پیامبر و خلفای پس از ایشان، پسرش یزید را که هیچ شایستگی و اعتقادی نداشت، به جانشینی خود منصوب کرد. در حکومت موروثی شاهنشاهی ایران نیز علاوه بر اشرافیت و تسلط کامل بر همه منابع کشور، سلطه بیگانگان به گونه ای بر سر مردم سایه انداخته بود که حق آزادی و تعیین سرنوشت جامعه پایمال می شد و اجنبی ها شاهی را می آوردند و سپس او را می بردند و پسرش را به جای او می آوردند و اکنون هم هنوز فرزند ناشایست شاه مخلوع را در خیال خام بازگشت به ایران حمایت و پشتیبانی می کنند.

۳. آسیب های اقتصادی

امام حسین (ع) پس از گذشت پنجاه سال از رحلت پیامبر

سوم) اثر فرهنگ عاشورا بر حفظ و تداوم انقلاب اسلامی

فرهنگ عاشورا نه تنها عامل پیدایش اصل انقلاب و زمینه ساز پیروزی آن در مراحل گوناگون بود، بلکه همین فرهنگ، عامل اساسی حفظ و تداوم انقلاب اسلامی تا کنون به شمار می آید. اگر انقلاب بخواهد تداوم یابد، روحیه شهادت طلبی، آزادی و شرف، عزت نفس و مبارزه با ستم باید در عرصه های مختلف سیاست خارجی و داخلی حاکم باشد. امام خمینی (ره) می فرماید: «این محرم را زنده نگه دارید. ما هر چه داریم از محرم است.» بارزترین عرصه حفظ و تداوم انقلاب اسلامی وقوع جنگ تحمیلی و دفاع مقدس مردم در برابر تجاوز ارتش بعث عراق است. رشادت های رزمندگان اسلام که به شوق شهادت و به عشق مولا و سرور خود حضرت سیدالشهدا (ع) در جبهه های نبرد رقم می خورد و ایستادگی آنان با کمترین امکانات در برابر ارتش کاملاً مسلح و مکانیزه عراق مصداق کامل پیروزی خون بر شمشیر بود. در دفاع مقدس، عاشورا با همه ابعاد حماسی و عرفانی و معنوی و انسانی و عاطفی آن بروز و ظهور پیدا کرد و نظام نوپای اسلامی را از سقوط حتمی نجات داد. پس از آن هم رزمندگان اسلام در جبهه های مختلف حضور حماسی و عاشورایی داشتند که مقاومت در مقابل اسلام تحریف شده سلفی و تکفیری آخرین نمونه آن به شمار می رود.

چهارم) شباهت های جامعه ایران با جامعه اسلامی در عصر امام حسین (ع)

در کنار تأثیرگذاری فرهنگ عاشورا بر انقلاب اسلامی، زمینه های مشترکی نیز در دو نهضت امام حسین (ع) و نهضت مردم ایران وجود دارد که باعث الگوگرفتن ایرانیان از حماسه حسینی شده است. در ادامه به برخی از این زمینه ها اشاره می شود.

۱. آسیب های اعتقادی و مذهبی

بررسی تاریخ صدر اسلام نشان می دهد که مهم ترین علت انحطاط و سقوط جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص) برداشت نادرست از دین و فهم غلط معارف اسلامی بوده است. چنین امری سبب شد کسانی به مسند خلافت دست یابند که دین را وسیله توجیه حکومت و اهداف فردی و قومی

(ص) با جامعه‌ای کاملاً نابرابر روبه‌رو بودند که در آن، از یک سو، قریب و وابستگان به دستگاه خلافت به ویژه بنی امیه به ثروت‌های کلان دست یافته بودند و از سوی دیگر، مردم در فقر و محرومیت به سر می‌بردند. به این ترتیب، نوعی از خودکامگی ظاهراً معنوی، معیاری شد برای کسب ثروت و مال بیشتر و ایجاد اشرافیت مادی. پس از آن، طبقه جدیدی از ثروتمندان و اشراف با رنگ و لعاب اسلامی در جامعه به وجود آمدند و اصل عدالت اجتماعی اسلام در معرض تهدید قرار گرفت.

ایجاد هسته‌های سرمایه‌داری در ایران به وسیله نظام شاهنشاهی نیز سبب شد تا وابستگان به دربار و دست‌نشانندگان شرکت‌های چندملیتی با استفاده از پول نفت و سایر منابع ارزشمند کشور به ثروت‌های کلان دست یابند و به چپاول ثروت‌ها و استثمار اقشار ضعیف جامعه بپردازند و شکاف طبقاتی بیداد کند.

۴. آسیب‌های فرهنگی و اخلاقی

پس از رحلت رسول اکرم (ص) با بازگشت فرهنگ بدوی و هواهای نفسانی، دوباره روحیه نخوت و تکبر و تکاثر و مال‌اندوزی و راحت‌طلبی بر جامعه اسلامی حیره شد. هنگامی که بنی امیه حاکمیت یافتند، به تدریج ارزش‌ها و اصول اخلاقی اسلام از جامعه حذف شد و قیام امام حسین (ع) وقتی آغاز شد که امویان آشکارا به هتک حرمت‌های الهی پرداختند.

حکومت فاسد و وابسته پهلوی نیز با توجه به خودباختگی فرهنگی و فرنگی‌مآبی که دچار آن شده بود، به تخریب ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه پرداخت و با ذلت و خواری سیاست‌های ضددینی و غرب‌گرایانه اربابان خارجی خود را اجرا می‌کرد؛ تا جایی که رسماً با دین و ارزش‌های آن مخالفت می‌شد و جامعه را لهو و لعب و هرزگی فرا گرفته بود.

پنجم) تأسی انقلاب اسلامی به قیام امام حسین (ع)

امام خمینی (ره) و پیروان او در نهضت اسلامی ایران به شکلی بنیادین به امام حسین (ع) و قیام خونین او تأسی کردند و با الگو قرار دادن آن امام حماسه‌ساز کوشیدند به مبارزه با آسیب‌های موجود در جامعه خود قیام کنند و همچون امام شهید خویش

به اصلاح‌گری در جامعه بپردازند. در ادامه مروری بر عرصه‌های اصلاح‌گری انقلابیون با الهام از قیام حسینی خواهیم داشت.

۱. اصلاح اندیشه دینی و تغییر نگرش مردم نسبت به دین

از آنجا که جامعه اسلامی در صدر اسلام دچار نگرش سطحی و تحریف‌آمیز به دین شده بود، امام حسین (ع) به عنوان مظهر اسلام ناب محمدی (ص) با قیام خود بر تفسیرها و برداشت‌های رایج و منحرف خط بطلان کشد و از شیوه امر به معروف و نهی از منکر به اصلاح دین پیامبر پرداخت. امام خمینی (ره) نیز به پیروی از جد شهید خود اصلاح‌اندیشه‌های دینی را سرلوحه نهضت اسلامی قرار داده بود و خصوصاً با رد نظریه جدایی دین از سیاست، برداشت‌های غلط و رایج از دین را زدود و اسلام را دین اجتماعی معرفی کرد که باید در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متجلی شود.

۲. نفی سازش با حکومت جور

سکوت در مقابل حکومت باطل و بی‌اعتنایی نسبت به وضع موجود جامعه، به نهادینه شدن و ثبات هر چه بیشتر معیارها و ارزش‌های ضددینی می‌انجامد و به قدرت‌های ستمگر مشروعیت اجتماعی و سیاسی می‌بخشد. از این روش‌خصیتی که اسوه اسلام ناب است، به چنین گناهی تن نمی‌دهد و بر اسلام تقلبی و ظلم و جور آن، مهر تأیید نمی‌نهد. امام خمینی (ره) نیز در مقابل حکومت جور پیاخاست و همه مصیبت‌ها را تحمل کرد تا با ایستادگی و سازش‌ناپذیری خود، مشروعیت اجتماعی و سیاسی نظام شاهنشاهی را زیر سؤال برد.

۳. تشکیل حکومت اسلامی

بی‌شک مهم‌ترین انگیزه امام حسین (ع) از قیام خود، ایجاد حکومت اسلامی واقعی و عدالت‌مدار بوده است؛ زیرا حکومت اصلی‌ترین ابزار ایشان برای بازگرداندن جامعه به صراط مستقیم نبوی بوده است. هر چند ایشان در این هدف موفق نشدند، با ابزارهای دیگری که در توان داشتند به کاخ ظلم و تحریف تاختند. امام خمینی (ره) نیز با پیروی از سیره امام حسین (ع) تشکیل حکومت حق و اسلامی را بهترین راه تصحیح جامعه می‌دانست و مهم‌ترین هدف خود قرار داد و سرانجام این آرمان اسلامی را بعد از چهارده قرن محقق ساخت.



چتر عاشورا بر تفکر انقلابی

گفتگو با دکتر علیرضا علوی تبار

در دوران مبارزه با رژیم ستمشاهی در ایران، اغلب گروه‌های مبارزه نوعی از نهضت عاشورا الهام می‌گرفتند و خود را و مدار حرکت تاریخ‌ساز امام حسین (ع) می‌دانستند. با این حال تمامی این گروه‌ها در مسیری که تناسب کامل به ارزش‌ها و آموزه‌های قیام سیدالشهدا (ع) داشته باشد حرکت نکردند و بعضاً دچار انحراف و جدایی از این مسیر شدند و برخی از آنها حرکت در مسیری متضاد با آرمان‌های حسینی را اتخاذ کردند و در مقابل امام خمینی (ره) و توده انقلابی مردم قرار گرفتند. به منظور آسیب‌شناسی برداشت‌ها و قرائت‌های سیاسی که در دوران مبارزات با رژیم پهلوی از واقعه عاشورا صورت گرفت گفتگویی را با دکتر علیرضا علوی تبار ترتیب دادیم که هم دوران آغاز جوانی خود را در مقطع مبارزات منتهی به انقلاب اسلامی سپری کرده و از نزدیک شاهد فعالیت‌های گروه‌های مبارز بوده است و هم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در کانون تحركات سیاسی و اجتماعی قرار داشته و به عنوان یک اصلاح‌طلب سفت و سخت و به تعبیر خودش پیشرو و رادیکال فعالیت داشته است. گفتنی است علوی تبار در سال ۱۳۳۹ در شیراز متولد شده است. وی لیسانس خود را در رشته اقتصاد نظری از دانشگاه شیراز، فوق لیسانس برنامه‌ریزی و توسعه را از دانشگاه اصفهان و دکتری خود را در رشته خط‌مشی‌گذاری عمومی از دانشگاه تهران دریافت کرده است.



سید ابراهیم

آل مصطفایی

آقای دکتر! با توجه به مطالعاتی که در تاریخ معاصر دارید چقدر می‌توانیم مبارزات سده اخیر ملت ایران را برگرفته از عاشورا و نهضت امام حسین (ع) بدانیم؟

هر نظریه معرفت‌شناسانه واقع‌باوری ناگزیر میان «شیء» و «علم به شیء» تمایز قایل می‌شود. از این رو باید «دین» را نیز از «معرفت دینی» متمایز بدانیم. دین عبارت است از مجموعه ارکان، اصول و فروعی که برپایمیری نازل شده است، به علاوه تاریخ زندگی و سیره و سنن اولیای دین. اما معرفت دینی به معنای فهم روشمند و مضبوط آدمیان از دین است و مانند سایر معارف بشری، در مقام تحقق، هویتی جمعی و تاریخی دارد. اینکه می‌گوییم معرفت دینی همچون معارف دیگر در مقام تحقق «هویت جمعی» دارد یعنی منحصراً نزد شخص واحد و فرد خاصی یافت نمی‌شود، بلکه نزد همگان پخش و روان است؛ در عین حال «هویت تاریخی» هم دارد، یعنی هویت جمعی آن، صرفاً در جمع معاصران منحصر نمی‌شود، بلکه تمام کسانی را که در طول تاریخ در خصوص این معرفت نکته‌یابی و نکته‌آموزی کرده‌اند و فهمی را دریافت یا آموزه‌ای را فرا گرفته‌اند، شامل می‌شود. دین به اعتقاد مؤمنان امری قدسی و کامل است، منشأ الهی دارد، در آن خطا و تناقض راه ندارد، امری ثابت و جاودانه است، از ذهن و معرفت بشری مدد نمی‌گیرد و جز طاهران به آن دست نمی‌یابند.

یعنی قبل از اینکه پیرسیم عاشورا چقدر در مبارزات مردم نقش داشته است باید ببینیم برداشت و تعبیر آنها در آن مقطع زمانی از عاشورا چگونه بوده و با مقاطع زمانی قبل چه تفاوتی داشته است.

دقیقاً. به نظر من تعبیر غالب مردم از عاشورا در دهه‌های منتهی به انقلاب اسلامی یک «تعبیر ایدئولوژیک» بوده است. بنابراین تعبیر ایدئولوژیک از عاشورا را نباید بحثی در زمینه خود این واقعه تلقی کرد؛ بلکه این تعبیر از نوع خاصی از معرفت و برداشت خاصی (ایدئولوژیک) از این واقعه سخن می‌گوید. به عبارت دیگر، احکام صادره در مورد این برداشت خاص را نباید به خود واقعه عاشورا تعمیم داد.

به نظر شما از چه زمانی این نگاه غلبه پیدا کرد؟ اگر شاخص توجه روشنفکران مذهبی به واقعه عاشورا را تعداد

کتاب‌ها، مقالات و سخنرانی‌های آنان در باب عاشورا بگیریم، این توجه پس از شهریور ۱۳۲۰ رو به افزایش گذاشته است و پس از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ اوج می‌گیرد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی افول می‌کند. یعنی موقعی که مبارزات مردم با رژیم پهلوی رو به رشد بوده توجه به مفهوم عاشورا نیز اوج گرفته است و وقتی انقلاب به ثمر رسیده و حکومت تغییر می‌کند و در حقیقت نیاز به مبارزه سیاسی و اجتماعی زمینه خود را از دست می‌دهد، توجه به واقعه عاشورا نیز رو به کاهش می‌گذارد. در توضیح این تحولی که مفهوم عاشورا در این مقطع تاریخی داشته است اصطلاح «تعبیر ایدئولوژیک» از عاشورا مفید و راهگشاست.

منظور شما از تعبیر ایدئولوژیک چیست؟

منظور من این است که در کنار تعبیر سنتی از عاشورا که ریشه در تاریخ گذشته کشور و تشیع داشتند، از شهریور ۱۳۲۰ به بعد تحت تأثیر جریان‌های مختلف سیاسی و اجتماعی پدید آمده در میان مسلمانان، تعبیرهای جدیدی از عاشورا نیز با به عرصه وجود گذاشت. تصور و تعبیر سنتی از عاشورا دارای خلأ یا نقصی بود که نمی‌توانست جوابگوی نیاز گروه‌های فعال در عرصه سیاسی و اجتماعی باشد و نمی‌توانست توجه‌کننده مبارزه و مقابله با رژیم باشد. بنابراین این تعبیر به نوعی در تقابل با تعبیر مسلمانان مهاجم (مانند فدائیان اسلام) و مسلمانان مبارز (مانند آیت‌الله کاشانی و یارانش) از یک سو و مسلمانان متجدد و آزادخواه (نظیر انجمن‌های اسلامی مربوط به اصناف و اقشار مختلف) و مسلمانان رادیکال و تندرو (مانند نهضت خدایپرستان سوسیالیست) از سوی دیگر قرار گرفت. هر چند تأثیر این جریان‌های مختلف در پیدایش و گسترش تعبیر ایدئولوژیک از عاشورا را نمی‌توان و نباید یکسان تلقی کرد، اما همگی آنها در ایجاد تردید نسبت به تعبیر سنتی از عاشورا و ترسیم تصویری جدید و مبارزه‌جویانه از آن مؤثر بودند.

به عقیده شما این تعبیر در گذشته وجود نداشته است؟

برای درک زمینه‌های اجتماعی تعبیر ایدئولوژیک از عاشورا باید نگاهی به وضعیت تقاضا و عرضه ایدئولوژی در سالهای پس از چهل در ایران انداخت. تقاضا برای ایدئولوژی در هر جامعه‌ای تحت تأثیر سه متغیر اصلی قرار دارد: اول میزان اتفاق نظر یا اجماع در جامعه، دوم شدت یا عمق نزاع‌ها و ستیزهای سیاسی در جامعه

فهم این واقعه به صورت «آرمانی حرکت را» و «سلاحی برای عمل» است. از این رو، این تعبیر هم با نوع دشمن زمان (یعنی استبدادی خشن و سرکوبگر) و هم با نوع پیکار با این دشمن (یعنی پیکار قهرآمیز و حتی المقدور مسلحانه) متناسب است.

دومین خصوصیت این تعبیر صراحت و تک بعدی بودن آن و نفی رازآلود بودن و چند بعدی بودن است. منظوم نفی ابعاد متضاد و قابل مناقشه است.

سومین ویژگی آن نیز گزینشی بودن آن است. یعنی فقط وجوهی از واقعه عاشورا را مد نظر قرار داده و در تعبیر خود به کار می‌گیرد که می‌تواند به صورت سلاح عمل و ابزار مبارزه به کار آید.

تناسب تام تعبیر ایدئولوژیک از عاشورا با نیازها و تقاضاهای غالب در جامعه به فراگیر شدن و گسترده شدن این تعبیر در میان اقشار مختلف جامعه به ویژه جوانان پرشور مسلمان منجر شد. استقبالی را که با نوشتن و گفتن از عاشورا در آن سال‌ها مشاهده می‌کنیم باید در همین رابطه فهمید.

البته در کنار فایده بسیاری که تعبیر ایدئولوژیک در جلب توجه جوانان و روشنفکران به عاشورا داشت، مشکلات و مسایلی را نیز برای ما به دنبال آورد. مهمترین مشکلات و مسایل ناشی از تعبیر ایدئولوژیک از عاشورا را می‌توان در این موارد برشمرد: یکی فقدان جامعیت؛ به این معنا که واقعه عاشورا به عنوان یک نماد دینی همانند خود دین دارای ابعاد و سطوح و بطون مختلفی است. تعبیر ایدئولوژیک و جوه و سطوح عمقی را از عاشورا می‌گیرد. ایدئولوژی دعوت به وضوح و دقت و تا حدودی قشریت است و به تبع آن،

و سوم وسعت ستیزهای سیاسی در جامعه. ویژگی جامعه ایران پس از سال ۴۲ این است که وحدت نظر در این جامعه به تدریج زایل شده بود و وسعت ستیزها نیز بسیار زیاد بود. به زحمت می‌شد حوزه‌ای از زندگی اجتماعی را یافت که از شک و تردید و اعتراض مصون مانده باشد. اما در مقایسه با جامعه سنتی ایران از شدت و عمق ستیزها کاسته شده بود. امکان گفتگو و نقد و بحث (البته با ملاحظه محدودیت‌های ناشی از یک حکومت استبدادی) پدید آمده بود و همه ستیزها به نبرد مرگ و زندگی میان طرفین بدل نمی‌شد. جوانی ساختار جمعیتی جامعه و افزایش میزان سواد و شهرنشینی نیز عوامل دیگر مؤثر بر تقاضا برای ایدئولوژی بودند. مجموعه این عوامل باعث تشدید تقاضای کلی و گروهی برای ایدئولوژی می‌شد.

پاسخ به این تقاضا توسط کسانی ممکن بود که ضمن آشنایی با ایدئولوژی‌های مشهور در سطح جهان، از قدرت خلاقیت و انطباق برخوردار بودند و توانستند صورت‌های ایرانی شده‌ای از ایدئولوژی را در جامعه ما فراهم آورند. در میان مسلمانان پر کردن خلأ ایدئولوژیک توسط روشنفکران مذهبی صورت پذیرفت که هم با فرهنگ و تمدن جدید آشنا بودند و هم می‌توانستند به استخراج و تصفیه عناصر فرهنگ خودی اقدام کنند. وجود زمینه‌های مساعد اجتماعی و فرهنگی به فراگیر شدن تعبیر ایدئولوژیک از عاشورا در میان روشنفکران مسلمان منجر شد.

این تعبیر ایدئولوژیک چه خصوصیات و جوه‌میزه‌ای داشت؟

اولین خصوصیت تعبیر ایدئولوژیک از عاشورا

۶۶

فهم انسان‌ها از دین در هیچ عصری از اعصار، نه کامل است نه ثابت، نه پیراسته از خطا و خلل است نه مستغنی از سایر معارف و دانسته‌های بشری و نه جاودانه و ابدی است.

۹۹



هدف و بی‌توجهی نسبت به روش‌ها به وجود آید؛ به طوری که فرد ایدئولوژی‌اندیش با تأکید بر این باور که می‌تواند عالم و آدم را مطابق الگوی از پیش پذیرفته خود دگرگون سازد به هیچ وجه نگران ابزارها و روش‌ها نباشد. در جامعه‌شناسی سیاسی بحثی داریم که همین قبیل آرمان‌شهرگرایی می‌تواند به بنیانی برای تمایلات توتالیتر و خشونت‌گرایی تبدیل شود.

سخن خودم را اینگونه جمع‌بندی می‌کنم که تعبیر ایدئولوژیک از عاشورا که زمانی به فراگیر شدن توجه به این واقعه عظیم منجر شد، اکنون با نقدهای نظری از یکسو و پیامدهای غیرمطلوب (حداقل از نظر منتقدین) از سوی دیگر مواجه شده است. شرایط اجتماعی دوران استقرار نظام پس از انقلاب با ویژگی‌های تعبیر ایدئولوژیک از عاشورا تناسب چندانی ندارد. بنابراین اگر خواهان احیای توجهات روشنفکران به عاشورا هستیم باید تعبیر تازه‌ای از آن ارائه کنیم؛ تعبیری که بتواند درس‌های عاشورا را برای دوران استقرار نظام مورد تأکید قرار دهد و از چند بعدی بودن آن به سادگی نگذرد.

تعبیر ایدئولوژیک واقعه عاشورا را به اقدامی سیاسی و تک بعدی تقلیل می‌دهد. بسیاری از مبارزان دوران پهلوی به این تقلیل‌گرایی مبتلابودند. دوم محدود کردن درس‌های این واقعه عظیم به مقطع خاصی از دوران آرمانخواهی است؛ به این معنا که تعبیر ایدئولوژیک فقط در خدمت راهنمایی کسانی است که برای تحقق آرمان‌های خود در دوران نهضت و تأسیس به سر می‌برند. تعبیر ایدئولوژیک از عاشورا می‌تواند یک شور و نشاط اساسی برای دوران نهضت و تکوین حرکت اسلامی فراهم آورد؛ اما هیچ رهنمودی برای پس از پیروزی و دوران نهادی شدن و استقرار و جامعه‌سازی ندارد. به عقیده من تعبیر ایدئولوژیک از عاشورا در ایران تنها با یک شکل خاص از مبارزه که همان مبارزه قهرآمیز است متناسب است و حتی نمی‌تواند در خدمت راهنمایی سایر اشکال مبارزه قرار گیرد. سوم اینکه تعبیر ایدئولوژیک از عاشورا زمینه را برای پذیرش راه حل‌های خشونت‌آمیز و نظامات توتالیتر در میان پیروان آن، فراهم می‌آورد. راز این مطلب در این نهفته است که نگرش ایدئولوژیک به عاشورا باعث می‌شود که نوعی توجه افراطی به



۲۳

موزه در عصر کرونا



۲۲

بازتاب افتتاح موزه مقاومت



۳۲

کوچک زیباست



۲۶

نبرد مجنون

بازتاب افتتاح موزه مقاومت

ICOMAM International Commission of Museums and Collections of Arms and Military History

MAGAZINE



دست ساز و تجهیزات مورد استفاده برای عملیات انتحاری توسط اعضای این گروه منحل شده می باشد. همچنین در این گزارش آمده است که در این نمایشگاه به کشورهای محور مقاومت که در راه مبارزه با استعمار و تروریسم سابقه داشتند نیز پرداخته شده است.

کمیته بین المللی موزه های نظامی (ICOMAM) یکی از ۳۴ کمیته تخصصی شورای بین المللی موزه ها یا ایکوم می باشد که نشریه تخصصی آن به صورت الکترونیکی دو مرتبه در سال منتشر و در وبسایت این شورا در اختیار عموم قرار می گیرد.

در جدیدترین شماره نشریه کمیته بین المللی موزه های نظامی ایکوم که در ماه دسامبر سال ۲۰۲۰ منتشر شده است، در گزارشی به افتتاح بخش جدیدی در موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با نام موزه مقاومت و پایان داعش اشاره شده است.

در این گزارش آمده است که در این نمایشگاه ادوات و تجهیزات نظامی که گروه تروریستی داعش در مناطق تحت اشغال خود از آنها بهره می برده است برای نمایش به این موزه منتقل شده اند. این تجهیزات شامل خودروهای زره پوش، بمب های



موزه‌ها

در عصر کرونا



حجت حسینی

هادی مسعودی

شیوع ویروس کرونا علاوه بر آسیب‌های جدی در امور عادی زندگی مردم، توسعه‌ی فرهنگی کشورها را به طور جدی تحت تأثیر قرار داده است. موزه‌ها نیز با توجه به کارکردهای فرهنگی خود از این قاعده مستثنی نیستند. در حال حاضر تعطیلات اجباری و عدم حضور بخشی از کارکنان می‌تواند تأثیرات جدی به عدم بهره‌وری فرهنگی موزه‌ها و علاوه بر آن حفاظت و ایمنی مجموعه‌ها داشته باشد.

در حالی که دولت‌ها تلاش می‌کنند تا ویروس کرونا را کنترل و زمینه از بین رفتن آن را فراهم نمایند، تعدادی از موزه‌ها از جمله موزه لوور در فرانسه، موزه متروپولیتن در آمریکا، موزه یهود برلین و... (حداقل تا اوایل سال ۲۰۲۱ میلادی) به ناچار و بصورت موقت بسته هستند و با توجه به نوع کارکرد خود تصمیم برای این تعطیلی گرفته‌اند. اگرچه بسیاری از موزه‌ها در انتظار بازگشایی هستند، با این حال آن‌ها نمی‌توانند به سادگی مانند گذشته به فعالیت خود ادامه دهند. حتی موزه‌هایی که تصمیم به بازگشایی دارند، با چالش‌های زیادی از جمله محدودیت در تعداد بازدیدکنندگان، کاهش کارکنان، افزایش شیوه‌نامه‌های ایمنی و... روبرو هستند.

اما با توجه به اینکه در بیشتر مناطق و کشورها قرنطینه کم‌کم رو به اتمام است، موزه‌ها با تجدید نظر و ارتقا شیوه‌نامه‌های بهداشتی می‌توانند به فعالیت خود با رویکرد جدیدی ادامه دهند. در حالی که تمام مقررات و دستورالعمل‌های بهداشتی وابستگی زیادی به پیشرفت و سیر تکاملی همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ دارد، می‌بایست اقدامات اساسی و ابتدایی برای حفاظت از سلامت بازدیدکنندگان و کارمندان موزه در نظر گرفته شود.

آماده سازی برای حضور عمومی بازدیدکنندگان

با توجه به ضرورت و اهمیت انتقال فرهنگ در جامعه علیرغم وجود محدودیت ها به دلیل پاندمی ویروس کرونا تعدادی از موزه ها و موسسات فرهنگی در نقاط مختلف دنیا به دنبال ایجاد شرایطی برای بازگشایی و پذیرش مجدد بازدیدکنندگان با رعایت شیوه نامه های بهداشتی می باشند. بی تردید شرایط و نحوه بازدید از موزه ها در دوران کرونایی متفاوت تر از حالت عادی است و ممکن است هر موزه بنا به رویکرد و نحوه فعالیت خود شیوه نامه های خاصی را نیز در دستور کار خود قرار دهد اما برخی از اقدامات و رویکردهای موزه ها و مراکز فرهنگی مشترک است. **ایکوم** (شورای بین المللی موزه ها)، مجموعه ای از "رهنمودهای فراگیر" را در شرایط اضطراری پاندمی کرونا پیشنهاد داده است که نمونه ای از مهم ترین آن ها به شرح زیر است:

شیوه نامه های عمومی

- مشخص کردن حداکثر تعداد بازدیدکنندگان که مجاز به بازدید از موزه هستند به همراه اطلاع رسانی عمومی
- تعیین حداکثر تعداد بازدیدکنندگان در هر بخش یا اتاق موزه و اطلاع رسانی آن به عموم مردم (پیشنهاد می شود که تعداد افراد بر اساس فاصله حدودی یک و نیم متر مربع در نظر گرفته شود)

- نصب تابلوهایی مبنی بر استفاده الزامی از ماسک
- مشخص نمودن میانگین زمان بازدید و زمان های استراحت

- در نظر گرفتن بازگشایی موقت و تدریجی بخش های مختلف نمایشگاه و موزه

- معین کردن برنامه ای برای رزرو آنلاین بلیط از طریق تلفن و پست الکترونیک و همچنین نصب برنامه ای برای خرید بلیط الکترونیکی.

- در نظر گرفتن ساعات مشخص برای افراد با محدودیت های سنی خاص (به عنوان مثال بالای ۶۵ سال)

- عدم پذیرش افرادی که نشانه های بیماری در آن ها مشاهده می شود

- در صورت امکان اطلاع رسانی عمومی در خصوص محدودیت ها و قوانین جدید در وب سایت موزه قبل از ورود بازدیدکنندگان

شیوه نامه های مربوط به بازدیدکنندگان

- اجتناب از تجمع مقابل درب های ورودی و کانتر پذیرش
- در نظر گرفتن علامت گذاری بر روی زمین و اطمینان از حفظ فاصله یک و نیم متری
- راه های ورودی و خروجی خاص برای مسیرهای یک طرفه تردد بازدیدکنندگان در فضاهای سرپشته
- محدودیت هایی برای تعداد بازدیدکنندگان (بهتر است تعداد بازدیدکنندگان به یک چهارم کاهش یابد)
- بازگشایی مراکزی مانند کافه ها، کتاب فروشی ها و فروشگاه ها می بایست مطابق با دستورالعمل ها و قوانین مسوولین بهداشتی ذیربط باشد.

شیوه نامه های بهداشتی

- قرار دادن و نصب ایستگاه های ضد عفونی کننده دست در کنار تمام درب های ورودی موزه
- نصب علائم هشدار برای جلب نظر بازدیدکنندگان در راستای رعایت تمام قوانین بهداشتی
- افزایش ایستگاه های ضد عفونی کننده
- اطمینان از ضد عفونی شدن تمام دستگاه های مورد استفاده توسط مخاطبین (تمامی دستگاه ها مانند راهنماهای صوتی و گوشی و وسایلی از این قبیل بعد از هر بار استفاده و تماس باید ضد عفونی شوند)
- اطمینان از ضد عفونی شدن تمامی وسایل متعلق به معلولان و ناتوانان جسمی مرتباً و پس از هر بار استفاده

شیوه نامه های محدود سازی برخی از دسترسی ها

در صورت لزوم

- محدودیت دسترسی به امکانات و اتاق هایی که به طور کامل امکان ضد عفونی آن ها وجود ندارد.
- محدودیت دسترسی و تعطیلی بخش هایی که به صورت تعاملی با بازدیدکنندگان در ارتباط هستند.



(بخش های که به صورت مدام توسط بازدیدکنندگان لمس می شوند) محدودیت دسترسی به آسانسور (آسانسور می بایست تنها برای افرادی با معلولیت و مشکلات جسمی مورد استفاده قرار بگیرد در اینصورت تمامی دکمه ها بعد از هر بار استفاده ضد عفونی شوند) محدودیت در ساعت تردد بازدیدکنندگان با یک جدول زمانی مشخص

شیوه نامه های قسمت اداری و پرسنل

پاکسازی و ضد عفونی مکان هایی که در دسترس کارمندان می باشد
پاکسازی و ضد عفونی وسایل و تجهیزات مشترکی که مورد استفاده کارکنان قرار می گیرد
امکان استفاده از دورکاری برای تمامی افرادی که فعالیت و کار آن ها نیاز به حضور در محل کارشان ندارد
این ها تنها گوشه ای از مجموعه اقدامات بهداشتی است که می بایست توسط مراکز فرهنگی و مخاطبین رعایت شوند.

شاید بتوان گفت در نگاه اول شیوع ویروس کرونا برای موزه ها نوعی تهدید بود اما مدیران هوشمند و پیشرو می توانند با تغییر نگرش خود و روزرسانی شیوه های تعامل با مخاطبین این چالش را به یک فرصت جدید تبدیل کرده و با ایجاد تغییراتی در فضای موزه و توسعه اقدامات بهداشتی شرایط را برای مخاطبین تسهیل کنند.

از طرف دیگر با توجه به اهمیت و ضرورت قرار گرفتن بازدید از موزه ها و مراکز فرهنگی در سبد خانوارها از یکسو و احتمال گسترش روزافزون ویروس کرونا از سوی دیگر، تغییر روش های آماده سازی و بازدید مخاطبین از این فضاهای فرهنگی امری اجتناب ناپذیر است. لذا مسئولین ذیربط می بایست با استفاده از تجربیات همکاران خود در سایر موزه ها و بکارگیری ایده های نواز جمله استفاده بهینه از رسانه های اجتماعی و فضای مجازی به تحقق این مهم کمک کنند و با استفاده

از تکنولوژی های بروز نگاه سنتی به بازدید از موزه ها را تغییر دهند.
در پایان باید گفت؛ شرایط

امروزی موزه ها این سوال را ایجاد می کند که علاوه بر رعایت شیوه نامه های بهداشتی و اقدامات پیشگیرانه، چه راهکارهای خلاقانه ای دیگری می توان پیشنهاد داد تا مجدداً بتوان پذیرای مخاطبین در فضای موزه ها بود؟!

نبردِ مجنون

جزایر مجنون شمالی و جنوبی در هورالهوریه و در خاک کشور عراق قرار دارد. این جزایر پویگونی شکل برای بهره‌برداری از چاه‌های نفت هور به طور مصنوعی و با به‌کارگیری سیل بند توسط عراق احداث شد. دو جزیره مجنون مجموعاً ۱۶۰ کیلومتر مربع وسعت دارند. این جزایر اهمیت خاصی برای عراق داشت و به وسیله یک دژ (خاکریز بلندی که روی آن قابل تردد بود) به یکدیگر راه داشتند.



سمانه پرهام



الحاق انجام نشد و نیروهایی که می‌بایست پس از پاکسازی جزیره به آن محور ملحق شوند، با مشکل مواجه شدند.

همچنین در مرحله اول عملیات در محور زید موفقیتی به دست نیامد و صبح عملیات یگان‌های عمل‌کننده در این محور به عقب آمده و در خط قبل از عملیات مستقر شدند. این وضعیت مانع از آن شد که یگان‌های قرارگاه نجف در محورهای القرنه و العزیر باقی بمانند، زیرا امکان پشتیبانی آن‌ها وجود نداشت و راه زمینی نیز همچنان مسدود بود. از سوی دیگر دشمن با حضور سریع در منطقه که با اعلام آماده‌باش در مرکز استان عماره و انتقال یگان‌هایش همراه بود، با قوای زرهی و اجرای آتش، فشار زیادی بر این محور وارد می‌کرد.

بنابراین یگان‌ها به ناچار به جزیره شمالی عقب‌نشینی کردند. از این پس، جزیره محور کشش و واکنش دو طرف درگیر بود. در این حال به دلیل عدم تثبیت مواضع به دست آمده در جزیره، مشکل پشتیبانی آتش و تجهیزات و تامین نیروی انسانی در مورد سرنوشت جزیره به شدت احساس خطر می‌شد. اوضاع نامناسب و بسیار سخت بود. برای خارج شدن از این وضع نگران‌کننده، سپاه تصمیم گرفت بار دیگر تمام توان خود را برای باز کردن محور طلائی به کار گیرد، اما موفق نشد. با توقف پیشروی در محور طلائی، وضعیت جدیدی به وجود آمد. از این پس جبهه خودی می‌بایست قابلیت و توانایی خود را در حفظ جزایر نشان می‌داد. باور عمومی نیروها آن بود که حفظ جزایر یا عملی نیست و یا بسیار دشوار است.

بعد از ظهر روز ۱۴ اسفند ۶۲، مسئولان بیت امام به قرارگاه اطلاع دادند که فرمانده سپاه به تهران بازگردد. همچنین گفته شد که امام فرموده‌اند: «جزایر حتماً باید نگه داشته شوند، هر طور که شده». این فرمان تحولی اساسی در سرنوشت عملیات ایجاد کرد و سپاه این بار هر آنچه را که در اختیار داشت، از فرماندهان تا باقی‌مانده سازمان یگان‌ها را وارد صحنه کرد. محسن رضایی فرمانده سپاه در این باره گفت: «از جزیره بیرون نمی‌رویم حتی اگر سازمان سپاه از بین برود.»

در ۱۶ اسفند عراق با اجرای آتش سنگین، بمباران وسیع هوایی و استفاده از بالگرد، تانک و نیروهای پیاده، پاتک سنگینی را به جزایر مجنون آغاز کرد. حمله عراق در آن روز بدون نتیجه پایان یافت. دشمن صبح روز ۱۷ اسفند حمله دیگری را آغاز کرد. این

جزایر مجنون برای ایران نیز اهمیت راهبردی داشت. اهمیت آن نیز فقط به دلیل وجود دکل‌های فشار قوی برق، دکل‌های تقویتی رادیو و تلویزیون، تاسیسات و کارخانه‌های کاغذسازی نبود، بلکه نیروهای سپاه و ارتش در صورت فتح این جزایر می‌توانستند جاده مواصلاتی و بسیار مهم بصره "العماره" بغداد را زیر دید و آتش دقیق خود قرار بدهند و ذخایر نفت آن را در اختیار بگیرند. روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز سال ۶۲ در خصوص اهمیت این جزایر نوشت: «ذخایر نفتی جزایر مجنون را که حدود هفت میلیارد بشکه تخمین زده شده است، هشت سال قبل شرکت تیروپراس برزیل کشف کرد. در ژانویه ۱۹۸۰ میلادی، ۹ ماه قبل از آغاز جنگ خلیج (فارس)، یک پروژه عمرانی دو میلیارد دلاری برای آن تصویب شد، اما به سبب جنگ کارهای این پروژه شروع نشد. عراقی‌ها پیش‌بینی کرده بودند که تولید اولیه از این منابع، روزانه ۳۵۰ هزار بشکه خواهد بود که به ۷۰۰ هزار بشکه در روز افزایش خواهد یافت.» رزمندگان ایرانی پس از شناسایی‌هایی دقیق جزایر و هورالعظیم در اسفند ماه سال ۶۲ با انجام عملیات خیبر و با استفاده از اصل غافلگیری، موفق به تصرف جزیره مجنون شمالی و بخش اعظم جزیره مجنون جنوبی شدند.

نبرد سخت در جزایر

عملیات خیبر با هدف انهدام نیروهای سپاه سوم ارتش عراق، تامین جزایر مجنون شمالی و جنوبی و ادامه تک از جزایر و محور طلائی به سمت نشو و الحاق با نیروهایی که از محور زید به دشمن حمله می‌کردند در اسفند ماه سال ۱۳۶۲ اجرا شد.

در طراحی عملیات، دو محور مستقل هورالهوریه و زید با تصرف مناطق حساسی که می‌توانست زمینه‌ساز هجوم به بصره باشد، برای اجرای عملیات انتخاب شد. در محور هور پنج هدف اصلی العزیر، القرنه، جزایر مجنون جنوبی و شمالی، نشو و طلائی مشخص و تصرف هر هدف به یک قرارگاه عملیاتی واگذار شد. قرارگاه حنین شامل لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب (ع)، لشکر ۴۱ ثارالله و تیپ ۱۰ سیدالشهدا (ع) مأمور تصرف جزیره جنوبی و نیمه شرقی و شمال جزیره شمالی و الحاق با محور طلائی بود.

در مرحله اول عملیات، تصرف جزایر مطابق با برنامه پیش نرفت. پاکسازی نشدن جزایر تا ساعت سه و نیم با مدام روز اول عملیات مانع از آن شد که بعد از تصرف جزایر، نیروهای موج دوم بتوانند برای حمله به سوی طلائی حرکت کنند. لذا در شب اول عملیات

حمله دشمن با استفاده از تجهیزات و تسلیحات بیشتر، شدیدتر و وسیع تر بود. عراقی ها همچنین دست به جنگ روانی زدند و به نیروهای ایرانی اعلام کردند که اگر جزایر را خالی نکنید، آنجا را به موشک بسته و به شدت بمباران خواهیم کرد. در این روز دفتر امام به طور مستمر در تماس با قراگاه، تحولات جنگ را پیگیری می کرد. روز ۱۸ اسفند عراق حمله شدیدتری را آغاز کرد و سپاه و بسیج با همه وجود، پایداری و استقامت کردند و مانع از پیشروی دشمن شدند. وضعیت بسیار سخت و امکانات بسیار محدود بود. در این موقعیت دشمن از سلاح های شیمیایی نیز استفاده کرد. از آغاز روز ۱۹ اسفند ارتش عراق باز هم حملات خود را از سر گرفت، اما این بار هم رزمندگان اسلام با گوشت و پوست و خون خود، قوای ارتش بعثی را متوقف کردند. حمله ۷۲ ساعته ارتش عراق ناکام ماند. دشمن که در مقابل خود مقاومتی دور از تصور و پیش بینی را مشاهده می کرد، به مرور با تحمل تلفات و ضایعات فراوان، دریافت که ادامه تک نتیجه ای ندارد. لذا از پس گرفتن جزایر مجنون منصرف شد. شهادت فرماندهانی چون حاج ابراهیم همت، مرتضی یاغچیان، حمید باکری و اکبر زجاجی بهایی بود که برای حفظ جزایر پرداخته شد.

عروج همت در مجنون

در گرماگرم نبرد خیبر، حاج همت به دلیل خستگی و کمبود نیروها به محل استقرار نیروهای لشکر ۴۱ ثارالله می رود تا از حاج قاسم سلیمانی کمک بگیرد. حاج قاسم به حمید میرافضلی



می گوید که یک گروهان از نیروهایش را برید سمت چپ جزیره مجنون جنوبی که حاج همت و نیروهایش مستقر بودند. مهدی شفازند از فرماندهان لشکر ثارالله می گوید: «موتور حاج همت و میرافضلی که ترک حاج همت نشسته بود، از جلو می رفت و من هم پشت سرشان. سنگر، پایین جاده بود و برای رفتن روی پد وسط، باید از پایین پد می رفتیم روی جاده. عراقی ها روی آن نقطه دید کامل داشتند. درست به موازات نقطه مرکزی پد، تانکی را مستقر کرده بودند و هر وقت ماشین یا موتوری پایین و بالا می شد و نور آفتاب به شیشه شان می خورد، تیر مستقیمش را شلیک می کرد. ما موتورها را با گل مالی بدنه شان استتار کرده بودیم. در یک آن، گلوله شلیک شد. صدای گلوله و انفجارش، موجی را به طرفم آورد. از بین دود باروت بیرون آمدم. انگار یادم رفته بود چه اتفاقی افتاده و با چه کسانی همسفر بودم. در یک لحظه موتوری را دیدم که سمت چپ جاده افتاده بود. دو جنازه هم روی زمین افتاده بودند. به خودم گفتم: این ها کی شهید شدند که من از صبح تا حالا آن ها را ندیدم؟ همه چیز را فراموش کرده بودم. اولین نفر را که برگرداندم، دیدم تمام بدنش سالم است. فقط صورت ندارد. موج آمده و صورتش را برده بود. اصلاً شناخته نمی شد و نفهمیدم که حاج همت است.

به یکباره همه چیز یادم آمد و فهمیدم چه شده است. عرق سردی روی پیشانی ام نشست. دویدم و سراغ دومی رفتم. نمی توانستم باور کنم که او حمید میرافضلی است. از لباس ساده اش او را شناختم. حاج همت و میرافضلی، هر دو یک نقطه مشترک داشتند و آن هم چشم های زیبای شان بود. خداوند فرموده است هر کس را دوست داشته باشد، بهترین چیزش را می گیرد و چه چیزی بهتر از چشم های زیبای آن ها؟»

پل خیبر: از جزیره به ساحل

با تصرف جزایر مجنون توسط رزمندگان ایرانی در عملیات خیبر، به این دلیل که پشت سر رزمندگان آب بود و باید به عقبه جبهه متصل می بودند، نیاز به ایجاد یک راه ارتباطی بود. نیروهای خط شکن به وسیله قایق از آب عبور کرده و جزایر را فتح کردند، اما با قایق امکان استقرار در جزایر و پشتیبانی از نیروهای خط مقدم آنجا برای بلندمدت وجود نداشت. اتصال مطمئن جزایر



تصویر پل خنجر

آفندی در حمله به مناطق عملیاتی خیبر و بدر آغاز کرد. دشمن ابتدا خط دفاعی ایران در طلائیه را شکست و از پد خندق و پد شرقی جزیره جنوبی پیشروی خود را آغاز کرد. ارتش عراق با کمک توپخانه اقدام به پرتاب گاز عصبی سارین به مواضع رزمندگان در جزیره مجنون کرد که تعداد زیادی در همان دقایق اولیه مصدوم شدند. ۴ هزار نفر مصدوم شیمیایی در آن روز به بیمارستان منتقل شدند. ارتش عراق همچنین پس از شکستن خط دفاعی ارتش در ناحیه کوشک موفق شد خود را به جاده سیدالشهدا برساند و یکی از مهمترین راه‌های تدارکاتی جزایر مجنون را به کنترل خود درآورد. باتوجه به ناپایداری عوامل شیمیایی و نبود نیروی احتیاط، نیروهای عراقی توانستند ساعاتی بعد به آسانی وارد منطقه شوند و جزایر مجنون را به تصرف درآورند.

آنان همچنین در ساعت یک بعد از ظهر این روز، با ۱۳ فروند بالگرد جنگی و ترابری به محل قراگاه نصرت واقع در ضلع شمالی جزیره مجنون شمالی و جاده‌های منطقه هور حمله و سپس با ۲۷ فروند بالگرد برای اولین بار عملیات هلی‌برن انجام دادند و حدود یک تیپ کماندویی را در جزایر مجنون پیاده کردند. شهید علی هاشمی فرمانده قراگاه نصرت به اتفاق چند تن از مسئولان این قراگاه در جریان این حمله مفقود شدند.

به عقبه با احداث یک پل، راه حلی بود که به ذهن رسیده بود. فرماندهان سپاه ماه‌ها قبل از انجام عملیات خیبر این مشکل را با فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد مطرح کردند. این مجموعه نیز برای ساخت پلی که با شرایط هور مناسب و نیاز به زمان کمی برای احداث داشته باشد، مشغول مطالعه شد. نقشه‌ها و نمونه‌های اولیه از پل ساخته شد. طراحی این پل برای استفاده در آب‌های با حداکثر سرعت ۲ متر بر ثانیه بود که مشخصات مخصوص به خود را داشت. ابتکار تلفیق فوم و فایبرگلاس در پل خیبر یک مزیت بسیاری عالی برای آن بود، زیرا پس از اصابت ترکش به پل، از شنواری آن کاسته نشده و پل غرق نمی‌شد. در نتیجه پل خیبر یک پل شنواری ضد ترکش بود. پل خیبر روی آب شناور بود و پایه نداشت. این پل ۱۴ کیلومتری، از دنبال هم قرار گرفتن حدود ۲۵۰۰ قطعه شناور تشکیل شده بود که هر کدام ۶ متر طول و بیش از ۳ متر عرض داشت و به وسیله گوسواره و بیم به هم متصل شده بودند. هر قطعه پل برای قابلیت شنواری بالاتر و امکان تحمل وزن بیشتر، چهار باله شناور هم به عنوان کمکی در دو طرف خود داشت. این پل برای عبور خودروهای سبک در حین عملیات خیبر مناسب بود و توانست مشکل تردد رزمندگان را پس از پایان عملیات خیبر حل کند. نصب پل خیبر در روز جمعه ۲۶ اسفند ۶۲ به پایان رسید و استفاده از آن توسط رزمندگان ایرانی آغاز شد. این پل بین جزیره مجنون شمالی مجنون و ساحل هور الهویزه نصب شد. مزیت پل خیبر آن بود که با بالا و پایین رفتن آب هور، آن هم بالا و پایین می‌رفت. از سوی دیگر چنانچه هواپیماها یا آتش دشمن هر قسمت از پل را منهدم می‌کردند، رزمندگان جهاد سازندگی بلافاصله آن را بازسازی می‌کردند. متخصصان جهاد سازندگی این پل را ظرف ۸ ماه در کارخانه‌های مختلف کشور ساختند و تنها ظرف چند روز نصب کردند. انتقال قطعات پیش ساخته این پل عظیم از کارخانه‌های وزارت صنایع سنگین به منطقه عملیاتی، خود یک عملیات عظیم حمل و نقل بود.

سقوط مجنون

از ساعت ۳ و نیم بامداد روز شنبه ۴ تیر ۱۳۶۷ ارتش عراق کامل‌ترین و بزرگترین عملیات خود را پس از آغاز راهبرد

روزگاران...

راستی چگونه می‌توان در برگرفتن جرعه‌هایی از اقیانوس بی‌کران شخصیت کسی که جامع صفات متضاد و خصال گوناگون است، تسامح ورزید و در عین حال نامش را بر زبان جاری کرد و خود را محب او نامید؟ برای انجام وظیفه امام شناسی، مستحکم‌ترین و راهبردی‌ترین شیوه، گوش جان سپردن به معارف و رهنمودهایی است که آن پیشوای بزرگ درباره خود بر زبان جاری ساخته است، اگرچه معتقدیم آنچه حضرت علی (ع) درباره خود فرموده، بسیار اندک است.

حضرت در خطبه‌ای از نهج البلاغه می‌فرمایند: «همانا خداوند سبحان حضرت محمد (ص) را مبعوث فرمود، در روزگاری که عرب کتابی نخوانده و ادعای وحی و پیامبری نداشت، پیامبر اسلام (ص) با یارانش به مبارزه با مخالفان پرداخت تا آنان را به سرمنزل نجات کشاند... به خدا سوگند! من در دنباله آن سپاه بودم، تا باطل شکست خورد و عقب نشست... در این راه هرگز ناتوان نشدم و نترسیدم، و خیانت نکردم، و سستی در من راه نیافت به خدا سوگند درون باطل را می‌شکافم تا حق را از پهلویش بیرون کشم.»

و در جایی دیگر: «من در خردسالی بزرگان عرب را به خاک افکندم، و شجاعان دو قبيله «ربیع» و «مضر» را درهم شکستم.» تمام فضائل و عظمت علی (ع) ریشه در علم الهی و بی‌کران او دارد، گاهی که زمینه پیش می‌آمد حضرت اشاره به علم و وسیع خود می‌نمود، از جمله فرمود: «سوگند به خدا، اگر بخواهم می‌توانم هر کدام شما را از آغاز و پایان کارش، و از تمام شئون زندگی، آگاه سازم، من از آن می‌ترسم که با اینگونه خبرها نسبت به رسول

تقویم یادآور روزهایی است که اعتقاد و آرمان و تجربه و تلخ و شیرین زندگی ما را ساخته، روزهایی که باید به آنها توجه کرد، تقویم تنها مجموعه‌ای از مناسبت‌های گذشته نیست،



مهدی رجبی

هر روزش با تذکری که از تاریخ ارزش‌ها و تجربه‌ها دارد یادمانی است برای آین، ده که یادمان بماند از کجا آمده‌ایم و به کجا خواهیم رفت... شاید مروری بر این روزهای تقویمی جزوی از نیازمندی‌های همیشگی ما باشد، همین بهانه کافی است تا صفحاتی از ماه‌نامه‌ی بهمن و اسفند سرورا به این روزها اختصاص دهیم.

مولود کعبه

برای کسانی که خود را شیعه حضرت امام علی (ع) می‌دانند، کسب شناخت و معرفت نسبت به شخصیت آن امام معصوم (ع) یک فریضه است و نباید در انجام آن غفلت روا دارند، که هر نوع قصور و مسامحه در این امر، زیان‌هایی چون از دست دادن فیض شناخت و آگاهی نسبت به کسی را به همراه دارد که حتی بیگانگان در مقام والای او به شگفتی افتادند و سر به خضوع فرود آوردند. مگر نه این است که شیعه یعنی تابع و پیرو؟ و آیا جز این است که تبعیت و پیروی از حضرت مولی‌الموحدين (ع) در گرو معرفت نسبت به شخصیت اوست و تا این شناخت و بینش به دست نیاید، پیروی تحقق عینی نمی‌یابد؟ بنابراین شخصیت‌شناسی امیرمؤمنان (ع) برای هر مدعی پیروی از آن پیشوای الهی، ضروری و حیاتی می‌باشد.

کودکی نیست امام فرمودند: اگر شما در مقابل دین مایستید، ما با همه ی قدرتمان در مقابل همه ی دنیای شما می ایستیم.»

راهبان نور

«آن روزها دروازه های برای شهادت داشتیم و حالا معبری تنگ، هنوز هم برای شهادت فرصت هست؛ دل را باید صاف کرد.»

هیچ چیز به مانند این جمله ی آقای بنظر اضطراب ما به قدمگاه شهدا رانمایان نمی کند. کورسوی شهودمان همین سالی یکی دوبار است که اردوی راهبان غرب و جنوب راه می افند و فارغ از دنیا دل به خاک می دهیم و با شهدا راز می گوئیم، و چه زیبا نامی بر این سفرواجب! راهبان نور...

می گوئیم سفرواجب چون در این زندگی روزمره ی ماشینی یاد مرگ بیش از همیشه واجب است و یاد مرگ هایی چنان آگاهانه که شهدا برگزیدند واجب تر. تقویم می گوید روز بیستم اسفند روز راهبان نور است، این یک هشدار هرساله است برای ما که کم کم بار بیندیم و راهی شویم، جبهه های جنوب آماده ی پذیرایی از درماندگان شهرها هستند، آنجاست که عقلانیت و عاطفه را توامان می توان دید و برای باقی مانده ی راهی که در پیش است توشه گرفت، از شهدا.

روز شهدا

واقعش این است که بعد از عاشورا همه ی روزها روز شهدا و بزرگداشت آنهاست، چه ۲۲ اسفند باشد، چه روزهایی دیگر.

بهتر آنکه ذکر شهید را از زبان سید شهیدان اهل قلم بشنویم که می گوید: «ای آنکه گذرت بر خاک من است، بدان که من طعمه مرگ نیستم. من در انتظار ننشسته ام تا مرگ سراغم آید. به ندای "موتوا قبل ان تموتوا" لبیک گفته ام و شهادت را برگزیدم که جاودانگی است. و اکنون از من زنده تر کیست؟

ای رهگذر! از درون این خاک بلادری به سوی کربلا گشوده اند. روحم به ضیافتگاه وصال پر کشید. و مخاطب این خطاب ازلی قرار گرفت که: «فدخلی فی عبادی و ادخلی جنتی» بدان که این راه رفتنی است و باب جهاد فی سبیل الله و شهادت مسدود شدن نیست. اگر خداوند متاع وجود تو را خریدنی بیاید، هرکجا که باشی و در هر زمان، تو را در جمع اصحاب کربلا به بهشت خاص خویش فرا خواهد خواند.»

خدا (ص) کافر شوید، آگاه باشید که من این اسرار گرانبها را به یاران رازدار و مورد اطمینان خود می سپارم. سوگند به خدایی که محمد (ص) را به حق برانگیخت و او را برگزید جز به راستی سخن نگوئیم، پیامبر اسلام (ص) همه دانش را به من سپرده است... هیچ حادثه ای بر من نگذشت جز آن که در گوشم نجوا کرده بود و مرا بدان مطلع ساخت.»

پیامبر کربلا

نهم اسفند ماه سالروز شهادت حضرت زینب (س) است، بانویی که کربلا را در امتداد تاریخ جاری ساخت و روح حماسی عاشورا را برای ابد به عاشوراییان هبه کرد تا سر در برابر هیچ ظلمی فرود نیاورند. در سال های اخیر نیز که دشمن چشم طمع به بخشی از سرزمین مقاومت دوخته بود، حریمش مدافعان جبهه ی مقاومت را چون پروانه هایی به دور شمع خویش جمع کرد تا بار دیگر تجربه ی هشت سال دفاع مقدس در عرصه ای گسترده تر به فعلیت برسد. شهید حاج قاسم سلیمانی در بخشی از خاطراتش دلیل نامگذاری رزمندگان جبهه های مقاومت، به عنوان "مدافعین حرم" را اینگونه بیان می کند: «من وقتی در اول بحران سوریه می خواستم این نام را انتخاب کنم، خیلی فکر کردم که اگر بخواهیم از قالب اسلامی کسی یا کسانی را برای دفاع از حرم جذب کنیم، چه نامی برای آنها بگذاریم؟ دیدم پرچا به ترین نام که می شود برای این حرکت جهادی جدید اطلاق کرد، نام "مدافعین حرم" است. همه ی این کسانی که به نام شهدای حرم به شهادت می رسند، شهید حرمی هایی هستند که حرم سیده زینب (سلام الله علیها) هم چون قمری در وسط آن قرار دارد. حریم بزرگی است، هزاران نفر برای این حریم جان بدهند ارزش دارد. سرور جوانان بهشت حسین ابن علی (صلوات الله علیه) برای آن شهید شد.

والله دفاع از حرم حضرت زینب (سلام الله علیها)، دفاع از حریم امیر المؤمنین (صلوات الله علیه) در نجف است. والله اگر سوریه به دست اینها ساقط شود، همان طوری که سامرا را با بمب منفجر کردند، همه ی مقدسات شیعه را نابود می کنند. دفاع از حرم زینب (سلام الله علیها)، دفاع از حریم امام رضا (صلوات الله علیه) در ایران هم هست، همه ی اینها به هم پیوستگی دارد. دفاع، دفاع عادی نیست، دفاع کوچکی نیست، تصمیم ناقصی نیست، تصمیم

درباره موزه تاریخ نظامی لوکزامبورگ

کوچک زیباست

با وجود آنکه بیشتر جاذبه‌های گردشگری مهم و مشهور این کشور در پایتخت زیبا و پر جنب و جوش لوکزامبورگ قرار دارند، اما موزه ملی تاریخ نظامی در شهر **دیکیرش** (Diekirch) واقع شده است. لوکزامبورگ در تاریخ ۱۰ می ۱۹۴۰ با وجود اعلان بی طرفی توسط ارتش آلمان اشغال شد. نظامیان آلمانی بعد از ورود به این سرزمین گویی که در کشور آلمان باشند، مطابق میل خود و به گونه‌ای تحقیرآمیز رفتاری کردند. اما با آزادسازی پایتخت، در ۱۰ سپتامبر ۱۹۴۴ روزه‌های امید و پیروزی کم کم نمایان گشت و در نهایت با آزادسازی سایر شهرها

لوکزامبورگ با وجود اندازه کوچکش و جمعیت ثروتمند ۶۰۰ هزار نفری، کشوری زیبا با پیشینه تاریخی می‌باشد. این کشور در قلب اروپا، بین فرانسه، بلژیک و آلمان، قرار گرفته است. قبل از استقلال کامل آن در قرن نوزدهم، سرزمین دوک نشین لوکزامبورگ همواره تحت حاکمیت، اسپانیا، فرانسه و یا اتریش بوده است. در سال ۱۸۳۹ این سرزمین کوچک برای اولین بار استقلال خودش را بدست آورد و در عهدنامه سال ۱۸۶۷ بی طرفی کامل خود را اعلام داشت ولی ارتش آلمان در سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۴۰ این بی طرفی را نقض کرد.



علی بدرخانی

نمود. بازسازی شب عملیات آزادسازی دیکخش به صورت ماکت‌های سه بعدی ژرف‌نما از هیجان‌انگیزترین قسمت‌های موزه است. شب ۱۸ ژانویه ۱۹۴۵ نیروهای متفقین با عبور از رودخانه سائر علاوه بر آزادسازی این شهر و شکست آلمان‌ها، ۶۰۰۰ سکنه محاصره شده را از بند دشمن‌رهایی دادند. به یمن این رخداد مهم در تاریخ جنگ جهانی دوم، بزرگ‌ترین ژرف‌نما به آزادسازی دیکخش اختصاص داده شده است و بازدیدکنندگان پس از ورود غافلگیرکننده به این بخش، خود را در جریان این عملیات بزرگ می‌بینند. مجموعه آثار جنگ جهانی دوم که در این موزه به نمایش درآمده است، به عنوان یکی از بهترین مجموعه‌های اروپای غربی شناخته می‌شود.

اما هویت نظامی لوکزامبورگ بخش دوم موزه دیکخش را به خود اختصاص داده است. روایت سیر تاریخی شکل‌گیری ارتش این سرزمین از زمان ایجاد لوکزامبورگ به عنوان یک کشور، می‌تواند برای بازدیدکنندگان جذاب باشد. داستان‌هایی چون فرار و سفر مخاطره‌آمیز ۳ نوجوان لوکزامبورگی از جنگ نازی‌های اشغال‌گر، در کنار سایر روایت‌های شگفت‌انگیز از ارتش لوکزامبورگ و زندگی روزمره نظامیان به گیرایی و جذابیت بیشتر بازدید می‌افزاید. در ادامه این بخش مخاطبین با حضور لوکزامبورگی‌ها در جنگ‌های جهانی و همکاری با ارتش متفقین، حضور در جنگ دو کره و مأموریت‌های سازمان مللی نظامیان این کشور آشنا می‌شوند. موزه دیکخش به استثنای ۳ روز در سال و دوشنبه هر هفته، همه روزه از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۸ عصر پذیرای علاقه‌مندان به خود

تا ژانویه ۱۹۴۵ دوران تحقیر و اسارت به کلی پایان یافت. موزه ملی تاریخ نظامی (national museum of military history) در شهر دیکخش مجموعه‌ای است که تاریخ مقاومت مردمی این سرزمین، از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ و تاریخ ارتش لوکزامبورگ را به تصویر می‌کشد. در این موزه نبردهای بزرگ علیه متجاوزین با تمرکز بر سرنوشت برخی افراد بازسازی شده است. آنچه که در مورد این موزه اهمیت دارد تلاش جمعی از علاقه‌مندان و داوطلبین برای برپایی آن بود که بلاخره در سال ۱۹۸۴ به ثمر نشست و این مجموعه افتتاح گردید. پیام "دوباره هرگز!" که بارها از سوی شاهدان عینی آخرین جنگ جهانی سر داده شده، یادآور صلح و دوستی است که امروز در موزه ملی تاریخ نظامی لوکزامبورگ انعکاس یافته است.

تا همین اواخر روایت سختی‌ها و هویت تاریخی ساکنان لوکزامبورگ، به بازدید از یادبودها، میادین جنگ جهانی دوم، گورستان‌های نظامی، خاطرات شاهدان عینی جنگ، گرامیداشت کهنه سربازان و معلولان جنگ و با صرفاً تبلیغات فعالان گفتگوی بین نسل‌ها خلاصه می‌شد. اما با توجه به از دست رفتن این منابع دست اول در سال‌های نه چندان دور، استفاده از سازوکارهای دیگر برای انتقال تجربه گذشتگان ضرورت می‌یابد و این دقیقاً همان هدف اصلی موزه ملی تاریخ نظامی می‌باشد تا با بازنمایی آموزنده، مستند و بی‌طرفانه یکی از برجسته‌ترین فصل‌های جنگ جهانی دوم، یعنی "نبرد بولژ" را در سال ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ روایت کند. یکی از ایده‌های جالب در این موزه، استفاده از ژرف‌نما (diorama)



اوضاع اسفبار بازماندگان جنگ، ترس از اپیدمی و بیماری‌های همه‌گیر، شیرینی آزادی نهایی لوکزامبورگ در سال ۱۹۴۵، را در ذهن و کام مردم تلخ کرد. و کار عظیم بازسازی را با دشواری مواجه نمود. بازدید از نمایشگاه‌های موقت رایگان نیست و بسته به تصمیمات مسولان شرایط بازدید از طریق رسانه‌ها و پایگاه اینترنتی موزه اطلاع‌رسانی می‌شود.

راهنمایان موزه ملی تاریخ نظامی لوکزامبورگ با ایجاد تورهای اختصاصی به افرادی که قبلاً هزینه آن را پرداخت کرده باشند خدمات خواهند داد. ضمن اینکه مخاطبین می‌توانند با پرداخت تنها ۳ یورو از راهنمای صوتی نیز استفاده نمایند. تعرفه بازدید افراد و گروه‌های مختلف در سال جدید مطابق جدول زیر می‌باشد.

بازدیدکننده‌ها	قیمت بلیط
کودکان زیر ۱۰ سال	رایگان
نوجوانان ۱۰ تا ۱۸ سال	۳ یورو
بزرگسالان	۵ یورو
گروه‌ها (با حداقل ۱۰ نفر)	۳ یورو
دانشجویان (با کارت شناسایی)	۳ یورو
معلولان جسمی	رایگان

باید اذعان داشت که اپیدمی جهانی در یک سال اخیر فعالیت موزه‌های جهان را با چالشی جدی مواجه نموده است. موزه دیکخش نیز با توجه به محدودیت‌های موجود در رابطه با کوید ۱۹، در سال ۲۰۲۰ چندین ماه بسته بود. اما با شروع سال جدید میلادی، مسئولان این مجموعه تصمیم گرفتند تا با ارائه یک شیوه‌نامه بهداشتی شرایط حضور علاقه‌مندان را در موزه فراهم نمایند. طبق این شیوه‌نامه جدید پذیرش موزه در هر سانس دو ساعته، تنها ۴۵ نفر خواهد بود.

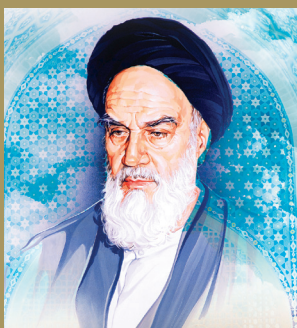
بازدیدها حتماً باید از قبل رزرو شده باشد و استفاده از ماسک و ملزومات بهداشتی طی بازدید اجباری خواهد بود. ضمن آنکه امکان پذیرش گروه‌ها در این ایام وجود ندارد و علاقه‌مندان می‌توانند از راهنمای صوتی استفاده نمایند.

ساعته این مجموعه برتنوع شیوه‌های بازدید می‌افزاید. همچنین سیستم راهنمای سوتی ۵ زبانه برای کسانی که تمایل به بازدید انفرادی دارند نیز تدارک دیده شده است. بازدیدکننده‌ها پس از ورود تقریباً تا ۲ ساعت می‌توانند در موزه بمانند و در فضایی بالغ بر ۳۵۰۰ مترمربع، از دیدن سلاح‌ها، ماشین‌آلات نظامی، یونیفرم‌ها، وسایل نقلیه و سایر آثار نظامی به همراه اسناد و عکس‌های متعدد استفاده نموده و لذت ببرند.

اگر قصد سفر به این کشور زیبا در اروپای غربی را دارید باید بدانید که توریست‌ها و گردشگران خارجی در این کشور می‌توانند با تهیه لوکزامبورگ کارت، بیش از ۷۰٪ هزینه گردشگری از جمله موزه ملی تاریخ نظامی دیکخش را به صورت کاملاً رایگان بازدید نمایند. تورهای مدارس در موزه ملی تاریخ نظامی، شرایط ویژه‌ای را دارند. موزه دانش‌آموزان را در طول مسیر بازدید خود با مسایل مختلف درگیر می‌نماید و اجازه می‌دهد تا آنها خود نتیجه مورد نظر را درک کنند. موزه دیکخش از طریق تفکر انتقادی، بحث و گفتگو و سایر روش‌های آموزشی همچون طرح معما و بازی به تعامل با دانش‌آموزان می‌پردازد. دانش‌آموزان حتی می‌توانند برخی آثار تاریخی به ویژه آثار کلکسیونی جنگ جهانی دوم را لمس کنند که این خود پاسخی به حس کنجکاوی آنها در مورد این آثار است و خاطره‌ای فراموش‌ناشدنی را در ذهن آنها به یادگار می‌گذارد. تور پیاده‌روی در شهر دیکخش با راهنمایان موزه برای بازدید از بناهای مربوط به دوران جنگ، بازدید از گورستان نظامی هام (Hamm) و برخی یادبودهای جنگ از دیگر برنامه‌های دانش‌آموزی موزه ملی تاریخ نظامی است.

هنر بازنمایی جنگ و بررسی آن از نگاهی نو با برپایی نمایشگاه‌های موقت، می‌تواند محقق شود. هنری که موزه دیکخش به منظور پویایی هر چه بیشتر خود از آن بهره می‌برد. بررسی حواشی جنگ در این نمایشگاه‌ها، شیوه‌ای موثر در جذب مخاطبین بیشتر می‌باشد. یکی از مهمترین نمایشگاه‌های موقت این موزه در سال‌های اخیر، برگزاری نمایشگاه دهکده‌های ویران است که در آن شرایط نابسامان لوکزامبورگ در پایان جنگ جهانی دوم به نمایش درآمد. دهکده‌های ویران شده کشور، زیرساخت‌های تخریب شده،

راویان



۴۱
به شهادت تاریخ



۳۶
نقش کلیدی روحانیت در دفاع مقدس



۴۸
جنگ سیل بندها



۴۴
رفیق نابغه



نقش کلیدی روحانیت در دفاع مقدس

گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین حیدر مصلحی رئیس سازمان نشر آثار
و ارزش های مشارکت روحانیت در دفاع مقدس

نام جنگ را که می شنویم تصاویری از ویرانی شهرها و آوارگی مردم جنگ زده جلوی چشمانمان نقش می بندد. شاید ماهیت جنگ در همه دنیا و در تاریخ بدین گونه باشد اما هشت سال دفاع مقدس ثابت کرد که می توان به جنگ از زاویه ای دیگر نگریست و زیبایی هایش را دید. هرچند که این میسر نمی شود جز نگریستن به آن از زاویه معنویت. معنویت در کنار شجاعت و رشادت، ویژگی بارز رزمندگان ایرانی بود که این ویژگی در وجود روحانیون حاضر در دفاع مقدس به شیوه ای بارزتر مشهود بود. حجت الاسلام والمسلمین حیدر مصلحی یکی از روحانیونی است که جنگ را با همه وجود تجربه کرده و در سال های آتش و خون، هیچگاه مناطق عملیاتی را ترک نکرده است. مسئول سیاسی نمایندگی امام در قرارگاه کربلا و نمایندگی امام در قرارگاه های کربلا و خاتم الانبیاء (ص) بخشی از مسئولیت های وی در دوران جنگ تحمیلی است.



محمدحسن
جعفری

در آن زمان عده‌ای به دنبال این بودند تا دگرگیری‌های سیاسی و جناحی را به داخل جبهه‌ها بکشانند. باید تدبیری اندیشیده می‌شد تا این اتفاقات خنثی شود. بنابراین دفتر نمایندگی امام خمینی (ره) در قرارگاه کربلا تشکیل شد. با آغاز به کار این دفتر، بنده به طور دائم در جبهه‌های جنگ حضور داشتم. از آن زمان آشنایی من با شهید آیت‌الله محلاتی آغاز شد. شهید آیت‌الله محلاتی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. منش و رفتار او به عنوان نماینده ولی فقیه در سپاه با فرماندهان و رزمندگان به گونه‌ای بود که آنان احساس می‌کردند وقتی کنار او می‌ایستند و چند دقیقه با او هم کلام می‌شوند، آرامش تمام وجودشان را فرامی‌گیرد. چند روز پس از آغاز یکی از عملیات‌ها، دشمن پاتک سنگینی علیه رزمندگان اسلام اجرا کرد و فرماندهان به شدت تحت فشار قرار گرفتند. شهید آیت‌الله محلاتی تلاش می‌کرد متوجه شود به کدام یک از فرماندهان بیشتر سخت می‌گردد تا با سرعت به سراغ او برود و به او روحیه بدهد. سردار شهید نورعلی شوشتری می‌فرمود در این عملیات به یکباره شهید آیت‌الله محلاتی به درون سنگر ما آمد. سنگرهای ما هم در جایی قرار داشتند که فرماندهان به نیروهای خودی نزدیک باشند. ایشان ساعتی در کنار ما نشستند و تلاش کردند در آن وضعیت سخت به ما روحیه و انگیزه بدهند که انصافاً تلاش‌شان بسیار اثرگذار بود. شهیدان احمد کاظمی و حسین خرازی نیز می‌گفتند اگر شهید محلاتی در آن عملیات به کنار ما نمی‌آمدند، شاید خودمان را باخته بودیم. او تأثیرگذاری خاصی داشت؛ این ویژگی را من با چشم‌های خود دیدم و از زبان فرماندهان لشکرها و قرارگاه‌های عملیاتی نیز شنیدم.

به نظر می‌رسد موضوعی که در رابطه با دفاع مقدس مورد غفلت قرار گرفته یا کمتر به آن توجه شده است، نقش امام خمینی (ره) در دفاع مقدس است. حضرت امام به لحاظ راهبردی چه نقشی در دفاع از سرزمین‌های اسلامی داشتند و چگونه توانستند یک جنگ همه‌جانبه را که می‌توانست به نابودی و سقوط نظام جمهوری اسلامی بیانجامد، به کانون فرصت و تولید قدرت ایران تبدیل سازند؟

امام خمینی (ره) بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی نقش مهم و راهبردی در دفاع از سرزمین‌های ایران اسلامی و تمامیت ارضی

شاید مسئولیتی که وی در وزارت اطلاعات بر عهده داشته و سکان‌دار این وزارتخانه در مقطع حساسی همچون فتنه ۸۸ بوده بر دیگر مسئولیت‌های وی سایه افکنده باشد، اما تاریخ همیشه بر رشادت چنین مردانی گواه می‌دهد و نمونه بارز آن نیز دلاوری‌های هشت سال جنگ تحمیلی است. به پاس رشادت‌های روحانیون در هشت سال جنگ تحمیلی، روز «روحانیت و دفاع مقدس» در تقویم رسمی کشور در تاریخ ۱ اسفند همزمان با سالروز شهادت آیت‌الله محلاتی نماینده ولی فقیه در سپاه به ثبت رسیده است. بدین مناسبت گفتگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین مصلحی رئیس سازمان نشر آثار و ارزش‌های مشارکت روحانیت در دفاع مقدس انجام دادیم که متن کامل آن را در ادامه می‌خوانید:

ابتدا از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، تشکر می‌کنم. یکم اسفند ماه سالروز شهادت آیت‌الله فضل‌الله محلاتی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و روز روحانیت و دفاع مقدس است. در ابتدای این گفتگو در خصوص این شهید بزرگوار بفرمایید که چه نقشی در پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس داشتند؟

بسم الله الرحمن الرحیم. یاد و خاطره شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به خصوص شهدای روحانیت را گرامی می‌دارم. در روز یکم اسفند ماه سال ۱۳۶۴ و حدود یک هفته پس از آغاز عملیات والفجر هشت، آیت‌الله محلاتی به همراه جمعی از روحانیون و تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای فعالیت تبلیغی - رزمی به جبهه‌های جنگ می‌رفتند که هواپیمای آن‌ها از سوی یک جنگنده میگ عراقی مورد هدف قرار گرفت و به شهادت رسیدند. از این رو یکم اسفند روز «روحانیت و دفاع مقدس» نامگذاری شده است. امیدوارم یاد شهید آیت‌الله محلاتی و همراهانش چراغی برای مادر مسیر تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد. بنده هر چند از ایام انقلاب اسلامی ایشان را می‌شناختم، اما آشنایی ما اندکی قبل از شهادت ایشان آغاز شد. من تا قبل از سال ۶۳ به صورت مقطعی و عملیاتی در جبهه‌های جنگ حضور پیدا می‌کردم. پیش از آنکه عملیاتی شروع شود ما با تماس می‌گرفتند و اطلاع می‌دادند. اسم رمز ما برای اطلاع دادن از آغاز عملیات «احوال ما را بپرس» بود.

و آیارو حانیون نیز همچون رزمندگان اسلحه به دست گرفتند و در خطوط مقدم و شب‌های عملیات حضور پیدا کردند؟

در جریان مبارزات انقلاب اسلامی، پرچمداری انقلاب از سوی امام خمینی (ره) به روحانیت سپرده شد. روحانیون در طول انقلاب اسلامی گام‌های مهمی در راستای تحقق اهداف و آرمان‌های این انقلاب برداشتند. روحانیت نقش رهبری و عقبه اعتقادی نظام جمهوری اسلامی و تبیین و تشریح مبانی دفاع مقدس و پیشبرد اهداف مقاومت را ایفا کرد.

روحانیون و طلاب در عین حال که رزمندگان اسلام را به صراط مستقیم و مبارزه با نفس دعوت می‌کردند و به امر تبلیغ مشغول بودند، در عرصه‌های مختلف جنگ تحمیلی پیشرو بودند. آنان نقش بسیار کلیدی در تحول و دگرگونی رزمندگان و تربیت حاج قاسم‌ها داشتند. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به معنای واقعی کلمه دست پرورده روحانیت بود. ایشان کتاب‌های اخلاق مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی را همواره مطالعه می‌کردند و از ایشان و دیگر علما و مراجع تقلید برای زندگی خودشان و مبارزه با تروریسم رهنمود دریافت می‌کردند. این روحیه از دوران دفاع مقدس در ایشان وجود داشت. شهید سلیمانی در آن دوران ارادت ویژه‌ای نسبت به یکی از روحانیون به نام آقای مدنی داشت. این روحانی از قم که به اهواز می‌رسید، سردار سلیمانی برایش ماشین می‌فرستاد تا به مقر لشکر ۴۱ تاراالله برود. شهید سلیمانی در کنار اتاق خودش، به او اتاقی داده بود و احترام ویژه‌ای نسبت به او داشت. یک روز دلیل این برخورد و احترام را از آن روحانی پرسیدم. او پاسخ داد: حاج قاسم بعد از نیمه‌های شب دو زانو مقابل می‌نشاند و می‌گوید برایم حدیث از اهل بیت (ع) بخوان. وقتی که برایش حدیث می‌خوانم، مثل ابر بهاری اشک می‌ریزد.

نقش روحانیت در عرصه‌های مختلف به خصوص انقلاب اسلامی و دفاع مقدس باید به خوبی تبیین شود. خاطرات طلاب و روحانیون حاضر در جبهه‌های جنگ و عملیات‌های دفاع مقدس باید نگاشته و تالیف شود. بسیاری از فرماندهان دفاع مقدس از جمله شهیدان عبدالله میثمی، مصطفی ردانی پور، عبدالحسین برونسی و اسماعیل دقایقی روحانی و طلبه حوزه‌های علمیه بودند. علمای بسیاری نیز در دفاع مقدس حضور و نقش داشتند. آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مکارم شیرازی از جمله

کشورمان داشتند. رهنمودها و فرماندهی ایشان موجب شد تا یک وجب از خاک کشورمان در اشغال دشمن یعنی باقی نماند. فرماندهان و مسئولان جنگ با بهره‌گیری از بیانات ایشان توانستند صحنه جنگ را با کمترین امکانات به خوبی مدیریت کنند. در دوره‌ای که بنی صدر فرمانده کل قوا بود و ایشان توجه چندانی به فرمایشات امام نمی‌کرد، هیچ عملیات موفقی اجرا نشد و رزمندگان هم نتوانستند دشمن را به عقب برانند.

امام خمینی (ره) دفاع مقدس را در برابر جنگ تحمیلی دشمن پایه‌گذاری کردند. این دفاع مبتنی بر حضور همه جانبه مردم در صحنه‌های مختلف جنگ اعم از پشتیبانی تا رزم بود. ایشان با رهنمودهای خود، مشارکت‌های مردمی را تقویت کردند به طوری که از طریق مشارکت‌های مردم و کمک‌های مردم توانستیم بسیاری از نیازمندی‌ها و تجهیزات دفاعی همچون آمبولانس، خودروی زرهی و حتی موشک را به دست آوریم. بودجه‌ای که از سوی دولت ایران برای جنگ اختصاص می‌یافت، بین ۱۴ تا ۱۷ درصد از کل بودجه کشور بود. در حالی که تمام دنیا پشت سر صدام ایستاده بود. ما به دلیل تحریم‌ها، سیم خاردار هم نمی‌توانستیم وارد کشور کنیم و این درصد از بودجه نیز بیشتر صرف حقوق کارکنان می‌شد. صدام بخش بزرگی از بودجه کشور عراق را پای جنگ گذاشته بود. کشورهای عربی و حامیان منطقه‌ای صدام حدود ۷۰ میلیارد دلار به صدام کمک کردند که از این میان ۴۰ میلیارد دلار متعلق به عربستان بود. بنابراین کار بزرگی که امام خمینی (ره) در این شرایط انجام دادند، این بود که مردم را وارد صحنه دفاع از کشور کردند. امام در حال طراحی زیرساخت‌های مبنایی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بودند که ناگهان جنگ تحمیلی آغاز شد و ایشان در عین حال که جنگ را مدیریت می‌کردند، مدیریت درون نظام را برای ساختن ساختارها و چیدن سازمان‌ها بر عهده داشتند و این موضوع در پیشرفته‌ترین مدیریت‌های دنیا نیز مشاهده نمی‌شود.

همانطور که فرمودید دفاع مقدس یک دفاع مردم پایه بود. از این رو اقشار مختلف مردم اعم از بازاریان، کارمندان، کارگران و... نقش مهم و اساسی در دفاع از سرزمین‌های اسلامی داشتند. روحانیت که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش محوری و کلیدی بر عهده داشت، در دفاع مقدس چه مسئولیتی عهده‌دار بود

دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است. در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح می شود، اینها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را برهر رنگی ترجیح دهید.

بردند. حمله موفقیت آمیزی بود و تعدادی از رزمندگان نیز به دیدار معبودشان شتافتند.

روحانی شهید عبدالله میثمی نیز از فرماندهان برجسته و تاثیرگذار دوران دفاع مقدس بود. این شهید بزرگوار هیچ وابستگی به دنیا نداشت و این عدم علقه دنیوی را بر زندگی خود حاکم کرده بود. او هیچ وقت برای جابجایی خانواده اش از ماشین سپاه استفاده نکرد. جالب اینکه وقتی شهید شد و جنازه اش را به اصفهان بردند، قرار بود خانواده اش نیز به آنجا برود. بچه ها یک خودروی سپاه را برای این کار در نظر گرفتند، اما ماشین بعد از طی ۵ کیلومتر خراب شد. خانواده وی گفتند ما اطمینان داریم که شهید میثمی راضی نبود که با ماشین سپاه و بیت المال به دیدارش برویم.

پس از اینکه بنی صدر از فرماندهی کل قوا عزل شد، ارتش و سپاه عملیات ها را به صورت مشترک انجام دادند. انجام عملیات ها با ایجاد فرماندهی مشترک اگرچه امری خلاقانه و جدید بود، اما ممکن بود ناهماهنگی و اختلافاتی را به وجود بیاورد. البته فرماندهان نیروهای نظامی ارتش و سپاه یعنی صیاد شیرازی و محسن رضایی ارتباط بسیار صمیمانه ای با یکدیگر داشتند، اما برای اینکه ناهماهنگی ای به وجود نیاید، شهید عبدالله میثمی بسیار تلاش کرد تا وحدت فرماندهی به بهترین شکل ممکن انجام بگیرد. در واقع شهید میثمی نقطه وصل فرماندهان بود. او مدام با صیاد شیرازی، محسن رضایی، شمخانی، حسن باقری، رحیم صفوی و دیگر فرماندهان صحبت می کرد تا فکرها و دل ها را به یکدیگر نزدیک و در برابر دشمن متحدتر و یک دست تر سازد.

برخی از رده ها و اقشار در دوران دفاع مقدس، یگان رزمی داشتند. به طور مثال یگان رزمی کمیته های انقلاب اسلامی، لشکر ۲۸ روح الله بود. آیا روحانیون نیز در دفاع مقدس یگان رزمی اختصاصی داشتند؟

در مقطعی از دوران دفاع مقدس، فرماندهان در اغلب جلسات مطرح می کردند شب های عملیات با فعال شدن تیربارهای دشمن، گردان های خط شکن زمین گیر می شوند. بنده به همراه دو نفر دیگر که یکی از آنان حجت الاسلام ذوالنور بود، جلساتی برگزار کردیم و برای یافتن راهکار چاره اندیشی کردیم. قرار شد آقای ذوالنور به قم برود و تعدادی از طلاب و روحانیون را

این علما بودند که قرار است خاطر ایشان ثبت و منتشر شود. قشری که بیشترین حضور را در جبهه ها داشت، روحانیت بود. این حضور تنها ارشادی، هدایتی و تبلیغی نبود، بلکه روحانیون در رده هایی نظیر فرماندهی، رزمندگی و... نیز حضور داشتند. جامعه روحانیت از هر هزار نفر، ۴۰ شهید تقدیم انقلاب اسلامی کرده است.

شهیدان میثمی و ردانی پور از جمله شهدای شاخص روحانیت هستند که به نظر می رسد شما در دوران دفاع مقدس با این دو شهید بزرگوار مرادوه داشتید. در خصوص نقش این فرماندهان شهید در دفاع مقدس و ویژگی های شخصیتی شان بفرمایید.

روحانی شهید مصطفی ردانی پور از فرماندهان موثر دوران دفاع مقدس بود. او همواره به دنبال گمنامی بود و همانطور که آرزو داشت، پس از شهادت نیز چیزی از پیکرش باقی نماند. در عملیات رمضان که تابستان سال ۶۱ اجرا شد، متأسفانه علی رغم تلاش های فراوان فرماندهان و رزمندگان به اهداف مورد نظر نرسیدیم. برخی از رزمندگان به خصوص جوانان بسیجی که با عدم الفتح روبرو شدند، انگیزه شان را از دست دادند و در نتیجه جبهه های جنگ تا حدودی خالی از نیرو شد. آن روزها ما در اصفهان بودیم و در مجموعه ای فعالیت می کردیم که ردانی پور فرمانده اش بود. او پس از عملیات رمضان به من گفت ما مؤمریت حفاظت از منطقه پاسگاه زید به ما واگذار شده است. در پاسگاه زید فاصله ما با نیروهای دشمن بسیار کم بود و به همین دلیل دشمن می توانست تلفات بسیاری از ما بگیرد. این در حالی بود که تعداد نیروهای ما نیز بسیار کم بود. شهید ردانی پور از من خواست کمبود نیرو را با جمع آوری جوانان در قالب یک گردان جبران کنم. تلاش های بسیاری انجام دادم تا اینکه بالاخره یک گردان نیرو جمع شد. تعداد اعضای این گردان حدود ۲۵۰ نفر بود. قرار شد نیمه شب و زمانی که عراقی ها در حال استراحت و خواب هستند، به خط آنان حمله کنیم. پیش از اجرای حمله به سنگرهای رزمندگان رفتم تا با آنان صحبت کنم؛ هم از حال و احوالشان جويا شوم و هم به آنان روحیه بدهم. خطاب به رزمندگان گفتم که اینجا جای خوبی برای خلوت کردن و راز و نیاز با خداوند است. به هر سنگری که رفتم، حال و هوای خاصی حاکم بود و رزمندگان مشغول مناجات با خدا بودند. پس از ساعتی حمله شروع شد. رزمندگان به سوی دشمن یورش

که در پیش بینی‌ها و شناسایی‌های خود، از آن اطلاع نداشتیم. این گودال عرض زیادی داشت و رزمندگان نمی‌توانستند از آن عبور کنند. بر این اساس تصمیم گرفته شد تا یکی از رزمندگان به داخل گودال برود و حالت رکوع بگیرد تا دیگر رزمندگان پای خود را روی کمر او قرار دهند و از روی گودال بپرند. یکی از روحانیون این کار را انجام داد و یک گردان از روی کمر او رد شدند. بعد از اینکه این ماجرا را برای من تعریف کرد، به من گفت: «این طلبه دیشب شهید شد. حالا بیا برویم تا پیکر او را نشانت بدهم». رفتیم و جنازه این روحانی را دیدم. تمام گوشت و پوست کمر او رفته و استخوانش نمایان بود؛ اما با این حال او یک «آخ» هم نگفته بود.

سوال پایانی بنده در این خصوص است که امروز روحانیون چه نقشی در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و انتقال آموزه‌ها و تجربیات دوران دفاع مقدس به نسل جوان و نوجوان کشور دارند؟

روحانیون در این راستا نقش مؤثری در برگزاری اردوهای راهیان نور و یادواره‌های شهدا در سراسر کشور دارند. روحانیون در راهیان نور به عنوان راوی، مبلغ و همراه کاروان حضور دارند و از ابتدا تا انتهای سفر همراه با زائران به تبیین فرهنگ دفاع مقدس و انتقال آموزه‌های آن دوران می‌پردازند. همانطور که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند راهیان نور یک کار بسیار بزرگ و ارزشمند در انتقال تجارب دوران دفاع مقدس است. اگر امروز با این موضوع مواجه هستیم که نسل جدید با مسیر انقلاب اسلامی، فرهنگ جهاد و ایثار و مقولاتی از این قبیل آشنا می‌شود و آن را توسعه می‌دهد به راهیان نور و این حرکت عظیم الهی برمی‌گردد. نسل جوان به مناطق راهیان نور می‌رود و با تاریخی مواجه می‌شود که پراز ذخیره‌های ارزشمند ایثار، جهاد و از خود گذشتگی است. انسان در راهیان نور به شناسایی استعدادها و توان‌های خود می‌پردازد. آن جوانی که به راهیان نور سفر می‌کند، متوجه می‌شود که انسان تا کجا می‌تواند پیشرفت کند. مثال روشنش راهشید حججی و امثال او می‌دانم که در راهیان نور متوجه عظمت انسانی خودشان شدند و پیر کشیدند. امیدوارم هرچه زودتر شریوس منحوس کرونا از جامعه ما برچیده و اردوهای راهیان نور برگزار شود. یکی از خسارت‌های جدی بیماری کرونا، محروم شدن مردم از زیارت مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس و سرزمین‌های نور بود.

به عنوان رزمنده به جبهه‌های جنگ بیاورد. این روحانیون وقتی که به جبهه آمدند، در گردان فاتحین لشکر ۲۵ کر بلا به فرماندهی سردار مرتضی قربانی و سردار کمیل کهنسال سازماندهی شدند. آنان دوره‌های آموزشی مختلفی را گذراندند، اما شب عملیات گردان منحل شد؛ به این دلیل که هر کدام از روحانیون و طلاب پس از گذراندن دوره‌های آموزشی به لشکرهای مختلف عملیاتی رفتند. مسئولیت هر یک از روحانیون این بود که با رزمندگان گردان‌های خط شکن در خطوط مقدم حضور پیدا کنند، به رزمندگان روحیه بدهند و به سوی دشمن یعنی هجوم ببرند. آنان می‌بایستی زمانی که گردان زمین‌گیری شد، با ایجاد روحیه مضاعف گردان را به حرکت درآورند. نخستین حضور روحانیون موفقیت‌آمیز و چشم‌گیر بود، به گونه‌ای که پس از این ماجرا فرماندهان لشکرها اصرار داشتند این روحانیون در گردان‌ها و لشکرهایشان حضور داشته باشند.

تجربه موفق گردان فاتحین موجب شد تا با همکاری روحانیون و فرماندهان، تیپ امام صادق (ع) ویژه طلاب و روحانیون شکل بگیرد. برنامه‌ریزی‌هایی نیز برای تشکیل یگانی بزرگتر با عنوان لشکر امام باقر (ع) انجام گرفت، اما به سرانجام نرسید. تیپ امام صادق (ع) هم اکنون نیز وجود دارد و در عرصه‌های مختلف نقش آفرین است. این یگان، یادگار دوران دفاع مقدس و تجلی بخش نقش روحانیت در دفاع از سرزمین ایران اسلامی است.

اگر بخواهید نقش روحانیت در دفاع مقدس را در قالب یک خاطره تبیین کنید، چه خاطره‌ای دارید تا برای مخاطبان ما بیان بفرمایید؟

یک روز پس از آغاز عملیات والفجر هشت در منطقه عمومی فاو، به منطقه‌ای که رزمندگان لشکر ۴۱ ثارالله به فرماندهی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی استقرار داشتند، رفتم. در آن جای یک فرمانده گردان به سوی من آمد و گفت: «حاج آقا! نمی‌دانید با این طلبه‌هایی که برنامه‌ریزی کردید تا شب عملیات به گردان‌ها بیایند و در میان رزمندگان تحرک و هیجان ایجاد کنند، چه کار بزرگی کردید؛ نمی‌دانید که برخی از این روحانیون چه کارهایی می‌کنند! دیشب که از مسیر عملیات برمی‌گشتیم، به گودالی برخوردیم



راویان



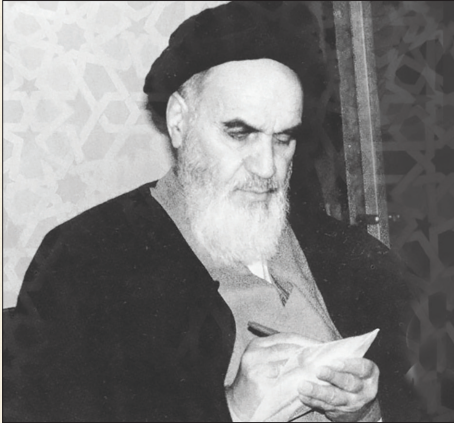
به شهادت تاریخ

دوراندیشی های امام (ره) در ماه های ابتدایی انقلاب اسلامی

روز ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ عده زیادی از پرسنل نیروی هوایی بالباس شخصی به مدرسه علوی آمدند و سپس لباس نظامی پوشیدند. امام پشت پنجره آمد و پرسنل هوایی نیز رو به امام سلام نظامی دادند. سلام نظامی آنان در واقع به رسمیت شناختن یک فرمانده جدید بود. چند روز بعد، ساعت ۱۰ صبح روز ۲۲ بهمن، سران ارتش شاهنشاهی وقتی که دیدند شکست حتمی است؛ در درگیری بین مردم و دولت بختیار، طی یک بیانیه ای به ناچار اعلام بی طرفی کردند. این یعنی انقلاب پیروز شده بود. بعد از پیروزی انقلاب سرلشکر قرنی که از امرای انقلابی ارتش بود به ریاست مشترک ستاد ارتش انقلابی منسوب شد. ارتش آینده حالا باید بر روی افسران جوان ارتش با ساختاری جدید سرمایه گذاری می کرد و این زمان می برد؛ این در حالی بود که برخی گروهک های چپ گرا و التقاطی مثل گروه های چریک های فدایی خلق و منافقین علنا می خواستند که ارتش منحل شود.



طاهادری



ترابری تاکتیکی C-۱۳۰، فروند بالگرد شینوک و ۴۱ فروند بالگرد ۲۱۴ بل بود. هوانیروز هم حدود ۷۰۰ فروند انواع بالگرد را در اختیار داشت که مهم‌ترین آنها بالگردهای کبرا از پیشرفته‌ترین نوع بالگردهای جنگی دنیا بودند.

کشور در آغازین روزهای پیروزی انقلاب چندان حال خوشی نداشت. کردستان و برخی مناطق کشور صحنه فعالیت گروهک‌های چپ و جدایی طلب شده بود. این عناصر به یادگان‌های ارتش حمله می‌کردند و سرلشکر قرنی با توجه به شرایط موجود، به نیروهای ارتش دستور مقاومت داده بود. دولت موقت اما برخلاف ارتش می‌خواست با مذاکره و سازش به تجزیه طلبان کردستان امتیاز بدهد. در همین دوران کاهش دوران خدمت سربازی توسط دربار احمد مدنی، وزیر دفاع دولت موقت مطرح شد و به دنبال آن آمار تعداد اعضای نیروهای مسلح به دلیل کاهش دوره خدمت سربازی و ترخیص هزاران نفر از اعضای ارتش به ۲۵۰ هزار نفر کاهش یافت. اما تندابیرامام (ره) و عمق بینش ایشان، با تشکیل نهاد جدیدی به نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جوانان انقلابی، توطئه‌ها را خنثی می‌کرد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تجربه جدیدی از تشکیل یک نیروی مسلح انقلابی و مردمی برای دفاع از آرمان‌های مردم ایران در انقلاب اسلامی بود. در این ایام سپاه با جذب حدود ۲۵ هزار نفر از جوانان مؤمن، سعی می‌کرد تا خلا ناشی از به هم پاشیدگی سازمان‌های امنیتی، انتظامی و اطلاعاتی کشور را بر کرده و در حوزه‌های مورد نیاز، وارد عمل شود. این نهاد قرار بود تا در کنار ارتش ضامن امنیت مردم و نظام نوپای اسلامی شود.

گروهک‌هایی مثل ضد خلق و منافقین به دنبال آن بودند که نیروهای ارتش را دور بزنند و سازمان ارتش را متلاشی کنند. بدون ارتش کار آنان راحت‌تر می‌شد. اما علی‌رغم فشارها امام خواستار ماندن ارتش برای کشور و انقلاب بود. بنابراین به منظور حمایت از ارتش در پیامی فرمودند: «اکنون ارتش در خدمت ملت و اسلام است و ارتش اسلامی است و ملت شریف لازم است آن را به این سمت رسماً بشناسند و پشتیبانی خود را از آن اعلام نمایند. اکنون مخالفت با ارتش اسلامی که حافظ استقلال و نگهبان مرزهای آن است جایز نیست. افراد ارتش موظفند در داخل ارتش، حفظ نظم و سلسله مراتب و ضوابط را بکنند. افراد خارج از ارتش حق ندارند در امر ارتش دخالت کنند. دخالت بی‌جادر داخل ارتش، موجب ضعف آنان می‌شود و مخالف انقلاب اسلامی است.»

در زمان شاه ارتش در حدود ۲۰۰ هزار نفر پرسنل داشت. اما تعداد مستشاران آمریکایی در کشور ۵۰ هزار نفر بودند. یعنی به ازای هر ۴ نظامی ایرانی یک مستشار آمریکایی در ایران حضور داشت. تعمیرات تجهیزات پیشرفته ارتش همه در اختیار آمریکایی‌ها قرار می‌گرفت. ایرانی‌ها اختیارات چندانی در این زمینه نداشتند. منطق اقتصادی‌اش برای آمریکایی‌ها روشن بود. مستشاران بیشتر و وابستگی بیشتر ایرانیان به این مستشاران و این یعنی پول بیشتر برای آمریکایی‌ها. آمریکانه فقط اسلحه می‌فروخت بلکه برای تعمیر اسلحه هم دوباره پول می‌گرفت و برای ۵۰ هزار نیروی نظامی خودش اشتغال ایجاد کرده بود. ضمن اینکه اسرار تکنولوژیک تجهیزات نظامی را هم برای خود حفظ می‌کرد و ایرانی‌ها از مسائل فنی پشت پرده این تجهیزات بی‌خبر می‌ماندند. این وضعیت حتی بعد از انقلاب هم ادامه پیدا کرده بود. اما وقتی در ۲۷ شهریور ۱۳۵۸ تقی ریاحی از وزارت دفاع استعفا می‌دهد و دکتر چمران وزیر دفاع می‌شود؛ مسئله اخراج مستشاران نظامی آمریکا نیز سرعت می‌گیرد. ارتش ایران در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، دارای ۴۰۰ هزار نیرو بعلاوه ۱۸۰ هزار نیروی مرزبانی ژاندارمری بود. نیروی زمینی ۸ لشکر و ۵ تیپ مستقل، ۲۵۰۰ انواع تانک ۱۵۰۰، دستگاه نفیر و ۷۵۰ عراده انواع توپخانه صحرایی در اختیار داشت. در کنار نیروی زمینی، نیروی هوایی ارتش دارای بیش از ۵۰۰ فروند انواع هواپیماهای پیشرفته F-۴، F-۱۴ و هواپیماهای ترابری شامل ۷۹ فروند F-۱۴، ۲۰۰ فروند F-۴، ۲۱۲ فروند F-۵، ۱۶ فروند هواپیمای عکس برداری RF-۴، ۵۶ فروند هواپیمای

یکی از افسران ارتشی، به اسم یوسف کلاه‌دوز که از بنیان‌گذاران سپاه به شمار می‌رفت، داوطلبانه به عضویت سپاه درآمد تا در آموزش و سازماندهی سپاه پاسداران مشارکت نموده و آن را به شکل یک سازمان رسمی و حرفه‌ای درآورد. خصوصاً اینکه آنها باید در کردستان به پاسداران مرزهای ایران اعزام می‌شدند تا علی‌رغم کارشکنی‌های دولت موقت، در برابر تجزیه‌طلبان مبارزه نمایند. متأسفانه با فشارهای سیاسی که روی قری‌بود در نهایت بازگان قری‌را از ریاست ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران برکنار کرد. کمی بعد گروهک التقاطی فرقان که اسلام را با عقاید مارکسیستی ترکیب کرده بود، دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ سرلشکر قری‌را ترور کرد. در تابستان آن سال برخی از عناصر دولت موقت این پیشنهاد را مطرح کرده بودند که کشور به سلاح‌های پیشرفته آمریکایی نیاز ندارد و باید این سلاح‌ها را به آمریکایی‌ها پس داد و پولش را برای سازندگی کشور گرفت. ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت، نگهداری هواپیماهای خریداری شده از آمریکا در شرایط بعد از انقلاب را دارای اشکال می‌دانست. بر اساس همین دیدگاه، پس فرستادن هواپیماهای F-۱۴ به آمریکا به دلیل پرهزینه بودن مطرح و شایعه بازگرداندن آنها از ایران، به گوش می‌رسید. با اینکه این دسیسه نتوانست چندان کارساز باشد اما اعتقاد به این موضوع باعث شد تا در دوران ریاست جمهوری بنی‌صدر هم قرارداد خرید ۶ فروند زبرداریایی از آلمان که در دوران رژیم شاهنشاهی منعقد گردیده بود، لغو گردد.

اتفاقات دیگری مانند حادثه طیس و برنامه انجام کودتای نقاب توسط برخی از عناصر ارتش، علیه جمهوری اسلامی هم، موجب بدبینی بیشتر نسبت به بعضی از افراد ارتش گردید که لزوم تصفیه وفاداران به رژیم شاهنشاهی در ارتش را توسعه داد. بنابراین اگر چهارمؤلفه "ساختار و سازمان"، "نیروی انسانی"، "تجهیزات" و "آموزش" را پیش‌نیاز آمادگی رزمی بدانیم، مشخص می‌شود که گرچه ارتش دارای تجهیزات، امکانات و جنگ افزارهای فراوان و پیشرفته‌ای بود، اما انسجام و نظام فرماندهی خود را تا حد زیادی از دست داده بود و نیاز به بازسازی روحی و فکری و همچنین کسب آمادگی‌های بیشتری داشت. البته اهتمام فراوان امام خمینی (ره) به بنیه تجهیزاتی و سازمانی ارتش، باعث شد تا این نهاد به تدریج ضعف‌های ناشی از تغییرات نظام فرماندهی و کنترل، وابستگی تجهیزاتی و جنگ‌افزاری به کشورهای



رفیقِ نابغه

هشت روایت درباره سردار شهید «حسن باقری»
به مناسبت ۹ بهمن سالروز شهادتش

شهید حسن باقری هنگام ورود به جنگ ۲۵ سال داشت. او که پیش از آغاز جنگ، دانشجو و روزنامه‌نگار بود، یکی از جوان‌ترین فرماندهان سپاه و به معنای واقعی کلمه یک نابغه در دفاع مقدس بود که به عنوان مسئول اطلاعات جنگ و سپس فرمانده قراگاه‌های نصر و کربلا نقش بسزایی در پیروزی‌های بزرگ در عملیات‌های ثامن الائمه، فتح‌المبین و بیت‌المقدس داشت. حسن باقری هنگام شهادت (نهم بهمن ۱۳۶۱) قائم مقامی فرمانده نیروی زمینی سپاه را برعهده داشت. او هنگامی که در منطقه فکه مشغول شناسایی مواضع دشمن و آماده‌سازی عملیات والفجر مقدماتی بود، در سنگر دیده‌بانی مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفت و همراه با مجید بقایی به شهادت رسید.



کبری سنگوری زاده

نظامی را در سپاه باب کرد. به توصیه او هم بود که مادر محور فارسیات، هر روز گزارش می نوشتیم که امروز در منطقه، این اتفاقات افتاد و چه موضوعاتی باید پیگیری شود و چه چیزهایی لازم داریم. هر روز صبح، موسی رضازاده مسئول تدارکات محور، گزارش ها را به گلف می برد و به حسن باقری تحویل می داد. روزی حسن در گلف، من را کنار کشید. گزارش هایم را آورد. همه را به دقت خوانده و زیر بعضی هایش خط کشیده بود. بابت نوشتن گزارش ها تشکر کرد و گفت بعضی هایش از نظر نظامی ایراد دارد؛ مثلاً در اینجا نوشته ای عراقی ها از سمت چپ به طرف راست آمدند که باید بنویسی از شمال به جنوب رفته اند. این طوری همه می فهمند. حسن روی من و خیلی از فرماندهان دیگر تاثیر اطلاعاتی و نظامی زیادی گذاشت.

چهار. کاظمی: در عملیات بیت المقدس (آزادسازی خرمشهر) رزمندگان به جاده اهواز - خرمشهر رسیدند. هدف، حرکت به سمت غرب بود، اما عراقی ها به شدت فشار می آوردند. در نتیجه عملیات قفل شده بود و تلاش ها به نتیجه نمی رسید. جلسه ای با حضور فرماندهان ارشد در قرارگاه مرکزی کربلا برگزار شد. حسن باقری به فرماندهان پیشنهاد داد، مستقیم به خرمشهر حمله شود؛ یعنی فشار از شلمچه برداشته شود و نیروها در امتداد جاده به سمت خرمشهر حرکت کنند. شناسایی ها انجام و قرار شد طرح حسن باقری اجرا شود. شب سوم خرداد مرحله نهایی عملیات بیت المقدس اجرا و خرمشهر آزاد شد.

پنج. سردار اسدی: یک روز کنار دیوار آشپزخانه پایگاه منتظران شهادت برای استراحت، دراز کشیده بودم. حسن باقری به آشپزخانه آمد و گفت: «آقای اسدی، توی خونه، نون و غذا نداریم. به سر می رم و واسه جلسه برمی گردم.» تازه ازدواج کرده بود و خانمش را به اهواز آورده بود، اما گاهی سه چهار شب هم از یادگان به خانه نمی رفت و اگر اصرار ما نبود، شاید همان چند روز یک بار هم کارهای جنگ به او اجازه سرزدن به خانه را نمی داد. به نظرم آمد در این شرایط که مغازه ها باز نیستند، از کجا می خواهد غذا برای خانه ببرد. از پایگاه تا خانه اش هم یک ساعتی راه بود. به او گفتم که بعید می دانم این موقع چیزی گیرش بیاید. یکی

یک. سردار اسدی: با آغاز جنگ تحمیلی، به ستاد عملیات جنوب رفتم. در اولین رفت و آمدها، با یک جوان با صورت کم مو و قد و قواره نه چندان رشید روبرو شدم. چهارپایه ای زیرپایش می گذاشت و با نقشه دیواری ور می رفت. پیش خودم قضاوت می کردم که این جوان می ترسد برود خط مقدم و یک جوری خودش را اینجا مشغول کرده است.

دومین یا سومین باری که او را دیدم، کاغذ فرمول پیروزی را که بچه های گلف به دیوار چسبانده بودند، با عصبانیت کند و پاره کرد. روی کاغذ نوشته بود: «پیروزی ۱۰۰ درصد = عملیات ۸۰ درصد + اطلاعات ۲۰ درصد» کار او را توهین به مسئولان گلف تلقی کردم و طلبکارانه پرسیدم: «یعنی چی که کاغذ رو می کنی؟ مال بیت المالها» توقع برخورد تند داشتم که مثلاً بگوید آقا کی باشن؟ یا به شما دخلي داره؟

هیچ کدام از این ها را نگفت. زد سرشانه ام و گفت: «خیلی ممنون که به بیت المال حساسید، ولی اجازه بدید براتون توضیح بدم.» و توضیح داد که در هر کاری اول باید صد درصد اطلاعات داشته باشی. عملیات بدون اطلاعات، یعنی تلفات بالا بدون نتیجه، یعنی «آب در هاون کوبیدن».

حرف هایش با آن حوصله موقع توضیح دادن، مثل آبی بود بر آتش عصبانیت من و آن ذهنیتی که اوایل از او داشتم. خودم را معرفی کردم. گفت که من هم مخلص شما حسن باقری ام. از همان روز رفاقت عجیبی بین من و حسن برقرار شد. با آن دقت و حساسیت و هوش سرشار و فهم نظامی ای که داشت، شد مسئول اطلاعات سپاه جنوب.

دو. کاظمی: اولین بار حسن باقری را در حیاط ستاد مرکزی سپاه دیدم. او با شهید یوسف کلاهدوز قائم مقام فرمانده کل سپاه مشغول صحبت بود. به قدری با صلابت و محکم سخن می گفت که برای من عجیب بود که این فرد کیست که اینگونه با کلاهدوز صحبت می کند.

بعد که به جبهه جنوب آمدم به او بسیار نزدیک شدم. او پایه گذار واحد اطلاعات عملیات سپاه بود و من و بسیاری از فرماندهان دیگر خدمت او درس های بسیاری آموختیم.

سه. سردار اسدی: او اولین کسی بود که گزارش نویسی صحیح

از بیچه‌ها را صدا زدم که خوردنی‌ای برایش بیاورد. به گمانم ناهار تمام شده بود که یک پاکت ماست و دو تانان را گذاشت توی پلاستیک و گرفت طرف حسن و رفت. حسن قبول نمی‌کرد. اصرار کردم حالا زنت چه گناهی کرده که باید گرسنگی بکشد. پلاستیک ماست و نان را دادم دستش و با دست زدم به کمرش که یعنی برو و بگذار من چرتی بزنم. هنوز دراز نکشیده بودم که برگشت و گفت: هرچه فکر می‌کنم، اشکال شرعی دارد! بلند شدم و گفتم: «طوری که نشده. سهم خودت رومی‌بری خونه با خانمت می‌خوری. تازه اگه ناراحتی، فردا دو تانون و یه پاکت ماست بخرو بذار سرجاش.» انگار توضیح‌حاتم راضی‌اش کرد که سری تکان داد و رفت. دراز کشیدم که دقایقی چرتی بزنم و برای جلسه، سرحال باشم. چشم‌هایم داشت سنگین می‌شد که سنگینی حضور یک نفر را کنارم حس کردم و بعد صدای رد شدنش به طرف آشپزخانه. ساعد راستم را از روی چشم‌هایم برداشتم که ببینم کیست. حسن را آن جثه جمع و جورش از پشت سرهم می‌شد شناخت. صدا زدم تو که دوباره برگشتی؟ آمد بالای سرم. پیشانی‌اش سرخ شده بود و غرق عرق. آه بلندی کشید و گفت: «اومدیم تا فردا زنده نمودم که بخرم و بذارم سر جاش. توکل به خدا، می‌رم و توی شهریه چیزی پیدا می‌کنم، می‌دم خونه و زود برمی‌گردم.»

66

در روز ۹ بهمن ماه سال
۶۱ حسن باقری در محور
عملیاتی فکه زمانی که
همراه شهید مجید بقایی
مشغول شناسایی عملیات
والفجر مقدماتی بود در سنگر
دیدهبانی بر اثر اصابت خمپاره
به شهادت می‌رسد.

99

شش. کاظمی: صبح روز نهم بهمن آماده شدم تا همراه با حسن باقری به منطقه فکه بروم. آواز منزلش که در دزفول بود با خود رویش آمد. مجید بقایی پشت سرش نشسته بود و سوره فجر می‌خواند. مجتبی مومنیان مدام به من اشاره می‌کرد که همراه با ما بیاید. او در عملیات بیت المقدس در قرارگاه نصر همراه با حسن باقری بود. انسان بسیار مومن و زاهدی بود. از شب قبلش اصرار داشت که همراه با ما بیاید. یک بقیچه و وصیتنامه هم به من داد و گفت این را به خانواده‌ام برسان. شب تا صبح نیز مشغول نیایش و مناجات با خدا بود. به حسن باقری گفتم: حسن آقا! این مجتبی از دیشب من را دیوانه کرده است. اصرار دارد که با ما بیاید. حسن گفت: نمی‌شود. منطقه شلوغ می‌شود. ماشین هم جا نداریم. اما به یکبارہ حسن نظرش عوض شد و گفت: اصغر تو برو اهواز پیش مرتضایی فرمانده سپاه منطقه هشت و مدارک و اسنادی را بگیر. مجتبی هم با ما می‌آید. مجتبی با آن‌ها رفت و شهید شد. در دفتر مرتضایی در پایگاه منتظران شهادت (مقر سپاه منطقه هشت) نشسته بودم. تلفنش زنگ خورد. شنیدم یک نفر پشت خط مدام اسم حسن و مجید را می‌آورد. وقتی متوجه شدم حسن و مجید شهید شده‌اند، دیگر هیچ چیز نفهمیدم تا اینکه خود را بالای پیکرهای آن‌ها در معراج شهدای اهواز دیدم. حسن جثه نحیفی داشت. زخمی در بدن او ندیدم، اما رگ‌های صورت و شقیقه‌اش ترکیده بود و نشان می‌داد که موج انفجار موجب شهادتش شده است.

هفت. سردار اسدی: یکی از زیباترین لحظات و دقایق زندگی جنگی همه فرماندهان، دیدارهایی بود که بعد از پایان عملیات‌ها با حضرت امام داشتیم. در یکی از دیدارها تا

هشت. کاظمی: حسن باقری سال ۶۱ به شهادت رسید، اما ایده‌ها و اقدامات او تا پایان جنگ راهگشای فرماندهان بود. شناسایی‌های مقدماتی عملیات‌های خیبر و والفجر هشت توسط حسن باقری انجام گرفت.

یک روز همراه با او به شط علی در هور رقتیم، علی هاشمی و نیروهایش در آن منطقه مستقر بودند؛ البته آن موقع هنوز قرارگاه نصرت شکل نگرفته بود. نیروهای علی هاشمی، قایق‌های موتوری آماده کردند و با آن قایق‌ها به شناسایی در هور پرداختیم. بر اساس آن شناسایی‌ها اقدام به تحلیل در مورد شرایط و چگونگی اجرای عملیات در هور کردیم. یک بار هم همراه با او به منطقه خسروآباد آبادان رقتیم و به شناسایی ارون‌رود و چگونگی عبور از آن پرداختیم.

امام آمد و روی صندلی نشست، حسن باقری اجازه خواست با دوربینی که خودش آورده بود، دوسه عکس یادگاری بگیرد. امام گفت: «چه ایرادی داره پسر من؟» یکی از محافظ‌ها که اشاره کرد فلش دوربین برای چشم امام خوب نیست، حسن لامپ اتاق را روشن کرد تا عکس‌ها خراب نشود. زود سه چهار عکس پشت سر هم گرفت و نشست روی زمین. سکوت بر اتاق حاکم شد. آقای رضایی آماده ارائه گزارش بود که امام از روی صندلی بلند شد. همه همراه او بلند شدند و با تعجب به هم نگاه کردند. امام از کنار فرماندهان رد شد و رفت طرف کلید برق و چراغ را خاموش کرد. در آن وقت روز نیازی به لامپ نبود و برای ما جالب بود که چرا امام به کسی دستور نداد چراغ‌ها را خاموش کند و خودش شخصاً بلند شد و کلید را زد.



جنگ سیل بندها

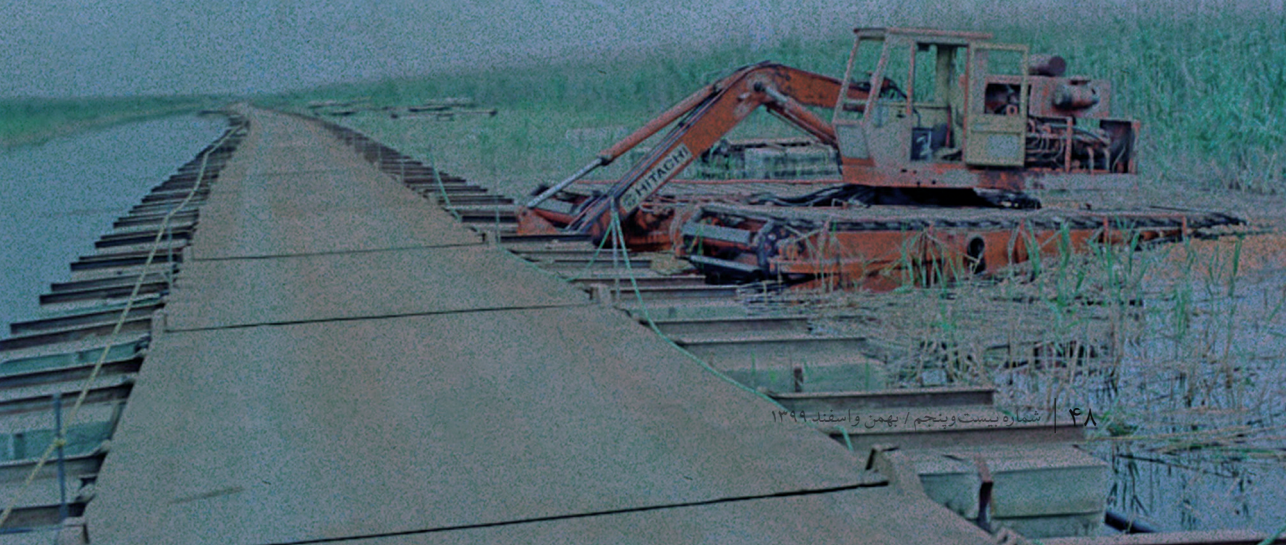
گزارشی از وقوع دو جنگ مهندسی در سال ۶۳
(از خیبر تا بدر)

پس از اجرای عملیات خیبر و پیش از اجرای عملیات بدر، ایران و عراق به منظور تسلط بر هورالعظیم اقدام به انجام تحرکات مهندسی و ایجاد تغییراتی در این منطقه و جزایر مجنون کردند که مهمترین آن‌ها ایجاد سیل بندها بود. از این رو این دوره از جنگ را می‌توان «جنگ سیل بندها» نامید.

تأیید از عملیات خیبر در سال ۶۲، دشمن حضور چندانی در منطقه هور نداشت، اما بعد از اجرای این عملیات و از اوایل سال ۶۳ ارتش عراق اقدامات زیادی برای تسلط بر هور و کنترل آن در دستور کار خود قرار داد. بر این اساس عراق فعالیت‌های گسترده مهندسی را در هور آغاز کرد و خط دفاعی جدیدی در ساحل غربی هور و نیز در منطقه شرق دجله تشکیل داد.



سیدنا صر سعاد



دیگر محل تجمع و توجه ایران و عراق بود و علاوه بر تحلیل ها و برآوردهای رسانه ها از حمله احتمالی ایران در جزیره مجنون، نیروهای نظامی دو کشور بیش از سایر مناطق در این منطقه فعال بوده و اقدامات طرف مقابل را زیر نظر داشتند.

در راستای پشتیبانی هرچه بیشتر از جبهه های جنگ ایران، وزارتخانه ها که تا ابتدای سال ۶۳ حضور محدودی در جبهه ها داشتند، حضورشان پررنگ تر شد. البته افراد این وزارتخانه ها همچون دیگر مردم، داوطلبانه به جبهه های جنگ اعزام می شدند. از این سال به بعد برخی وزارتخانه ها مسئولیت های مستقیم تری در جبهه ها برعهده گرفتند. به طور مثال علاوه بر وزارت جهاد سازندگی که واحدهای پشتیبانی جنگ خود را از آغاز جنگ تشکیل داده بود و عملیات مهندسی در جبهه ها را به نحو احسن پیش می برد و مدیریت و اجرایی کرد، وزارت مسکن نیز بخشی از سنگرسازی ها را برعهده گرفت. وزارتخانه های صنعتی نیز ساخت برخی نیازمندی های مهندسی جبهه ها از جمله ساخت برخی پل ها را برعهده گرفتند. با این وجود اما توان ارتش عراق در ساخت سیل بندها بیشتر بود. سرلشکر باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و از فرماندهان ارشد سپاه در دوران دفاع مقدس چندی پیش در گفتگو با یک برنامه تلویزیونی گفت: در جریان جنگ سیل بندها در سمت ایران حدود ۵۰۰ دستگاه کمپرسی، لودر و بولدوزر فعالیت داشت، اما در سمت عراق، ۶ هزار دستگاه سیل بند می ساخت.

جنگ آب در جبهه جنوب

«جنگ آب» یکی از ساز و کارها و جلوه های اقدامات نظامی نیروهای ایران و عراق در این دوره است. عراق پس از عملیات خیبر با به راه انداختن جنگ آب در صدد جلوگیری از استحکام مواضع ایران در جزایر مجنون بود. البته جنگ آب در جبهه جنوب فقط به جزایر مجنون محدود نمی شد. عراق از این روش در منطقه بویان و پاسگاه زید نیز استفاده کرد؛ در بویان میزان پیشرفت آب در حداقل خط خودی و دشمن به عمق ۲۳۰۰ متر به طرف شمال رسید و پشت خط و داخل سنگرهای خودی را فرا گرفت. در همین حال، یگان ها و قرارگاه های عملیاتی با طرح

عراق همچنین در منطقه العزیر پل جدیدی احداث کرد و بر روی رودخانه نیز چند پل دیگر نصب کرد تا بتواند وضعیت دفاعی بهتری داشته باشد. موانعی همچون سیم خاردار، میدان مین، نبشی، خورشیدی، بشکه های فوگاز و... نیز به وجود آورد و بدین وسیله توانست مسیر آبراه های صوئیب، کسور، روطه، حيله، البیضه، الصخره و... را که در عملیات خیبر مورد استفاده رزمندگان ایرانی قرار گرفت مسدود سازد، اما مهمتر از همه تقویت سیل بند سراسری و ساخت سیل بندهایی بود که بر استحکام خطوط دفاعی عراق افزود. صرفه جویی در بکارگیری نیروها در لبه جلویی منطقه نبرد (لجمن) و اجرای جنگ آب علیه نیروها و مواضع ایران در جبهه جنوب از دیگر اقدامات ارتش عراق در این دوره زمانی بود.

ایران نیز برای تسلط بر هور اقدامات متعددی انجام داد. با توجه به در اختیار بودن دو جزیره مجنون شمالی و جنوبی، نیروهای ایرانی برای انجام اقدامات مهندسی موقعیت بهتری نسبت به گذشته در هور داشتند. ضمن اینکه از ابتدای سال ۶۳ اجرای یک عملیات دیگر در دستور کار نیروهای مسلح (ارتش و سپاه) قرار گرفت. برای نمونه در اوایل اردیبهشت، در جلسه مشترک فرماندهان نظامی با نماینده امام در شورای عالی دفاع در مورد اجرای عملیات جدید در منطقه هور العظیم بحث شد. قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) نیز ضمن تهیه طرح های عملیات، اقدام به تعویض نیروها، احداث استحکامات و تکمیل فعالیت های مهندسی در جزایر مجنون کرد. واحدهای مهندسی رزمی سپاه و جهادگران جهاد سازندگی در منطقه مشغول احداث جاده و فراهم کردن زمینه های عملیات جدید شدند.

عملیات جدید ایران در منطقه هور در نهایت اسفند ماه سال ۶۳ برگزار شد. حدود دو ماه و نیم پیش از اجرای عملیات، شدت عملیات های مهندسی ایران و ساخت سیل بندها افزایش یافت. همزمان با افزایش فعالیت نیروهای خودی، عراق نیز اقدام به افزایش و تقویت کمین هایش از نظر نیرو و تسلیحات و بالا بردن استحکام فیزیکی خط اول خود روی سیل بند با احداث خطوط دفاعی جدید و کار گذاشتن موانع مختلف کرد. بنابراین در این مدت منطقه هور العظیم بیش از جبهه های

موضوع و تشریح آخرین وضعیت مناطق جبهه جنوب، ضمن هشدار در مورد زیر آب رفتن مواضع نیروهای خودی در مناطق مختلف به ویژه جزیره مجنون و قطع ارتباط نیروهای خودی با خشکی، اقداماتی را انجام داده و طرح‌هایی را برای جنگ آب در منطقه طلائیه و جزایر مجنون پیشنهاد و اجرا کردند. این طرح‌ها ضمن توصیف وضعیت آب در منطقه، سه راهکار و وضعیت را بدین شرح طرح و عملیاتی می‌کردند: جلوگیری از آسیب زدن آب به مواضع نیروهای خودی، استفاده از آب برای نقل و انتقال نیرو و تجهیزات و در نهایت بهره‌گیری از آب علیه خود دشمن.

در این دوره، نیروهای عراقی به دلیل موقعیت جغرافیایی بیش از نیروهای ایرانی از جنگ آب بهره گرفتند. آن‌ها در امتداد غربی "شرقی محور طلائیه" کوشک، با توسعه آب‌گرفتگی و ایجاد موانع به یک پدافند مطمئن دست یافتند. افزایش آب هورالعظیم آن‌ها را قادر ساخت تا جریان و توسعه آب را در کانال مرزی و خط تماس خود از کوشک به سوی زید افزایش دهند. استقرار عمده نیروهای عراق در فاصله ۸ کیلومتری خط تماس و مستقر ساختن مواضع توپخانه در عمق، موید تصمیم دشمن به یک پدافند منطقه‌ای از شمال زید تا طلائیه قدیم بود. در این منطقه، احتیاط‌های زرهی و مکانیزه و وجود شبکه‌های جاده‌ای شطرنجی توان پدافند و واکنش به موقع عراق را افزایش داد. در همین حال، در برخی مناطق، عراق برای صرفه جویی در نیرو و تثبیت مواضع خود از آب استفاده کرد. مسئول اطلاعات عملیات قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) در این مورد گفت: «دشمن تلاش می‌کند منطقه بین کوشک تا آب‌گرفتگی بوبیان را تا جای ممکن زیر آب ببرد تا هم در نیروهای درگیر خود صرفه جویی کند و هم راه نفوذ نیروهای اسلام را مسدود نماید.» جنگ آب موجب تقویت مهندسی جنگ، تشدید فشارها بر مواضع نیروهای خط مقدم در جبهه جنوب به ویژه در جزایر مجنون، تقویت تجهیزات و تجربه جنگ آبی - خاکی شد و در سال‌های بعد در سطح وسیع‌تری در جنگ مورد استفاده قرار گرفت.



۶۶

**عملیات بدر در منطقه‌ی هورالعظیم
و شرق دجله با هدف کنترل اتوبان
العماره - بصره و به منظور تهدید بصره
با رمز «یا فاطمه الزهرا (س)» در ساعت
۲۳ تا ۱۳۶۳/۱۲/۱۹ آغاز شد.
مهمترین دستاوردهای آن عبارت‌اند از
تصرف بخشی از مناطق نفت خیز عراق
در هورالعظیم و به اسارت گرفتن ۳۲۰۰
نفر از نیروهای دشمن**

۹۹

عملیات هوشمندانه

۱۰ روایت از عملیات «الفجر ۸»
بر اساس گفتگوی امیر دریادار عباس محتاج؛ فرمانده قرارگاه کربلا

والفجر هشت ضربه بزرگی به ارتش بعث عراق وارد کرد و علاوه بر اینکه ارتباط این کشور با دریا را قطع کرد و ایران نیز هم مرز با کشور کویت شد، موقعیت سیاسی ایران در مجامع بین‌المللی و سیاسی ارتقا یافت. این عملیات حدود ۷۵ روز به طول انجامید و رزمندگان در این مدت توانستند با پایداری و استقامت، دست برتر نسبت به عراق در جنگ پیدا کنند.

پس از ناکامی رزمندگان در اجرای عملیات بدر، در بیستم بهمن ماه سال ۶۴ عملیات بزرگ «الفجر هشت» در منطقه فاو اجرا شد. در این عملیات غواصان پس از عبور از اروندرود و شکستن خط دشمن توانستند خود را به شهر فاو برسانند و آن را به تسلط خود درآورند. در ادامه نیز رزمندگان موفق به پیشروی و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده شدند. اجرای موفق عملیات



ریحانه جعفری

یکی از فرماندهان ارشد این عملیات امیردیار عباس محتاج بود. محتاج از دانشجویان پیرو خط امام در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی بود که با آغاز جنگ تحمیلی، ابتدا فرمانده پادگان آموزشی امام حسین (ع) و سپس قائم مقام فرمانده سپاه قم شد. وی پس از آن به ترتیب فرمانده سپاه منطقه یک، فرمانده سپاه منطقه هفت و فرمانده سپاه منطقه ۵ سپاه شد. محتاج در عملیات والفجر هشت فرماندهی مهمترین قرارگاه سپاه یعنی قرارگاه کرلار برعهده داشت. محتاج در سال پایانی جنگ جانشین رئیس ستاد سپاه شد و پس از آن جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه شد. با انتصاب امیرعلی شمخانی به فرماندهی نیروی دریایی ارتش، وی جانشین فرمانده ندا جاشد و هفت سال بعد خود شکان فرماندهی این نیرو را برعهده گرفت. او البته در یکی دو دهه اخیر به وزارت کشور رفت و استاندار قم و معاون امنیتی - انتظامی وزیر کشور شد.

یک. پس از اجرای عملیات‌های خیبر و بدر، جبهه‌های جنگ به نوعی با بن بست مواجه شدند. فرماندهان قرارگاه‌ها و فرماندهان ارشد سپاه مشغول بحث و گفتگو برای یافتن راهکار جهت خروج از بن بست بودند. مشکلات عمده‌ای پیش روی فرماندهان قرار داشت که یکی از آنان کمبود تجهیزات و نیروی انسانی بود.

گفتگوهای فرماندهان به نتیجه مطلوبی نرسید و در نتیجه با تلاش و پیگیری فرماندهی سپاه تصمیم به اجرای عملیات والفجر هشت گرفته شد که این عملیات منجر به پیروزی ایران و خروج از بن بست شد. در واقع باید گفت که اجرای عملیات والفجر هشت ایده فرمانده وقت سپاه بود و با تاکید و اصرار وی این عملیات انجام شد.

دو. اجرای عملیات والفجر هشت در منطقه فاو با

تاکتیک عبور غواصان از اروندرود برای بسیاری از فرماندهان ارتش و سپاه قابل قبول نبود و آن را غیرممکن می‌دانستند. با توجه به اینکه مدل فرماندهی و مدیریت در سپاه اقناعی بود، فرمانده سپاه در جلسات متعدد تلاش کرد تا فرماندهان را برای اجرای عملیات قانع کند. سردار شهید حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) یک روز نزد من آمد و گفت: «فرماندهان گردان‌های من برای اجرای عملیات قانع نشده‌اند.» کمی بحث کردیم، اما من نتوانستم ایشان را به آن درجه از اقناع برسانم. در نهایت خدمت فرماندهی سپاه رفتیم. به آقای رضایی گفتم: «آقای خرازی یک سری مطالب دارند.» آقایم حسن صحبتی کرد، اما شهید خرازی گفت: «والا من نمی‌توانم این‌ها را به فرماندهان گردان‌ها بگویم. شما خودتان بیایید با فرماندهان گردان‌ها جلسه بگذارید.» یک شب پس از اقامه نماز همراه با آقایم حسن به مقر لشکر امام حسین (ع) رفتیم. ایشان حدود چهار ساعت با فرماندهان گردان‌های لشکر صحبت کرد تا اینکه آنان قانع شدند.

سه. یکی از دلایل موفقیت در عملیات والفجر هشت، منطقه عملیاتی بود. البته تاکتیک عبور از اروندرود و عوامل دیگر نیز نقش مهمی در پیروزی داشتند. انتخاب منطقه عملیاتی بسیار هوشمندانه بود. ارتش عراق به لحاظ زرهی نسبت به ما برتری داشت، بنابراین باید منطقه‌ای برای عملیات انتخاب می‌شد تا ضعف ما را پوشش دهد و نقطه قوت عراقی‌ها را به چالش بکشد. در عملیات‌های خیبر و بدر، رزمندگان به یک ورزشی در انجام عملیات‌های آبی - خاکی رسیده بودند.

علاوه بر این منطقه فاو به این دلیل که دور از ذهن دشمن بود و آنان تصور نمی‌کردند ایرانی‌ها بتوانند از اروندرود عبور کنند، منطقه بسیار مناسبی برای اجرای عملیات والفجر هشت بود.

چهار. برای اجرای عملیات والفجر هشت باید از دو

دستگیر شد، رزمندگان از او پرسیدند شما چطور متوجه اقدامات مهندسی ایران در این منطقه نشدید و نفهمیدید که ایران در تدارک حمله از این منطقه است؟ آن فرمانده پاسخ داد: «ما گمان می کردیم تک اصلی شما در منطقه دیگری است.» این بدان معناست که عملیات های فریب جواب داده بود و اصول حفاظتی نیز به خوبی رعایت شده بود. از این رو ۲۰ بهمن سالروز آغاز عملیات والفجر هشت، روز حفاظت اطلاعات نامیده شده است.

هفت. عبور غواصان از اروندرود نیازمند محاسبات فنی دقیق و شناسایی های گسترده بود. این رودخانه هم مد شدید و هم جزر شدید دارد و جریان آب در این رودخانه رفت و برگشتی است و حتی ممکن است جریان رفت و برگشت همزمان باشد؛ یعنی در سطح آب جریان رفت و یک متر پایین تر جریان برگشتی باشد. جریان آب باید به گونه ای برآورد می شد که غواص ها از نقطه ای رها شوند تا در نقطه هدف سر در بیاورند. غواصان نباید به تقابل با جریان آب می پرداختند، بلکه باید از جریان آب بهره می گرفتند و خود را به ساحل دشمن می رساندند.

نیروهای اطلاعات عملیات قرارگاه ها و لشکرها تلاش های فراوانی انجام دادند تا بتوانند به اطلاعات دقیق در خصوص اروندروند و وضعیت دشمن دست پیدا کنند. شناخت اروندرود بسیار پیچیده و فنی بود، اما این نیروها با بهره گیری از دانش روز و مطالعه و مشاهده توانستند اطلاعات خوبی را کسب کنند و در اختیار تیم های طراحی و فرماندهان قرار دهند.

هشت. غواصان برای عبور از اروندرود نیاز به آموزش داشتند. استفاده از غواص برای خط شکنی نخستین بار در عملیات والفجر هشت انجام گرفت. در عملیات های پیشین به خصوص در عملیات های خیبر و بدر غواصان در شناسایی و امور دیگر نقش داشتند، اما تعدادشان گسترده و برای خط شکنی نبود. بدین منظور در لشکرها و گردان های مختلف، بهترین نیروها برای آموزش دوره غواصی انتخاب شدند. به همین تعداد نیز لباس غواصی تهیه و در اختیار رزمندگان قرار گرفت.

هر کدام از لشکرها یک منطقه آبی مانند رودخانه، دریاچه، سد و... را که وضعیتی مشابه به اروندرود و منطقه آبادان داشت

رودخانه بزرگ بهمن شیر و اروندرود عبور می کردیم. گذر از بهمن شیر، مرحله ای از عملیات نبود، بلکه برای پشتیبانی از رزمندگان و امداد رسانی نیازمند عبور از این رودخانه بودیم. به همین دلیل از پل های روی رودخانه بهمن شیر به خوبی حفاظت شد و تلاش شد تا در صورت بمباران جنگنده های عراقی، پل ها به سرعت ترمیم و به کارگیری شوند.

عبور از اروندرود که یک رود خروشان بود باید از عرض ۴۰۰ متری تا بیش از یک کیلومتری آن انجام می گرفت. ابتدا باید غواصان با عبور از اروند خط دشمن را می شکستند، سپس رزمندگان با قایق به ساحل دشمن منتقل می شدند. مرحله سوم انتقال تجهیزات و دستگاه های سنگین همچون تانک و نفربر بود. بدین منظور ابتدا پل خضرو بعدها پل بعثت ایجاد شد.

پنج. یکی از مشکلات ما در اجرای عملیات والفجر هشت، وضعیت زمین منطقه آبادان و فاو بود. البته این مشکل برای عراقی ها نیز وجود داشت. ما برای استقرار عقبه ها، توپخانه ها و استقرار یگان ها با محدودیت زمین روبرو بودیم. جزیره آبادان هنگامی که باران می بارید، به باتلاق و یک دریاچه کم عمق تبدیل می شد. بنابراین برای جای گیری عقبه ها، باید یک عملیات مهندسی بزرگ در آن منطقه انجام می شد. با تلاش نیروهای مهندسی و به کارگیری بیش از ۲ هزار دستگاه کمپرسی و دستگاه های مهندسی همچون لودر، بولدوزر و گریدر، لشکرها، توپخانه ها، عقبه ها، پدافند ها، بیمارستان ها، اورژانس ها و قرارگاه ها در جزیره فاو مستقر شدند. برای استقرار پدهای توپخانه، ادوات و قرارگاه ها، جاده های آنتنی و موازی شمالی جنوبی متعددی در جزیره طراحی و ساخته شد. تمامی این اقدامات از سه چهار ماه پیش از اجرای عملیات، آغاز شد.

شش. رعایت اصل غافلگیری در اجرای عملیات والفجر هشت، بسیار مهم و حیاتی بود. به همین منظور اجرای عملیات های فریب و ایذایی در دستور کار نیروهای خودی قرار گرفت. همزمان با اینکه یک عملیات گسترده مهندسی با رعایت اصول حفاظتی در جزیره آبادان انجام می گرفت، در دو منطقه دیگر از جمله هورالعظیم نیز عملیات های وسیع مهندسی انجام گرفت.

پس از آنکه قرارگاه ارتش بعث عراق در شهر فاو فتح و فرمانده آن

ابتکار عملی به خرج داده شد و نیروی هوایی توانست بیش از ۷۰ جنگنده دشمن را در این عملیات سرنگون کند که در تاریخ عملیات‌های دفاع مقدس بی سابقه است. در این عملیات همچنین از توان هوانیروز ارتش و توپخانه‌های سپاه و ارتش به خوبی استفاده شد؛ در واقع یک مدیریت خوب و قوی برای بهره‌گیری از تجهیزات و تسلیحات انجام گرفت.

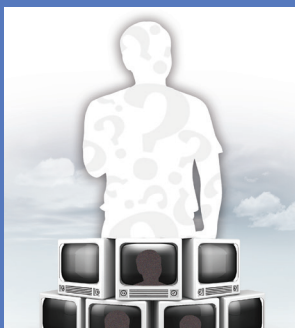
۵. من تاروز چهارم و پنجم عملیات در کنار رزمندگان و فرماندهان بودم، اما به دلیل مجروحیت دیگر نتوانستم در کنار رزمندگان باشم و به عقب منتقل شدم. در آن عملیات به شدت مجروح شدم و شش هفت مهره از کمرم شکست که برای مدتی زمین‌گیر شدم. شدت جراحتم به حدی بود که در عملیات‌های کربلای چهار و پنج با عصا در منطقه عملیاتی حضور داشتم.

را انتخاب کردند و نیروهای خود را در آن مناطق آموزش شنا و غواصی دادند. در نتیجه در یک مدت زمان کوتاه، تعداد بسیار زیاد و چشم‌گیری از نیروهای رزمنده آموزش غواصی دیدند و برای اجرای یک عملیات بزرگ و مهم آماده شدند.

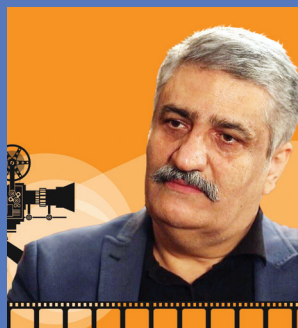
ن. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات والفجر هشت نقش مهم و ارزنده‌ای ایفا کرد که در اینجا باید نام و یاد امیران شهید منصور ستاری و عباس بابایی را گرامی بداریم. در این عملیات از ظرفیت نیروی هوایی ارتش به بهترین نحو استفاده شد. جنگنده‌ها و سامانه‌های پدافندی این نیرو پشتیبانی بسیار خوبی از رزمندگان اسلام انجام دادند و آسمان منطقه عملیاتی را برای نیروهای پیاده امن نگه داشتند. در عملیات والفجر هشت برای به‌کارگیری سامانه‌های پدافندی



دیدهبان



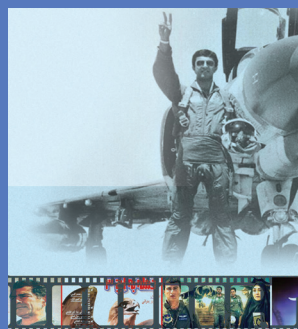
۶۱
پاتک رسانه‌ای



۵۶
سینماگران مستقل زیر تیغ حذف



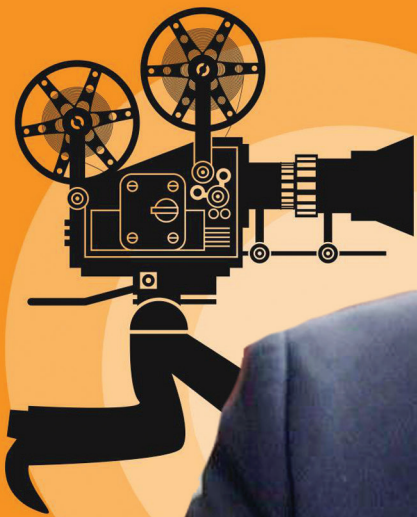
۶۷
روایت ازدرون



۶۴
آسمانی‌ها

عباس رافعی کارگردان سینما
در گفتگو با سرومطرح کرد

سینماگران مستقل زیر تیغ حذف



عباس رافعی کارگردان و تهیه کننده سینما سال هاست در این عرصه مشغول کار و فعالیت است و آثارش آوازه جهانی دارند و در بسیاری از فستیوال های جهانی جوایزی را از آن خود کرده اند. او معتقد است کشور ما پس از انقلاب شاهد یک سینمای بسیار متفاوت با سینمای جهان بوده است. سینمایی که تلاش کرد تا به عنوان یک سینمای انسانی، در پی هویت گمشده انسان ها بوده و به دنبال معنا باشد که البته به آن در مواردی سینمای معناگرا نیز می گفتند. به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی گفتگویی داشتیم با او درباره ی سینمای پس از انقلاب.



آزاده مختاری

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، بسیاری از افرادی که متعلق به سینمای قبل از انقلاب بودند، گنج و متحیر شدند و این پرسش در ذهنشان شکل گرفت که تکلیف عرصه سینما در نظام جمهوری اسلامی ایران چه خواهد شد. زمانیکه امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران توضیح دادند که ما با سینما مخالف نیستیم بلکه با فحشا مخالفیم، با همین یک جمله فضایی ایجاد شد که ما بتوانیم امروز سینما داشته باشیم. بسیاری از سینماگران پیش از انقلاب از ایران رفتند و در همان ایام در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که آن زمان عنوان وزارت ارشاد ملی نام داشت، احساس کردند که امام راحل با این جمله راه را برای سینماگران باز گذاشته است. البته آنها به سینماگران بدنام پیش از انقلاب نمی توانستند اعتماد کنند، اما در این بین سینماگرانی نیز بودند که در همان دوره پیش از انقلاب، برادری خود را به عرصه سینما ثابت کرده بودند. به همین دلیل پس از انقلاب حدود ۳ یا ۴ فیلم در باب انقلاب اسلامی ایران ساخته شد؛ یعنی موضوعاتی که مربوط به انقلاب می شد دست مایه ساخت آثار سینمایی قرار گرفت. فیلم هایی چون "خط قرمز" مسعود کیمیایی تا "برزخی ها"، "مرز"، "عبور از میدان مین" و "سرباز اسلام" از جمله آن آثار بودند. در همان زمان دانشجویان فنی یعنی دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک و دانشگاه تهران که به حوزه سینما علاقه داشتند توسط مرکزی به نام "تل فیلم" برای تحصیل در زمینه سینما با هدف ساخت فیلم هایی در راستای ارزش های انقلاب جذب شدند. "تل فیلم" مرکزی بود که بسیاری از مدیران سینمایی کشور در سال های بعد، دانش آموخته همان مرکز شدند. دانشجویان باهوش دانشگاه های فنی در آن مقطع زمانی احساس وظیفه کردند که باید برای سینمای کشور فیلم بسازند و در ابتدا چند فیلم کوتاه ساختند. این افراد در مسیر یادگیری سینما بودند که جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس آغاز شد. به همین دلیل، سینماگران جدید، وارد عرصه سینمای دفاع مقدس شدند و همین امر موجب شد که فرصت زیادی برای ساخت فیلم درخوری برای انقلاب اسلامی و معرفی آن وجود نداشته باشد.

متأسفانه در طی این سال ها هیچ فیلم فاخری درباره امام خمینی (ره) ساخته نشد و فرصتی هم برای ساخت اثری سینمایی در ارتباط با زمینه های شکل گیری انقلاب و تمام آنچه در بهمن ۵۷ بر ملت

آقای رافعی این روزها بسیاری معتقد هستند که آثار سینمایی ما با نگاه به جشنواره های خارجی ساخته شده اند. آیا دیدگاه سینمای جهان نسبت به عرصه فیلمسازی ما نیز چنین است؟ اجازه دهید پاسخ این پرسش را با طرح مثالی بیان کنم. خارج از کشورمان، ایران را اینگونه می بینند؛ آنها بالای یک قله کوه ایستاده اند و کاروان شتری می بینند که در حال رفتن به سمتی است. از دور به نظر می رسد این کاروان در مسیری مشخص در حال حرکت است، گویی می گویند که سینمای ایران در حرکت است. حال ما از آن قله پایین می آییم و از زاویه خودمان به آن کاروان نگاه می کنیم. وقتی ما خودمان در این کاروان قرار می گیریم، در می یابیم که عده بسیاری تشنه و گرسنه هستند. بسیاری از افراد سوار بر شترها، پاهایشان تاول زده و شترها در حال از بین رفتن هستند. ساربان می گوید من دیگر قدمی به جلو حرکت نمی کنم و ما از او خواهش می کنیم که چند قدم دیگر بردارد. در این کاروان تشنه و تلاطمی است که فقط ما که در درون آن هستیم از آن خبر داریم اما آنانی که بالای قله ایستاده اند همچنان شاهد حرکت منظم کاروان هستند. در غرب معتقدند که سینمای ایران رشد قابل توجهی داشته است و آثار سینماگرانی همچون عباس کیارستمی و اصغر فرهادی را تحسین می کنند اما اینها تک ستاره هستند و نمی توان درباره کلیت سینمای ایران این نکته را مطرح کرد. کلیت سینمای ما همان کاروان است چرا که بسیاری از سینماگران و فعالان این عرصه این روزها از کار بیکار شده اند و در تنگدستی زندگی می کنند و حتی توان پرداخت هزینه درمان خود را نیز ندارند. ما نباید خودمان را به این دلخوش کنیم که سینمای ما در فستیوال های خارجی دارای ارزش و اعتبار است. آن ارزش و اعتبار اگر ادامه پیدا کند و روند رو به رشد را همچنان شاهد باشیم بله این باور درست است، اما واقعیت این است که همه اینها اتفاقی و مبنی بر تلاش های فردی و نه جمعی و دولتی است. در مجموع سینمای ایران طی دهه اخیر از هدف، ساختار و ارزش های خود به دور افتاده است.

با این توصیف فکر می کنید سینمای ایران در این چهل و دو سال چه روندی را طی کرده است. آیا سینمای ایران توانسته بار فرهنگی را که بردوش داشته به درستی به سر منزل مقصود برساند و اتفاقات مثبتی را رقم بزند؟

ایران گذشت، حاصل نشد. دلیل این امر هم آن است که همگان جذب جریان جنگ و دفاع از این مرز و بوم شدند و اتفاقاً این روند موجب شد که ما آثار سینمایی بسیار خوب و ارزشمندی در زمینه دفاع مقدس داشته باشیم. در نتیجه این جوانان انقلابی که باید در آن دوره فیلم انقلابی با محوریت نمایش آن دگردیسی و دگرگونی می ساختند، جذب جبهه‌های حق علیه باطل شدند و همان زمان آثار سینمایی بسیاری خوبی در زمینه دفاع مقدس ساخته شد. البته در سال‌های پس از جنگ تحمیلی، نیز اقدامی برای بازنگری انجام نشد و بسیاری از سینماگران یا نسبت به آن جریان‌ات تغییر رویکرد داده بودند و یا در جرگه مدیران سینمایی کشور قرار گرفتند. اگر بخواهیم ارزیابی درستی در ارتباط با سینمای پس از انقلاب داشته باشیم، باید یک ارزیابی ۲۰ ساله داشته باشیم. چرا که همیشه می‌گوییم بگذاریم یک دهه بگذرد و سپس شاهد اتفاقاتی باشیم که در ۱۰ سال اخیر رخ داده است. اکنون چهاردهه از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته است و هنوز در دهه چهارم پس از انقلاب هستیم. به گمان من، کشور ما پس از انقلاب شاهد یک سینمای بسیار متفاوت با سینمای جهان بود. سینمایی که تلاش کرد تا به عنوان یک سینمای انسانی، در پی هویت گمشده انسان‌ها بوده و به دنبال معنا باشد که البته به آن در مواردی سینمای معناگرا نیز می‌گفتند. در چنین شرایطی ما شاهد ظهور یک سینمای پاک بدون محدوده سنی بودیم به این معنا که از مخاطب از سنین نوجوانی تا پیری می‌توانست به تماشا فیلم‌ها بنشیند و در حقیقت سینما اعضای خانواده را دور هم جمع می‌کرد. در همان زمان در دنیای غرب فیلم‌ها برای گروه‌های متفاوت ساخته می‌شدند و افراد یا در رایانه‌های شخصی خود فیلمی را به تنهایی می‌دیدند یا به تنهایی به سالن‌های سینما می‌رفتند. یک خانواده مگر در محدود فیلم‌های اخلاقی و پاک همه نمی‌توانستند با هم به سینما بروند. البته من تمامی این نکات را چه در ارتباط با سینمای ایران و چه غرب با تکیه بر تولیدات سه دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ذکر کردم. در دهه چهارم فضای بازی به وجود آمد که موجب شد شیطنتی‌هایی در سینمای ایران شکل گیرد، یعنی در سینمای سه دهه ابتدایی پس از انقلاب هتاکی و دیالوگ‌ها و فضاهای جنسی در سینما رایج نبود اما به مرور نوعی جنسیت‌گرایی پنهان در فیلم‌ها به وجود آمد و فیلمسازان از محدودیت‌های موجود

استفاده کردند و در نهایت با سینمایی مواجه شدیم که دیگر اعضای خانواده نمی‌توانستند به اتفاق یکدیگر فیلم‌ها را ببینند. به یاد دارم آقای محسن مخملباف اقدام به ساخت فیلمی با عنوان "نوبت عاشقی" کرد. این فیلم با موضوع عشق بود و از آنجا که احساس شد در فضای سینمای ایران امکان ساخت این اثر وجود ندارد، مخملباف "نوبت عاشقی" را در کشور ترکیه ساخت. حتی با این وجود پس از ساخت فیلم دیدیم که دیالوگ‌ها به هیچ عنوان جنسی نبودند و برای نمایش صحنه معاشقه زن و مرد، روسری را نشان می‌داد که در هوا با دستمال مرد عجین شده یا اسب‌هایی را نشان می‌داد که با یکدیگر مغازه می‌کنند در واقع از نمادها استفاده کرد تا تصاویر را به نمایش بگذارد.

متأسفانه امروز با فیلم‌هایی مواجه هستیم که هیچ بویی از ارزش‌های انقلاب نبرده‌اند و می‌توانیم به جرأت بگوییم صدر رحمت به فیلم فارسی‌های پیش از انقلاب. فیلم فارسی‌های پیش از انقلاب دارای تم جوانمردی و رفاقت بودند، اما امروز در بسیاری از فیلم‌ها چنین نگاهی را شاهد نیستیم. بیشتر با مقولاتی مانند کلاهبرداری و به اصطلاح "زنگ بازی" مواجهیم یعنی اگر فردی بتواند سر دیگری را کلاه بگذارد این بدان معناست که او فرد زنگی است؛ یعنی ارزش‌ها تغییر کرده‌اند. من این موقعیت جدید را نشأت گرفته از کم‌کاری مدیران می‌دانم. مادر سه دهه ابتدایی پس از انقلاب اسلامی ایران مدیرانی داشتیم که خود را معمار سینمای نوین ایران می‌دانستند و تلاش می‌کردند هدایت و حمایت درستی از سینمایی داشته باشند که در جهت حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی در حرکت است. یک شورا و حلقه‌ای در بنیاد سینمایی فارابی ایجاد شد که حتی فیلمسازی که متعلق به دوران پیش از انقلاب بود اگر قصد ساخت فیلمی در عرصه سینمای کشور را داشت، باید از راهروی این بنیاد عبور می‌کرد و اثرش دارای رنگ و بوی انقلابی و اسلامی می‌شد. اینچنین شد که ساموئل خاچیکیان، داریوش مهرجویی، مسعود کیمیایی و شاپور قریب همه در سال‌های پس از انقلاب فرصت ساخت فیلم داشتند و آثاری متفاوت با سینمای پیش از انقلاب ارائه کردند؛ اما امروز جوانانی در سینمای کشور فیلم می‌سازند که از همان آثار پیش از انقلاب اقتباس کرده‌اند.

شما به نکات مهمی اشاره کردید. به نظر شما دلایل اقبال سینمای دهه ۶۰ چه بود؟ سینمایی که دیگر در دهه ۹۰ اقبال چندانی ندارد.



ما باید بگوییم چه بر سر این سینما آمده است که فیلمسازان متعلق به دوران پیش از انقلاب، امروز در حال ساخت آثار انسانی و معناگرا هستند، اما این جوانان هویت باخته فیلم‌هایی می‌سازند که هیچ ارتباطی به سینمای ایران ندارد.

در این سینما نمی‌بینند در حالی که در دهه ۶۰ و ۷۰ تماشاگران با دیدن نقش بازیگران فیلم این را مشاهده می‌کردند که آنها هم مشکلاتی مشابه مشکلات خودشان دارند. آنها هم با موضوعاتی مانند داشتن فرزند مفقودالثری مواجه هستند. آنها هم مشکلات معیشتی دارند؛ یعنی مردم به نوعی خود، همسایگان و اقوام خود را روی پرده سینما می‌دیدند و احساس می‌کردند که اینها را می‌شناسند و با آنها همزادپنداری می‌کردند.

آقای رافعی امروز هم در سینمای ایران، فیلم‌های اجتماعی چنین دغدغه‌ای را دارند و بخشی از مشکلات جامعه را نشان می‌دهند. بله اما این‌ها آثاری قلبی هستند، حتی فیلمی که داستانش در واقعیت اتفاق افتاده است نیز قلبی است. مثالی برایتان عنوان می‌کنم. فیلم سینمایی "عرق سرد" براساس یک موقعیت واقعی و رخ داده در دنیای ما ساخته شده است. همسر مجری یک برنامه تلویزیونی، قصد دارد تا همراه تیم ملی فوتسال به خارج از ایران برود، اما شوهرش به او چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. فیلمساز ما این داستان واقعی را به گونه‌ای می‌سازد که هیچ فردی آن را باور نمی‌کند. فیلمساز ایرانی فضا را به سمتی می‌برد که احساس می‌کند مورد پسند جشنواره‌های خارجی است و از تخیلات خودش وارد داستان می‌کند، تخیلاتی که بسیار غریبه هستند. به نظر شما مردم شخصیت زن فیلم را که باران کوثری نقش آن را ایفا می‌کند دوست داشتند. چرا که او شوهری دارد که تمام امکانات را برای همسرش مهیا کرده اما همسرش با خانم دیگری زندگی می‌کند یعنی این زن به نوعی همجنس‌گرا است و به همین دلیل گرایش چندانی به همسر خود ندارد. اتفاقاً این زن بیش از آنکه بازیکن تیم فوتسال باشد یک فعال اجتماعی است و در مناسبات سیاسی قرار دارد و این، فیلم را تبدیل به یک فیلم سیاسی می‌کند. در نتیجه فیلم از حالت فیلم خانوادگی خارج شده و تبدیل به اثری فراقانون از تخیلات نامنظم کارگردان و نویسنده اثر می‌شود. حتی همان خانواده‌هایی که با چنین مشکلی مواجه بوده‌اند از دیدن این اثر لذت نمی‌برند و آن را یک فیلم تقلبی می‌دانند. بسیاری از سکانس‌ها برای مخاطب باورپذیر نیست و او نمی‌تواند با شخصیت‌های فیلم همزادپنداری کند. همین امر موجب می‌شود مردم از فیلمی که سازندگان آن احساس می‌کردند در حال ساخت بزرگترین اثر سینمایی سال هستند فرار کنند. این

طی این چهار دهه چه بر سر سینمای ایران آمد و چه عواملی موجب شد تا سینمای ما از یک سینمای کارگردان محور به یک سینمای بازیگر محور و سرمایه‌گذار محور تغییر شکل دهد و بیش از همه عوامل به شرایط حاکم برگیشه توجه کند و به نوعی از عرش به فرش برسد؟

تعداد تماشاگران ما در گذر زمان کاهش یافته است. این بدان معناست که فیلم‌هایی ساخته شده‌اند و اتفاقاتی در سینمای ایران رخ داده است که تماشاگران رفته رفته از سینما دور شدند و ما با ریزش تماشاگر مواجه شدیم. پر فروش ترین فیلم اکنون سینمای ایران به میزان فیلم متوسط سه دهه نخست پس از انقلاب تماشاگر ندارد. این نکته را به واسطه قیاس بین قیمت بلیت‌های آن زمان و قیمت‌های امروز می‌گوییم. زمانی که می‌بینیم فیلمی با عنوان "عقاب‌ها" در ارتباط با دفاع مقدس همچنان پر فروش ترین و پرمشاهرت ترین فیلم سینمای ایران است و یا فیلمی مانند "افق" به عنوان اثری با تعداد بسیار بالای مخاطب عنوان می‌شود، این بدان معناست که این آثار پرمشاهرت در زمره فیلم‌های جهت‌دار دفاع مقدسی هستند یعنی آثاری که نظام برای تبلیغ ارزش‌های دفاع مقدس آنها را ساخته است. می‌توان به این آثار عنوان به شدت سفارشی را اطلاق کرد، اما همان فیلم به شدت سفارشی را تماشاگران نه یک بار بلکه بارها و بارها تماشا می‌کنند و از دیدن آن لذت می‌برند. حتی فیلم "بایکوت" که پس از انقلاب در ارتباط با مسائل پیش از انقلاب ساخته شد نیز از جمله این آثار است. یا فیلمی مانند "دستفروش" که حوزه هنری آن را ساخته است و یا فیلمی مانند "بای سیکل‌ران" فیلم‌هایی هستند که وجه هنری آنها به وجه تجاری‌شان غلبه می‌کند.

شما اگر تعداد تماشاگران فیلم "سفر سنگ" مسعود کیمیایی را با تعداد تماشاگران فیلم دفاع مقدسی "تنگه ابوقریب" مقایسه کنید درمی‌یابید که یک صدم آن تماشاگر، امروز برای تماشا یک اثر با مضمون دفاع مقدس پایه سالن‌های سینما نمی‌گذارد. این نشان می‌دهد که مردم به نوعی از سینمای انقلاب گریزان شدند.

قبول دارید که امروز مخاطب نمی‌تواند با آثار ارتباط خوبی برقرار کند و همزادپنداری ندارد؟

متأسفانه بسیاری از آثار سینمایی حال حاضر در خلاء اتفاق می‌افتند؛ یعنی نه فقط در جامعه ایران که در هر کجای جهان امکان ساخته شدن به لحاظ موضوعی و محتوایی را دارند. مردم خودشان را

دلیلی است برای جدایی مردم از سینما. اگر بدترین یا متوسط ترین فیلم های سال های آغازین پس از انقلاب را ببینیم مشاهده می کنیم که مردم از تماشای آنها لذت می بردند و آن را باور می کردند. و اما نکته ای دیگر و آن اینکه طی ۵ سال اخیر فیلم هایی در سینما و تلویزیون ایران در ارتباط با انقلاب و دفاع مقدس ساخته می شوند که آنها نیز به زعم مخاطب آثاری قلابی هستند. من در این باب آسیب شناسی کرده ام که وقتی فیلمی درباره تاریخ سیاسی و اجتماعی ما توسط فیلمسازی جوان ساخته می شود که هیچ مطالعه ای در این رابطه نداشته و درکی از آن دوران ندارد، مردم و مسئولین آن اثر را باور نخواهند کرد. فیلمی مانند "سیانور" با موضوع جدایی مارکسیست ها از سازمان مجاهدین خلق زحمت بسیاری برای سازندگان خود داشت و توسط کارگردانی ساخته شد که می توانست آثار اجتماعی بسیار خوبی بسازد، اما این فیلم آنگونه که باید در جشنواره همان سال دیده نشد. چرا که داوران افرادی بودند که سال های پیش از انقلاب را زندگی کرده بودند و فضای قبل از انقلاب را به چشم دیده بودند. جوانان و پایه سن گذاشته ها نیز آنگونه که باید با این اثر درگیر نشدند و "سیانور" نتوانست تبدیل به یکی از فیلم های سیاسی مهم در تاریخ سینمای ایران شود. در حالی که این فیلم یکی از فیلم های پرخرج آن دوره بود و یکی از نهادهای مهم انقلابی هم تهیه کننده آن بود.

پس یکی از عوامل ریزش مخاطب این است که فیلم های سفارش داده شده توسط مدیران به کارگردانان و دیگر عوامل فیلم، نگاهی پیمانکارانه را در پی دارند که در ازای پرداخت فلان میزان پول، قرار است فیلمی ساخته شود. مخاطب در چنین فضایی مورد اهمیت قرار ندارد، چرا که سرمایه گذار فرد دیگری است و سود آن هم نصیب دیگری می شود که ارتباطی به مردم ندارند. وقتی فیلمی ساخته می شود که افراد یا نهادهایی مشاوران خوبی برای فیلمساز جوان هستند و مترتبات مناسبی را در اختیار او قرار می دهند آن هم در شرایطی که فیلمسازان دوران را به عینه حس نکرده است، اثر نهایی تبدیل به مستندی می شود مشابه فیلم "ایستاده در غبار" محمدحسین مهدویان، اثری موفق که مخاطب آن را باور می کند و می پذیرد، اما وقتی همان کارگردان اثری مانند "ماجرای نیمروز" را می سازد، من بشخصه می گویم اثری موفق ساخته نشده است. فیلمی که یک وزارتخانه هزینه ساخت آن را متقبل شده و می گوید ما در برهه ای هستیم که سازمان مجاهدین در کشور فرانسه مشغول انجام

فعالیت هایی است و ما باید به مردم نشان دهیم که این سازمان چه سازمان جهانی بوده است. من با اطمینان می گویم که این فیلم نتوانست این کار را انجام دهد، نه شناختی از آن سازمان داد و نه توانست فضای نگاه جدیدی درباره آن ایام نشان دهد. متأسفانه فضای فیلمسازی سینمای امروز ایران مشابه سه دهه نخست پس از انقلاب نیست. عده ای برای پولشویی آمده اند، یعنی آمده اند که به طور مثال ۳۰ میلیارد برای ساخت فیلمی در سینمای ایران هزینه کنند که به هیچ عنوان گنجایش در آن اثر وجود ندارد. فیلم هایی با دستمزدهای عجیب که تولید می شوند و ما به عنوان سینماگر می گوئیم هدف آنها فیلم ساختن نیست و اینها دوستان سینمای ایران نیستند. همین امسال وقتی می بینیم یک نفر در حال ساخت و تهیه کنندگی هشت فیلم است، این نکته را به وضوح احساس می کنیم که چنین اشخاصی نه دلشان برای سینما سوخته و نه فرهنگ کشورمان و وظیفه ای که قرار است بنیاد سینمایی فارابی در مقام هدایتگر و حمایت کننده سینما بر عهده داشته باشد، یک سازمان پولشویی در حال انجام آن است. در چنین شرایطی تکلیف سینمایی که مخاطب هدف آن نیست، مشخص می شود و مخاطب هم از دیدن چنین فیلم هایی گریزان می شود.

و در پایان در چنین شرایطی چشم انداز سینمای ایران چگونه است؟

اگر سینما به همین شکل پیش رود سینماگران مستقل حذف می شوند چرا که نه به سازمان و نهادهای برای حمایت متصل هستند و نه با باندهای پولشویی ارتباطی دارند. این سینماگران تلاش کرده اند خود را حفظ کنند تا جامعه امروز کشور را نقد کنند و آئینه ای در برابر مردم اجتماع باشند؛ اما ما می بینیم که نه آن باندهای پولشویی دنبال چنین چیزی هستند و نه آن سازمان ها و ارگان ها از این گروه حمایت می کنند، پس رفته رفته از ساخت فیلم های اجتماعی دور می افتم و طی صد سال آینده فیلمی نخواهیم داشت که مردم آن را ببینند و بگویند در دهه ۹۰ مردم اینگونه فکر می کردند، سخن می گفتند، لباس می پوشیدند و چنین دغدغه ها و نگرانی هایی داشتند. در حال حاضر دغدغه مردم ایران "آینه بغل" و "تگزاس" نیست. آیا قرار است این فیلم ها به مردم صد سال بعد بگویند که مادر این برهه چگونه مردمی بوده ایم. متأسفانه ما برای نسل آینده یادگارهایی به جا می گذاریم که از آن مانده و تقلبی هستند.



پاتک رسانه‌ای

واکاوی نقش رسانه‌های داخلی در تبیین ماهیت
گروهک‌های فعال در سال‌های ابتدایی انقلاب

در اتمسفر آزاد و متکثر برآمده از پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی نظام بسته و تک‌صدایی شاهنشاهی، گروه‌های مختلف احیا شده، شکل گرفته و آغاز به فعالیت کردند. فعالیت‌هایی که در ابتدا رنگ و بوی صرفاً سیاسی داشت اما به تدریج و پس از فرو افتادن پرده‌های تزویر، شمایل دیگری به خود گرفت و به شکل رویارویی مسلحانه و نظامی با حکومت نوپای اسلامی درآمد و تبعاتی سخت پرهزینه و تاسف‌آور داشت.



ارمغان محمدی

(منافقین) با مردم و انقلاب هم به فاجعه ۳۰ خرداد ختم شد. اعضای حزب توده و سازمان فدائیان خلق (اکثریت) هم پس از روشن شدن دست و مقصودشان در پس ریاکاری‌های مضحک، به قبله آمل شان یعنی شوروی پناهنده شدند.

سقوط در زباله دان تاریخ

انقلاب با جوان‌هایش توانست همه این گروهک‌ها را مهار و به طور کل مضمحل کند. با شروع و ادامه جنگ تحمیلی و تقویت روحیه انقلابی در مردم و یکدست شدن جامعه، بیش و کم همه این سازمان‌ها نه تنها به لحاظ فیزیکی فاقد حیات و تحویل زباله دان تاریخ شدند که مرام و مسلک‌شان هم هیچ هوادار و خاطرخواهی در ایران نداشت، به طوری که فقط نام و خاطره‌ای از آنها باقی ماند.

تحریف در اتوبانی یکطرفه

هژمونی رسانه‌ای در یک دهه اخیر و فعالیت کانال‌های ماهواره‌ای و به خصوص ظهور فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برخاسته از آن، اوضاع را دگرگون کرده و به شکل دیگری درآورده است. بازماندگان و بقایای همان گروهک‌های منحل حالا تجدید قوا کرده، نیمه جانی گرفته‌اند و به میدان آمده‌اند و در کنشی یک سویه به تحریف تاریخ می‌پردازند و قرائت خود از حوادث سال‌های ابتدایی انقلاب را به مخاطب القا می‌کنند. شاید پیش از بروز چنین وضعیتی، پرداخت به گروه‌های سیاسی و در پیوند با آن، بازخوانی فجایی که رقم زده‌اند چندان ضروری به نظر نمی‌رسید و حتی تبعات منفی هم به دنبال داشت.

تک و پاتک رسانه‌ای

در فضای رسانه‌ای امروز ما، اوضاع برمدار دیگری می‌چرخد و اتفاقاً روشنگری و تاباندن نور بر زوایای تاریک تاریخ انقلاب جهت تنویر افکار عمومی، افزایش آگاهی‌های همگانی و بصیرت‌افزایی لازم و واجب به نظری می‌رسد. برای نیل به چنین مقصودی، بای رسانه‌ها به میان می‌آید چرا که هر کنشی را باید با واکنشی متناسب و متجانس و همگون جواب داد. پاسخ حمله رسانه‌ای، دفاع و به دنبال آن پاتک رسانه‌ای است. حال که بازماندگان گروهک‌های تروریستی فعال در سال‌های ابتدایی انقلاب احیا شده و شروع به

از سودای خودمختاری و تجزیه ایران گرفته تا متشنج کردن اوضاع جامعه و به خاک و خون کشیدن مردم بی‌گناه. فضای باز سیاسی و اجتماعی کشور در دوسه سال ابتدایی پس از پیروزی انقلاب شرایطی را فراهم آورد که گروه‌های متعددی با نحل‌های فکری و عقیدتی مختلف، ریشه دوانیده و به شکل آزاد و بدون هیچ‌گونه مزاحمتی به تبلیغ مرام و جذب نیرو اقدام کنند. گروه‌هایی که البته به لحاظ قلت نیرو، شکل و قالب گروهک را داشتند. در میان این گروهک‌ها می‌شد تشکل‌هایی با اعتقادات و باورهای مذهبی، قومیتی و سیاسی متنوع و حتی متضاد را رصد کرد؛ از گروهک‌های به ظاهر اسلامی همچون فرقان و توحید و جهاد گرفته تا سازمان‌هایی با گرایش‌های چپ مارکسیستی و مائوئیستی همچون بیکار، راه کارگر، طوفان، آرمان خلق و... در این میان، گروه‌هایی هم بودند که بر تعلقات قومیتی تاکید داشتند و ساز خودمختاری و استقلال را کوک کرده بودند که حزب دموکرات کردستان، کومله و جبهه دموکراتیک خلق عرب از آن جمله‌اند. گروه‌های دیگری همچون سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، حزب توده و سازمان فدائیان خلق (اکثریت) هم در عرصه سیاسی ایران حضور داشته و فعالیت می‌کردند که از اعضا و هواداران بیشتری برخوردار بودند.

قدرت طلبی خونی

همه این سازمان‌ها و گروه‌ها در فضای بی‌نظیر پس از انقلاب و با توجه به مدارا و مماشات حکومت انقلابی، آزادانه و بدون هیچ مانع و مشکلی فعالیت می‌کردند. به مرور زمان و به نیت سهم‌خواهی و قبضه قدرت اما، مشی مسلحانه را در پیش گرفته و باعث به وجود آمدن فتنه‌ها و غائله‌های متعددی در کشور به خصوص در استان‌های مرزی که حساسیت‌های قومی در آنها بالاست، شدند. سازمان چریک‌های فدایی خلق و جبهه دموکراتیک خلق عرب اهواز غائله‌های خلق ترکمن در شهرستان گنبد و خلق عرب را در خوزستان برپا کردند و حزب دموکرات و کومله هم در کردستان ساز جدایی طلبی را کوک نمودند. حتی اتحادیه کمونیست‌های ایران هم با همان اندک نیروهایش دست به اسلحه شد تا شهر آمل را به زعم خود مصادره انقلابی کند که البته با مقامات انقلابی مردم ناکام ماند. از آن سو، عناد و تضاد سازمان مجاهدین خلق

نقش گروه‌های سیاسی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی



شناسایی وضعیت جریان‌های فکری-سیاسی مهم کشور در آستانه انقلاب می‌تواند به تبیین مناسب‌تری از علل و عوامل تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی کشور بعد از انقلاب، کمک شایانی نماید. شناخت این جریان‌ها به عنوان کارگزاران تاریخی تحولات، می‌تواند اهداف و جهت‌گیری‌ها مختلف و چالش‌های نظری بعد از انقلاب را به شکل مناسب‌تری ترسیم نماید. در یک نگاه کلی می‌توان گفت: سه جریان اصلی سیاسی ایدئولوژیک یعنی «اسلام»، «سوسیالیسم» و «ناسیونالیسم لیبرال» تقریباً در طول دوره معاصر ایران به طور همزمان خودنمایی کرده‌اند که هر یک از این سه جریان نیز به نوبه خود و بسته به محتوای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گوناگون که به خود گرفته‌اند، در شکل‌های متعددی ظاهر شده‌اند.

تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، ص ۷۵

دامنه‌داری که در بازخوانی حوادث سال‌های ابتدایی انقلاب و بررسی ماهیت و عملکرد گروهک‌های فعال در آن مقطع صورت گرفته است، ساخت مستنداتی جذاب و بازنمایش میزگردها، اعترافات و دادگاه‌های اعضای دستگیر شده گروهک‌های معاند در شبکه مستند باشد. از این فعالیت خجسته شبکه مستند که بگذریم، دست رسانه‌ها اعم از تصویری، شنیداری، مکتوب و مجازی از این بابت خالی است.

مجازی‌ها به میدان بیایند

این نقصان در رسانه‌های مکتوب و مجازی نمود بیشتری دارد و همتی دو چندان راز سوی این رسانه‌ها برای جبران طلب می‌کند. رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی دارای پتانسیل‌های کم نظیر و فوق‌العاده برای ارتباط با مخاطبان به خصوص از نسل‌های جدید هستند. حق مسلم همه و به خصوص جوانان و نوجوانان است که از جزئیات حوادث و ماهیت سازمان‌های سیاسی و نظامی فعال در سال‌های ابتدایی انقلاب آگاهی داشته باشند تا هم تحت تاثیر القانات و دروغ‌پراکنی‌های بقایای نیمه‌جان این گروهک‌ها قرار نگیرند و هم بدانند برای ریشه گرفتن و جوانه زدن درخت انقلاب چه جوانانی که پرپر نشده‌اند و چه خون‌هایی که بر زمین نریخته، به ناحق.

تبلیغات و فعالیت صرفاً رسانه‌ای کرده‌اند (خودشان خوب می‌دانند کار دیگری از شان بر نمی‌آید)، بر رسانه‌های داخل کشور اعم از تصویری، صوتی، مکتوب و مجازی است که با درپیش گرفتن روالی منطقی و با پرهیز از هرگونه هیجان‌زدگی و تحت تاثیر جوسازی‌ها قرار گرفتن، علاوه بر بازخوانی واقعی رخداد‌های سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب، دست به افشاکاری زده و هویت حقیقی و اهداف اصلی این گروهک‌ها را برای مخاطبان خود بازگو کرده و به خصوص به جنایت‌ها و خیانت‌های آنها بپردازند. تحقق چنین فرآیندی به خصوص برای روشننگری نسل جوان انقلاب که آن دوران را درک نکرده‌اند و از جزئیات و وقایع خبر ندارند ضروری به نظر می‌رسد و اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند.

دست خالی داخلی‌ها

مذاقه‌ای بر عملکرد و کارنامه رسانه‌های داخلی در چند سال اخیر در ارتباط با آنچه که در بالا گفته شد، به نتایجی ناامید کننده و یاس‌آور ختم می‌شود. اصولاً رسانه‌های ما در هر قالب و با هر کارکرد، چندان توجهی به مقطع حساس و چالش برانگیز ابتدایی انقلاب ندارند و نهایت فعالیت‌شان در این زمینه، اشاره‌ای هر چند کوتاه و گذرا به هر یک از این گروه‌ها در سالگرد یکی از فجایعی که آفریده‌اند محدود می‌شود. شاید تنها فعالیت مفید، هدفمند و

آسمان‌ها

خلبانان ایرانی از نگاه سینماگران



چهار سال دیگر که تقویم ورق بخورد، یک قرن از تاسیس نیروی هوایی در ایران می‌گذرد. خلبانان و تیزپروازان ایرانی در این قریب به یکصد سال همواره از در صیانت از وطن، مردم و مرز و بوم کوشیده‌اند و جان‌ها بر سر این آرمان فدا کرده‌اند. این اهتمام جانانه و حماسی به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال‌های دفاع مقدس، مضاعف شده و رنگ و لعاب ارزشی علاوه بر ملی-میهنی به خود گرفته است. خلبانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از بدو جنگ نابرابر تحمیلی دوشادوش و در کنار سایر رزمندگان با تمام توان از کیان ایرانی-اسلامی دفاع کرده‌اند و شهادتی را تقدیم کرده‌اند، همه برومند و نازنین و تکرارناشدنی. نیروی هوایی در طول سال‌های دفاع مقدس با اجرای عملیات‌هایی محیرالعقولی همچون کمان ۹۹ (سایه البرز)، انتقام، اچ ۳ و اوسیراک نه تنها معادلات جنگ و پیش‌بینی دشمنان را نقش بر آب کرده‌اند، که دنیا را انگشت حیرت به دهان گذاشته‌اند.

طبیعی است که این رشادت‌ها و جانفشانی‌ها از نگاه فیلمسازان ژانر دفاع مقدس در سینما پنهان نمانده و پاره‌ای از فیلم‌های ساخته شده در این گونه، با محوریت یا نگاه جدی به حماسه‌آفرینی‌های خلبانان ایرانی تولید و به روی پرده رفته باشد. به مناسبت ۱۹ بهمن، سالگرد تاسیس نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و بیعت همافران با امام خمینی (ره) در بهمن ۵۷، نگاهی داشته‌ایم به چند فیلم و سریال شاخص ساخته شده در این حوزه، با این تذکر که هنوز حق مطلب به طور کامل و شایسته ادا نشده و رشادت‌های خلبانان ایرانی می‌تواند دستمایه تولید پر تعداد فیلم و سریال جذاب قرار گیرد.



زهره صلواتی

عقاب‌ها (۱۳۶۳)

بر فراز گیشه

۴۸ هواپیمای دشمن مستقر در این پایگاه را معدوم می‌سازند. ساخت فیلمی بر مبنای این عملیات، کار دشواری است و در سکانس‌هایی ۱۱ فروند هواپیما به شکل همزمان در آسمان پرواز می‌کنند و تصویربرداری انجام می‌شود. حمله به اچ ۳ با توجه به امکانات سینمای ایران در دهه هفتاد اثری مقبول است که می‌تواند علاوه بر جلب نظر منتقدان، در گیشه هم موفق باشد. جعفر دهقان، محمد کاسبی، حسین یاری و حسن عباسی بازیگران اصلی فیلم بحرانی هستند. نکته جالب توجه این که، شهریار بحرانی پس از ساخت حمله به اچ ۳ و با وجود موفقیت نسبی فیلم، از سینمایی دفاع مقدس فاصله می‌گیرد و به سراغ ژانرهای دیگری رود.

دایره سرخ (۱۳۷۴)

قهرمان وارد می‌شود

«دایره سرخ» فیلمی است متأثر از مناسبات سینمای ایران در دهه ۷۰ که قهرمان طلب می‌کند. سرهنگ سابق خلبان «محمودی» که برای بردن داماد زخمی‌اش به آلمان به کشور بازگشته است، خواسته و ناخواسته درگیر جنگ می‌شود و بر اثر فعل و انفعالاتی، در تیم پرواز تخریب یک کارخانه ساخت سلاح‌های شیمیایی در عراق قرار می‌گیرد و طبیعتاً از این آزمون سربلند بیرون می‌آید. دایره سرخ را جمال شورجه می‌سازد، به این نیت که این فیلم مقدمه‌ای باشد برای ساخت سریالی درباره خلبان شهید عباس بابایی. اتفاقی که البته با شورجه نمی‌افتد و مرحوم یدالله صمدی بعدها این سریال را می‌سازد. فرامرز قریبیان نقش خلبان محمودی را در دایره سرخ بازی می‌کند و اردلان شجاع کاوه، محمد کاسبی و پریسا شاهنده دیگر بازیگران اصلی این فیلم هستند. تصویربرداری فیلم هم در بوشهر انجام می‌شود. دایره سرخ فیلم متوسطی است که برای سازنده‌اش جمال شورجه یک مزیت و نقطه قوت نسبی به شمار می‌رود؛ فیلمی که البته می‌توانست بهتر هم باشد.

خلبان (۱۳۷۶)

استشهادی برای خدا

جمال شورجه دو سال پس از دایره سرخ به سراغ فیلم دیگری با محوریت خلبانان ایرانی می‌رود و «خلبان» را می‌سازد. نقطه تمایز و تفاوت خلبان با ساخته قبلی شورجه، در واقعی بودن قهرمانش است. خلبان با نگاهی به زندگی شهید عباس دوران

مرحوم ساموئل خاچیکیان به عنوان استاد سینمای دلهره در ایران، در یکی از اولین و جدیدترین فیلم‌های ساخته شده درباره دفاع مقدس به سراغ خلبانان ایرانی می‌رود و «عقاب‌ها» را می‌سازد. عقاب‌ها اگر رکورددار نباشد، دست‌کم یکی از پرمخاطب‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران است. فیلم در سال‌های متمادی اکران قریب به ۹ میلیون تماشاگر داشته و اگر بهای امروز بلیت سینما را ملاک قرار دهیم، چیزی در حدود ۱۸۰ میلیارد تومان فروش کرده است. فیلمنامه عقاب‌ها بر اساس داستان واقعی نجات یک خلبان ایرانی به نام یدالله شریفی‌راد توسط کردهای عراقی به نگارش درآمده است. جمشید هاشم‌پور و سعید راد نقش‌های اصلی فیلم را ایفا می‌کنند که قضا را ببین، هردو پس از اکران، یکی برای مدتی و دیگری برای سال‌ها ممنوع‌الکار می‌شوند. عقاب‌ها در زمان خود فیلم پرهزینه‌ای است و بخش مربوط به کردستان عراق در ارتفاعات طالقان و قسمت‌های مربوط به پرواز در پایگاه یکم شکاری در فرودگاه مهرآباد فیلمبرداری می‌شود. به گفته رضا رویگری، یکی از بازیگران، همه چیز در عقاب‌ها واقعی بوده و جلوه‌های ویژه در آن جایی نداشته است. همچنین به علت شرایط بد اقتصادی زمان جنگ و کمبود نکاتیو، اکثر سکانس‌ها با یک برداشت تصویربرداری می‌شود و به همین دلیل، مرحوم خاچیکیان تمرینات زیاد و متعددی را برای هر سکانس لحاظ می‌کند. عقاب‌ها برای بسیاری از ایرانیان یکی از پایه‌های ثابت نوستالژی در دهه ۶۰ است؛ فیلم اما، فرزند زمانه خویش است و با معیارها و ملاک‌های آن سال‌ها ساخته شده.

حمله به اچ ۳ (۱۳۷۳)

به سفارش شهید ستاری

فیلم شهریار بحرانی با الهام از عملیات موفق و اعجاب‌انگیز اچ ۳ موسوم به حمله فانثوم‌ها ساخته می‌شود. شهید منصور ستاری، فرمانده وقت نیروی هوایی سفارش ساخت «حمله به اچ ۳» را به شهریار بحرانی می‌دهد. اچ ۳ یکی از پیچیده‌ترین عملیات‌های هوایی جهان تا به امروز است. خلبانان ایرانی در سال ۱۳۶۰ و در قالب این عملیات، با ۸ فروند جنگنده بمب افکن فانثوم پایگاه هوایی الولید موسوم به اچ ۳ در مرز عراق واردن را مورد حمله قرار داده و

سیمرغ (۱۳۷۱)

قاتلان تانک‌ها

شاید سریال «سیمرغ» و جلوه‌های ویژه‌اش امروز کمی ابتدایی و سطحی به نظر برسد اما در زمان پخش و برای روزگار خودش، قریب به ۲۶ سال پیش، دستاوردی به شمار می‌رود. سیمرغ راوی زندگی خلبانان شهید احمد کشوری و علی اکبر شیرودی است، از زمان تحصیل تا لحظه شهادت. منهدم کردن تانک‌های عراقی با هلی‌کوپترهای کبری توسط این دو خلبان شهید از جمله سکانس‌های به یاد ماندنی و خاطره‌انگیز سریال سیمرغ است. سیدجواد هاشمی و محمد جوانی به ترتیب ایفاگر نقش‌های شهیدان کشوری و شیرودی هستند. سریال سیمرغ در زمره آثار نمایشی ارزشی تلویزیونی است که در مختصات و مقتضیات سال‌های ابتدایی پس از پذیرش قطعنامه ساخته می‌شود و نمی‌توان ایراد چندانی بر لحن شعارزده و کلیشه‌ای‌اش وارد دانست. در آن سال‌ها همچنان این نوع ادبیات نمایشی خواهان خود را داشت و بسان امروز مهجور نبود.

شوق پرواز (۱۳۹۰)

پرواز شهید

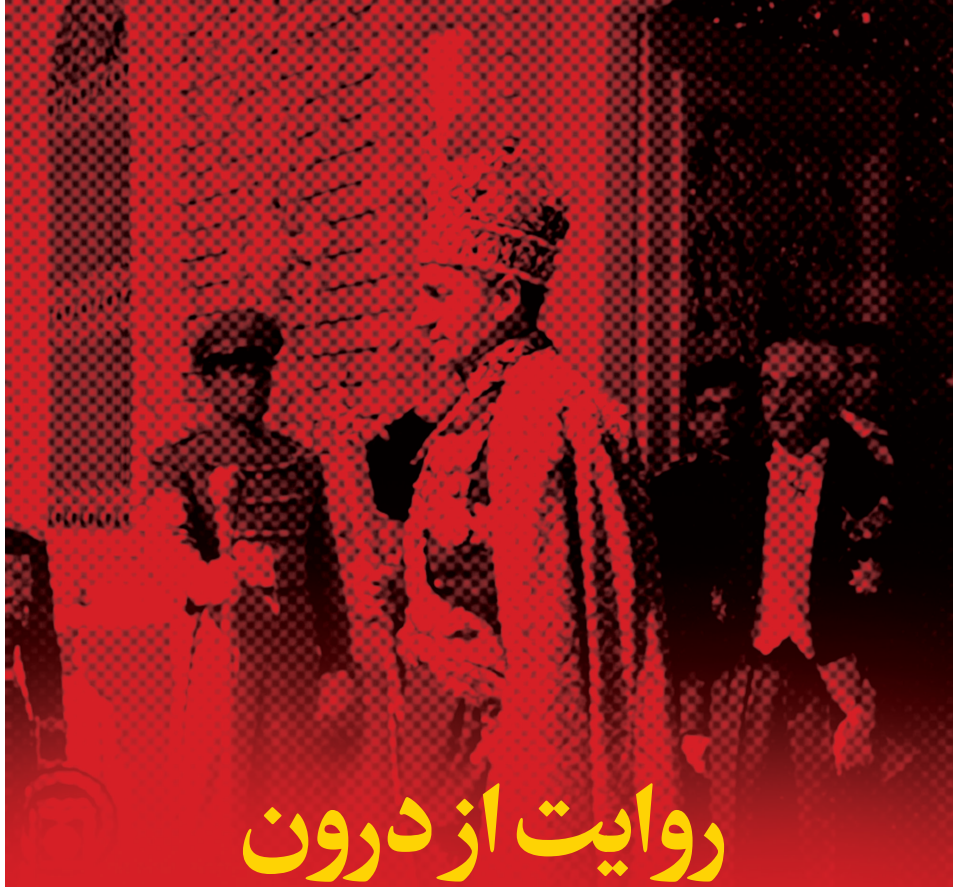
موج البته نه چندان مرتفع و دامنه‌داری که از «سیمرغ» آغاز شده است به «شوق پرواز» می‌رسد. بدالله صمدی، کارگردان نام‌آشنا سینما به سفارش بنیاد شهید و امور ایثارگران سریالی را بر مبنای زندگی خلبان شهید عباس بابایی تدارک می‌بیند. خانواده بابایی پیشنهاد می‌کنند که نقش شهید را شهاب حسینی با توجه به شباهت ظاهری‌اش بازی کند. خواسته‌ای که اجابت می‌شود و شهاب حسینی در قالب شخصیت شهید عباس بابایی جلوی دوربین می‌رود. الهام حمیدی، شهرام حقیقت دوست، کوروش تهامی و... دیگر بازیگران سریال هستند. مشکل سریال صمدی، دوپارگی مشهود آن است؛ داستان تا آنجا که در پیش از وقوع انقلاب می‌گذرد و نحوه تحصیل و آشنایی شهید بابایی با همسرش را روایت می‌کند به شدت بار دراماتیک دارد و حتی شبیه سریال‌های مرحوم علی حاتمی و حسن فتحی است اما در شق دوم، یعنی قسمت‌های مربوط به آغاز جنگ تحمیلی، به یک اثر خشک و جدی جنگی تبدیل می‌شود. همین تناقض و نامتجانس بودن است که باعث می‌شود انتظارات از سریال مرحوم صمدی برآورده نشود.

ساخته می‌شود که با عملیات شهادت طلبانه‌اش، همه محاسبات صدام و حامیان‌ش را به هم می‌ریزد. در سال ۱۳۶۲ قرار است کنفرانس سران کشورهای غیرمتعهد در عراق برگزار شود و صدام حسین رئیس‌جمهور وقت این کشور برگزاری این کنفرانس را مزیتی سیاسی برای خود می‌پندارد. او عراق را کشوری امن معرفی می‌کند و مدعی می‌شود که حتی مگس هم جرأت عبور از آسمان بغداد را ندارد. دیکتاتور سابق عراق حتی با ترسو خواندن خلبانان ایرانی رجز می‌خواند که هیچ خلبانی شجاعت نزدیک شدن به آسمان بغداد را برای برهم زدن اجلاس نخواهد داشت. شهید عباس دوران به نیت پاسخگویی به این یاوه‌گویی‌ها، همراه با یک اسکادران به طرف عراق پرواز می‌کند و نه تنها آسمان بغداد را به تسخیر درمی‌آورد که در طی یک عملیات شهادت طلبانه، با هواپیمای خود به یکی از میادین اصلی بغداد می‌کوبد. کنفرانس سران کشورهای غیرمتعهد در عراق لغو می‌شود و نقشه‌های شوم صدام نقش بر آب. فیلم خلبان این حماسه را بازنمایی می‌کند و به تصویری می‌کشد. نقش شهید عباس دوران را علی دهکردی بازی می‌کند و جعفر دهقان و نگین صدق‌گویا از جمله دیگر بازیگران این فیلم هستند. خلبان در قیاس با ساخته قبلی کارگردانش، دایره سرخ فیلم بهتری است و یک سروگردن بالاتر می‌ایستد.

پرواز خاموش (۱۳۷۷)

سفر به سلامت ۹

«پرواز خاموش» دومین فیلم عبدالحسین برزیده پس از «دکل» است. فیلم حکایت نجات یک فروند هواپیمای ایرانی از دست دشمن و به سلامت رساندن و تحویل آن و تصاویر مهمی که ضبط کرده، به نیروهای خودی است. پرواز خاموش علیرغم برخورداری از سوزهای جذاب اما، در عمل فیلم خوش ساختی از آب در نمی‌آید و نمی‌تواند انتظارات را برآورده کند. فیلم از مشکلات ساختاری متعددی رنج می‌برد و در برخی سکانس‌ها به شدت شعارزده شده و به کلیشه پهلوی می‌زند. حسین یاری، بهمن دان و مجید مشیری بازیگران اصلی فیلم ۹۰ دقیقه‌ای عبدالحسین برزیده هستند. پرواز خاموش می‌توانست با کمی وسواس بیشتر و شخصیت پردازی‌های بهتر، فیلمی درخور توجه در سینمای دفاع مقدس باشد.



روایت از درون

نگاهی به کتاب‌هایی که کارگزاران رژیم شاهنشاهی
درباره عصر پهلوی دوم نوشته‌اند



فرزانه میرآخوخلو

با محوریت یا نگاه ویژه به ۳۷ سال سلطنت پهلوی دوم و واکاوی مناسبات برقرار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن دوران، کتاب‌هایی به رشته نگارش درآمده است، به نسبت هم پرتعداد و قابل اعتنا؛ شامل خاطرات، مصاحبه‌ها، تحلیل‌ها و اتوبیوگرافی‌ها. این کتاب‌ها علاوه بر این که می‌توانند یک شمای کلی را از مختصات حکومت پهلوی دوم در پیش روی مخاطبان خود قرار دهند در عین حال، حکم یک سند ماندگار و تاریخی را هم برای آیندگان دارند. مولفین و پدیدآورندگان این آثار مکتوب را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: مبارزان، زندانیان و انقلابیون؛ تحلیل‌گران، کارشناسان و مورخان عموماً بی‌طرف و کارگزاران، عوامل و دست‌اندرکاران خود رژیم. کتبی که توسط گروه سوم پدید آمده‌اند در هر قالب شامل خاطره، مصاحبه، اتوبیوگرافی و غیره از یک تمایز و امتیاز ویژه برخوردار هستند، چرا که از اتهاماتی همچون جبهه‌گیری به زیان رژیم سابق و جانبداری از نظام فعلی مبرا می‌شوند و از سوی دیگر، با توجه به قرابت به سیستم حاکمیت، اطلاعات شان از روابط پشت پرده و زد و بندهای سیاسی جامع‌تر، کامل‌تر و مستند است.

تا به امروز و با گذشته بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی کتب متعددی با محوریت خاطرات کارگزاران سابق حکومت پهلوی توسط خودشان یا خاطره‌نگاران نوشته و منتشر شده است. در این مقال، نگاهی هر چند کوتاه و گذرا داشته‌ایم به تعدادی از این کتاب‌ها.

ظهور و سقوط سلطنت پهلوی

ارتشبد حسین فردوست دوست دوران کودکی محمد رضا شاه پهلوی و یکی از نزدیک ترین افراد به او بوده است، تاجایی که شاه سابق ایران در کتاب «ماموریت برای وطنم» فردوست را به عنوان تنها دوست خود معرفی می کند و می گوید: «در آن موقع دوست صمیمی من پسری بود به نام حسین فردوست که پدرش ستوان ارتش بود. حسین در دوران تحصیل در سوئیس هم با من هم درس بود و بعدها با درجه سرهنگی، استادی دانشکده افسری را عهده داری می کرد و فعلاً در گارد شاهنشاهی مشغول انجام وظیفه است.» فردوست نه فقط صمیمی ترین دوست محمد رضا پهلوی بود، بلکه محرم اسرار و رابط مخفیانه ترین ارتباطات او نیز به شمار می رفت. فردوست در راس مهمترین ارگان اطلاعاتی رژیم پهلوی یعنی «دفتر ویژه اطلاعات» که سازمان اطلاعاتی شخصی شاه محسوب می شد، بر کل سیستم سیاسی و اطلاعاتی کشور و حتی بر ساواک نظارت داشت و رابطه شخصی شاه را با مهم ترین ارگان های اطلاعاتی هم سنگ برقراری ساخت. حسین فردوست پس از پیروزی انقلاب از معدود کارگزاران حکومت پهلوی بود که نتوانست از کشور خارج شود و در ایران ماند. خاطرات فردوست گنجینه ای است از تاریخ دوران پهلوی به ویژه دوران ۳۷ ساله سلطنت محمد رضا شاه که اعماق و ابعاد این مقطع مهم از تاریخ معاصر ایران را می کاود و از بسیاری ناگفته ها و ناشنیده ها پرده برمی دارد. این کتاب توسط انتشارات اطلاعات به چاپ رسیده است.

یادداشت های علم

یادداشت های امیر اسدالله علم یکی از معتبرترین و جامع ترین اسنادی است که تاکنون درباره دوران سلطنت محمد رضا پهلوی به نگارش درآمده است. علم به عنوان دوست نزدیک محمد رضا پهلوی و نخست وزیر و وزیر دربار او یادداشت های روزانه اش را از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۶ مخفیانه نوشته است. یادداشت های علم را می توان به عبارتی فصلی از زندگی روزانه محمد رضا شاه پهلوی و طرز فکر و نگرش سیاسی و اجتماعی او در این دوره دانست. این یادداشت ها از هنگامی آغاز می شود که شاه به پرقدرت ترین مرحله زندگی سیاسی خود رسیده است. آنچه امروزه به عنوان یادداشت های علم در دسترس قرار دارد، اسنادی معتبری است

که پرده از بسیاری سیاه کاری های دوران پهلوی برمی دارد. سبک نگارش علم روشن، ساده و بسیار گویاست. نوشته او طنزآمیز است و آنچه را باور داشته بر صفحه کاغذ آورده و گاهی این کار را حتی به بهای انتقاد صریح از خود انجام داده است. امیر اسدالله علم روز ۲۶ فروردین سال ۵۷ در ۵۹ سالگی به علت بیماری های مقاربتی و سرطان درگذشت. انتشارات معین یادداشت های اسدالله علم را در هفت جلد به چاپ رسانده است.

خدمتگزار تخت طاووس

«خدمتگزار تخت طاووس» حاوی خاطرات پرویز راجی، آخرین سفیر شاه در لندن است. آن گونه که می گویند راجی هم یار گرمابه و گلستان اشرف خواهر شاه بوده، هم شهرتی در روابط ویژه با امیر عباس هویدا داشته و هم در محافل طاغوتی آن زمان به عنوان «ژیکولوی درباری» شناخته می شده است. کتاب خاطرات آخرین سفیر شاه در لندن اواخر سال ۱۹۸۳ میلادی به زبان انگلیسی در لندن به چاپ رسیده و سپس به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده است. با مطالعه این کتاب ضمن آشنایی با موضع گیری های عنادآمیز نویسنده در برخورد با روند انقلاب اسلامی، به نکات فراوانی می توان دست یافت که جزا از مفاسد دوران ستمشاهی حکایت نمی کند. راجی که از خرداد ۱۳۵۵ تا بهمن ۱۳۵۷ به عنوان سفیر شاه در لندن خدمت می کرده، خاطرات خود را به صورت یادداشت روزانه در کتاب آورده است که البته تمام روزهای دوران سفارتش را در بر نمی گیرد. راجی بر بازگویی خاطرات خود، گزارشی هم می دهد از حال و اوضاع سفارت ایران در لندن در آخرین روزهای حکومت پهلوی. پرویز راجی در اواخر دی ماه ۱۳۵۷ در اقدام نمایشی توسط وزیر امور خارجه دولت شاپور بختیار از لندن فراخوانده می شود. خدمتگزار تخت طاووس را انتشارات اطلاعات روانه بازار کتاب کرده است.

کاخ تنهایی

ثریا اسفندیاری همسر دوم محمد رضا پهلوی در کتاب «کاخ تنهایی» به بیان ماجرای زندگی اش، خاصه در دوران حضور در ایران و دربار شاهنشاهی می پردازد و در پس این روایت، خواهی نخواهی پرده از بسیاری روابط برقرار در دربار برمی دارد. در بخشی از این کتاب

است. اگر چه دیدگاه‌های او درباره علل بروز انقلاب نمی‌تواند به عنوان یک اظهار نظر کاملاً صحیح پذیرفته شود، ولی مطالعه آنچه راجع به اوضاع داخلی دربار و اترقیام مردم بر ارکان رژیم شاه آورده، غیر از افشاگری در باب پوسیدگی بساط سلطنت، حداقل از این نظر حائز اهمیت است که نشان می‌دهد کارگزاران رژیم پهلوی نیز به مردم حق می‌دادند تا علیه سیستم حاکم بر کشور دست به قیام بزنند.

خاطرات صمیمی از دوران مسئولیتش در سفارت ایران در سوئیس از این لحاظ مهم است که شاه سابق ایران و همراهانش هر سال مدتی را به بهانه سپری کردن تعطیلات زمستانی در سوئیس می‌گذرانده‌اند.

انتشارات اطلاعات کتاب پشت پرده تخت طاووس را با ترجمه دکتر حسین ابوترابی‌ان روانه بازار نشر کرده است.

دختری از ایران

«دختری از ایران» مشتمل بر خاطرات ستاره فرمانفرمایان است که به قلم خود او و دونا مانکر به رشته تحریر درآمده. ستاره فرمانفرمایان که از او به عنوان مادر مددکاری اجتماعی در ایران نیز یاد می‌شود در مقدمه این کتاب آورده است: «من دختر شازده عبدالحسین فرمانفرما، مردی متمول و قدرتمند که در فاصله سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۹ در یک حرمسرای زنانه ایرانی واقع در مجموعه‌ای بزرگ در میان مادران متعدد و بیش از ۳۰ خواهر و برادر و ده‌ها خدمتکار بزرگ شده‌ام.»

بازگویی صریح، شیرین و سالم تاریخ معاصر ایران در خاطرات ستاره فرمانفرمایان به ویژه برای جوانان که نوشته‌های کمتری در این باب می‌بینند که بی‌طرف و راستگو باشد، بسیار غنیمت است. گویی مادر بزرگی قصه زندگی خود را می‌گوید که اشاره‌های آن به نوعی قصه زندگی همه ما شده است. کتاب در عین حال ارزش‌های یک متن ادبی نیز خالی نیست و می‌توان آن را به دیده خاطراتی بافت رمان نگاه کرد. در بخش‌هایی کتاب نویسنده در تحلیلی از انقلاب و گروگان‌گیری، به درستی تشخیص داده است که آن حادثه تاریخی انقلاب، واکنش خون دلی بوده که مردم از توطئه آمریکا در ۲۸ مرداد و دیکتاتوری ۲۵ ساله شاه خورده‌اند. همچنین کتاب درباره نصرت‌الدوله فیروز، حوادث

به نقل از اسفندیاری می‌خوانیم: «نمی‌توانم بگویم که محمدرضا خیلی بذله‌گو و خوش اخلاق بود. در حالی که دوست داشت درباره دیگران با قاطعیت قضاوت کند از کوچکترین ایرادگیری نسبت به شخص خودش بیزار بود. او که به تملق‌گویی درباریان عادت کرده بود کمترین انتقادی را تحمل نمی‌کرد، چهره در هم می‌رفت، چشم‌هایش تعیین می‌شد و لب‌هایش را به هم می‌فشرد و اطرافیانش را می‌ترساند، حتی خواهرش اشرف را که دوست داشت سر به سر او بگذارد.» خاطرات او از مقاطعی خاص به خصوص دوران ملی شدن صنعت نفت، کوتادی ناگام ۲۵ مرداد، فرار چند روزه شاه از ایران و سقوط مصدق در مرداد ۱۳۳۲ نیز خواندنی است. در بخش دیگری از کتاب آمده است: «پس از لحظه‌ای تردید در حالی که صدایم از شدت هیجان دورگه شده بود حرف آخر را زدم: فقط کودتا علیه مصدق می‌تواند کشور را نجات دهد. شاه با حیرت گفت: غیرممکن است. تا حالا دیده شده که شاهی علیه نخست وزیر خودش توطئه کند؟ مدتی طولانی در سکوت نگاهم کرد. سیگار در وسط انگشتانش می‌لرزید. ناگهان سیگارش را با حرکتی مصمم در زیر سیگاری خرد کرد و با لحن قاطع گفت: تنها یک مرد در ایران می‌تواند برای سرنگون کردن شیرپیر به من کمک کند، سرتیپ فضل‌الله زاهدی.»

بخش‌های پایانی این کتاب جدایی ثریا از شاه و زندگی شخصی و ورودش به عالم سینما اختصاص دارد که به لحاظ تاریخی حائز اهمیت چندانی نیست. «کاخ تنهایی» و انتشارات زریاب منتشر کرده است.

پشت پرده تخت طاووس

مینو صمیمی دختر صادق صمیمی رئیس اسبق موزه ایران باستان است و در رژیم گذشته به عنوان منشی سفارت ایران در سوئیس، سرپرست روابط عمومی سازمان ملی حمایت از کودکان و در نهایت، منشی امور بین الملل دفتر فرح دیبا مشغول به فعالیت بوده است. صمیمی در کتاب «پشت پرده تخت طاووس» ضمن شرح مفصلی از دوران خدمت خود در تشکیلات فرح اعم از دفتر مخصوص او و سازمان حمایت از کودکان، یک یک معایب و نابسامانی‌های موجود در دربار را نیز برمی‌شمارد و به تحلیل مسائلی می‌پردازد که به زعم وی، دلایل قیام مردم و پیروزی انقلاب اسلامی بوده

پس از ۱۵ خرداد ۴۲ و دوران مرحوم دکتر مصدق اشارات جالبی دارد که در حد خود می‌تواند سند تازه‌ای در بیان تاریخ شناخته شود. کتاب دختری از ایران را نشر کارنگ منتشر کرده است.

خاطرات شعبان جعفری

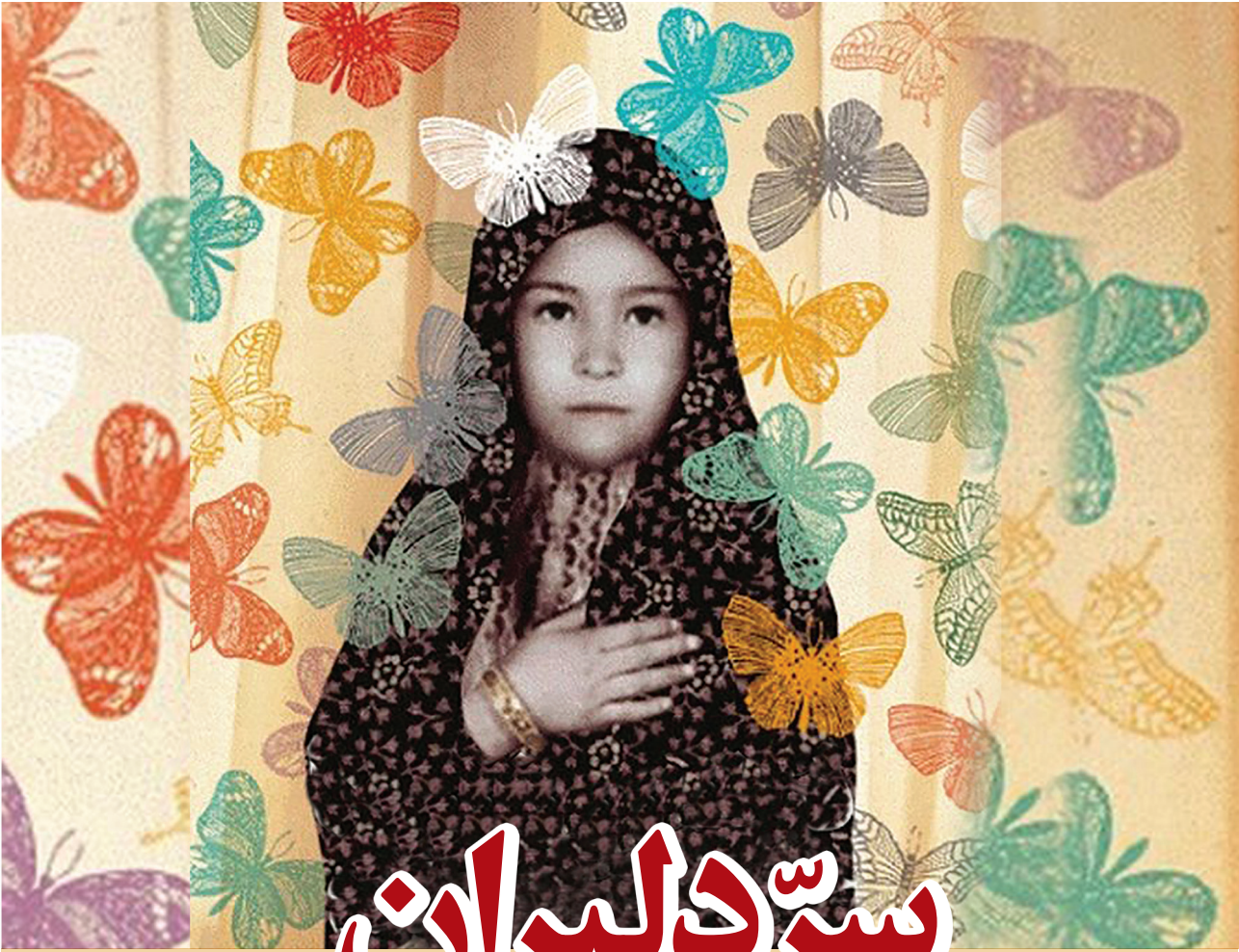
شعبان جعفری معروف به شعبان بی‌مخ نامی آشنا در تاریخ ایران و دوره پهلوی است. وی از جمله افراد طبقه فرو دست جامعه ایرانی بود که دست روزگار او را گرفت و برکشید و هم صحبت و همنشین طبقه فرادست یا حکومتگران کرد. او در مقام نوکری شاه چه کارها که نکرد و چه پستی‌هایی که از خود بروز نداد. سوار بر خودرو در خانه مصدق را شکست، عصر روز ۲۸ مرداد سرکردگی دسته‌های مختلف اراذل و اوباش را به دستور سپهبد زاهدی بر عهده گرفت و دکتر حسین فاطمی را که گرفتار دست پلیس شده بود و قدرت هیچ گونه دفاعی از خود نداشت را آماج حملات بی‌رحمانه قرار داد. کتاب خاطرات شعبان جعفری حاصل گفت و گوی ۸۰ ساعته هما سرشار با او در سال‌های آخر عمرش در لس آنجلس است. خاطرات جعفری در عین حالی که مانند خاطرات افراد دیگر مشحون از خودستایی است و سعی در تیره خود و مقصر دانستن دیگران در شکست‌ها دارد، در عین حال، واقعیت‌هایی را در دل خود جای داده که بی‌شک ارزشمند و مفید است. نکته جالب توجه اینکه، شعبان جعفری هم که به بی‌مخ بودن شهره بوده است، ادعا می‌کند که در دو سه سال آخر عمر رژیم پهلوی فهمیده بوده

من و خاندان پهلوی

احمد علی مسعود انصاری از جمله یاران و نزدیکان دربار شاه بوده و در دوران آوارگی خاندان پهلوی نیز همواره با آنها همراهی داشته است و به عنوان یکی از اعضای خانواده فرح و یار صمیمی رضا پهلوی، پیوسته از آنچه در بدن دربار پهلوی می‌گذشته با خبر بوده است. وقتی چنین فرد آگاه به مسائل پشت پرده دست به قلم می‌برد، نوشته‌هایش برای آشنایی با آنچه از دید مردم عادی پنهان بوده است، ارزش فراوانی خواهد داشت. انصاری فصلی از کتابش را نیز به روزهای تبعید و آوارگی شاه و همراهی با او اختصاص داده است. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «در مرکز یک یکبار صحبت (انور) سادات پیش آمد و صحبت از گذشته‌ها شد. شاه می‌گفت اگر خاندان پهلوی نبود شما هم نبودید و این همه کار برای ایران در دوران پهلوی انجام شده است. شاه یکبار از من پرسید: به نظرت در ایران درباره سادات چه می‌گویند؟ و من جواب دادم: در ایران منفورترین آدم بعد از شما سادات است. که دیدم همه می‌خندند و شاه سرخ شد اما چون می‌دانست من قصد بدی ندارم و فقط از سربو توجهی چنین گفتم با وجود عصبانیت حرفی نزد.» کتاب «من و خاندان پهلوی» توسط نشر زریاب به بازار کتاب عرضه شده است.

... باید واقعیت‌ها را نیز بپذیریم. در هر کجای دیگر دنیا، حکومت‌های سلطنتی از هر نوعش، به خصوص از نوع موروثی‌اش، در حال افول است. به عبارت دیگر حکومت پادشاهان با عقل و منطق جور در نمی‌آید؛ به چه دلیل پسر بزرگ یک پادشاه فقط به دلیل زمان تولدش، باید سرنوشت یک ملت را در دست بگیرد؟ اگر به منظور آیین و تشریفات و قانون اساسی باشد، حرفی است، اما وقتی که پادشاه تمام اداره امور کشور را در دست می‌گیرد، حرف دیگری است. اما در ایران ما راه و چاره دیگری نداریم؛ پادشاهی که بپذیرد فقط نقش نمادین اجرا کند، حکم مرگ خودش را امضا کرده است. نمونه‌اش سرنوشت احمد شاه و سلسله قاجار است. ...

گفتگوهای من با شاه (خاطرات محرمانه امیر اسدالله علم)، ص ۲۳۶



سر دلبران

نگاهی به کتاب دختر شینا
خاطرات همسر سردار شهید ستار ابراهیمی

همسران شهدای دفاع مقدس سهمی به سزا و قابل اعتنا را در آفرینش و ماندگاری این حماسه دارند و قرب و منزلت آنها بر کسی پوشیده نیست. این اسوه‌های صبر و مقاومت، اجری مضاعف دارند که هم، جای خالی همسران شان را در موسم حضور در جبهه، در خانه پر کرده‌اند و همه امور را مدیریت؛ و هم در پس از شهادت، به شکل توأمان پدر و مادر بوده‌اند برای یادگاران شهید. اتفاقاً همسران شهدا پس از شهادت شوهران شان باری مضاعف را بر دوش کشیده‌اند، زینب وار؛ که هم با خلای وجود یار دست به گریبان بوده‌اند و هم به تنهایی و با وجود سن و سال اغلب کم، مدیریت و سرپرستی یک زندگی را به عهده گرفته‌اند. الحق و انصاف که این شیر زنان در هر دو جبهه سر بلند بوده‌اند و فرزندان را تقدیم جامعه کرده‌اند، همه تحصیل کرده و مثمرتر.



محسن محمدی

از کودکی تا ازدواج

بخش‌های ابتدایی کتاب معطوف به دوران کودکی و نوجوانی راوی است، آنجا که می‌گوید در یکی از روستاهای رزن همدان به دنیا آمده و چون تولدش مقارن شده با رهایی پدرش از بند بیماری، آمدنش را به فال نیک گرفته‌اند و قدم خیر نامش نهاده‌اند. قدم خیر آخرین فرزند خانواده است و سخت مورد توجه و محبت پدر و مادر. ایام به کام می‌گذرد تا نوبت به آشنایی و عاشقی می‌رسد. «سرظهر بود و داشتم از پله‌های بلند و زیادی که از ایوان شروع می‌شد و به حیات ختم می‌شد، پایین می‌آمدم که یک دفعه پسر جوانی رو به رویم ظاهر شد. جا خوردم. زبانم بند آمد. برای چند لحظه کوتاه نگاه مان به هم گره خورد. پسر سرش را پایین انداخت و سلام داد. صدای قلبم را می‌شنیدم که داشت از سینهام بیرون می‌زد.» (۲)

جوانان از راه رسیده از اقوام دور پدری است و سخت دلبسته قدم خیر. آنقدر می‌رود و می‌آید و واسطه می‌تراشد تا بالاخره رضایت دختر و پدر را می‌گیرد. نامزد می‌شوند و عاشق جوان برای همسر آینده اش سنگ تمام می‌گذارد.

«در چمدان را باز کردیم. عکس بزرگی از خودش را چسبانده بود. توی در داخلی چمدان و دور تا دورش را چسب کاری کرده بود. چمدان پر از لباس و پارچه بود. لا به لای لباس‌ها هم چند صابون عطری عروس گذاشته بود تا همه چیز بوی خوب بگیرد. لباس‌ها هم با سلیقه تمام تا شده بود. خدیجه سر شوخی را باز کرد و گفت: کوفت بشود قدم، خوش به حالت. چقدر دوست دارد.» (۳)

ستار جوان در تهران کار می‌کند و مشارکتی فعال دارد در مبارزات منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی.

«یکبار هم یکی از هم‌روستایی‌ها خبر آورد ستار با عده ای دیگر به یکی از پادگان‌های تهران رفته‌اند و اسلحه تهیه کرده‌اند و شبانه آورده‌اند رزن و آن را داده‌اند به شیخ محمد شریفی.» (۴)

ازدواج سری می‌گیرد و عاشق و معشوق زیر یک سقف می‌روند. چیزی نمی‌گذرد که ستار به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌پیوندد. «یک روز آمد و گفت: مژده بده قدم، پاسدار شدم. گفتم که سر باز امام می‌شوم.» (۵)

و با شروع جنگ تحمیلی پایش به جبهه‌ها باز می‌شود، به شکل مستمر و پیاپی. قدم خیر ستار را خیلی کم می‌بیند، چرا که مردش بیشتر اوقات در جبهه است و هر از گاهی به خانه سر می‌زند. با این

هریک از همسران شهدا قصه‌ای دارند بس شنیدنی و خواندنی، چه از روزهایی که عزیز خود را برای دفاع از کبان و ناموس اسلام و ایران راهی جبهه‌ها می‌کردند و در نبودشان عهده دار زندگی می‌شدند و چه از ایامی حزن انگیزی که در فراق یار می‌سوختند و یادگاران عشق را سرپرستی می‌کردند تا بزرگ شوند و یاد جای پای پدران خود بگذارند. تا به امروز کتاب‌های متعددی به نگارش درآمده مبتنی بر خاطرات همسران شهدا. یکی از این کتاب‌ها که به چاپ‌های متعدد رسیده و با استقبال کم نظیر علاقه‌مندان ادبیات دفاع مقدس مواجه شده، «دختر شینا» است؛ خاطرات قدم خیر محمدی کنگان همسر سردار شهید حاج ستار ابراهیمی هژیر فرمانده گردان ۱۵۵ لشکر انصارالحسین (ع) که در سال ۱۳۶۵ و در جریان عملیات کربلای ۵ در شلمچه به درجه رفیع شهادت نائل آمده.

از دل برآمده و بردل نشسته

یکی از نقاط قوت و تمایز «دختر شینا» لحن صادقانه و صمیمانه خانم محمدی کنگان در بیان داستان زندگی شخصی و خانوادگی و خاطرات با همسر شهیدش است. این لحن صادقانه باعث شده تا به تعبیر «سخن کردل برآید لاجرم بردل نشیند» گفته‌های بازگو شده در کتاب بردل و جان مخاطب بنشیند و خواننده با آن ارتباطی صمیمانه برقرار کند. همسر شهید چنان صمیمانه از زندگی مشترک و احساسات برقرار با همسرش سخن گفته و برای خاطره نگار کتاب در قالب جملاتی زیبا و ساده بازگو کرده، که این صمیمیت به خواننده هم منتقل می‌شود و حال خوشی را در پی مطالعه این خاطرات فراهم می‌آورد. نکته حائز اهمیت دیگر، حافظه فعال و خلاق خانوم محمدی کنگان و به یاد آوردن و بیان جزئیات است. «دختر شینا» حاوی مطالب کلی نیست، بلکه دربرگیرنده جزئیات زندگی و لحظات احساسی و روابط عاشقانه میان شهید ابراهیمی و همسرش نیز هست. این جزئیات در قالب جملاتی زیبا و پراحساس به رشته تحریر درآمده است.

«شب‌ها وقتی ستاره‌ها همه آسمان را پر می‌کردند، بچه‌ها یکی یکی از روی پشت بام‌ها می‌دویدند و به خانه‌هایشان می‌رفتند اما من می‌نشستم و با اسباب بازی‌ها و عروسک‌هایم بازی می‌کردم. گاهی که خسته می‌شدم، دراز می‌کشیدم و به ستاره‌های نقره‌ای که از توی آسمان به من چشمک می‌زدند نگاه می‌کردم.» (۱)

می پردازد. آنها که حالا صاحب پنج فرزند شده اند در یک خانه کوچک در شهر همدان مستقر هستند و به سختی روزگاری می گذرانند. «بعد از ظهر بود که نفت به شعله آمد. یک ساعت بعد نوبتم شد... یکی از پیت ها را توی شعبه گذاشتم و آن یکی را با هزار مکافات دو دستی بلند کردم و هن هن کنان راه افتادم طرف خانه. اولش هر ده بیست قدم یکبار پیت نفت را زمین می گذاشتم و نفس تازه می کردم اما آخرهای کار هر پنج قدم می ایستادم. انگشت هایم که بی حس شده بود را ماساژی می دادم و دستم را کاسه می کردم جلوی دهانم. ها می کردم تا گرم شوم.» (۷)

زنی ۲۴ ساله باید علاوه بر رسیدگی و ترو خشک کردن پنج بچه کوچک و قد و نیم قد به تنهایی امور زندگی را مدیریت کند و در عین حال، چشم به در داشته باشد تا مگر شوهر بازگردد. شوهری که وقتی در خانه حضور دارد هم فکر و ذکرش در جبهه هاست و به یاد کودکانی که پدران خود را از دست داده اند.

«گفتم عصر برویم بیرون؟ با تعجب پرسید: کجا؟! گفتم: نزدیک عید است، می خواهم برای بچه ها لباس نو بخرم. یک دفعه دیدم رنگ از صورتش پرید. لب هایش سفید شد. گفت: چی؟ لباس عید؟! من بیشتر از او تعجب کرده بودم. گفتم: حرف بدی زدم؟! گفت: یعنی من دست بچه هایم را بگیرم و ببرم لباس نو بخرم. آن وقت جواب بچه های شهدا را چی بدهم؟ یعنی از روی بچه های شهدا خجالت نمی کشم؟!» (۸) جالب آن که با وجود همه مشکلات نه تنها علاقه میان این زوج کمرنگ نمی شود و رنگ و بوی عادت و یکنواختی به خود نمی گیرد که قضا را ببین، به مرور زمان به عشقی آتشین تبدیل می شود که جدایی ها را سخت و سخت تری می کند و همسر شهید چقدر خوب و صادقانه به بیان این دلتنگی های عاشقانه پرداخته است. و می گذرد تا می رسد به دیدار آخر.

«توی راه پله یک لحظه تنها ماندیم. صورتش را جلو آورد و پیشانی ام را بوسید و گفت: قدم، حلالم کن. این چند سال جز زحمت چیزی برایت نداشتم. تا آدم چیزی بگویم دیدم رفته. نشستیم روی پله ها و رفتیم توی فکر.» (۹)

وداع واپسین

فصل نوزدهم و آخر کتاب «دختر شینا» به بیان خاطرات خانم محمدی کنعان درباره چگونگی شهادت همسرش و کیفیت اطلاع از

وجود، کانون زندگی شان سخت گرم است و مناسبات و مراودات شان عاشقانه، همسر شهید صادقانه از این عشق می گوید که به مرور شکل گرفته و جاودان شده است.

«گفتم: تو اصلاً خانواده ات را دوست نداری. سرش را برگرداند. چیزی نگفت. لنگان لنگان رفت گوشه هال نشست و گفت: حق داری، آن چه باید برای تان می کردم نکردم اما به خدا همیشه دوستان داشته دارم. گفتم: نه، تو جبهه و امام را بیشتر از ما دوست داری. از دستم کلافه شده بود. گفت: قدم، امروز چرا اینطوری شدی؟ چرا سر به سرم می گذاری؟! یک دفعه از دهانم پرید و گفتم: چون دوستت دارم. این اولین باری بود که این حرف را می زدم. دیدم سرش را گذاشت روی زانوش و های های گریه کرد.» (۶)

روایتی ساده و تخت

«دختر شینا» دارای سبکی تخت و ساده در روایت است. بهناز ضرابی زاده در مقام خاطره نگار این کتاب، خط سیری ساده و تخت را برای روایت خاطرات همسر شهید برگزیده است و اتفاقات را به ترتیب و بر اساس زمان رخ داده بیان می کند و اصراری به پس و پیش کردن حوادث و رخ داده ها ندارد. رویکردی که البته در کنار مزایایی که دارد چندان بی نقص هم نیست. به نظر می رسد بازی با وقایع و اعمال خلایق در روایت و چیدمان آنها بر اساس اهمیت (مثلاً شهادت یا مجروحیت شهید) یا به شکل معکوس می توانست بر جذابیت کار بیفزاید و مخاطب را بیشتر درگیر کتاب و تحریصش کند به پیگیری هر چه مجدانه تر. با این حال، خاطرات بازگو شده در «دختر شینا» آنقدر جذاب است که روایت ساده و تختش هم برای هر مخاطبی خواندنی و دلنشین به نظر می رسد. عنوانی که برای کتاب در نظر گرفته شده هم یکی دیگر از مزیت های محسوب می شود. خاطرات خانم محمدی کنعان با توجه به نام مادرشان که شینا است، «دختر شینا» نامگذاری شده؛ عنوانی که علاوه بر زیبایی ظاهری و کلامی، برای خواننده هم جذاب و کنجکاو برانگیز است.

دلتنگی های مضاعف یک زن ۲۴ ساله

فصول میانی کتاب متمرکز است بر حضور پیرنگ شهید ابراهیمی در جبهه و مجروحیت های متعدد. همسر شهید در این بخش از کتاب به گوشه ای از مشکلات گذران زندگی در نبود شوهر محبوبش

زندگی بستند و از حقوق حقه خود چشم پوشی کردند تا پرچم آزادی و سرافرازی بر زمین نماند.

کتاب حاوی خاطرات شیرینی است که دختر شینا بود و همسر ستار و مادر مهدی و خدیجه و معصومه و زهرا و سمیه. زنی آسمانی که پس از شهادت همسر، کودکانش را به ثمر رساند و با فراغ بال و خیالی آسوده به مرد محبوبش ملحق شد. خانم قدم خیر محمدی کنعان سال ۸۸ به سردار شهید حاج ستار ابراهیمی هژیری پیوندد.

پی نوشت ها:

- ۱- دختر شینا، ضرابی زاده بهناز، انتشارات سوره مهر، ص ۱۶
- ۲- ص ۲۱
- ۳- ص ۳۳
- ۴- ص ۷۸
- ۵- ص ۸۹
- ۶- ص ۱۶۴
- ۷- ص ۱۳۷
- ۸- ص ۱۴۳
- ۹- ص ۲۳۵
- ۱۰- ص ۲۴۴
- ۱۱- ص ۲۴۸

آن اختصاص دارد. اتفاقی که جزئیاتش به خوبی از سوی راوی بیان و به زیبایی توسط خاطره نگار روی کاغذ پیاده و پرداخته شده است. «به خانه که رسیدم دیدم پدر شوهر و برادرم نشسته اند توی هال و قرآنی را که روی تاقچه بود برداشته اند و دارن وصیت نامه ستار را می خوانند. پدر شوهرم تا مرادید وصیت نامه را تا کرد و لای قرآن گذاشت و گفت: خواب مان نمی آمد آمدیم کمی قرآن بخوانیم. لب گزیدم. از کارشان لجم گرفته بود. گفتم: چی را از من پنهان می کنید؟ این که صمد شهید شده؟ قرآن را از پدر شوهرم گرفتم و روی سینه ام گذاشتم و گفتم: صمد شهید شده، می دانم.» (۱۰) و لحظات وداع و افسین که به شدت خواننده را به لحاظ احساسی با خود درگیر می کند.

«کنارش نشستم. یک گلوله خورده بود روی گونه سمت چپش. بقیه بدنش سالم سالم بود. می خندید و دندان های سفیدش برق میزد... کاش کسی نبود. کاش این جمعیت گریان و سیاهپوش دور و برمان نبودند. دلم می خواست خم شوم و به یاد آخرین دیدارمان پیشانی اش را ببوسم. زیر لب گفتم: خدا حافظ. همین» (۱۱)

حکایت دلدادگی و ایثار

«دختر شینا» حکایت دلدادگی و ایثار است. داستان دریادلانی که از خود گذشتند تا دیگران بمانند. قصه کسانی که چشم بر



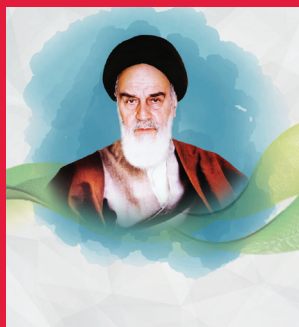
پرسمان



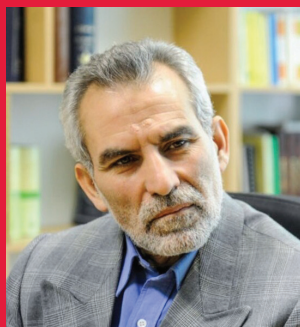
۸۰
صدام به دنبال صلح و دوستی نبود



۷۶
دخالت و جدایی خواهی



۸۶
دعوت به برادری



۸۲
جدایی خوزستان از ایران؛ رویای صدام

دخالت و جدایی خواهی

پاسخ رژیم بعث به پیام دوستی ایران



ابوالفضل صالحی

و صدام تلاش کرد تا مانع از تثبیت انقلاب اسلامی در ایران شود. تحمیل یک جنگ تمام عیار به ملت ایران نیز در راستای همین سیاست برشمرده می شود.

برخی ادعا می کنند که امام خمینی (ره) با پیش بینی از این روند باید با اعزام هیات های صلح به کشورهای همسایه از وقوع جنگ جلوگیری می کردند. امام از ابتدای پیروزی انقلاب در سخنرانی های متعدد به ماهیت انقلاب اسلامی مبنی بر صلح و دوستی با دولت ها و ملت های مسلمان تاکید و در سخنرانی های خود این پیام را به کشورهای

انقلاب اسلامی مردم ایران مرزبندی های شرق و غرب را جابجا کرد. ایران تا پیش از پیروزی انقلاب جزو بلوک غرب بود و مورد حمایت آمریکا در برابر شوروی و بلوک شرق قرار داشت. با پیروزی انقلاب، ایران از بلوک غرب جدا شد و به بلوک شرق هم نپیوست. آمریکا که بسیاری از منافع خود را توسط ایران تامین می کرد، نسبت به این اتفاق خشمگین شد و نتوانست نسبت به انقلاب اسلامی مردم ایران بی تفاوت باشد. از این رو به عقیده بسیاری از تحلیل گران و پژوهشگران، آمریکا با حمایت از سلطنت طلبان، گروهک های تجزیه طلب

تلاش برای تجزیه خوزستان پیش از جنگ

یکی دو هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی و همزمان با آغاز غائله کردستان، غائله‌ای دیگر در جنوب کشور و در استان خوزستان به راه افتاد که عامل آن جریان خلق عرب با پشتیبانی مالی، سیاسی، تسلیحاتی و آموزشی رژیم بعث عراق (صدام) بود. این جریان با حمایت عراق به دنبال خودمختاری و در نتیجه تجزیه ایران و جداسازی استان خوزستان بود.

در خصوص علت حمایت صدام از خلق عرب ۲ تحلیل ارائه شده است؛ تحلیل نخست این است که رژیم بعث عراق چون قصد داشت به ایران حمله کند، اقدامات و خرابکاری‌هایی همچون انفجارهای متعدد توسط عوامل خود در استان خوزستان انجام داد تا با ایجاد ناامنی و آشوب و مشغول ساختن مسئولان کشور به این غائله، قوای داخلی ایران را در برابر حمله آتی خود ضعیف کند. تحلیل دوم نیز این است که صدام به دنبال این بود تا با حمایت از خلق عرب در خوزستان، شورش در این استان به راه بیندازد تا خلق عرب از صدام بخواهند در حمایت از آنان وارد عمل شود و در نتیجه عراق با یک عملیات رسانه‌ای و با جلب حمایت کشورهای عربی و به بهانه کمک به عرب‌های ایران به مرزهای ایران حمله کند. شواهدی این ادعا را تأیید می‌کند که صدام از ابتدا به دنبال حمله به ایران بود و رژیم بعث عراق بدین منظور آماده شده بود. در خاطرات محسن رضایی (فرمانده وقت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) آمده است که در سال ۵۸ یک روز آقای شمخانی و آقای فرهنگد موقع بازگشت از شهرستان دو جوان را سوار می‌کنند و از زبان آن‌ها می‌شنوند که عراقی‌ها به آن‌ها گفته‌اند که «اگر شما بتوانید نیروهای نظامی ایران را از سوسنگرد بیرون کنید، ما تا احوال حمیدیه پیشروی می‌کنیم و اگر حمیدیه را بگیرید، ما تا احوال جلومی‌آییم.» همچنین افسران عراقی به افرادی که برای دوره آموزشی به پادگان‌های عراق می‌رفتند، گفته بودند: «ما برای آینده برنامه حمله نظامی داریم.»

صدام پس از فروکش کردن غائله خلق عرب در رأس مثلث کودتای نقاب (تیرماه ۵۹) قرار گرفت که در دو رأس دیگر آن بختیار (آخرین نخست‌وزیر رژیم شاهنشاهی) و عوامل داخلی کودتا بودند. یک بخش از کودتا قرار بود در استان خوزستان و با هدف تجزیه ایران اجرا بشود؛ اما با خنثی شدن کودتا توسط عوامل نظامی و امنیتی

منطقه مخابره فرمودند. اما موضوعی که در این بین نادیده گرفته می‌شود، دلیل مداخلات صدام و حامیانش به طور خاص آمریکا است. تنها یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروهک‌های کومله و دموکرات در کردستان اقدام به تسخیر پادگان‌های نظامی ارتش کردند. مدتی بعد نیز چند غائله در گوشه‌هایی از کشور به وجود آمد که در غائله خلق عرب، دست صدام و عراق پیدا و آشکار بود. ضمن اینکه صدام در جهت سرکوب شیعیان عراق، اقدام به کشتن آیت‌الله صدر و خواهرش کرد که این اقدام خشم بسیاری از مسلمانان به خصوص شیعیان را برانگیخت. علما، مراجع تقلید و شخصیت‌ها از جمله امام خمینی (ره) به این اقدام صدام واکنش نشان دادند.

این مداخلات و خرابکاری‌ها در حالی انجام گرفت که امام خمینی (ره) از نخستین روزهای پیروزی انقلاب پیام صلح و دوستی خود را به کشورهای منطقه ارسال کردند. هدف آمریکا از انجام مداخلات، بازیابی منافع از دست رفته‌اش بود؛ منافعی که متعلق به مردم ایران بود و مردم ایران باید درباره آن تصمیم می‌گرفتند و از آن بهره می‌بردند. کشورهای عربی نیز اگر با صدام و آمریکا همراهی کردند، به دلیل ترس از انقلاب اسلامی نبود، آنان ناچار بودند مطابق میل آمریکا حرکت کنند، چرا که امنیت و قدرت خود را از آن‌ها قرض گرفته بودند. قدرت و امنیت در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مردم پایه نیست و عاریه‌ای است. وقتی حاکمان این کشورها با ملت‌هایشان ارتباطی نداشته باشند، در نتیجه باید طبق خواست و دستور کسانی عمل کنند که امنیت را از آنان می‌خرند. وضعیت کشورهای عربی از ابتدای پیروزی انقلاب تا کنون بدین صورت بوده و بهترین تعبیر را ترامپ رئیس‌جمهور سابق آمریکا در مورد این کشورها به کار برد؛ مبنی بر اینکه این‌ها گاو شیرده هستند. بنابراین آن کسانی که باید مورد بازخواست قرار بگیرند، آمریکا، صدام و حامیان آنان هستند که چرا با وجود ارسال پیام صلح و دوستی از سوی ایران، اقدام به مداخله، خرابکاری، کودتا، به پا کردن غائله و تحمیل جنگ به مردم ایران کردند؟ در این گزارش تلاش شده است به طور نمونه به چند مداخله مستقیم صدام در امور داخلی ایران پیش از آغاز جنگ تحمیلی پرداخته شود.

جهان آرا آن‌ها پمپ بنزین خیابان فردوسی را به آتش کشیدند، خیابان مولوی را بستند، طرف مرز شلمچه، دویا سه انبار مخابرات را به آتش کشیدند و تعدادی خانه و مغازه را هم غارت کردند.

البته درگیری‌های روز ۹ خرداد در خرمشهر و روزهای قبل و بعد از آن تمام اقدامات خلق عرب در خوزستان نبود و خرابکاری‌های دیگری هم در خرمشهر و در دیگر شهرها و مناطق خوزستان انجام گرفت. بیش از ۱۲ مورد بمب‌گذاری در مراکز پرجمعیت خرمشهر، آبادان و اهواز و انفجار مداوم لوله‌های نفت از مهمترین اقدامات ضد امنیتی خلق عرب در خوزستان بود. انفجار قطار مسافربری در نزدیکی خرمشهر که سه واگن آن به طور کامل در آتش سوخت هم از دیگر اقدامات خلق عرب است. در پی این حادثه مسافرانی که در آن ۳ واگن بودند، سوختند و جان خود را از دست دادند. مخالفان نظام در خوزستان که عنوان «خلق عرب» را برای خود انتخاب کرده بودند، هواداران خود را در خرمشهر و در دیگر شهرها

ایران، بار دیگر صدام در تحقق اهداف خود ناکام ماند و در نتیجه در روز ۳۱ شهریور سال ۵۹ و پس از به راه انداختن جنگ‌هایی نامنظم علیه ایران، جنگی گسترده را علیه ایران آغاز کرد.

کشتار و انفجار در خرمشهر

جریان خلق عرب که توسط عراق مسلح شده بود، در راستای جدایی خوزستان از ایران، روز ۳۱ اردیبهشت سال ۵۸ را آخرین مهلت تعیین شده برای تخلیه ساختمان‌های دولتی اعلام کرد. از همین زمان درگیری‌های مسلحانه بین خلق عرب و نیروهای مردمی، سپاهی و کمیته آغاز شد که اوج آن درگیری‌ها در روز ۹ خرداد بود. درگیری‌ها از ساعت ۴ صبح آغاز شد. ابتدا یک ماشین سفید رنگ به سمت مسجد جامع خرمشهر رفت و پس از شلیک چند تیر و پرتاب کوکتل مولوتف متواری شد. سپس عوامل خلق عرب وارد شهر شدند و اقدام به سنگربندی کردند. طبق گفته شهید محمد



دهند. کنسولگری عراق در خرمشهر و مدرسه عراقی‌ها در این شهر نیز به کانون مخالفان و ستاد خلق عرب تبدیل شده بود. ناخدا هوشنگ صمدی از فرماندهان وقت نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در جنوب کشور در گفتگو با حسین دهباشی گفته است: «در خرمشهر دو ساختمان وابسته به عراق وجود داشت؛ یکی مدرسه عراقی‌ها و دیگری مربوط به کنسولگری عراق. این ساختمان‌ها تبدیل به ستاد خلق عرب شده بود و برای شان از مرز عراق پول، اسلحه و مهمات می‌آمد که نیروهای ارتش چند بار این محموله‌ها را گرفته بودند... در یادار مدنی دستور داد که تکاوران نیروی دریایی در یک حمله هردو ساختمان عراقی‌ها را بگیرند. از این ساختمان‌ها مقدار زیادی پول، پاسپورت و اسلحه به دست آمد.» در یادار احمد مدنی استاندار وقت خوزستان که البته فعالیت‌های او مورد اعتراض نیروهای انقلابی بود، هم در تاریخ ۱۵ اردیبهشت سال ۵۸ در نامه‌هایی به وزیر کشور به نقش عراق در جریان خلق عرب اشاره کرد و نوشت: «کنسول عراق در خرمشهر با بعضی از عناصر مشکوک محلی رابطه دارد... این مسلم شده که کنسول عراق در خرمشهر یکی از فعالان دستگاه جاسوسی است و در خرابکاری دست دارد. اخیراً نامبرده سفارش کرده است در نقاط مختلف خرمشهر، برای وی خانه اجاره کنند و اکنون خانه‌ها مهیا است. علاوه بر این گفته می‌شود که کارمندان حساس کنسولگری عراق از ۴ نفر به ۱۴ نفر که همه یا اغلب آن‌ها افسر می‌باشند، افزایش یافته است.»

مدنی در مورد مدرسه عراقی‌ها در خرمشهر هم نوشت: «مدرسه عراقی‌ها در خرمشهر نیز کانون جاسوسی است. مسئول مدرسه عراقی‌ها، ولید سامرای ریزن فرهنگی کنسولگری عراق می‌باشد که قبلاً مسئول جبهه‌التحریر خوزستان در عراق بوده است و فعالیت‌های خود را از بصره اداره می‌کرد و از جاسوسان شناخته شده می‌باشد.» صدام هم که تازه رئیس جمهور عراق شده بود، در نامه‌ای به شورای انقلاب اعتراف کرد که خرابکاران عراقی در خوزستان نقش داشته‌اند؛ البته او ادعا کرد که این اقدام به تلافی مداخله ایران در کردستان عراق بوده است؛ مداخله‌ای که پیش از انقلاب اسلامی و در دوران رژیم پهلوی انجام گرفت و ارتباطی با انقلاب اسلامی نداشت.

به خیابان‌ها آوردند و راهپیمایی مسلحانه کردند. آنان همچنین برخی از ادارات خوزستان همچون اداره کل آموزش و پرورش و دانشگاه اهواز را به اشغال خود درآوردند که توسط مردم و کارکنان آن ادارات به بیرون رانده شدند. خلق عربی‌ها دانشگاه اهواز را به هم ریختند و با کلاشینکف داخل دانشگاه سنگربندی کردند. جریان خلق عرب وقتی که داخل شهرها راه به جایی نبرد و با نیروهای مردمی و کمیته و سپاه رویه رو شد، به مرز رفت و در آنجا به پاسگاه‌های مرزی حمله کرد. به گفته شهید جهان‌آرا خلق عرب به پاسگاه‌های مرزی حمله کردند تا آن‌ها را خلع سلاح کنند، اما با مقاومت نیروهای ژاندارمری و سپاه مواجه شدند. از تعداد کشته‌شدگان غائله خلق عرب در خوزستان آمار دقیقی در دست نیست، اما در جریان درگیری‌ها روز ۹ خرداد حداقل ۴۰ نفر در خرمشهر کشته و تعداد بسیاری مجروح شدند.

حمایت صدام از غائله خلق عرب

جریان خلق عرب وابسته به حزب بعث عراق و صدام بود و عراق پشتیبانی‌های مالی، تسلیحاتی، آموزشی و... از این جریان می‌کرد. اساسی‌ترین اقدام رژیم بعث انتقال اسلحه به مرزهای ایران و توزیع آن بین عوامل خود و مخالفان نظام بود؛ به گونه‌ای که در شهرهای خرمشهر، سوسنگرد و... اسلحه‌های زیادی در دست مردم بود. توزیع اسلحه از سوی عراق گسترده و کامیونی بود. محسن رضایی در کتاب خاطرات خود عنوان کرده است: «در غرب کرخه و مرز مشترک ایران و عراق، پاسگاه‌های بجلیه و صدام وجود داشت که هر رئیس عشیره با دادن کپی شناسنامه افراد خود از کانتینر سوار بر تریلی سلاح و نارنجک می‌گرفت. برخی از رؤسای عشایر که طرفدار نظام و انقلاب بودند، سلاح‌ها را گرفته و به سپاه دزفول تحویل می‌دادند.»

عراق علاوه بر توزیع اسلحه بین مخالفان نظام و مردم خوزستان، به اعضای جریان خلق عرب آموزش نظامی هم می‌داد و برخی از گروه‌ها برای دوره آموزشی با پادگان‌های عراق ارتباط داشتند. حمایت مادی عراق از جریان خلق عرب نیز این گونه بود که استخبارات عراق به برخی از سران عشایر و عرب منطقه پول می‌داد تا اقدامات خرابکارانه در مناطق مختلف استان خوزستان انجام



صدام به دنبال صلح و دوستی نبود

یادداشت شفاهی حجت الاسلام والمسلمین سید حمید روحانی
رئیس بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی

و اسلامی دعوت کرد که با ایران همراه، همفکر و متحد شوند و علیه اسرائیل قیام بکنند. امام در سخنان خود چند بار این موضوع را مطرح کردند؛ اما معلوم بود که صدام از اسرائیل احساس خطر نمی کرد.

صدام و حزب بعث عراق به قدرت رسیدند تا خطر را از اسرائیل دور کنند. وقتی که خواستند اسرائیل را در سرزمین های اشغالی فلسطین به وجود بیاورند، احساس کردند بدون اینکه کشورهای اطراف فلسطین گماشتگان خودشان باشند، این امر امکان پذیر نیست. قبل از اینکه فلسطین را به اسرائیل بدهند، ابتدا کشورهای اطراف فلسطین را در اختیار مهره های وابسته به انگلیس قرار دادند. بعد از جنگ اول جهانی امپراطوری عثمانی تجزیه و به افرادی داده شد؛ به طور مثال عراق به ملک فیصل داده شد.

عبدالکریم قاسم اولین رئیس جمهور عراق که علیه ملک فیصل کودتا کرد، در خاطرات خود نگاشته است که وقتی فلسطین اشغال می شد، از عراق لشکری قوی برای

بعد از اینکه انقلاب پیروز شد، صدام احساس خطر کرد، کنار گوشش و در کشور همسایه اش، انقلاب اسلامی رخ داده بود. یعنی ها مخالف اسلام و حکومت مذهبی بودند، طبیعی بود که انقلاب اسلامی برای او جریانی خطرناک باشد و او نمی توانست در برابر این خطری تفاوت باشد. صدام احساس می کرد که انقلاب اسلامی در عراق اثر گذاشته است؛ چرا که بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در نجف، مردان و زنانی دست به تظاهرات زدند. صدام برای مقابله با انقلاب اسلامی در داخل اقداماتی انجام داد، صداها را خفه کرد و قلم ها را شکست. آیت الله صدر و خواهرش را به شهادت رساند تا نفس ها در سینه ها حبس شود و دیگر کسی جرئت اعتراض نداشته باشد. در خارج از مرزهای عراق هم معلوم بود که صدام باید جنگی علیه ایران راه بیندازد؛ به خصوص اینکه در آن مقطع تمامی دولت های مرتجع منطقه و استکبار جهانی از او حمایت کردند. امام پس از اینکه انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، در سخنرانی های خود از کشورهای عربی

امام ده‌ها سخنرانی دارد که کشورهای همسایه را دعوت به وحدت کرده‌اند، اما کسی به این موضوع اشاره نمی‌کند. این نکته را هم باید گفت که جنگ ایران و عراق، جنگ بین دو کشور نبود، بلکه در یک سو ایران و در سوی دیگر تقریباً تمام دنیا بودند. جنگ ایران و عراق، جنگ سوم جهانی بود و ملت ایران از این جنگ سربلند بیرون آمد. صدام به تنهایی جرئت حمله به ایران نداشت و همه قدرت‌ها پشت سرش ایستادند. ملت ایران در جنگ با دستان خالی اجازه نداد یک وجب از خاک کشورش جدا شود. ملت ایران به سلاح ایمان مجهز بود و با همین سلاح حماسه‌ها آفریدند و در برابر دشمنان ایستادگی کردند. آنانی که در دوران دفاع مقدس جنگیدند، کسانی بودند که ایمان داشتند.

امام به دنبال لشکرکشی و کشورگشایی نبود. این که امام می‌فرمودند انقلاب را باید صادر کرد، بدین معنا نیست که کشورگشایی انجام بگیرد. با ارتش، فکر انقلاب صادر نمی‌شود بلکه بدینی ایجاد می‌کند و افراد آن کشور انقلاب را متجاوزگر می‌دانند. امروز انقلاب اسلامی در اقصی نقاط جهان گسترش پیدا کرده است، همان‌گونه که اسلام در جهان گسترش یافت.

امام در دیدارهای متعدد با نمایندگانی که از کشورهای مختلف می‌آمدند، بیان می‌کردند که ما بنای جنگ با هیچ کشوری نداریم، و کشورها را به صلح و دوستی دعوت می‌کردند که مشروح این دیدارها در صحیفه آمده است. اگر هیئتی هم از ایران به دیگر کشورهای می‌رفت، این موضوع را مطرح می‌کردند؛ اما دولت‌های منطقه به دنبال دوستی و صلح نبودند؛ چرا که وابسته و گمارده بودند و قدرت تصمیم‌گیری نداشتند و باید دستورات دیگران را اجرا می‌کردند. آنان معتقد بودند که اندیشه‌های اسلامی ریشه‌های آنان را نابود می‌کند، از این روتلاش کردند تا با انقلاب اسلامی ایران مقابله کنند. امام پیام حسن ظن و حسن همجواری داد. دیگران هم در عمل دیدند که امام به هیچ کشوری لشکر نکشید و برخوردی نکرد. این که برخی در کتاب‌های خود نوشته‌اند که ما به امام گفتیم که «می‌خواهیم با دنیا رابطه داشته باشیم و گروهی به عنوان حسن همجواری و حسن نیت بفرستیم» و امام قبول نکردند، دروغ می‌گویند. من پاسخ این دروغ را در فصلنامه ۱۵ خرداد و در ۲۰ شماره داده‌ام. سخنرانی‌های امام نشان می‌دهد که این موضوع دروغ است و امام از کشورهای دیگر برای صلح و دوستی دعوت کردند.

آزادی فلسطین راهی شد. وارد فلسطین و نزدیک تل‌آویو شد که یک باره از بغداد دستور عقب‌نشینی صادر شد. صدام و حزب بعث عراق هر وقت اسرائیل در خطر قرار گرفت، به صحنه آمدند و سعی کردند که خطر را برطرف کنند. فلسطینی‌ها در اردن به قدری قوی شده بودند که ملک حسین (پادشاه اردن) حریف‌شان نمی‌شد، رژیم بعث عراق به عنوان اینکه در مرز اردن برای مبارزه با اسرائیل حضور داشته باشد، پشت جبهه فلسطینی‌ها را اشغال کرد و اجازه نداد اسلحه دریافت کنند. فلسطینی‌ها در آنجا قفل شدند و ظرف یک هفته ۲۵ هزار چریک فلسطینی در اردن قتل‌عام شدند. در بحث انقلاب اسلامی ایران صدام احساس خطر کرد. اربابان او هم دریافتند که انقلاب اسلامی لشکری را به سوی مرز فلسطین خواهد کشاند و اگر لشکر اسلام به مرز فلسطین برسد، اسرائیل از هم می‌پاشد. در چنین مقطعی صدام جنگ علیه ایران را شروع کرد و ۸ سال تمام ارتش ایران و نیروهای انقلابی را مرزهای ایران زمین‌گیر کرد. اسرائیل نفس راحتی کشید و نیروهای مسلمان در ایران و عراق، کشته شدند تا آن رژیم از خطر نجات پیدا کند. صدام یکی دو هفته قبل از اینکه جنگ با ایران را شروع کند، به عربستان رفت و با آنان هماهنگ و هم‌دست شد. جالب است بدانید که بعد از آنکه در عراق علیه ملک فیصل کودتا شد و نظام عراق به جمهوری تغییر یافت، دیگر عربستان (رژیم سعودی) با رؤسای جمهور عراق خوب نبود، چرا که نظام سلطنتی را از بین برده بودند. صدام اولین رئیس جمهوری بود که از عراق به کشور عربستان رفت. همچنین قبل از اینکه جنگ آغاز شود، صدام در مرزهای دو کشور ایران و عراق دست به کارهای چریکی زد، فعالیت‌هایی در خوزستان انجام داد، جبهه خلق عرب را به وجود آورد، آن‌ها را تحریک کرد و به آن‌ها اسلحه و مهمات رساند و در مرزهای ایران و عراق و مراکز خوزستان انفجار و ترور انجام دادند. ایران در قبال تحرکات صدام تحمل و شکیبایی کرد و دست به جنگ نزد. اگر این‌گونه است، ایران باید جنگ را شروع می‌کرد، اما چرا صدام جنگ را شروع کرد؟ از یکی از مقامات ایرانی پرسیده شد که مشکل شما با عراق چیست؟ که پاسخ داد ما با عراق مشکل نداریم، بلکه آنان با ما مشکل دارند. اگر هم ایران به دنبال جنگ بود، پس چرا عراق جنگ را آغاز کرد؟ دنیای سیاست حساب و کتاب و برنامه‌ریزی دارد.



روایت خوزستان از ایران

گفتگو با علی شجاعی صائین

محقق و پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی



محمدحسن جعفری

اگرچه چهل سال از آغاز جنگ تحمیلی می‌گذرد و بالاخره چند سال پس از پایان جنگ، شورای امنیت سازمان ملل، دولت عراق را به عنوان متجاوز و آغازگر جنگ ایران و عراق معرفی کرد، اما همچنان و به خصوص در سال‌های اخیر ادعاهایی مبنی بر اینکه ایران آغازگر جنگ و مقصر بوده، مطرح می‌شود؛ ادعایی که دقیقاً برخلاف نظر و رای سازمان ملل و شورای امنیت است. نهادهای که به عقیده بسیاری از جمله تحلیل‌گران مسائل بین‌المللی و پژوهشگران تاریخ، در طول جنگ هیچگاه مدافع ایران نبود و قطعنامه‌های وی در راستای حمایت از صدام و رژیم بعث عراق بر شمرده می‌شود.

یکی از این ادعاها این است که اگر ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هیات‌های صلح به کشورهای منطقه از جمله عراق و کشورهای عربی و حاشیه جنوبی خلیج فارس اعزام می‌کرد، می‌توانست از وقوع جنگ تحمیلی خودداری کند. برای پاسخ به این ادعا و چند ادعای مشابه و مرتبط دیگر به گفتگو با «علی شجاعی صائین» از پژوهشگران تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس پرداختیم که متن کامل آن گفتگو را در ادامه می‌خوانید:

بیان می‌کنند که انگار ایران و انقلاب اسلامی مقصود آغازگر جنگ بوده است. رژیم بعث عراق، رژیم کودتا و مبتنی برایدئولوژی تهاجمی بود. این رژیم با تمامی همسایگان عراق مشکلات ارضی و درگیری‌های مرزی داشت. برخی از پژوهشگران معتقدند که رژیم بعث عراق از آبان سال ۵۷ و با مشاهده نشانه‌های فروپاشی رژیم پهلوی، مقدمات تحمیل جنگ علیه ایران را فراهم کرد. رژیم بعث عراق در این راستا حدود ۶ میلیارد دلار قرارداد های تسلیحاتی منعقد کرد و با شوروی قرارداد دفاعی محکمی بست. این رژیم روابط بسیار خوبی نیز برای دریافت اسلحه و تجهیزات نظامی همچون جنگنده از فرانسه تنظیم کرد. براساس اعتراف صلاح عمرالعلی نماینده عراق در سازمان ملل، صدام از مدت‌ها پیش مترصد فرصتی برای حمله به ایران بوده است. صدام اردیبهشت ماه سال ۵۸ به او گفت: «هر صد سال یک بار این فرصت پیش می‌آید. ما باید چنان ضربه‌ای را به ایران وارد کنیم که صدایش را همه جهانیان بشنوند. ما باید اهواز را آزاد کنیم.»

هیات صلح در مورد چه چیزی باید با عراق مذاکره می‌کرد؟ ایران که ادعای مرزی نداشت. به دنبال جنگ هم نبود، امکانش را هم نداشت. اینکه در هفته نخست جنگ، بیش از ۲ هزار کیلومتر مربع از خاک کشورمان به اشغال دشمن یعنی درآمد دال بر این است که ایران آمادگی برای جنگ نداشت.

صدام به دنبال این بود قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را که خودش امضا کرده بود، لغو کند. استان خوزستان را از ایران جدا سازد. حکومت خودمختار در آنجا تشکیل دهد و جزایر سه‌گانه را از حضور ایرانی‌ها خالی کند. آیا چنین چیزهایی قابل مذاکره و سازش است؟ در ضمن ساده‌اندیشی است اگر فکر کنیم دشمن به این حد راضی می‌شد. تجربه تاریخی نشان داده است که دشمن به یک گام عقب‌نشینی ما راضی نخواهد شد. یک گام عقب‌نشینی قطعاً به عقب‌نشینی‌های مکرر منجر خواهد شد.

برخی ادعا می‌کنند که جنگ تحمیلی یک اقدام پیش‌دستانه از سوی ارتش بعث عراق و حامیان صدام در واکنش به طرح موضوع صدور انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی (ره) بود. آیا چنین ادعایی صحیح است؟

صدور انقلاب اسلامی به معنای صدور نظامی انقلاب نیست. در هیچ

در سال‌های اخیر برخی مطرح کرده‌اند که چرا امام خمینی (ره) در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، هیات صلح به کشورهای منطقه و همسایه (به خصوص کشورهای عربی و حاشیه جنوبی خلیج فارس) اعزام نکردند تا از وقوع جنگ تحمیلی هشت ساله جلوگیری کنند؟ سوال نخست بنده این است که آیا امام هیات صلح یا پیام صلح به کشورهای منطقه اعزام و صادر فرمودند و دوم اینکه آیا اساساً با انجام این کار می‌شد از وقوع جنگ جلوگیری کرد؟

بسم الله الرحمن الرحيم. این شبهه و ادعا بیشتر زورنالیستی است و با واقعیت‌های جهان سیاست منطبق نیست. جنگ‌هایی از مهمترین اتفاقات تاریخ بشر و حیات اجتماعی انسان‌ها هستند که به سادگی شکل نمی‌گیرند و فرمول ساده‌ای برای شکل‌گیری ندارند. از این رو نباید تصور کرد که با اعزام نکردن هیات صلح، جنگ درخواهد گرفت و با اعزام کردن آن، از وقوع جنگ جلوگیری خواهد شد. ضمن اینکه انقلاب اسلامی به دنبال جنگ، تنش و درگیری با کشورهای دیگر نبود. مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی را به سرانجام رساندند تا دست استبداد (شاه) و استعمار (وابستگی به آمریکا) از کشور ایران قطع شود. انقلاب اسلامی یک انقلاب مسالمت‌آمیز بود و در پی جنگ و برخورد مسلحانه نبود. امام خمینی (ره) پیش از انقلاب اسلامی هیچگاه حرکت‌های مسلحانه را تأیید نکردند و به مجموعه‌ها و سازمان‌هایی که مبارزه مسلحانه می‌کردند، مجوز ندادند. ایشان در محرم سال ۵۷ فرمودند که «محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر است.» این جمله بدان معناست که انقلاب اسلامی به دنبال شمشیرکشی علیه کسی نیست. بنابراین ماهیت انقلاب اسلامی، تهاجمی نبوده و نیست و ایران به دنبال جنگ نبود. کشور نیز در ابتدای انقلاب به قدری درگیر مشکلات، بحران‌ها و غائله‌های مختلف بود که فرصت اندیشیدن به موضوعات دیگر را نداشت. سازمان‌های اجتماعی و نظامی کشور نیز از هم پاشیده بود. ارتش ایران شاکله درستی نداشت. آیا چنین کشوری توان آغاز یک جنگ نظامی را دارد؟ و آیا ایران باید هیات صلح به کشورهای همسایه اعزام می‌کرد؟

متأسفانه کسانی که این شبهه را مطرح می‌کنند، توجهی به آن سوی قضیه یعنی دشمن بعثی و صدام ندارند و به گونه‌ای

کدام از بیانات امام خمینی (ره) و شخصیت‌های برجسته انقلاب نیز چنین موضوعی نیامده است. پس ایران نه بنای حمله نظامی داشت و نه امکان آن را. ضمن اینکه تحمیل جنگ بر یک ملت بر مبنای کدام قواعد بین‌المللی یک اقدام پیش‌دستانه است؟ بالاتر از این‌ها اولین مداخلات را صدام و حزب بعث عراق انجام داد. چند روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروهک‌های ضدانقلاب کومله و دموکرات با پشتیبانی و حمایت صدام، پادگان مه‌باد و چند پادگان نظامی ارتش را در کردستان اشغال و غارت کردند. در استان خوزستان نیز، رژیم بعث عراق جریان خلق عرب به راه انداخت و خرابکارهایی در این استان و شهرهای خرمشهر، آبادان و اهواز به وجود آورد. بنابراین آغازکننده مداخلات، رژیم بعث عراق بود که با دستگیری و شهادت عالمانی همچون آیت‌الله محمد باقر صدر و خواهرش صف‌بندی خود را در مقابل انقلاب اسلامی مشخص کرد. در چنین شرایطی طبیعی است که مسئولان و مقامات نظام جمهوری اسلامی ایران واکنش نشان بدهند و موضع‌گیری کنند. بی‌انصافی و مغرضانه است اگر موضع‌گیری‌های ثانویه را ببینیم و برجسته کنیم، اما اقدامات اولیه رژیم بعث عراق را نادیده بگیریم. واکنش‌های نظام جمهوری اسلامی، پاسخگویی سیاسی و رسانه‌ای به مداخلات رژیم بعث عراق بود و مبنای اقدام نظامی نداشت. از این رو ادعای پیشگیری و جاهد حقوقی ندارد. اگر مدعی هستند که ایران در امور عراق دخالت کرده، باید گفت که آن‌ها پیش از آن و به شکل نظامی و خرابکارانه مداخله کردند. دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت در خاطراتش به دیدار خود با صدام در هاوانا (پایتخت کوبا) در جریان نشست سران جنبش عدم تعهد اشاره کرده است. صدام در آن دیدار به یزدی می‌گوید: «مگر شما در مورد ایدئولوژی حزب بعث اطلاع ندارید؟ ما در مقابل تمامی اعراب از جمله اعراب ایران احساس مسئولیت می‌کنیم و واکنش نشان می‌دهیم.» این موضوع نشان می‌دهد که حزب بعث هم در فضای رسانه‌ای و هم در اقدامات عملی به دنبال دخالت در امور داخلی ایران بوده است.

حالا اگر قرار بود، هیات‌های دیپلماتیک به کشورهای منطقه اعزام بشود و پیام صلح و دوستی ایران و انقلاب اسلامی را به آن کشورها برساند، چه نهادهای باید این کار را انجام می‌داد؟ ضمن اینکه برخی از اعضای دولت موقت بعدها ادعا کردند امام

خمینی (ره) تمایلی به انجام اقدامات دیپلماتیک نداشت. دستگاه دیپلماسی کشور مسئول اعزام هیات‌های دیپلماتیک و مذاکره‌کننده است. پس مسئولیت اصلی متوجه دولت موقت و وزارت امور خارجه وقت است. امام در ابتدای پیروزی انقلاب در دیدارهای مختلفی که با هیات‌های سیاسی کشورها داشتند، بر لزوم برقراری رابطه با کشورهای همسایه تأکید فرمودند. به طور مثال ایشان در دیدار سفیر سوریه در ایران فرمودند که ما خواهان برقراری رابطه مسالمت‌آمیز با تمامی همسایگان هستیم. نگاه امام این بود که در سایه روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه، اهداف انقلاب اسلامی در داخل کشور محقق خواهد شد و اگر روابط صمیمی و مثبت نباشد، امکان سازندگی ایران از بین خواهد رفت. حجت‌الاسلام سید محمود دعایی سفیر وقت ایران در عراق نیز در گفتگویی بیان داشته‌اند که امام در پاسخ به درخواست صدام برای مذاکره عنوان کردند که ما اکنون در داخل کشور مشغول برگزاری انتخابات هستیم. شما مداخله در امور داخلی کشور ما را متوقف کنید تا پس از برگزاری انتخابات، نمایندگان رسمی کشور با شما مذاکره کنند و اختلافات موجود را مورد بررسی و حل قرار بدهند. این موارد نشان می‌دهد که امام اعتقاد جدی به گفتگو و برقراری رابطه دیپلماتیک داشتند. از این رو ادعای نهضت آزادی‌ها به هیچ وجه صحیح نمی‌باشد.

مهندس بازرگان و نهضت آزادی، جنگ را زائیده انقلاب تعریف کرده‌اند. این بدان معناست که عامل وقوع جنگ تحمیلی، انقلاب اسلامی بوده است. آیا چنین گزاره‌ای صحیح است؟ این گزاره از جهاتی درست و از جهاتی دچار لغزش است. با وقوع انقلاب اسلامی، توازن قدرت در منطقه به هم خورد و هژمونی آمریکا در منطقه یعنی سیاست دوست‌نویس نیکسون مبنی بر قدرت نظامی ایران و قدرت اقتصادی عربستان برای اداره خلیج فارس به هم ریخت. طبیعی بود که آمریکایی‌ها ساکت نمی‌نشینند و برای بازبینی این هژمونی و بازآرایی نظم منطقه‌ای، تلاش‌هایی را ساماندهی خواهند کرد. اگر انقلاب رخ نمی‌داد، همان نظم قبلی برقرار بود و جنگی هم رخ نمی‌داد.

اما اینکه چون ایران خواسته است از زیر سلطه استعماری آمریکا خارج بشود و استقلال و آزادی خودش را به دست بیاورد، به معنای این

وقت دیدار و مذاکره ندادند، تصمیم به جنگ گرفت. این ادعا تا چه میزان صحت دارد؟

شجاعی صائین: هیچ یک از شواهد تاریخی، چنین ادعایی را تایید نمی‌کند. ضمن اینکه ایدئولوژی حزب بعث و روان‌شناسی صدام نیز چنین ادعایی را تایید نمی‌کند. حزب بعث با انجام چند کودتای خونین در عراق، قدرت را به دست گرفت. صدام پس از کناره‌گیری اجباری حسن البکرو دستگیری گسترده در حزب بعث، روی کار آمد و یک نظام دیکتاتوری را بر عراق حاکم کرد. او بارها و بارها چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از اهداف توسعه طلبانه خود سخن گفت.

اشغال کویت از سوی عراق پس از پایان جنگ تحمیلی تایید می‌کند که صدام به دنبال تحقق اهداف خود از طریق مذاکره نبود. فرض کنیم که این ادعا درست باشد که ما با صدام گفتگو نکردیم و پاسخ صدام را هم ندادیم، آیا کویت هم چنین وضعیتی را داشت؟ کویت در جریان جنگ تحمیلی، همه نوع حمایت از صدام و رژیم بعث عراق کرد. امیر کویت چند ماه پیش از اشغال کشورش برای شرکت در جشن‌های پایان جنگ عراق در بغداد حضور پیدا کرد. صدام با ماشینی که خودش رانده‌اش بود، امیر کویت را به فرودگاه بغداد رساند. پس چرا صدام، کویت را اشغال کرد؟ رژیم بعث عراق، دارای اندیشه تجاوارکارانه و توسعه طلبانه بود و هیچ مساله‌ای را چه در داخل و چه در بیرون با مذاکره حل نکرد. صدام اصلاً به دنبال سازش و گفتگو نبود. سران حزب بعث توسعه را زورپایه و بر مبنای قدرت نظامی می‌دانستند.

سوال پایانی بنده در خصوص این ادعاست که پس از فتح خرمشهر توسط رزمندگان اسلام، هیات‌های صلحی از کشورهای عربی به ایران آمدند و در دیدار با مقامات ایرانی از پرداخت غرامت جنگ سخن گفتند و تصریح کردند در صورت پایان یافتن جنگ، این غرامت را پرداخت خواهند کرد. آیا چنین پیشنهادی مطرح شده و ایران نپذیرفته است؟

هیچ سند تاریخی این ادعا را تایید نمی‌کند. این ادعا تنها در رسانه‌ها مطرح شده و هدفش ایجاد شبهه و جنگ روانی است. در آن دوران نه تنها موضوع پرداخت غرامت مطرح نشد، بلکه عراق مایل نبود به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بازگردد و همچنان بخش‌ها و مناطق مهم و استراتژیکی را در اشغال داشت.

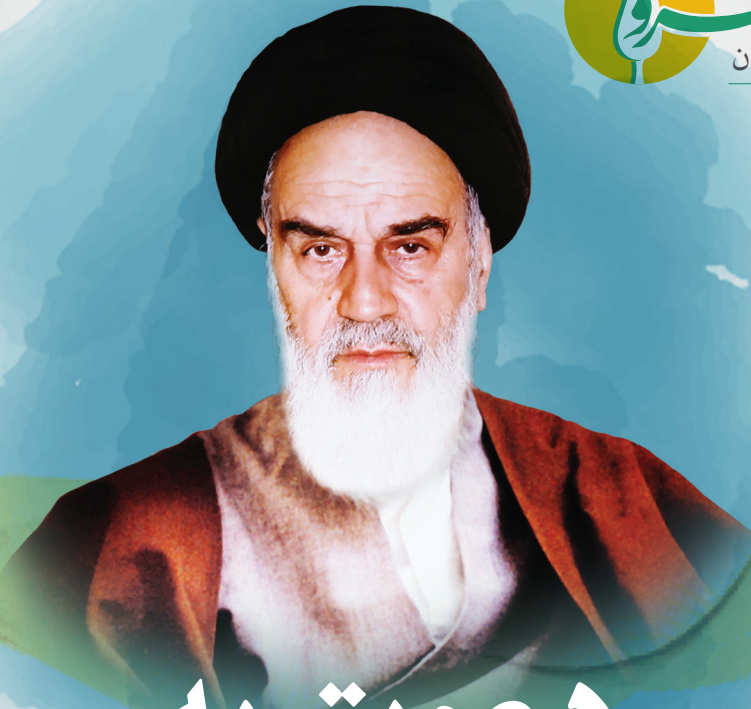
است که موجب تحمیل جنگ بر خودش شده است؛ خیر این گزاره صحیح نیست. بلکه این نتیجه‌گیری نامناسب از مقدمات است. ما برای بازیابی آزادی و استقلال خودمان، انقلاب کردیم. در نتیجه قدرت‌های جهانی به طور مشخص آمریکا برای بازگشت ایران به نظم قبلی جنگ را بر ما تحمیل کردند. رژیم بعث عراق نیز مهره‌ای در این صفحه شطرنج بود که چیزی به دست نیاورد. اینکه گفته می‌شود پس برای وقوع از جنگ نباید انقلاب می‌کردیم، بدین معنی است که از ترس یک خطر باید به استقبال مرگ برویم. روند سلطه‌گری آمریکا بر ایران به طور قطع منجر به مرگ هویت و تمدن ایرانی می‌شد.

گفته می‌شود موضوع جزایر سه‌گانه در دوران پهلوی حل شد و اینکه مجدداً این موضوع مورد مناقشه قرار گرفته است، نشان از عدم توانمندی نظام جمهوری اسلامی ایران در دفاع از تمامیت ارضی کشور است. وضعیت جزایر پیش از انقلاب چگونه بود؟

موضوع جزایر سه‌گانه هیچگاه در دوران پهلوی حل نشد. اگر شاه در توافقی که با انگلیسی‌ها در مورد تجزیه بحرین داشت، حقانیت مالکیت ایران را تثبیت می‌کرد، کشورهای عربی هیچگاه این موضوع را با حمایت آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی مطرح نمی‌کردند. پس این موضوع ارتباطی با قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران ندارد. محمدرضا پهلوی جزیره بزرگ بحرین (استان چهارم کشور) را بخشید و ادعا کرد در قبالش وضعیت جزایر را تثبیت کرده؛ اما این ادعایش دروغ بود.

قدرت جمهوری اسلامی ایران این است که همچنان با صلابت، حاکمیت خودش را بر این جزایر حفظ کرده و دشمنان جرات نداشته‌اند، کمترین تعرض و جسارتی نسبت به این جزایر نداشته باشند. جمهوری اسلامی ایران با صلابت از تمامیت ارضی خود دفاع می‌کند. هیاهوهای سیاسی و رسانه‌ای هم که انجام می‌گیرد به پشتوانه قدرت‌های غربی است و تأثیری در اراده ایران ندارد. قطعاً کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس به تنهایی توان بیان چنین جسارتی را ندارند.

برخی ادعا می‌کنند که صدام از ابتدا بنای بر جنگ نداشت و به دنبال مذاکره با مقامات ایران بود، چون مسئولان به وی



دعوت به برادری

نگاهی به بیانات امام خمینی (ره) در خصوص
وحدت میان دولت‌ها و ملت‌های مسلمان

امام خمینی (ره) از ابتدای پیروزی انقلاب توجه ویژه‌ای به ارتباط دولت‌های اسلامی با یکدیگر و یگانگی دولت‌ها با ملت‌ها داشت. این موضوع در بسیاری از جلسات و دیدارها به خصوص دیدار با مقامات و میهمانان خارجی مطرح شده است. منشور سخنان امام در این رابطه ایجاد وحدت و همدلی میان دولت‌های اسلامی و برقراری ارتباط میان دولت‌ها با ملت‌هایشان است. ایشان علاوه بر اینکه دولت‌های اسلامی را به مسیر عمل مشترک دعوت می‌کنند، نسبت به ایجاد تفرقه و نفوذ دشمنان در میان دولت‌ها و ملت‌های مسلمان هشدار می‌دهند.



عادل عساکره

من امیدوارم اکنون که دست ظلم از این مملکت کوتاه شده است و تبلیغات سوئی که می‌کردند از بین رفته است، برادرهای ما با هم برادر باشند و رفتار آن‌ها رفتارهای برادرانه باشد و برای حجاج بیت‌الله تسهیلات فراهم کنند.» رهبرانقلاب همچنین در تاریخ دهم اردیبهشت ماه سال ۵۸ در پیام به معمر قذافی نوشتند: «ما دست برادری به تمام ملت‌های اسلامی می‌دهیم و از تمام آنان برای رسیدن به هدف‌های اسلامی استمداد می‌کنیم.» ایشان در تاریخ ۲۱ خرداد ۵۸ در جمع وزرای امور خارجه ایران و ترکیه نیز گفتند: «من امیدوارم که بین دولت‌های اسلامی یک اخوتی، اخوت اسلامی، همان طوری که قرآن امر فرموده است، پیدا بشود؛ که اگر این اخوت اسلامی در بین ممالک اسلامی پیدا بشود، یک قدرت عظیمی است که هیچ یک از قدرت‌های دنیای نمی‌توانند به پای آن باشند.» در جمع وزرای امور خارجه و نفت کویت در صبح روز ۳۱ تیر ۵۸ نیز فرمودند: «... همه دولت‌های اسلامی با همه خوش رفتاری کنند، و باید به یکدیگر دست برادری بدهند تا دست اجانب کوتاه باشد. من امیدوارم که همه با هم دوست و برادر باشیم و هیچ‌گاه با هم نفاق نداشته باشیم.»

****نگرانی‌های امام از موانع شکل‌گیری وحدت**

رهبرانقلاب البته نگرانی‌ها و گلايه‌هایی از رفتارهای برخی دولت‌های اسلامی نسبت به انقلاب اسلامی و ملت‌های مسلمانان خودشان داشتند که این موضوع را نیز در دیدارها مطرح کردند. ایشان نوزدهم تیر ماه سال ۵۸ در جمع نمایندگان کشورهای اردن و سودان فرمودند: «... دولت‌های اسلامی که باید با هم هم صدا باشند، هم فکر باشند، همه از یک دیانت، صاحب یک کتاب، و همه هم می‌بینند که با اختلافاتی که بینشان هست دیگران نتیجه می‌گیرند، درد را می‌دانند، لکن دنبال دوانمی‌روند؛ بلکه هر روز اختلافاتشان بیشتر می‌شود و جدایی از هم بیشتر پیدا می‌کنند. و دولت‌های بزرگ هم حرفشان همین است که ماها از هم جدا باشیم، و بلکه با هم دشمن باشیم و اشتغال پیدا کنیم به حال هم و آن‌ها استفاده کنند... دولت‌های اسلامی فکر اساسی نکنند، فکر این نباشند که چند روزی که هستند مرّقه باشند و دارای سلطه بر کشور خودشان و این درد تفرّق را خودشان دوا کنند؛ و الاً هیچ علاجی دیگر نیست در کار، و هیچ مجلس و هیچ کنفرانس و هیچ اجتماعی نخواهد داشت.» این سخنان نشان دهنده آن است

«وحدت» در اندیشه دینی و سیاسی امام خمینی (ره) جایگاه ویژه‌ای داشته است. ایشان در هجدهم بهمن ماه سال ۵۷ و تنها چند روز پس از ورودشان به کشور در دیدار با جمعی از اهالی کردستان به این موضوع اشاره کردند و فرمودند: «ما آمده ایم که اسلام را از این وضع نجات بدهیم، مسلمین را از این تفرقه‌ها نجات بدهیم.»

این دیدگاه ایشان تنها معطوف به مسائل داخلی نبود، بلکه توجه اساسی به مسائل جهان اسلام به خصوص موضوع فلسطین داشتند. امام خمینی ۲۸ بهمن سال ۵۷ در دیدار با سرعرفات فرمود: «من از اولی که این نهضت، قبل از پانزده سال که ابتدای این نهضت بود، راجع به فلسطین، در نوشته‌ها و گفته‌ها راجع به فلسطین و راجع به جنایاتی که اسرائیل در آن حدود کرده است همیشه متذکر می‌شدم. و الآن هم آن شاء الله بعد از اینکه ما از این غائله فارغ بشویم، همان طوری که آن وقت در کنار شما بودیم حالا هم در کنار شما هستیم. و امیدواریم که همه با هم مثل برادر با مشکلات مقابله کنیم. من از خدای تبارک و تعالی عزت اسلام و مسلمین و رجوع «قُدس» به برادران خودمان را می‌خواهم.»

بنابراین سخنان موضوع «قدس» و روزی را که ایشان با همین عنوان نامگذاری کردند (جمعه آخر ماه مبارک رمضان)، نمادی برای وحدت مسلمانان و در کنار یکدیگر بودن است. بنابراین رهبرانقلاب که نسبت به موضوع وحدت و برادری مسلمانان توجه ویژه‌ای داشته و «قدس» را نماد وحدت مسلمانان قرار داده است، حتماً بر موضوع صلح و برادری میان دولت‌های اسلامی تاکید داشته و پیام‌هایی با این مضمون ارسال کرده است. به طور مثال ایشان در دیدار هیأت نمایندگی عربستان سعودی در تاریخ ۳۱ فروردین سال ۵۸ فرمودند: «حکومت سابق ما برای اینکه همه طور خدمت به ارباب‌های خودش بکند، در اینجا فجایع کرد و در خصوص زائرین بیت‌الله الحرام مضیقه‌هایی ایجاد کرد و گاه نسبت به مسئولین دولت سعودی چیزهایی گفت که شاید پیش ایرانی‌ها یک ناراحتی‌هایی از آن‌ها هم حاصل شد. و ما پس از رفتن او و قطع بی‌غاصبه او متوجه این هستیم که در سال‌های آتیه مملکت سعودی با ایرانی‌هایی که برای زیارت بیت‌الله و حریمین شریفین می‌آیند، چه نحوه عمل خواهد کرد. ایرانی‌ها نظر به این معنا دوخته‌اند که با برادران خودشان چه نحوه عمل خواهد شد. و

از طاغوت می‌کردند؛ و نمی‌دانم الآن هم می‌کنند؟! باز آرزو دارند که برگردد؟! آن‌ها را هدایت کنید؛ به آنها بگویید به اسلام روی بیاورید. این حکومت‌ها حکومت طاغوت است، حکومت ضد اسلامی است. گمان نکنید هر که قدرت پیدا کرد، خدای تبارک و تعالی با اوست.»

در نگاه امام، ارتباط مسلمانان کشورهای مختلف اهمیتی کمتر از ارتباط دولت‌های اسلامی با یکدیگر نداشت. از این رو توجه ویژه‌ای به نهادها و سازمان‌های اسلامی داشتند. ایشان پنج اسفند سال ۵۷ در دیدار با ابوالاعلی مودودی مؤسس جماعت اسلامی پاکستان و همراهانش فرمود: «ما مسلمین بر همه‌مان واجب است که اسلام را آنطور که هست در دنیا عرضه کنیم. همه ما تحت یک حزب و آن «حزب الله» است، باشیم؛ احزاب مختلفه در کار نباشد؛ جناح‌های مختلف در کار نباشد. علمای هر ملتی، ملت خودشان را آگاه کنند به نقشه‌هایی که اجانب و مستعمرین کشیده‌اند برای تفرقه‌اندازی؛ این تکلیفی است که بر همه رهبران مذهبی لازم است که انجام دهند.»

بنابراین امام خمینی (ره) وحدت را امری ضروری میان دولت‌ها و ملت‌های مسلمان می‌دانستند و در روزهای نخست انقلاب که کشور درگیر مشکلات مختلف بود، در دیدار با میهمانان و مقامات خارجی اعلام کردند که دست دوستی و برادری به سوی کشورهای همسایه و مسلمان دراز می‌کنند، اما صدام که پیروزی انقلاب اسلامی و آشفتگی در داخل کشور ایران را فرصتی بسیار مناسب برای تحقق اهداف شوم خود می‌دانست، اقدام به تحمیل جنگ علیه مردم ایران کرد.

که امام خمینی (ره) به خوبی نسبت به دسیسه‌ها و توطئه‌های دشمنان آگاه بودند و به جان هم انداختن (ایجاد جنگ، درگیری و تنش) دولت‌های مسلمان را نقشه قدرت‌های بزرگ می‌دانستند. ایشان همچنین پس از حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان در پیامی از سکوت سران دولت‌های اسلامی گلایه کردند و از آنان خواستند در برابر دشمن مشترک، اقدامی انجام بدهند.

رهبر انقلاب همچنین در روز ششم تیر ماه سال ۵۸ در جمع هیأتی از کشور عمان فرمودند: «اگر دولت‌های اسلامی به وظایف اسلامی خودشان عمل نکنند و دست از اختلافاتی که بین خودشان هست بردارند و همه تحت کلمه اسلام، همه، مجتمع بشوند، مشکلات ممالک همه حل خواهد شد. مع الأسف می‌بینیم که دست‌های ناپاکی که در بین ملت‌ها از اجانب هست نمی‌گذارند که تفاهم بین دولت‌های اسلامی واقع بشود. چنانکه بین ملت‌ها هم اختلاف ایجاد می‌کنند. اگر ما بیدار بشویم و به تبلیغات اسلام که یکی از تعلیمات بزرگش این است که «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» اگر ما به همین یک دستور عمل نکنیم، مشکلات همه ممالک، حل خواهد شد.» امام خمینی (ره) از رفتار برخی دولت‌های اسلامی یعنی دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس نسبت به انقلاب اسلامی البته گلایه‌ای هم داشتند. ایشان در جمع نمایندگان مجلس قطر فرمودند: «البته من گله دارم از خلیج و اطراف آن. آن‌ها با ما بسیاری‌شان موافقت نکردند بلکه مخالفت کردند. شما خودتان که آگاهید از افرادی که در آنجا بودند و پشتیبانی

وحدت ملی و انسجام اسلامی

«...البته دو تفکر هست باید هم باشد، دورای هست باید هم باشد، سلیقه‌های مختلف باید باشد لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمی‌شود که انسان با هم خوب نباشد... اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است... اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جaro و جنجال اینها باید باشد لکن نتیجه این نباشد که ما دودسته بشویم دشمن هم. باید دودسته باشیم در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم.»

صحیفه امام (ره)، ج ۲۱، ص ۴۷



راهیان



۹۹

دفاع مقدس به ما منطق ایستادن
آموخت



۹۰

اصل مسئولیت ما دفاع
و امنیت است



۱۱۲

دفاع مقدس یک ذخیره بزرگ است



۱۰۵

دفاع مقدس به تمام معنا مردمی بود



اصل مسئولیت مادفاع و امنیت است

سخنان سردار سرلشکر محمد باقری در
همایش سراسری مدیران بنیاد حفظ آثار و
نشر ارزش های دفاع مقدس

همایش سراسری مدیران بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس با حضور سردار سرلشکر باقری؛ رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، سردار سرتیپ پاسدار حسین اشتری؛ فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، سردار سرتیپ بهمن کارگر؛ رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، دکتر علی اصغر جعفری؛ مدیرعامل موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، حجت الاسلام حمید رضا محمدیاری؛ رئیس عقیدتی سیاسی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس و جمعی از معاونین و مدیران بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان همدان در سالن خلیج فارس موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در روز دوشنبه ۲۹ دی ماه برگزار شد، آنچه می آید سخنان سردار باقری در این مراسم است.

عرض سلام و ارادت و صلوات داریم محضر حضرت بقیه الله الاعظم (عج) و درود می فرستیم به روح بلند و ملکوتی حضرت امام رضوان الله تعالی علیه که فرمانده معظم کل قوای دفاع مقدس بودند و راه و رسم عزت و سربلندی را به ملت ایران و همه ی آزادگان جهان آموختند و به یادگار گذاشتند.

بالاخره توانست ادامه عملیات را متوقف کند. غیر از دو و سه یگان اولیه ما که در جزیره ام الرصاص و بوارین عملیات کردند ما بقی امکان عملیاتشان فراهم نشد و به عنوان یک عملیات نسبتاً ناموفق در تاریخ جنگ باقی ماند. همین جا تاکید خواهیم کرد ما قرار نیست که صرفاً عملیات‌های به ظاهر موفق، را در دوران دفاع مقدس را تبلیغ کنیم و توضیح دهیم و به نمایش بگذاریم. در آن عملیات‌های ناموفق هم رموزی وجود دارد که با درس گرفتن از آن رموز و اسرار است که عملیات موفق بعدی اتفاق می‌افتد. اگر در خیبر و بدر ما هزاران درس نبرد آب-خاکی و دریایی را نمی‌آموختیم، والفجر ۸ با این پیروزی چشمگیر اتفاق نمی‌افتاد و اگر در کربلای ۴ درس نمی‌گرفتیم، عملیات کربلای ۵ موفق نمی‌شد. فلذا اقرار نیست که ما بخشی از جنگ را نادیده بگیریم و با تعدد آن را کنار بگذاریم. چه صحنه‌ای که به ظاهر موفق بوده و چه صحنه‌ای که به ظاهر ناموفق بوده قابل تبیین و تشریح است. در عملیات کربلای ۴ که چنین اتفاقی افتاد، یگان‌های ما آماده و پای کار بودند، سپاه پاسداران با این تدبیر که از این فرصت برای تغییر مکان و جهت عملیات در همان منطقه شلمچه عملیات کربلای ۵ را انجام بدهد و توانست در مدت فوق العاده کوتاه دو هفته‌ای عملیات کربلای ۵ را طرح ریزی و آغاز کند که عملیات کاملاً موفق بود، بدین معنا که در انهدام ارتش عراق تقریباً نظیر ندارد. در یک عملیات ۱۰۰ روزه تقریباً حدود ۱۰۰ تیپ از ارتش عراق بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد دچار انهدام شد و توانایی مقابله نداشت، اگر عملیات کربلای ۵ ادامه پیدا می‌کرد، دیگر تحمل ایستادگی نداشت و حتی جنگ در اوایل سال ۱۳۶۶ با پیروزی کامل و قاطع جمهوری اسلامی خاتمه پیدا می‌کرد. البته که ما به لحاظ امکانات برای تداوم عملیات دچار نقصان شدیم و توانستیم بیش از ۱۰۰ روز این جنگ را در آنجا ادامه دهیم، چون جایی بود که دشمن کانالیزه می‌شد. بین دریاچه ماهی، کانال ماهی و رودخانه اروند و توپخانه‌های ما از چند جهت می‌توانستند دشمن را منهدم کنند. عملیات‌ها به طور مداوم و مکرر اتفاق می‌افتاد و انهدام دشمن به طور بی‌نظیری صورت می‌گرفت. در آن صحنه است که جهان استکباری به نتیجه رسید که اگر این جنگ با این شکل ادامه پیدا کند صدام و صدامیان مجبور به تحمل و پذیرش شکست هستند

درود و سلام داریم به محضر فرمانده معظم کل قوا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، درود می‌فرستیم به روان پاک شهدای گرانقدر شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، شهیدان مدافع حرم، شهید تن دفاع از امنیت و میهن عزیز ما بویژه شهید بزرگوار سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی که از فرماندهان ارزشمند و سختکوش دفاع مقدس بودند و مشی دفاع را تا لحظه شهادت ادامه داد و پرچم مقاومت را به زمین نگذاشت و مکتب سلیمانی را که ادامه مکتب دفاع مقدس است به یادگار گذاشت.

همچنین عرض سلام و ارادت دارم محضر جانبازان عزیز و ایثارگران گرامی، خانواده‌های محترم و عزیز آنها و عرض سلام و خداحوت دارم خدمت رئیس محترم بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، معاونین و مدیران ایشان، مدیران محترم استانی و همهی همکارانمان در سراسر کشور که با حرکت جهادی، اقدامات هوشمندانه و انبوه و پرتلاش و با کیفیت در حال پیشبرد این موضوع فوق العاده با اهمیت هستند.

در ایام عملیات کربلای ۵ به سرمی بریم، عملیات کربلای ۵ با فاصله اندکی از عملیات کربلای ۴ در سال ۱۳۶۵ انجام شد و عملیات فوق العاده مهمی بود که بیش از سه ماه به طور شبانه‌روزی این نبرد بزرگ ادامه یافت و با عملیات کربلای ۸ در هجدهم فروردین ۱۳۶۶ خاتمه پیدا کرد، پاتک‌های به کربلای ۸ هم تا آخر فروردین ادامه داشت و حدود ۱۰۰ روز جنگ جانانه در منطقه شلمچه تداوم داشت و به همراه عملیات بزرگ کربلای ۴ و سایر عملیات‌ها، سال ۱۳۶۵ را به سال انبوه عملیات‌های آفندی دفاع مقدس تبدیل کرد و هم ارتش عراق انهدام اساسی بی‌نظیری را در آن سال متحمل شد و البته ما هم بیشترین شهید را در دفاع مقدس در این سال و این عملیات‌ها تقدیم کردیم.

آثار بسیار بالایی در این عملیات نهفته است. در عملیات کربلای ۴ که عملیات ارزشمندی بود کار فوق العاده سنگینی انجام شد؛ ما تجربه والفجر ۸ را داشتیم و جزو مد و حرکت رودخانه اروند را تجربه کرده بودیم، اما باید اذعان کنم که فرایند حرکت آب در منطقه عملیاتی کربلای ۴ فوق العاده پیچیده‌تر از منطقه انتهایی اروند بود و دشمن هم که روش ما در والفجر ۸ را دیده بود با بستن نهرهای فرعی اروند در ساحل عراق، کار را سخت‌تر کرده بود و

و آنگاه جمهوری اسلامی اصلاً قابل کنترل با اشکال مورد نظر آنها نخواهد بود و لذا قطعنامه ۵۹۸ را پیشنهاد کردند که نسبت به قطعنامه‌های پیشین تغییر اساسی کرد و امتیازات قابل توجهی به جمهوری اسلامی ایران رسید و با فاصله‌ای جمهوری اسلامی این قطعنامه را پذیرفت.

اینکه مقام معظم فرماندهی کل قوا تعابیر بلندی را درباره کربلای ۵ دارند، نشان از اهمیت این عملیات داشت که ایشان فرموده بودند شب‌های کربلای ۵ مانند شب‌های قدر انقلاب اسلامی است. در همین عملیات هم یاد کنیم از سردار شهید سلیمانی که لشکر (۴۱) ثارالله (ع) که در مرکزیت این عملیات در بسیاری از مقاطع زمانی آن سخت‌ترین مسئولیت‌ها را بر عهده داشت و جانشین این لشکر در آنجا به شهادت رسید و بسیاری از فرماندهان در آنجا شهید و مجروح شدند و نقش اساسی را در این عملیات بر عهده داشتند.

هر چقدر ما با این فاصله زمانی که گذشته است نگاه می‌کنیم و تعابیر امامین انقلاب اسلامی را مرور می‌کنیم که باید دائماً بخوانیم و دقت کنیم و در آنها تدبیر کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که حقیقتاً چنین واقعه و اتفاقی شاید برای ملت ما هر چند قرن یکبار اتفاق بیافتد و دیگر هم تکرار نشود و این تعابیر را من هر روز مرور می‌کردم، به خاطر این جلسه نکاتی از این تعابیر را یادداشت کرده‌ام، شاید تکرار باشد اما از آن‌هایی است که وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ. ما باید این تذکر و یادآوری را دائماً داشته باشیم که در چه عنوان و مسئولیتی مشغول به کار هستیم و چقدر ارزش این کار بالا و بی نظیر است. امام (ره) و مقام معظم رهبری کل قوا این نوع تعابیر را به کار بردند. در دفاع مقدس صدور انقلاب اسلامی و مفاهیم بلند آن اتفاق افتاده است. فهم ضرورت و امکان‌پذیری ایستادن روی پای خود، اتکا به خود، اتکا به نقش در یک کشور به ظاهر جهان‌سومی در دفاع مقدس شکل گرفت و ما شاهد آن هستیم. ارتقای شجاعت و اتکالی به نفس در میان ملت ایران، نهادینه شدن فرهنگ ایثار، شجاعت و شهامت نه فقط در رزمندگان بلکه در ملت ایران و نه برای یک نسل برای همه‌ی نسل‌ها، معرفی الگوی استکبارستیزی به جهان، و اینکه امکان دارد یک کشور به ظاهر ضعیف در برابر قدرت‌های استکباری بایستد و آنها کاری از پیش نبرند. اگر چنانچه امروز مردم یمن با دست خالی در برابر این جنایتکارها می‌ایستد

الهام از دفاع مقدس گرفته‌اند، تضمین استقلال تمامیت ارضی و سربلندی کشور ما، اینکه کسی جرات جسارت به استقلال و تمامیت ارضی ما را ندارد از اثرات دفاع مقدس است. ارتقای بازدارندگی و اقتدار دفاعی کشور تضمین امنیت پایدار در کشور اثرات دفاع مقدس است. ارتقای روحیه خوداتکایی، پیشرفت‌های علمی و فناوریانه، دستیابی به امکان ساخت تمام نیازهای دفاعی کشور به خاطر دفاع مقدس است که ما از آن روز آغاز کردیم.

آن موشکی که امروز با این عظمت و دقت و صلابت به شکل انبوه با برد صدها کیلومتر یا هزارها کیلومتر یا هزار و ۸۰۰ کیلومتر اهداف را به صورت نقطه‌ای مورد اصابت قرار داد در روزهای اخیر و در رسانه‌ها شاهد آن بودیم از آثار دفاع مقدس است. کار تولید موشک از سال ۶۳ آغاز شد و امروز مانند یک درخت تناور و ورزشمند و پرثمر تبدیل شده. روح شهید تهرانی مقدم و همه شهیدان و عزیزان ایثارگر که این کار را دنبال کردند و می‌کنند شاد باشد.

امکان تکرار حماسه‌هایی مانند دفاع مقدس در نسل‌های بعدی امکان‌پذیر خواهد بود و این موضوع برای همه جا افتاده است. حضور جوانان ما در امر دفاع از حرم و سرودست شکستن آنها برای حضور در این صحنه‌ها، یعنی این حماسه‌ها در حال تکرار است. امام رحمت‌الله علیه می‌فرمودند اگر شهدا نبودند هیچ نشان برجسته‌ای از ایران نبود، دفاع مقدس ارزش شهید را به ما نشان داد. دفاع مقدس توسط حضرت امام به عنوان یکی از الطاف خفیه الهی ذکر شده، الطاف خفیه الهی به ملت ایران با همه مصیبت‌هایش، با همه گرفتاری‌ها و با همه آسیب‌هایی که داشته است. دفاع مقدس عامل سربلندی ملت ایران برای قرن‌ها و پس از سرافکندگی‌هایی که در نبردهایی که با روسیه در جنگ جهانی اول و دوم اتفاق افتاده است. عامل شکست ابهت ابرقدرت‌ها، عامل زدودن پرده تزویر از چهره جهان‌خواران، عامل شناخت دوستان و دشمنان کشور، در دفاع مقدس معلوم شد که چه کسی ایران دوست است و چه کسی با ملت ایران دشمن است. اینها تنها مواردی است از اشارات و تأکیدات امام این انقلاب اسلامی راجع به دفاع مقدس. چه اهمیت و جایگاهی داشته این حادثه بی نظیر تاریخ ملت ایران و در کنار آن مدارس‌های ارزشمندی گرفتیم؛ درس هوشیاری و بصیرت‌مداری و ولایت محوری از درس‌های دفاع مقدس است، درک ارزش ولایت فقیه



و تبعیت از او را مادر دفاع مقدس فرا گرفتیم، درس اخلاص و تکلیف مداری که اگر شما وظیفه‌تان را انجام بدهید نتیجه بر عهده خداوند است، شما مامور به وظیفه هستید، تاکید می‌کنم که حضرت امام همواره داشتند. روحیه داشتن و روحیه بخشی؛ اینکه روحیه ما در چنین حوادثی ضعیف و شکسته نشود از درس‌های دفاع مقدس است. اعتماد به نفس و شجاعت و عزتمندی، هر کدام اینها ضرورت تبیین دارد که در بیان مصادیق هم شما مسلط هستید و چون فرصت نیست صرفاً کلید واژه‌ها را عرض می‌کنم.

شهادت طلبی، جهاد محوری، توکل به خداوند، ایمان عمیق و تأثیر توسل به اهل بیت علیهم السلام، صبر در برابر مشکلات، ساده زیستی، خودسازی، زهد و تواضع، اینها از درس‌هایی است که ما از دفاع مقدس باید یاد بگیریم. گذر زمان نباید باعث عوض شدن روحیات ما بشود، همان ساده زیستی، همان زهد، همان پرهیز از اسراف و تشریفات و تجمل گرایی، آن سادگی و ساده زیستی دفاع مقدس باید ادامه داشته باشد، باید دائماً به هم دیگر در این مورد تذکر بدهیم، اگر کسی خلاف این رفتار می‌کند نهی از منکر کنیم، برادرانه به او تذکر بدهیم و به اخلاق و رفتار دوران دفاع مقدس متذکر شویم.

خلافت، نوآوری، ابتکار عمل، نوگرایی و عادت شکنی، عادت نکردن به یک روش، این که با ابتکار

و خلاقیت راه‌های جدیدی را پیدا کنید اینها از درس‌هایی است که یاد گرفتیم، عاقبت اندیشی، تفکر راهبردی و هوشمند بودن، آن چه که به اسم عقلانیت در دفاع مقدس مطرح می‌شود، آن چه که به عنوان داشتن طرح و برنامه‌ی بلند مدت و میان مدت و کوتاه مدت در امور مطرح می‌شود در دفاع مقدس بوده است. اگر با همه پیچیدگی‌هایش یک عملیات موفق انجام شده باید بدانیم که ماه‌ها و سال‌ها کار و بررسی و طرح و برنامه پشت سر او بوده، اگر در فاصله ۱۰ روز تا ۲ هفته عملیاتی به بزرگی کربلای ۵ اتفاق افتاده نشان دهنده چابکی و چالاک‌ی و انعطاف پذیر بودن

و انطباق یافتن با منطقه و مأموریت جدید توسط یگان هاست. گردان و تیپ و لشکری که چند ماه روی منطقه دیگری بررسی کرده ناگهان با مأموریت جدیدی مواجه شده و توانسته خود را انطباق بدهد و موفق عمل کند. هیچ بن بست و وجود نداشت و امروز هم وجود ندارد، این درسی است که دفاع مقدس به ما یاد داده است. ما باید تلاش کنیم و خداوند کمک خواهد کرد و راه را نشان خواهد داد و لذتین جاهد و فی‌النهیتهم سبیلنا این وعده الهی است، در دفاع مقدس بارها و بارها تجربه کردیم و به عینه دیدیم تولی و دوستی با مومنان و تبری جستن و دشمنی با دشمنان جزو درس‌های دفاع مقدس است. انسجام، اتحاد و یکپارچگی ملی از



و می‌گوید معلوم می‌شود این حرف‌ها همه‌اش درست نیست، و آن ممکن است این جوان ما راجع به خیلی چیزها به شک و تردید بیافتد. پس عمل ما فوق‌العاده حائز اهمیت است.

بحمدالله بنیاد حفظ آثار طی سال‌های اخیر همواره روبه رشد بوده، این جای قدردانی دارد در مطالبه فرمانده معظم کل قوا نسبت به ۱۰۰ برابری شدن آثار مرتبط با دفاع مقدس کار چشمگیری شده، از زمانی که معظم له فرمودند گزارش‌ها حاکی از این است که ۳۰ برابر ما توسعه داریم، یعنی ۳ هزار درصد، اما این کفایت نمی‌کند و ما همچنان باید این مسیر را با مراقبت از کیفیت، عدم تحریف، اغراق، دروغ و فریب طی کنیم. صرفاً این نیست که انبوهی از کتاب به عنوان و تیراژ و اینها مطرح باشد، کیفیت و این ویژگی‌ها کاملاً باید مدنظر باشد و با همه این ملاحظات ما باید به سمت ۱۰۰ برابری حرکت کنیم. برای این کار لازم است که عزیزان ما با روی گشاده نویسندگان را جذب کنند. جذب حداکثری نویسندگان دلسوز و اهل قلم را باید استقبال کنیم، سختگیری نکنیم اگر چنانچه در نوشته‌هایشان هم مشکلاتی وجود دارد، با لحن خوش و زبان لاین و وجه حسن بحث کنیم و قانع کنیم، تحکم کردن تنها موجب رنجش و دور شدن این عزیزان از ما می‌شود، کار سختی است اما از شما برمیآید و این انتظار از شما وجود دارد.

موزه‌ها در حال راه‌اندازی و تکمیل شدن است گام‌های بزرگی برداشته شده و من دائم از سردار کارگر گزارش می‌گیرم که کار هم

جمله چیزهایی که در دفاع مقدس اتفاق افتاد و به حمدالله تا حد زیادی ماندگار شد، تبعیت از ولایت فقیه و ده‌ها درس دیگر. که راجع به درس ضرورت قوی شدن یک قدری بیشتر توضیح خواهم داد. با پدیده‌ی بی‌نظیری به نام دفاع مقدس با آن ویژگی‌ها و اهمیت‌ها و با این درس‌ها و آموزه‌ها که من صرفاً عناوین را بیان کردم که هر کدام پانزده و یا شانزده مورد بود مواجه هستیم، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس مسئولیت سنگین و بی‌نظیری پرداختن به این گنج را دارد، گنجی پایان‌ناپذیر که چه از جهت کمیت و وسعت و چه از جهت کیفیت و عمق، بدیل و نظیری ندارد و بایستی به آن پرداخته شود. به دلیل اینکه موضوع کار شما دفاع مقدس است و سختی‌های زیادی هم دارد باید بدانید اگر کسی راجع به دفاع مقدس کار می‌کند و اخلاق و رفتار و روش و منشش با دفاع مقدس تفاوت کند کارش برکت و تأثیری نخواهد داشت. کار کسی که در خصوص دفاع مقدس مشغول انجام وظیفه است باید عیناً مانند دفاع مقدس باشد، چون بیش از آنچه که شما با کلام می‌گویید، می‌نویسید یا بیان می‌کنید، یا در راهیان نور توضیح می‌دهید، آنچه تأثیرگذار است عمل و رفتار شماست، نحوه انجام کار شماست که جوان امروزه به دنبال آن هاست. حرف‌ها را زیاد شنیده، کتاب‌ها و نوشته‌ها را زیاد خوانده، می‌گردد در رفتار ما ببیند این حرف‌هایی که می‌زنیم و چیزهایی که نوشته شده در عمل یعنی چه، اگر در عمل خلاف آنها را ببیند کاملاً تردید می‌کند

در مسئله دفاع مقدس و سایر ابعاد مرتبط با انقلاب اسلامی دارد هم نقش اساسی دارد که بایستی ما بتوانیم در همکاری تنگاتنگ بر کیفیت و تاثیرگذاری برنامه‌های آن اثر بگذاریم و همچنین توسعه تعامل با دستگاه‌های مسئول در کشور نکته مهمی را سردار کارگر تاکید کردند، چنانچه شما موفق شوید در جلب و جذب همکاری و مشارکت دستگاه‌های گوناگون، چه دولتی، چه غیردولتی خصوصی و دیگر دستگاه‌ها و مردمی که در سراسر کشور هستند آن وقت کار توسعه پیدا خواهد کرد.

در مسئله تحقیقات هدفمند، ما سطحی از تحقیقات راهبردی را در پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس جدا کردیم اما سطوح عملیاتی و به ویژه سطوح مرتبط با فرهنگ دفاع مقدس و آثار و ارزش‌های دفاع مقدس در بنیاد حفظ آثار و مجموعه‌های همکار با او متمرکز است و این جاست که بایستی با این تحقیقات ذهن تشنه جوان امروز را روشن و آگاه کند. همینجا من تاکید می‌کنم به این که از جلسات نقد و بررسی و تبادل نظر غافل نشوید، ما از این نترسیم که عده‌ای جوان بیان بشینند و از پیشکسوت ما سوال کنند. این جلسات را برگزار کنید و توسعه دهید، اجازه بدید که جوانان ما هر آنچه که شبهه در ذهنشان شکل گرفته را مطرح کند. دشمن دائماً در حال شبهه افکنی است که در دل و ذهن جوان می‌نشیند. اجازه بدهیم که بیاید سوال کند، حتی تندی و پرخاش کند، ایرادی ندارد. فرزند خودمان است، ما توضیح بدهیم، او وقتی این توضیح را احساس می‌کند و متوجه می‌شود از دل بر می‌آید و در آن نکات علمی دقیق و صحیح وجود دارد بر دلش می‌نشیند و این شبهات پاک می‌شود و او تبدیل به یک مبلغ برای ما می‌شود. تبدیل به یک همکار ما می‌شود. کار را رشد خواهد داد.

معرفی الگوها و اسوه‌ها و نمادها فوق العاده اهمیت دارد. جوانان ما نیاز به داشتن الگو و اسوه دارند. استقبال ملت ایران از شهید بزرگوار سلیمانی یکی از دلایل این است که جوانان ما دنبال قهرمان هستند، قهرمانانی که در دفاع مقدس فراوان وجود داشتند، این‌ها را ما معرفی کنیم.

بهره‌گیری توأمان از پیشکسوت‌ها و جوانان؛ پیشکسوتان ما گنج بی‌نظیری هستند که به جای خود باید خاطراتشان کاملاً ثبت و ضبط شود و برای جوانها بیان کنند و در کنار اینها جوانان ما به عنوان موتورهای با تحرک و انگیزه‌ای که می‌توانند کار را به اوج

بحمدالله ادامه دارد و باید در همان افق زمانی مشخص شده تکمیل شود. طبیعی است که در خصوص موزه‌ها بازویژگی‌های فراوانی وجود دارد که باید به آن توجه کرد. با وجود بیماری کرونا برگزاری برنامه‌های چهلمین سالگرد دفاع مقدس بحمدالله با موفقیت خوبی پیش رفت و کار ارزشمندی بود، به ویژه در قله‌ی آن لطف فرمانده معظم کل قوا و برگزاری سخنرانی ارتباط تصویری مستقیم که در سراسر استان‌ها مسئولان و پیشکسوتان گرد آمدند و در همین سالن هم بود و از این بیانات ارزشمند بهره‌مند شدند که وظیفه همه ما را در سراسر کشور سنگین‌تر کرد.

در باب ضرورت کار هر چه بیشتر در مسئله فضای مجازی؛ فضای مجازی آن ارزش و اعتباری را دارد که فرمانده معظم کل قوا می‌فرمایند که اهمیتش معادل انقلاب اسلامی است و اگر من رهبر انقلاب نبودم مسئولیت این کار را بر عهده می‌گرفتم. هر چه زمان می‌گذرد بیشتر متوجه می‌شویم که فضای مجازی چقدر ضریب نفوذ بالایی در میان جوانان و نوجوانان و همه اقشار دارد و باید چقدر در این حوزه سرمایه‌گذاری و کار بشود، با همه ظرافت‌ها و همه فنون آن که نیاز به دقت و تلاش هر چه بیشتر دارد.

در مسئله راهیان نور که الان هنوز هم به شکل انفرادی جریان دارد اما این فاصله در بازدید از موزه‌ها و راهیان نور فرصتی است برای اینکه دوستان اشکالات را برطرف کنند، نقاط قوت را توسعه بدهند و این کارها را بتوانند انشالله با رفع این بیماری هر چه زودتر با کیفیت و کمیت بالاتر پیش ببرند. استفاده از هنر فوق العاده تاثیرگذار است. اگر نیت ما تاثیرگذاری است هنر است که می‌تواند چنین نقشی را بر عهده داشته باشد، استفاده از هنر سینما، هنر تئاتر، هنر انیمیشن، کارهای گرافیک و رشته‌های متعددی که شماها مسلط هستید و باید کار شود. به طور مشخص حضرت آقا عجب ماندگی در قاصه نویسی را تاکید کردند، قصه‌چیزی است که بر جان و دل جوانان و مردم می‌نشیند. باید در این زمینه سرمایه‌گذاری و کار بیشتری صورت بگیرد. مسئله آموزش و فرهنگ‌سازی فوق العاده اهمیت دارد. ما ۱۴ میلیون دانش‌آموز در کشور داریم که آینده کشور به دست این عزیزان است. ما نمونه این فرصت را در دفاع مقدس و اردوها و همکاری با بسیج دانش‌آموزی و دانشگاه داریم، اینکه مفاهیم و ارزش‌های دفاع مقدس را هر چه بیشتر در بین جوانان و جامعه مخاطب جوانان استفاده کنیم. صدا و سیما که حقیقتاً تلاش اساسی و چشمگیری

برسانند توسعه بدهند، از هر دوی اینها باید بلد باشیم به خوبی استفاده کنیم. پیشکشوت و ویژگی‌ها و الزامات خودش را دارد، جوان هم ویژگی و الزام خودش را دارد، هنرمندان ما این است که این دو مجموعه در کنار هم بتواند هماهنگ و هم‌افزا به خوبی به کار گرفته شوند.

مسئله تکمیل یادمان‌های شهدای گمنام فوق‌العاده مهم است، شاید بسیاری از مردم ما امکان اینکه سفر کنند به راهیان نور را نداشته باشند، اما این مقبره شهید گمنام در شهر و روستا و

دانشگاه و کارخانه و محل کارشان یک مرجع و ملجاء درد دل اوست. می‌رود کنارش می‌نشیند و ارزش فوق‌العاده بالایی دارد. اینها را توسعه بدهیم و تکمیل کنیم و مراقبت کنیم، نگهداری و حفظ حرمت و حیثیت اینها فوق‌العاده مهم است. باید این مسیری که برای اینها هیئت‌امنا ایجاد می‌کنید و به مردم مسئولیت می‌دهید که خود مردم از اینها مراقبت بکنند حفظ شود. مراقبت مداوم و هوشمندانه نسبت به تحریف، وارونه‌سازی، روحیه شکنی، اغراق، فریب، دروغ و مانند اینها که ترفندهای دشمن و ترفندهای شیطان است را باید کاملاً مراقب باشیم. در انتقال خاطرات و مفاهیم و تجارب این‌ها را باید کاملاً مراقبت کنیم.

شاید چند موضوع جدید را هم ما باید اضافه کنیم به موزه‌هایمان. موزه مقاومت و شهید سلیمانی که در تهران اتفاق افتاده، یک همچنین چیزی باید در تمام موزه‌های استان‌ها ایجاد شود، این را سردار کارگر با کمک نیروی قدس و دوستان

دنبال کنند تا در سراسر کشور انجام شود و بخش‌هایی برای حفظ حریم اهل بیت علیهم السلام، مقاومت ضد صهیونیستی و ضد استکباری و همچنین شهید سلیمانی و هم‌زمان ایشان در استان‌ها را در اختیار داشته باشیم. مسئله غنی‌سازی محتوای استانی در موزه‌های استان‌ها را من مجدداً تاکید می‌کنم، یکسری از مباحث ما در موزه‌ها ملی است، عملیات‌های سراسری و کلیات دفاع مقدس و انقلاب اسلامی است، اینها در سراسر کشور وجود دارد اما عملکرد یگان‌های هراستان، ایثارگری‌های مردم آن استان

و ابعاد مرتبط با استان باید در هراستان به خوبی نمایان باشد، انتظار دارم که در هراستانی آن بخش مربوط به خود استان به طور غنی و چشمگیر وجود داشته باشد. این افتخار نیروهای مسلح و باقی‌مانده شهداست که اگر ملت ایران در جایی با سیل، زلزله، گرفتاری اقتصادی و بیماری کرونا مواجه می‌شود قبل از همه و قبل از دستگاه مسئول نیروهای مسلح در صحنه حاضر می‌شوند. عمر و وقت و امکانات و حیثیت و همه چیزشان را می‌گذارند وسط تا مردم قدری از مشکلاتشان کاهش پیدا کند، این را در موزه‌ها به نمایش بگذاریم چرا که آنهایی که از شهدا باقی ماندند چنین کارهایی را می‌کنند، این باعث می‌شود که روحیه دفاع مقدس تداوم و توسعه پیدا کند و به نسل‌های بعدی منتقل شود.

اما یکی از مهمترین درس‌های دفاع مقدس ضرورت قدرت‌یابی ملت ایران و نیروهای مسلح است. فرمانده معظم کل قوا بارها بر این مسئله تاکید داشتند که انتظار این که استکبار روحیه و راهبردش را تغییر بدهد انتظاری کاملاً پوچ و بیهوده و عبث است، شیطان باید شیطنتش را کند و می‌کند، استکبار روش و منش و روحیه و راهبردش دشمنی با ملت ایران و انقلاب اسلامی جبهه حق است، اگر کسی واقعا فکری کند که آمریکا و صهیونیست‌ها مسیرشان تغییر می‌کند کاملاً بیهوده و خطاست، اگر هم خدای نکرده می‌دانند که اینها تغییر نمی‌کنند و روش نامناسبی را برای فریب خوردن مجدد در پیش می‌گیرند که هیئات، اما حتی اگر نادانسته چنین فکری کنند باید بدانند که دشمن تغییر‌پذیر نیست، دشمنی است که قرن‌ها تلاش کرده تا جهان را تصاحب کند و انقلاب اسلامی پیدا شده مانع راه آنها شده، طبیعی است که با این موانع این که سرمیز بنشینند و فوجان قهوه‌ای در دست بگیریم و لب‌خندی با هم بزنیم که چیزی عوض نمی‌شود، پس ما چه باید بکنیم، اگر می‌خواهیم تحریم را خنثی کنیم که امر رهبری است راهش قوی شدن ملت ایران در تمام ابعاد است، هر کدام از ما در هر مسئولیتی هستیم باید این را به عنوان سرلوحه کار با برنامه دنبال کنیم، ما مسئولیت‌مان در بخش دفاع است،

۶۶

مسئله توسعه مشارکت و مردمی‌سازی امور را مجدداً تاکید می‌کنم که به آن توجه کنید و همچنین عملکرد نیروهای مسلح در سال‌های اخیر را در موزه‌ها ایجاد کنید. این همان مکتب دفاع مقدس و مکتب شهید سلیمانی و مکتب ایثارگری نیروهای مسلح است.

۹۹

البته در قانون اساسی هم آمده و مشی ما هم هست تدبیر و امر فرمانده مان هم هست تا حدی که به دفاع ما لطمه نخورد به سایر ابعاد و بخش های کشور کمک می کنیم، اما اصل کار ما دفاع و امنیت است ما حق نداریم در سایر ابعاد آن قدر افراط کنیم که کار اصلی مان فراموش شود. بعضی وقت ها ممکن بود در یک دوره ای نیروهای مسلح وارد حوزه مثلا اقتصاد بشوند به این نیت خبر که به مسائل اقتصادی کشور کمک کند و افراطی هم در این زمینه صورت بگیرد. به نحوی که بخش دفاع لطمه ببیند ما اصلا مجاز به این نیستیم. تلاش و کمک و همراهی هم می کنیم به اقتصاد، سیاست، اجتماع، فرهنگ و فضای مجازی و در بخشی از اینها هم در بسیج و نیروی انتظامی و نیروهای مسلح مسئولیت های مستقیمی هم داریم اما اصل مسئولیت ما دفاع و امنیت است. در مسئله قوی شدن در امر دفاع همه شاهد هستند که نیروهای مسلح چگونه تلاش می کنند، خدا را شاکر هستیم این صنعت دفاعی که از دفاع مقدس آغاز شده به جاهای اساسی رسیده. در دو سالی که امریکای جنایتکار عهد شکنی کرد و فشار حداکثری بر ملت ایران را در پیش گرفت و تمام تعهدات را کنار گذاشت و آنقدر اذیت و آزار کرد، ملت ایران هم مقاومت راهبردی و مقاومت حداکثری را در پیش گرفت و اقدامات اساسی در دو سال گذشته صورت گرفت. من همین مقطع بیست روزه اخیر را بگویم، تهدیداتی که رئیس جمهور و رشکسته امریکا مطرح کرد و با کم عقلی او محتمل بود، ما این را جدی گرفتیم، نیروی مسلحی که اقتدار و ابتکار و چالاکی دارد، بدون اینکه در طرح های ما باشد ظرف این ۲۰ روز شاید بیش از ۱۰ رزمایش اساسی در کشور اتفاق افتاد درست مانند کرپلی پنچی که هیچ قرار نبود و به علت آن مشکل کرپلی ۴ کرپلی ۵ پیش آمد. درست مانند همین وقتی نظام و فرمانده معظم کل قوا تصمیم به این گرفتند که آماده باش و آمادگی نیروهای مسلح در اوج باشد و این قدرت و اقتدار دفاعی به ملت ما برای دلگرمی و به جهان و دشمنان برای حساب کشیدن و بازدارندگی به نمایش گذاشته بشود به سرعت این اتفاق افتاد. می توانستیم این اقدامات و آمادگی ها را ظرف ۳ روز انجام دهیم اما برای اینکه امکان انعکاسش برای مردم باشد در ۲۰ روز تقسیم کردیم. رزمایش های دریایی، پدافند هوایی، پهپاد، موشکی برد متوسط و کوتاه، موشکی برد بلند، جنگ الکترونیک، تقویت جزایر خلیج فارس، رزمایش های زمینی که در پیش رو داریم؛

که تحریم‌ها را بردارند و باید بردارند، نه برجام فی نفسه اهمیتی دارد نه اضافه شدن فلان کشور یا کم شدنش، اینها هیچ کدام مهم نیست، مهم این است که تحریم ملت ایران - نه فقط آن تحریمی که با یک دستور اجرایی به طور موقت ایجاد شده یا برداشته شده است، خیر - کل تحریم ملت ایران باید برداشته شود، آنگاه رهبران و ملت ایران مانند همیشه بر عهد خودشان استوار هستند که به تعهدات هسته‌ای برگردند اما این صرفاً وقتی امکان پذیر است که آن تحریم‌ها هم به طور کامل برداشته شود. وضعیت رژیم صهیونیستی هم شاهد هستید که ماه‌هاست صدها نفر درب منزل نخست وزیران رژیم اردو زدند و تابلوهای دستشان صرفاً این است که در قبال فساد اقتصادی و جنایت‌ها باید پاسخگو باشید، این وضعیت رژیم صهیونیستی است به هر صورت ما با تمام مشکلات در جایگاه مناسبی قرار داریم و البته کار سنگینی هم در پیش داریم، در مسئله دفاع مقدس هم دوستان مسئولیت‌های فوق‌العاده سنگینی را بر عهده دارند، کارهای ارزشمندی انجام دادید در کمر کار هستید و با روحیه با تلاش با مجاهدت و ایثارگری همچون دوران دفاع مقدس انشاالله بایستی کار ادامه پیدا کند و جوشش و فوران قابل توجهی در کار شما شکل بگیرد و دیده شود.

اینها شایعه است، اینها خوش خیالی است اما افول انگلستان اتفاق افتاد، یک تمدن پیرو فروت و ناتوان، و افول امریکاهم آغاز شده، این برکت خون شهدا و انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. ما در کجا بودیم و بحمدالله امروز در چه قله‌ای هستیم و دشمنان ما کجا بودند و الان در چه حوضی قرار گرفتند. البته بخش‌های مسئول برای حل مشکلات مردم در کشور ما مسئولیت فوق‌العاده سنگینی دارند کسی که ادعا می‌کند به صحنه می‌آید برای انتخاب شدن و تصدی مسئولیت‌های اجرایی در کشور ما، باید همه‌ی این گذشته را در ذهنش مرور کند و مثل تابلو جلوی چشمش بگذارد که این ملت ما چه روزهایی را طی کرده، چه گرفتاری‌ها و مصائبی را تحمل کرده، چه ایثارهایی کرده، چه خون‌هایی داده، آنقدر ردیف می‌شوند برای کاندیداتوری و گرفتن پست، بعد هم این وضعیتی است که شاهد هستیم، خیلی کار سنگینی است، تعجب دارد اگر سرو دست بشکنند برای یک صندلی اینطوری. انشالله که چنین نگاهی به حل مشکلات به طور جدی تر شکل بگیرد. در شرایط پیش رو هم فرمانده معظم کل قوا فرمودند اصل بر بی تأثیر کردن تحریم است، البته دشمنان ما وظیفه‌شان برداشت تحریم است، در برجام هم تعهد کردند





دفاع مقدس به ما منطق ایستادن آموخت

سخنان سردار سرلشکر سلامی
در همایش سراسری مدیران بنیاد حفظ آثار
و نشر ارزش های دفاع مقدس

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ

خدای متعال را سپاسگزارم که در این ایام و لحظه های روحانی و معنوی که فضای دل های همه مومنان و محبان اهل بیت (ع) به عطر دل انگیز و رایحه ی معنوی وجود شریف و نازنین قسمت اسمت هستی و گوهر زیبای آفرینش، مظهر مهربانی ها و لطافت های دستگاه خلقت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها معطر و منور است توفیق و شرف حضور در محضر حافظان معارف یکی از باشکوه ترین وقایع تاریخ اسلام و ایران، دفاع مقدس شرف حضور پیدا کردم.

شما پیام آوران آن حادثه و واقعه بزرگ هستید، به صورت طبیعی مهمترین و حیاتی ترین سرمایه های یک جامعه سرمایه های معنوی اوست، سرمایه های مادی محدود هستند، دامنه دارند، دارای مرزهای مشخصی و اندازه های معینی هستند معمولاً سرمایه های اصلی که می توانند نامحدود باشند و قلمرو افتخار و عزت و اقتدار یک ملت را به شکل نامحدودی گسترش بدهند سرمایه های معنوی و جلوه های معنوی قدرت یک جامعه هستند مثل یک مکتب بزرگ. انسان ها در دامن یک مکتب بزرگ تربیت می یابند و بر اساس ارزش های مکتبشان عمل می کنند و متناسب با ارتفاع این ارزش ها بزرگ می شوند. صورت معنوی شخصیت یک جامعه می تواند

هر جامعه‌ای مثل حقیقت جاری در بطن و متن جامعه در امتداد زمان حرکت می‌کنند، سیال اند، صُلب نیستند، متعلق به یک زمان خاص نیستند، واقعه‌ها هم همین گونه هستند. بعضی از واقعه‌ها در تاریخ و گذشته نمی‌مانند، کهنگی ناپذیر هستند، کهن می‌شوند اما کهنه نمی‌شوند، آنها هم منبع افتخار هستند، منشاء الهام هستند، فرهنگ ساز هستند، گنجینه تمام ناشدنی افتخار هستند، شاهد مثال دائمی هستند و با زمان حرکت می‌کنند، جاذبه و میدان تاثیر آنها در زمان دائمی است و در جغرافیا و وسیع تمام نشدنی هستند، منبع فیض هستند، منشاء رحمت هستند. نمونه آن وقایع بزرگ صدر اسلام است مثل عاشورا چشمه‌ای از همه معارف و فضائل که همیشه می‌جوشد فداکاری، وفاداری، شجاعت، ایثار، بخشش، روح آزادی، کرامت، شرف، مقاومت، ثبات قدم، عزت همیشه از آن می‌جوشد و به همه بشریت منتقل می‌شود، در جسم و جان انسان‌ها می‌نشیند، انسانها را می‌سازد، هرچند در زمان کوتاه و متراکم است اما وقتی منبسط می‌شود تابد می‌تواند الهام بیافریند. علل ابد این حادثه هرگز در یک روز در سال ۶۱ هجری محبوس و متوقف نمی‌شود.

شخصیت‌ها هم این گونه هستند، امامان ما علمای بزرگ، شهدا صلحا، امام راحل عظیم الشان ما، شهیدان والامقام ما، همه شهدا مثل شهید سلیمانی، اینها منابع دائمی فرهنگ تفکر اعتقاد و باور هستند، اینها قدرت اصلی ما هستند. دفاع مقدس هم همین گونه است حادثه‌ای در مقطعی از تاریخ نیست، دارای حیات است، دارای هویت است. همانگونه که رهبر عزیز و عظیم الشان ما فرمود بخشی از هویت ملی ما است، سازنده بخش مهمی از فرهنگ ما است، الگو بخش است، سرمایه تمام ناشدنی است، غنی است، می‌جوشد و انتقال آن حماسه‌ها، معارف، ارزش‌ها، رفتارها از نسل آفرینشگران حماسه به نسل‌های بعدی مقوم فرهنگ مقاومت در این جامعه است. همیشه نبرد برای استقلال در تنهایی صورت می‌گیرد، نبرد برای استقلال همواره در اوج نابرابری اتفاق می‌افتد، نبرد برای استقلال برای دستیابی به ارزش‌های مستقل این استقلال نه فقط استقلال جغرافیایی و سرزمینی یا فقط استقلال سیاسی، نه، این یک مفهوم موثق از ارزش‌های بنیادی نیست که شخصیت ملی ما را با مفهوم عزت و شرف و گوهر افتخار و روح آزادی و کرامت انسانی عجین



همایش سراسری مدیران بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس



بسیار بزرگ تراز اضلاع ظاهری آن باشد. جسم مادی یک جامعه می‌تواند بسیار کوچک تراز هیکل و شاکله‌ی معنوی آن باشد، اگر یک ملت تابع یک مکتب، تابع ارزش‌های والا و تعالی بخش و روح افزا و قدرت آفرین باشد.

شخصیت‌ها و قهرمانان تاریخی و یازنده‌ی یک کشور هم سرمایه‌های معنوی او هستند، آنها منبع الهام هستند، سرچشمه حرکت هستند، می‌زنند، انسان‌های معیارند، با آنها می‌توان راه را آموخت؛ درس آموزند، تمام ناشدنی و جاری هستند. شخصیت‌های بزرگ

می‌کند، مستقل در همه چیز در فرهنگ در مکتب در عقیده در

مستحکم می‌شود، بزرگ می‌شود و پرورش می‌یابد. جنگ پرورشگاه ایمان و کشتگاه اعتقاد و باور ملت ایران بود به آنچه که سال‌ها می‌گفت، قرن‌ها می‌گفت به ملتی که همیشه آرزو داشت در رکاب امامش شمشیر زده باشد، به ملتی که همیشه افسوس می‌خورد و تحقیر می‌کرد و نفرین می‌کرد بر کسانی که امام مسلمین را در میدان حرف و در محراب تنها گذاشتند و در میدان جنگ از او حمایت نکردند و آرزو داشت ای کاش در عاشورا می‌بود در مسجد کوفه می‌بود، در کنار امام حسن می‌بود تا نشان دهد که چگونه باید از امام مسلمین در مقابل دشمنان حمایت کرد، تراکم این بغض‌های فشرده ملت ایران را وارد یک صحنه عملی کرد تا نشان دهند آیا در آزمون واقعی هم همانگونه عمل می‌کنند که در میدان اندیشه و آرزو و آرمان، و این آزمون موفقیت بود، در اینجا ملت ایران بزرگ شد دفاع مقدس ملت ایران را عزیز کرد، بلندمرتبه کرد، شکست ناپذیر کرد، اعتقاد و باور اسلامی را در نزد همگان اثبات کرد، نشان داد اسلام منبع سلامت ماست و جهاد منشاء حیات ماست، همانگونه که خداوند در قصاص حیات قرار داده است، جهاد هم نوعی قصاص است، در آن حیات است، حیات طیبه، و وقتی ملت ایران بر اندام خود لباس جهاد پوشاند خداوند بر او لباس عزت پوشاند، چرا؟ چون به تعبیر مولا امیرمومنان (ع) هر کسی لباس جهاد را از تن به در آورد خداوند بر او لباس ذلت می‌پوشاند؛ فَمَنْ تَرَكَهُ رَغَبَةً عَنْهُ الْبَسَهُ اللَّهُ تَوْبَ الذَّلِّ هر کسی از جهاد اعراض کند دلیل می‌شود. این را دفاع مقدس نشان داد، فرهنگ جهاد و شهادت و روح ایستادگی، پای فشاری بر ایمان، نترسیدن از دشمن، تحقیر قدرت‌های غیر الهی، نگاه توحیدی به قدرت که قدرت‌های غیر خدا به تعبیر الهی قرآن اگر همه مجتمع شوند لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ، اگر همه قدرت‌های شیطانی عالم مجتمع شوند توان آفرینش یک پشه را ندارند وَإِنْ يَسْلُبْهُمْ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَفْقِدُوهُ مِنْهُ وَ تَازَه اگر پشه‌ای از آنها چیزی بر باید قادر به باز پس‌گیری آن نیستند. این تمام شکوه قدرت‌های غیر الهی است که نمی‌توانند یک پشه را خلق کنند، نگاه و یان را تعقیب کنند.

نگاه توحیدی به قدرت در دفاع مقدس جلوه یافت در دفاع مقدس امام به عنوان پیشوای مسلمانان، ملت عزیز ایران را از نیل عبور داد، کارکرد ولی فقیه همین است که با حکمت و تدبیر الهی که

می‌کند، مستقل در همه چیز در فرهنگ در مکتب در عقیده در آرمان در سیاست در اقتصاد در هویت بنابر این جامعه‌ای که برای استقلال می‌جنگد حتماً در فضای نابرابری می‌جنگد چون وابستگی اساساً به مفهوم سلطه یک قدرت غالب بر یک قدرت مغلوب است، خروج از فضای مغلوب بودن به فضای پیروگی و غلبه، این یعنی نبرد در محیطی نابرابر دفاع مقدس از این جنس بود، آغاز تصویر جدیدی از شخصیت و هویت و هندسه معنوی برای یک ملت که می‌خواست و می‌خواهد آزاد، آگاه، مستقل، عزیز، مقتدر، زندگی کند. پس دفاع مقدس صاحب یک میدان تاثیر و جاذبه است برای همیشه، هر ملتی ممکن است یک بار برای همیشه زنده بماند و یک بار برای همیشه بمیرد، با خود اوست که چگونه با حوادث روبه‌رو شود، بنابر این دفاع مقدس از یک جهت منشاء حیات ماست، سرچشمه یک حیات جاوید و یک حیات طیبه برای جامعه ما است.

چون دشمن در دفاع مقدس اراده کرده بود که این ملت را بشکند، یک ملت را به قتل برساند، یک ملت را قتل عام کند ف او را از ارزش‌های جاودانه خود جدا کند، بر او لباس ذلت بپوشاند، او را تسلیم کند، اگر ملتی تسلیم شود برای یک روز نیست ملت تسلیم شده به ندرت قادر به تجدید حیات است، می‌میرد، نه مرگ جسمانی بلکه مرگ روحانی، مرگ شرف، مرگ آزادی، مرگ اقتدار، مرگ عزت و اگر ملتی بدون این معانی زندگی کند فاقد هویت است، فاقد احترام است، در مانده است، این معرف‌های دفاع مقدس از این منظر مهم است، یعنی این حادثه برای همیشه به ما عزت داد، تصور جهان را از ملت ایران واقعی کرد، عناصری برای ملت ایران ساخت تا این هویت با آن عناصر شناخته شود، ایستادگی دفاع مقدس نقطه آغاز تعلیم ثبات قدم در میادین سخت و در قلب خطر بود، نقطه آغاز بود، سرچشمه بود، ما باید مقاومت را مشق می‌کردیم، باید در یک میدان سخت ظرفیت ایستادگی را ایجاد می‌کردیم، هیچ ملتی به خودی خود مقاوم نمی‌شود، همانطور که هیچ جسمی در سکون قوی نمی‌شود، برای قوی بودن باید با دشمنان بزرگ کشتی گرفت، باید در وسط میدان، در قلب نبرد ایستاد، بدون ایستادگی و ثبات قدم هیچ ملتی مقاوم نمی‌شود، هیچ ملتی بدون عمل به اعتقاداتش مومن و متکی نمی‌شود. اعتقادات در قلب شکل می‌گیرد اما در میدان

وسیعی برای ملت ایران به وجود آمد، اما آن تجربه بزرگ همه جایور ما بود. وجود این اجسام مطهر تاریخ و این اجساد نورانی و معطر و این شاهد مثال های زنده تاریخ و ابدیت برای ما حجت های دائمی هستند، دشمن عقب نشست، نکته مهم این است وقتی امام و امت با هم معتمد و متحد و یکپارچه و یکی می شوند و امام در شخصیت مردم تکثیر می شود و انسان هایی در تراز خود می سازد آن وقت دشمن مجبور است در همه ی آرزوهای خود منجمد شود، دفاع مقدس فقط یکی از جلوه های برجسته و قدرتمند سیاست های دشمن بود که می خواست ملت ایران را شکست دهد و انقلابش را خاموش کند بر سرنوشت او مسلط شود، این تازه ابتدای کار بود، بعد از دفاع مقدس توطئه ها پیچیده تر شد، دشمن همه جانبه تر عملکرد کرد، همه جبهه ها را باز کرد، هیچ جبهه ای نبود که علیه اسلام، انقلاب و مردم ایران بازگشایی نشود. عرصه اقتصاد، فرهنگ، دین، امنیت، دفاع همه این عرصه ها گشوده شد، این تنهایی ادامه یافت، ولی تنهایی ملتی که قوی شده بود، دفاع مقدس ما را قوی کرد، به ما منطق ایستادن را آموخت، عقیده و تفکرو اندیشه و ابتکار و خلاقیت برای شکست نخوردن و بلکه شکست دادن را به همه ما یاد داد، ایمان ما در سرزمین دفاع مقدس ریشه گرفت، مستحکم شد، به یقین تبدیل شد، صورت عینی پیدا کرد، ایمان مجسم، وقتی ملت ایران تجسم ایمان شد، وقتی ملتی بزرگ می شود در کناریک رهبر بزرگ این ملت دیگر شکست نمی خورد.

عصای موسوی است بارها و بارها ملت را از نیل سختی ها در حالی که دشمن از پشت سر حمله می کرد نجات داد، عبور داد، این تاثیر دفاع مقدس است و این تاثیر نباید متوقف شود. شما پیام آوران این تاثیر هستید و این مسئله مهمی است، باور داشته باشیم اگر دفاع مقدس نبود ما در نبردهای بزرگ بعد از دفاع مقدس که مقیاس هایی بزرگتر و جهانی تر از دفاع مقدس داشتند دچار مشکل می شدیم. قدرت ما پس از دفاع مقدس از این دوره سخت و نورانی سرچشمه گرفت، الهام گرفت، روح گرفت، معنا گرفت، دفاع مقدس مقاومت را با سرشت و ذات ملت ایران عجین کرد و ملت ما سرافراز ایستاد، متوجه شد که اگر همه جهان اراده کند و ملت بزرگ و عزیز ایران در مقابل این اراده بایستد و به خدا متکی شود و به اسلام تکیه کند و از ولی خود اطاعت کنند و پیوند خود با امام امت را مستحکم کند، هرگز شکست نمی خورد، ملت ها در باورهای خود شکست می خورند، تا ملتی در اعتقادات و باورهایش شکست نخورد در میدان شکست نمی خورد. همه ی پیروزی ها متعلق به قلب و ذهن هستند، ملت ها در قلب پیروز می شوند و در قلب ها شکست می خورند. این را ما تجربه کردیم، یک تجربه بزرگ که امروز باید آن را بنگارید، این جریان را باید معرفی کنیم، فرهنگ جامعه را بر اساس آن بسازیم، جهان بینی خودمان را با این مفاهیم مستحکم کنیم، شکل بدهیم، نسل ها را یکی پس از دیگری آشنا کنیم و به آن ها روح مقاومت را القا کنیم از بستر آن حماسه بزرگ و دفاع مقدس در تاریخ ۴۱ ساله انقلاب ما تکرار شد، صحنه های

66

روح زنده ی شهیدان
عزیزی که چهره مبارکش
در جوار شماسست در این
مجلس باشکوه، شاهد
و ناظر بر اعمال ماست.
آنها حجت های خدا بر ما
هستند، ما به قوت این ها
هرگز شکست نمی خوریم.

99

فقیه ایستاد، یک تنه جهان قدرتمند در مقابل حکمت و تدبیر و شجاعت و نفوذ کلام و الهام بخشی‌ها و آگاهی بخشی‌های او منفعل شد، اینها تنها احساس ما نیست، حقایقی است که ما با آنها زندگی کرده ایم.

به تدریج دشمن از قلب میدان جهاد و مبارزه ما و حاشیه میدان گریخت، آرزوهای او روی کاغذ و یا در ذهن ماند، ذهن دشمن منجمد شد، قدرت تفکر خلاقانه از او گرفته شد، بی حکمت و بدون تدبیر عملکرد از تفکر و اندیشه خلاقانه خلع سلاح شد، چون مدام در مقابل ابتکار عمل‌های ولی فقیه قرار می گرفت، یکی پس از دیگری میدان‌ها را از دست می داد، در هر کجای خواست دولت سازی کند این آرزو از او سلب می شد. چه در عراق، چه در افغانستان، چه در لبنان، چه در سوریه، چه در یمن، چه در بحرین، در هر نقطه ای مهره‌های شطرنج سیاسی اش می سوختند و او توان حفظ آنها را نداشت. با همه ابزارها و تکنیک‌ها و تجربیات پیچیده او در عملیات روانی امانی توانست قلب مسلمانان را و به خصوص ملت ایران را تحت تاثیر قرار دهد، هرچه می خواست انفعال بین چشم، گوش و قلب ملت ایران با نظام رهبری این جامعه با رهبری ولایی این انقطاع را حاصل کند از خود و جامعه ما

دشمن همه جا را میدان مرکزی جنگ کرد، همه جا، همه شئون جامعه ما جنگ شد، قلب و ذهن مردم میدان جنگ شد، دشمن به قلب‌ها حمله کرد تا با تردید و سست نمودن ذهن‌ها و دل‌ها مردم را از راهی که می‌روند پشیمان کند، اعتقاد آنها را به ارزش‌های والای اسلام و به رهبری عزیز نظام با تردید مواجه کند، این‌ها استراتژی‌های خطرناک دشمن ما بود، اما همه جا امام و امت، رهبری و ملت، با تکیه بر آموزه‌های اسلام و تبعیت از حادثه‌های بزرگ تاریخ اسلام و عبرت‌های آن حوادث بزرگ و درس‌های فراموش ناشدنی آن ایستادند، یک قدم به دشمن اجازه پیشروی ندادند بلکه همه جا دشمن به عقب رانده شد. در جغرافیای سرزمینی دشمن از قلب سرزمین ما تا مدیترانه عقب نشست، تا شمال آفریقا عقب نشست، همه این سرزمین‌ها میدان جنگ شد و قدرت‌های وسیعی در جهان اسلام ساخته شد، بر اساس دفاع از انقلاب اسلامی، انقلاب در جنگ و پس از آن صادر شد، سرزمین‌های زیادی را فتح کرد، دل‌های زیادی تسخیر شد، بعثت‌های زیادی صورت گرفت، قدرت‌های زیادی ساخته شد، اسلام پس از هزار و چند صد سال به حاکمیت رسید، در مرکز یک میدان مقاومت جهانی ایستاد و در نقطه مرکزی و قلب این میدان خطر، ولی



مغزمان فصلی بسازد و این نقطه اتصال را تغییر دهد نمی‌توانست، مردم هرگز پژواک شائبه‌ها و تردیدها و شایعه‌ها و اکاذیب دشمن قرار نگرفتند و این بزرگترین مدال افتخار ملت ایران است که در این نبرد جهانی رسانه‌ای و روانی هرگز در میدانی که دشمن در آن آتش می‌گشود عمل نکردند، در مقابل او ایستادند، قدرت تشخیص دوست از دشمن را داشتند، صبر کردند، توکل کردندف توسل کردند، ماندند، سختی‌ها را به جان خریدند، با مصیبت‌ها مواجهه صابرانه داشتند، شجاعت به خرج دادند، از سختی‌ها نگریختند، در قلب خطر ایستادند، اما مشان را تنها گذاشتندف اینها درس‌هایی است از زمان پیامبری عظیم الشان اسلام تا به امروز، **وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَخطفَكُمْ النَّاسُ فَأَوَّاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّلِبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.**

همه جا ولی امر ما از فتنه قلیل تاثیر کبیر و کثیر گرفت و فتنه کثیر را شکست داد، اینها حقیقت‌اند، جاری و برای همیشه می‌مانند، نه فقط به عنوان گزاره‌هایی در کتب و واقعیت‌هایی جاری در متن زمان، همه جا ما از این دستاوردها حیات می‌گیریم همه‌ی دروازه‌های اقتصادی را بستند، ملت ما را در جهان تنها گذاشتند، تحریم کردند، فشار سیاسی را تا حد اکثر ممکن اعمال کردند، علیه ملت ایران پیوسته عملیات روانی انجام دادند، استراتژی دشمن میدان پیوسته‌ای از عمل بود، هیچ انقطاعی در حرکت دشمن وجود نداشت. حفظ انقلاب هر لحظه معادل لحظه قبل است ما همیشه در حال حفظ انقلابیم چون دشمن همیشه در حال توطئه و طراحی و عمل به آن است، یک میدان نبرد پیوسته بی هیچ نقطه توقفی، بی هیچ تنفسی، بی هیچ زنگ تفریحی حتی برای یک لحظه، شب و روز، چه قدرتی آفریده شد، این همان قدرت ولایت است، این نظام ولایی است که می‌تواند این اندازه قدرت بیافریند و از قدرت موجود تاثیر نامحدود بسازد، دشمن امروز کجاست، از قلب میدان منازعه دور شده است، به حاشیه رانده شده است، فشار حداکثری شعار نبود دقیقاً یک استراتژی برای اقدام بود، دشمن با همه ظرفیت متمرکز شده بود اما فشار حداکثری بیش از همه خود او را خسته و فرسوده کرد چون مجبور

بود با همه قوا در میدان حاضر شود و دشمن ظرفیت تحمل عمل وسیع در طولانی مدت را ندارد، هیکل او مادی است، قدرت او محدود است، فشار حداکثری هم محدود است، اما ملتی که مومن است، ایستادگی اش نامحدود است. به الان نگاه کنید، مافرازهای بزرگ را پشت سر گذاشتیم، از نیل‌ها عبور کرده‌ایم، دشمن را پشت سر گذاشته‌ایم، حتی امروز درست است تحریم‌ها وجود دارند اما ملت ایران بسیاری از تاثیرات این تحریم‌ها را خنثی کرده است، تحریم‌ها امروز مثل چند سال پیش نیستند حداکثر تاثیر خود را در میدان نشان داده‌اند، آن قدر که ملت امروز احساس می‌کند، آن کسی که باید تحریم را بی خاصیت کند ملت ایران است. دشمن هرگز تحریم را بر نخواهد داشت، الا اینکه ملت ایران آن را بی خاصیت کنند.

تحریم بی آبرو می‌شود، اثر می‌افتد، کما اینکه بسیاری از تاثیرات خود را از دست داده است، شما امروز احساس نیازی به برجام نمی‌کنید چون براساس نبود آن حیات خود را شکل داده‌اید، رزاق ما خداست، آمریکا نمی‌تواند مردم گرسنه خود را سیر کند، میلیون‌ها انسان زیر خط فقر شب‌ها در خیابان‌ها می‌خوابند، از سوء تغذیه رنج می‌برند، تکیه‌گاه ما آمریکا نیست، کلید رزق ما دست او نیست، ما به خداتکیه می‌کنیم؛ **وَلَا تَرْجُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا،** ظالمان تکیه‌گاه ما نیستند. حتی میل خفیف به آنها نمی‌کنیم چون اگر چنین کنیم نصرت نمی‌شویم. امروز دشمن کجاست، نقطه تمرکز ارتش دشمن امروز حفظ کنگره آمریکا است، همین امروز. نشان می‌دهد که نظام آمریکا پوسیده است، در قلب آمریکا امروز ارتش آمریکا از کنگره آمریکا در مقابل مردم خشمگین آن سرزمین دفاع می‌کند، سنگر آمریکایی‌ها به کنگره منتقل شده است، این واقعیت است، هرچند مشرکان، کافران و منافقان نپسندند نور خدا جلوه‌گر شده است. این یعنی کارکرد نظام ولایی که پس از چهل و دو سال مبارزه تنها این چنین عزیز در جهان می‌درخشد، و این همان امتداد دفاع مقدس است. ما امروز با اعتقاد بیشتر به خدا و تبعیت محض از ولی امر مقابل دشمن ایستاده‌ایم، ما راه غلبه بر دشمن را آموخته‌ایم و ابزارهای آن را نیز فراهم کرده‌ایم. خدا خلف وعده نخواهد کرد. ما خواهیم ماند و دشمن را به ذلت خواهیم کشاند.



دفاع مقدس به تمام معنا مردمی بود

سخنان سردار سرلشکر جعفری
در همایش سراسری مدیران بنیاد حفظ آثار
و نشر ارزش های دفاع مقدس

گرامی می‌داریم یاد همه شهیدان گرانقدر انقلاب اسلامی دفاع مقدس، شهدای راه امنیت، شهدای مدافع حرم و همه شهیدانی که جان عزیزان را در این راه در راه اسلام و انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف تقدیم کردند و از روح بلند و ملکوتی امام شهیدان و ارواح طیبه همه شهیدان استمداد می‌طلبیم که ما را همه ما را در پیمودن راهشان یاری کنند که انشاءالله بتوانیم اهداف والای شهیدان را محقق کنیم، به خصوص شما عزیزان که تمام وقت در خدمت این امر مقدس هستید و بعد از عمری خدمت در عرصه‌های مختلف جهاد و انقلاب اسلامی امروز این مسئولیت را پذیرفته‌اید که برای ثبت و ضبط و نشر ارزش‌های والای دفاع مقدس همه همت خود را گذاشته‌اید. از خدای متعال می‌خواهیم که توفیق بیش از پیش به همه شما عنایت بکند تا بتوانید از عهده



مقاومت انقلاب اسلامی منتقل کرد. اینکه عرض کردم به خوبی، شاید خیلی‌ها می‌بایست این وظیفه را برعهده بگیرند اما به خاطر مسئولیتی که حاج قاسم عزیز داشت در رأس نیروی قدس که وظیفه‌اش همین انتقال مقاومت و درس نهضت و مقاومت و ایستادگی به ملت‌های منطقه بود. معلوم نبود اگر کسان دیگری در این جایگاه و مسئولیت بودند به خوبی ایشان و با هنرمندی و توانمندی که ایشان بتوانند این کار را بکنند. نکته مهم این است که این راهی که اینگونه مورد استقبال و قدرشناسی ملت‌های آزاده و مظلوم جهان قرار گرفت ناشی از یکی از ابعاد مختلف دفاع مقدس بوده و آن رسالتی که بردوش ما و شما هست همین است. سختی کار ما و شما همین است که ما بتوانیم این ابعاد را - که یکی از آن ابعاد این گونه در صحنه عمل خود را نشان داد - با ابزار هنر، رسانه، شعر، ادبیات، داستان، فیلم، نمایشگاه، عکس به سرانجام برسانیم و هر چه در توان داریم بگذاریم که ابعاد دیگر دفاع مقدس که هنوز برجسته و منتقل نشده آن را برجسته کنیم و به جهان معرفی بکنیم.

بدون تردید اگر بخواهیم میزان وابستگی انقلاب اسلامی به دفاع مقدس را تعریف کنیم باید سهم بسیار زیادی از آنچه تاکنون بوده است را به آن اختصاص دهیم. ما مراحل اول و دوم انقلاب را پشت سر گذاشتیم و امروز در مرحله سوم هستیم، هنوز مراحل سوم و چهارم و پنجم انقلاب اسلامی باقی مانده است، تعریف مقام

این مسئولیت خطیر به خوبی برآید و این کار سنگین و بسیار حساس را به سرانجام برسانید.

همانطور که مستحضرم ما هنوز نتوانستیم حق دفاع مقدس را ادا کنیم، بارها از زبان مقام معظم رهبری شنیدیم که فرمودند و انصافاً هم همین‌گونه است. شما مستحضر هستید که انقلاب اسلامی یا جمهوری اسلامی بخش بسیار زیادی از این عزت و اقتدار و عظمتی که امروز آن برخوردار است را مدیون دفاع مقدس است، چرا که ما هنوز یک بعد از انقلاب اسلامی را به صورت برجسته و محوری به دنیا نشان دادیم و آن مقاومت و ایستادگی است، همه عزت و عظمت و اقتداری که امروز اسلام جمهوری اسلامی ملت ایران در دنیا کسب کرده مدیون همین یک بعد از انقلاب اسلامی است، یعنی ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم، در برابر نظام استکبار و نظام سلطه، اوج این اقتدار و عظمت را شما در شهادت سردار دلها شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی می‌بینید که چگونه از ایشان که یک اسطوره و یک قهرمان ملی مقاومت بود توسط مردم ایران، منطقه و جهان استقبال شد. چگونه عظمت قدر و عظمت این حرکت و این راه را دانستند.

این نکته را هم اینجا باید عرض بکنیم که حاج قاسم هم هر چه داشت از دفاع مقدس بود، حاج قاسم بچه جنگ بود، در جنگ ساخته شد و بعد از جنگ درس‌هایی که از دفاع مقدس گرفته بود، از آن دوران نورانی و پر معنویت، به خوبی به عرصه‌های دیگر

که باز دشمن برنامه ریزی گسترده ای برای ناامنی انجام داده بود فقط ۷ یا ۸ روز طول کشید و در آن ۹۸ سه چهار روز، در صورتی که در هر مقطعی از این چهار مقطع حساس دشمن قوی تر و باتجربه تر و با هزینه و آموزش بیشتر وارد میدان شده بود اما تعداد روزهای مقابله با فتنه ها کمتر شد، به طوری که دشمن ناامید شد. یادتان هست که در سال ۹۷ و ۹۸ تقریباً این امید را بسته بودند که دیگر به ۴۰ سالگی پیروزی انقلاب و جشن انقلاب نمی رسیم و امروز خودشان به چه روزی نشستند. این را ما نباید دست کم بگیریم، این مدیون چیست؟ من این ها را عرض کردم که این نکته را بگویم؛ وقتی ما می خواهیم به ابعاد مختلفی از جنگ بپردازیم انقدر مختلف است که در یک جلسه نمی شود به همه آنها پرداخت، اشاره کردن به لیست آنها هم خیلی فایده ندارد، به یک بعد آن اگر بپردازیم و آن را خوب تشریح کنیم، جلسات مختلف و کتاب های مختلف باید نوشته شود و آن نقش مردم در دفاع مقدس است، آن چیزی که امروز هم به درد ما می خورد، به قول برادر عزیزم سردار کارگر که فرمودند ما نباید در گذشته بمانیم، درست است، باید ببینیم در شرایط امروز انقلاب کدام یک از مولفه های مهم و اساسی و تعیین کننده دفاع مقدس به درد ما می خورد، آن را برجسته کنیم، آن را تبیین کنیم، ابعاد مختلفش را باز کنیم، این هنری که عرض کردم اینجاست و البته کار سختی هم هست.

یکی از القاب یا ویژگی هایی که به دفاع مقدس می توانیم بدهیم مردمی بودن آن بود، به تمام معنا مردمی. یکی دیگر از خصوصیات جنگ ما نابرابر بودن آن بود. یکی دیگر از خصوصیات آن نقش اعتقادات در آن بود. اگر عقیده شهدا و رزمندگان نبود، اینجور جانشان را کف دست نمی گذاشتند تا به جبهه بروند. جنگ ما یک جنگ عقیدتی مردمی بود که به روش انقلابی انجام گرفت و اینها بود که دفاع ما را کرد دفاع مقدس، این ابعاد نابرابری در جنگ را چه چیزی جبران کرد؟ مردم، وقتی مردم در عرصه های مختلف جنگ با قدرت وارد شدند. اگر مردم نبودند مجموعه نیروهای مسلح ما هیچ کارکردی نداشتند، و نکته مهم این است که این دفاع در جمهوری اسلامی شد یک درس. شما نگاه کنید تمامی جنگ هایی که در منطقه بعد از انقلاب اسلامی و بعد از دفاع مقدس ما رخ داده همه یک طرفش مردم بودند، جنگ مردمی با ارتش های تابن دندان مسلح. جنگ ۳۳ روزه، جنگ هایی که

معظم رهبری از مراحل انقلاب این است؛ مرحله اول پیروزی انقلاب اسلامی، مرحله دوم تشکیل نظام جمهوری اسلامی و تثبیت آن که این دو مرحله پشت سر گذاشته شده، مراحل سوم و چهارم یعنی دولت سازی و اسلامی شدن دستگاه های نظام و جامعه سازی با اسلامی شدن جامعه. مرحله ی پنجم انقلاب یعنی تشکیل جامعه جهانی اسلامی انشاء الله هنوز باقی مانده است. اگر دقت کنیم مرحله اول و دوم که مبارزه با رژیم گذشته و ساقط کردن آن و تشکیل نظام جمهوری اسلامی و حفظ نظام از تهدیدهای مختلف دفاعی و امنیتی بوده اند در طول این ۴۰ سال اول انقلاب رخ داده و به عبارتی ما فقط اقدامات سلبی انجام می دادیم و در برابر تهدیدهای دشمنان مقاومت و ایستادگی می کردیم.

چهل سال طول کشید تا جمهوری اسلامی در برابر این تهدیدات مختلف دفاعی و امنیتی به قدرت برسد. موارد دفاعی و امنیتی را به خوبی پشت سر گذاشتیم و از نظر قدرت سازی بعد از ۴۰ سال به نقطه اوج خود رسیده ایم، به طوری که هم دوستان انقلاب، هم دشمنان انقلاب، همه می دانند اقتدار نظام اسلامی یا قدرت سازی نظام مقدس جمهوری اسلامی در ابعاد دفاعی و امنیتی به اوج خود رسیده و وضعیت مطلوب و ایده آلی دارد که دیگر هیچ کشور و قدرتی جرات مقابله یا اقدام عملی در این عرصه ها را ندارد. عرصه های امنیتی که عرض می کنیم، شما یادتان می آید ماجرای ناامنی های سال ۷۸ که اولین ناامنی ها بود حدود دو سال طول کشید و چقدر دشمن امیدوار شد که می تواند زمینه هایی را فراهم کند و مشکل هم در اینجا این بود که چرا سال ۷۸ دو سال این ناامنی ها طول کشید، علتش این بود که ما هنوز مردم را به خوبی وارد عرصه مقابله با این ناامنی ها نکرده بودیم، تجربه نداشتیم برای ورود مردم به عرصه های مقابله با اغتشاشات و ناامنی های داخلی، همانگونه که در هشت سال دفاع مقدس مردم وارد جنگ شدند و نقش اصلی و محوری را بر عهده گرفتند و در ناامنی های سال ۷۸ این نقش را نداشتیم، ۱۰ سال بعد در سال ۸۸ که ناامنی ها توسعه پیدا کرد و ۸ ماه طول کشید. برای اینکه مردم به صورت گسترده تر، سازماندهی شده تر و حساب شده تر وارد عرصه شدند.

تشکیل سپاه های استانی، تشکیل گردان های امنیتی و آمادگی های لازم در سال ۸۷ شروع شد و در سال ۸۸ پاسخ داده شد. سال ۹۶

با دیدن یک تصویر از مشکلات مردم زلزله زده یا سیل زده آنهایی که باید حرکت کنند حرکت می کنند و ضرورت بلند شدن و حرکت کردن و جهاد کردن در آن ها ایجاد می شود، اما در جنگ نرم این حس به این راحتی ایجاد نمی شود، حس را باید ایجاد کرد، اینجا یکی از آن رسالت های سخت است برای به روز شدن و تطبیق با انتقال تجربیات دفاع مقدس به صحنه های جنگ امروز. این یک رسالت سنگینی است که باید با الگوگیری از دفاع مقدس به امروز ایران منتقل کنیم، همانگونه که مقاومت و ایستادگی در برابر نظام استکبار در منطقه را از تجربیات دفاع مقدس خود منتقل کردیم و الحمدلله نتیجه اش را هم دیدیم.

یکی دیگر از ویژگی های دفاع مقدس نابرابری در جنگ بود؛ از نظر تجهیزات، سلاح، امکانات، مهمات و... از نظر امکانات مادی قابل مقایسه با عراق نبودیم، همه ابرقدرت های شرق و غرب تجهیزات و امکانات گذاشته بودند پشت رژیم بعث عراق و پشتیبانی می کردند. در مقابل ایران در محاصره کامل نظامی و اقتصادی، چه چیزی این نابرابری را جبران کرد؟ عرض کردیم حضور مردم در عرصه های مختلف، چه صحنه فرماندهی از فرماندهی جزء، دسته، گروهان و گردان، تیپ، لشکر، قراگاه تا بالا، هفت یا هشت ماه اول جنگ که بنی صدر با آن نگاه لیبرالی و غیرمردمی فرماندهی جنگ را برعهده داشت و اعتقاد داشت که نیروهای مردمی به جای اینکه کمک کننده باشند، مزاحمند، نتیجه چه شد؟ ارتش عراق هر جایی را که می خواست گرفت، البته همین مردم خودشان را به فرماندهی جنگ آن روز و به جبهه تحمیل کردند و این حضور باعث سرد شدن پیشروی های دشمن شد.

اما ما در هفت ماهه اول نتوانستیم دشمن را در هیچ جایی پس بزنیم. در دی ماه سال ۵۹ آقای بنی صدر رفت نزد حضرت امام با پررویی گفت ما باید برویم مذاکره کنیم، ما دیگه نمی توانیم عراق را پس بزنیم. حضرت امام فرمودند که اصلاً صحبت مذاکره را نکن اگر نمی توانی برو کنار بنشین و جنگ را بسپار به نیروهای مردمی، آنها می دانند چه کار کنند. بنی صدر هم از آن موقع آمد عقب و مشغول اختلافات سیاسی در عقب شد که فرصتی پیش آمد در جبهه برای عملیات های محدود که دست گرمی بودند. بعد از عزل بنی صدر وقتی فرماندهی جنگ و به دست نیروهای انقلابی مثل شهید صیاد شیرازی که حضرت امام ایشان را منصوب کردند

در غزه رخ داد، جنگ هایی که در سوریه و عراق رخ داد، درست است که داعش بود اما داعش یک ارتش مسلح نظام استکبار بود که مقابلش مردم بودند. این جنگ با داعش را دشمنان هم برای خودشان یک ویژگی مردمی رویش گذاشته بودند اما در واقع پشتوانه داعش آمریکا و اسرائیل و عربستان و دیگران بودند. ویژگی برجسته مردمی بودن نابرابری در جنگ را جبران کرد و پیروزی ها را رقم زد. ابعاد مختلف این اتفاق باید باز شود زیرا امروز خیلی به درد ما می خورد. در جنگ هایی که امروز با دشمنان و مخالفین داریم همه اش در عرصه جنگ نرم است؛ جنگ فرهنگی، جنگ اقتصادی، جنگ سیاسی. امروز در گام دوم انقلاب ما در همه این ابعاد در حال جنگ هستیم و برای همین نقش مردم باید برجسته شود چرا که هنوز مردم به معنای واقعی به نقش آفرینی در برابر این تهدیدات جنگ نرم نیامدند، و تا نباید این مشکلات برطرف نمی شود. این حرف من نیست، فرمایشات مقام معظم رهبری است در کرمانشاه، حضرت آقا وقتی مثال های حضور مردم در دفاع مقدس و عرصه های امنیتی را می زنند می فرمایند همه مسائل ما با حضور مردم حل می شود، می گویند مسئله اصلی ما امروز مسئله حضور مردم در عرصه های مختلف است، همانجا می فرمایند وقتی که سخت ترین کارها یعنی دفاع مقدس به دست مردم سپرده شد پیروزی ها رقم خورد، امروز هم در جنگ های نرم باید صحنه به دست مردم سپرده شود. و این از رسالت های شما عزیزان است که این بُعد مردمی بودن دفاع مقدس را احصا کنید و این ضرورت را به مردم منتقل کنید، تا مردم به صورت موثر و سازماندهی شده و منظم به صحنه بیایند.

بعد از بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری در دیدار ۹۸/۳/۱ که با جوانان و دانشجویان داشتند می فرمایند که ما امروز احتیاج داریم برای مقابله با دشمنان و مخالفین به یک حرکت بزرگ اجتماعی در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، می فرمایند این حرکت البته شروع شده ولی کند است و باید نظم بگیرد. دوتا خاصیت سرعت گرفتن و منظم شدن را برای این حرکت تعریف می کنند. حضور و نقش آفرینی مردم در عرصه های مختلف جنگ نرم اقدامی است که ضرورت و فوریتش را باید برای مردم ایجاد کرد، حسش آن فرق می کند با حس حضور مردم در جنگ، فرق می کند با حس حضور مردم در مقابله با سیل یا زلزله،



دیگر، همینطور که عملیات های قبل از آزادی خرمشهر که داخل خاک کشور انجام می شد با عملیات هایی که درون خاک عراق انجام می شد تفاوت داشت، شما یادتان است ما یکی دو سال اول عملیات هایی مثل رمضان، والفجر مقدماتی، والفجر یک، حتی خیبر و بدر را در داخل خاک عراق انجام دادیم تا بتوانیم یک عملیات ۱۰۰ درصد موفق انجام دهیم. یعنی سال ۶۴ اولین عملیات کاملاً موفق در داخل خاک عراق مثل مسلم ابن عقیل و محرم را انجام دادیم، اولین عملیات موفق بزرگ عملیات والفجر ۸ بود. عملیات بزرگ سال ۶۵ ما مجموع عملیات کربلای ۴ و ۵ بود. عملیات کربلای ۴ اگر انجام نمی شد امکان نداشت بتوانیم عملیات کربلای پنج را انجام دهیم، پس این دو عملیات بزرگ در سال ۶۴ و ۶۵ سرنوشت جنگ را رقم زد و از نظر سختی و میزان نابرابری با عملیات های دیگر خیلی فرق داشت. درست که بیت المقدس بزرگترین عملیات ما بود و از رودخانه کارون عبور کردیم اما دشمن لب رودخانه

به عنوان فرمانده نیروی زمینی ارتش در کنار فرمانده کل سپاه هماهنگ با همدیگر با اعتقاد به ظرفیت های مردمی و نگاه به داخل، از آن موقع تا زمانی که خرمشهر آزاد شد هشت ماه طول کشید، شما نگاه کنید امکانات هیچ تغییر نکرد، مهم نگاه به ظرفیت های مردمی و داخلی بود. نکته ای که امروز هم مقام معظم رهبری در مورد اداره کشور بارها تکرار می کنند همین است. نگاه به ظرفیت های کشور.

ما ظرفیت های کمی نداریم، وقتی کسی این ظرفیت ها را نمی بیند و اصلاً قبول ندارد نتیجه می شود امروز که در مورد اداره کشور فقط نگاه به غرب و آمریکا و اروپا و امید به مذاکره و برجام دارد. اما اگر نگاه عوض شود هشت ماه بعد خرمشهرها آزاد می شوند. چند سال پیش مقام معظم رهبری فرمودند ما خرمشهرها را در پیش داریم، آزادی خرمشهرها با چه اتفاقی انجام می شود، با تغییر نگاه مدیریتی به جای بیرون به داخل کشور، این هم از بزرگترین درس های دفاع مقدس است که امروزه درد ما می خورد. این هم از نکات دیگری است که باید منتقل شود. حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس یعنی این ابعادی که امروزه درد جامعه ما می خورد و کاربرد دارد را از دفاع مقدس به مردم منتقل کنیم که امروزه درد مردم بخورد، مشکل امروز مردم ما را حل کند. البته عرض کردم کار سختی است، ولی کار سختی است که باید انجام دهیم، ما قار نیست کار آسان انجام دهیم.

عملیات کربلای ۵ که در این ایام سالگرد آن است خیلی تفاوت داشت با عملیات های

کارون نبود، سه مرحله طول کشید، عملیات سختی هم بود، اما همه جا پایمان روی زمین بود. عملیات والفجر ۸ یا کربلای ۵ از همان نقطه آغاز درگیری کسی پایش روی زمین نبود، روی آب و میدان مین و سیم خاردار بود. روبه رویمان موانع بود، باتلاق، آب گرفتگی، سیم خاردار، انبوه میدان مین.

وقتی این حقیر جانشین شهید باقری بودم در قرارگاه نصر بعد از آزادی خرمشهر شلمچه محوری بود که رفتیم برای شناسایی عملیات رمضان، به محض این که با دوربین موانع را دیدیم از اجرای عملیاتی در آنجا منصرف شدیم. شهید باقری گفت نمی توانیم عملیات کنیم، این موانع را هنوز نمی توانیم عبور کنیم. کمی آمدیم بالاتر حوالی پاسگاه زید و بالاتر آنجا، دیدیم موانع کم تر است گفتیم عملیات رمضان اینجا انجام شود. اما چطور شد در حالی که از سال ۶۱ تا ۶۵ دشمن و پشتیبانانش تمامی همت خود را صرف ایجاد موانع سیم خاردار میدان مین و نحوه چینش و آرایش منطقه مهم شلمچه کرده بود، عملیات کربلای ۵ انجام گرفت. چطور می شود که با وجود موانع مختلف طبیعی و غیرطبیعی که نسبت به سال ۶۱ ده ها برابر می شود ما کشیده می شویم به عملیات کربلای ۵. شما مستحضری که عملیات کربلای ۵ هم در اوقاع اراده ی ماها نبود، تصمیم عملیات بزرگ سال ۶۵ کربلای ۴ بود، یعنی عبور از کارون، بین آبادان و خرمشهر و دور زدن شلمچه از جنوب رودخانه اروند و ابوالخصیب و رفتن به سمت بصره. این عملیات ناموفق شد ولی همین باعث شد دشمن غافلگیر شود، به فرماندهانش مرخصی بدهد و فکر کند که ما دیگر عملیات نمی کنیم. همزمان با دستور عقب نشینی کربلای ۴ تصمیم گرفته شد ۱۰ یا ۱۵ روز بعد در محور شلمچه کربلای ۵ انجام بگیرد. این هدایت هدایت الهی بود، به دست ما نبود، چون اگر دست ما بود ما تصمیم گرفته بودیم که در جزیره مینو عملیات کنیم، خدا شرایط را فراهم کرد، شکستن خط در عملیات های دیگر شاید سخت ترین مرحله عملیات نبود اما در عملیات کربلای ۵ سخت ترین مرحله عملیات همین شکستن خط بود، عبور از موانع متعددی که دشمن ایجاد کرده بود به هر حال این نابرابری که ما عرض کردیم در دفاع مقدس داشتیم در عملیات کربلای ۵ این نابرابری ها ده ها برابر شده بود و تنها چیزی که ما را به انجام عملیات کربلای ۵ رساند تکلیف بود، یعنی محاسبات مادی و تجربیات دودوتا چهارتای نظامی می گفت

عملیات کربلای ۵ نباید انجام بگیرد، اما با محاسبات معنوی و تکلیف و انجام تکلیف الهی و توکل به خدا، یعنی ابعاد معنوی در تصمیم گیری عملیات کربلای ۵ خیلی قوی تر از ابعاد مادی بود. چون عملیات بسیار سخت و پیچیده شده بود شب قبل از عملیات کربلای ۵ جلسه ای تشکیل شد، واقعا تردید ایجاد شده بود، زدن به خط شلمچه ریسک بالایی داشت، معلوم نبود خط شکسته شود و ما بتوانیم عبور کنیم، تازه بعد از عبور چند کیلومتری می توانستیم پیشروی کنیم؟ ۴ یا ۵ کیلومتر، تا حوالی نهر دوعیجی، معلوم بود به بصره نمی رسیم. با این برآوردهایک تردید بزرگ شکل گرفت که آیا این عملیات باید انجام بگیرد یا نه؟ چون وقتی ریسک خیلی بالاست تصمیم گیری خیلی سخت می شود. برخی از فرماندهان پیشنهاد دادند که حضرت امام باید نظر بدهند، حضرت امام آقای هاشمی را فرستادند به جبهه، شب قبلش از ساعت ۱۱ شب تا اذان صبح جلسه ای تشکیل شد، آقای هاشمی مامور شدند بررسی کنند، چون حضرت امام فرموده بودند هر چه آقای هاشمی تصمیم گرفت عمل شود، نزدیک اذان صبح آقای هاشمی جمع بندی کردند که عملیات کربلای ۵ نباید انجام بگیرد ولی ریسک این عملیات را پذیرفت و انجام داد، شهید صیاد شیرازی و چند تا از کارشناس های ارتش هم بودند. بعد از نماز قرار بود آقای هاشمی جلسه را دوباره تشکیل، یک صحبتی با ایشان شد که جناب آقای هاشمی شما چند سال است دارید می گوئید یک عملیات موفق انجام بدهید ما کار را حل می کنیم، اگر این عملیات تنها فرصتی است که به رزمندگان اسلام داده شده، خدا برای ما فراهم کرده که یک بار دیگر بتوانیم عملیاتی بزرگ در جنوب انجام بدهیم و آن همین دی ماه سال ۶۵ در محور شلمچه است. در همه جای دیگر جبهه ها قفل شده بود، این را عملیات های قبلی نشان می داد، تنها جایی که باقی مانده بود والفجر ۸ بود که انجام شد، دیگر جایی نداشتیم، عملیات کربلای ۵ و شلمچه هم اگر دشمن غافلگیر شد به دلیل عملیات کربلای ۴ بود. عملیات کربلای ۴ باعث شد که ما توانستیم دشمن را غافلگیر کنیم، اگر این شرایط پیش نیامده بود در محور شلمچه هم نمی توانستیم عمل کنیم. به ایشان گفته شد که اگر عملیات کربلای ۵ در دی ماه سال ۶۵ انجام نگیرد دیگر ما در خوزستان نمی توانیم عمل کنیم و عملیات بعدی مان احتمالا باید در غرب کشور انجام شود و معلوم نیست نتیجه و سرنوشت جنگ چه خواهد شد، به نظر می رسد باید توکل کنیم به خدای بزرگ و

عجیبی است. حاج قاسم حدود ۲ یا ۳ سال پیش بود یک جامن این صحبت را برایشان کردم، تعجب کرد، نشنیده بود، گفت برای من با پیامک بفرست و من برایش فرستادم. فرمایش حضرت آقا این است: «شب‌های کربلای ۵ شب‌های قدر این انقلاب است، انس با آن شمارا وارسته می‌کند، هر کس آن را فراموش کند نامش از اردوگاه انقلاب قلم خواهد خورد، سپاه کربلا را در شلمچه مشق کرد». تأیید صحبت‌هایی که کردم که محاسبات مادی جواب نداد و انجام تکلیف باعث شد عملیات کربلای ۵ انجام بگیرد، دقیقاً همین محاسبه را امام حسین (ع) در روز عاشورا داشتند، معلوم بود امام حسین (ع) و یارانشان شهید می‌شوند و اهل بیت (ع) ایشان به اسارت می‌روند. امام می‌دانستند اما تکلیف بود و باید انجام می‌شد. ببینید این فرمایش آقا مهم است، سپاه کربلا را در شلمچه مشق کرد، نکته برجسته صحبت آقا این است، کربلا چه بود؟ جنگ عاشورا چه بود؟ جنگ عاشورایی چه بود؟ این خاطره ماندگار خونین حسینی را زنده نگه دارید.

عملیات کربلای ۵ را انجام دهیم، ایشان پذیرفت. پس ببینید با محاسبات مادی دودوتا چهارتای مادی عملیات کربلای ۵ انجام شدنی نبود، با توکل به خدا و محاسبات دیگر و تکلیف این است که یک عملیات بزرگ انجام بگیرد به سرانجام رسید و همین باعث شد که خدا هم کمک کرد. عملیات کربلای ۵ با همه سختی‌اش موفق شد، قابل باور نبود که ما دژ مستحکم شلمچه را بتوانیم بشکنیم و عبور کنیم و تانهر دو عیچی برویم. همین ۵ یا ۶ کیلومتر در محور شلمچه باعث شد در سطح مجامع بین الملل و ابر قدرت‌ها به این نتیجه برسند که وقتی ایران و جمهوری اسلامی می‌تواند خط و دژ مستحکم شلمچه را بشکند جاهای دیگر را هم می‌تواند بشکند و حرف‌های صدام قابل اعتماد نیست و بی‌خود می‌گوید که من می‌توانم جلوی ایرانی‌ها را بگیرم. قدرت به یکباره به نفع ایران عوض شد و قطعنامه ۵۹۸ به نفع جمهوری اسلامی صادر شد. همین بود که مقام معظم رهبری این جمله تاریخی را در مورد کربلای ۵ فرمودند که واقعاً جمله





دفاع مقدس یک ذخیره بزرگ است

سخنان سردار اشتری
در همایش سراسری مدیران بنیاد حفظ آثار
و نشر ارزش های دفاع مقدس

بیانات رهبر انقلاب اسلامی بسیار ارزشمند و حکیمانه است و ما اگر تدابیر و منویات معظم له را با یک برنامه ریزی منظم دنبال کنیم، دستاوردهای زیادی خواهیم داشت. ابعاد و اثرات دفاع مقدس، داخلی و خارجی است، دفاع مقدس یک ذخیره بزرگ برای کشور است. ما در جنگ تحمیلی در ظاهر امر متحمل خسارت‌هایی شدیم، اما حضرت امام (ره) فرمودند که جنگ از نعمت‌های الهی است. ما در دفاع مقدس آبدیده و آماده شدیم و اگر تجربه دفاع مقدس را نداشته‌ایم، نمی‌توانستیم با فتنه‌های این دوران مقابله کنیم. امروز آمریکا، اسرائیل و انگلیس به صورت مستقیم و غیرمستقیم اقداماتی علیه ما انجام می‌دهند، اما ما با روحیه جهادی برگرفته از دفاع مقدس در مقابل آن‌ها ایستادگی می‌کنیم. با روحیه جهادی رشد و پیشرفت کردیم و اقدامات خوبی در عرصه‌های مختلف صورت گرفته است، امروز با روحیه جهادی در حوزه‌های پزشکی، دفاعی و هسته‌ای سر بلند شده‌ایم. جوانان ما امروز با تاسی از شهیدان سلیمانی، خرازی، همت و دیگر شهدا در مسیر مقاومت قدم می‌گذارند.

دفاع مقدس یک چشمه خروشان و ذخیره بزرگ است که هر چه از آن برداشت کنیم، نه تنها کم نمی‌شود، بلکه ابعاد دیگری از آن نمایان می‌شود. هر چه قدر به دفاع مقدس و ارزش‌های دفاع مقدس در ابعاد مختلف بپردازیم، کشورمان را بیمه کرده‌ایم، امروز دشمنان در

در این زمان کم نظیر بوده است و امروز کادر درمانی به خصوص کادر درمانی نیروهای مسلح کاری جهادی در مقابله با کرونا انجام می دهند. برخورد با محترمان، اجرای مصوبات ستاد ملی مقابله با کرونا، اجرای محدودیت های ترافیکی و نظارت بر اصناف از جمله اقدامات پلیس بوده است. در فضای مجازی نیز سه هزار کانال که در حوزه کرونا اقدام به آلوده کردن فضای کشور می کردند، شناسایی شدند و با آن ها برخورد شد. از بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع می خواهیم که در موزه های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مکانی برای نشان دادن نقش ژاندارمری، شهرداری و کمیته انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در نظر بگیرند. نیروی انتظامی در دفاع مقدس هشت هزار شهید و پس از آن برای مقابله با اشرار پنج هزار شهید تقدیم نظام کرده است که باید نقش آن ها پررنگ شود.

حوزه های مختلف به افکار جوانان ما هجوم آورده اند و اگر خواهیم در برابر این همه هجمه، مقابله کنیم، باید به دفاع مقدس تکیه کنیم. امروز باید همه نیروها و مسئولان اعم از وزرا، ائمه جمعه و معلمان در کنار بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس قرار بگیرند و فرهنگ دفاع مقدس را بین جوانان گسترش دهند. رمز پیروی حاج قاسم در مقابله با کفار و تکفیری ها «اخلاص» بوده است، رهبر معظم انقلاب اسلامی از «مکتب حاج قاسم» سخن گفته اند؛ امروز مکتب حاج قاسم در اخلاص، ولایتمداری و تبعیت از رهبر معظم انقلاب اسلامی خلاصه می شود. فرهنگ دفاع مقدس و مکتب حاج قاسم می تواند مشکلات کشورمان را برطرف کند، اگر در راه و مسیر دفاع مقدس قدم برداریم، قطعاً پیروز خواهیم شد. کشورمان حدود ۱۱ ماه درگیر کرونا بوده است، نقش نیروهای مسلح



گزارش برگزاری جشن بزرگ سالروز پیروزی انقلاب اسلامی
بارعایت فاصله اجتماعی و دستورالعمل‌های بهداشتی در سراسر کشور



همچنان باشکوه



منیرالدین مویدی



جشن بزرگ انقلاب اسلامی ایران که هرساله در روز ۲۲ بهمن برگزار می‌شود، امسال به دلیل شیوع کرونا متفاوت تر از سال‌های گذشته برگزار شد. اگرچه عده‌ای پیش‌بینی می‌کردند به دلیل گسترش بیماری کرونا و نارضایتی مردم از وضعیت معیشتی و اقتصادی، جشن ۲۲ بهمن با حضور کم‌رنگ مردم برگزار خواهد شد، اما امسال هم در تهران و هم در سایر شهرها و روستاهای کشور، حضور مردم در خیابان‌ها چشم‌گیر بود به گونه‌ای که رسانه‌های خارجی و جهانی نیز به بخش مستقیم این مراسم و پوشش خبری آن پرداختند. مردم در سال‌های گذشته مسیرهای راهپیمایی را با پاهای پیاده طی می‌کردند، اما امسال با رعایت فاصله اجتماعی و به منظور عمل به دستورالعمل‌های بهداشتی، مردم ایران با خودروهای شخصی، موتورسیکلت‌ها و دوچرخه‌ها این مسیرها و بلکه مسیرهای طولانی‌تر را پیمودند و روز پیروزی انقلاب اسلامی را جشن گرفتند.

از چند ماه پیش از برگزاری مراسم روز ۲۲ بهمن، چند طرح و سناریو برای اجرای مراسم جشن پیروزی انقلاب ارائه شد که ۷۰ درصد مردم در یک نظرسنجی راهپیمایی خودرویی و موتوری را انتخاب کردند. بدین منظور هماهنگ‌هایی با ستاد ملی مقابله با کرونا انجام و موافقت لازم برای برگزاری مراسم با این شیوه کسب شد. برای اینکه در پایان مراسم نیز تجمعی صورت نگیرد، سخنرانی از رادیو پخش شد و بیانیه پایانی هم از طریق فضای مجازی به امضای مردم رسید.

حجت الاسلام روحانی رئیس‌جمهوری همچون سال‌های گذشته سخنران مراسم روز ۲۲ بهمن بود که از طریق ویدئو کنفرانس با مردم سخن گفت. وی اظهار داشت: «آغاز چهل‌مین و دومین سال انقلاب اسلامی ایران، امسال با رنگ و بوی جدیدی همراه است و به دلیل اجرای شیوه‌نامه‌های بهداشتی مردم عاشق انقلاب و امام خمینی (ره)، نتوانستند آنطور که مورد نظرشان بود به خیابان‌ها بیایند و احساسات پاک خود را نشان دهند. البته این حضور پرشور به شکل دیگری در سراسر کشور به نمایش گذاشته شد.»



نمایش دستاوردهای دفاعی ایران در روز جشن انقلاب

در حاشیه مسیرهای برگزاری جشن پیروزی انقلاب در تهران و سایر شهرها، دستاوردهای دفاعی کشور توسط یگان‌های نیروهای مسلح به نمایش گذاشته شد. در تهران نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سه فروند موشک «ذوالفقار بصیر»، «دزفول» و «قیام» و سامانه پدافندی «سوم خرداد» را در معرض دید عموم قرار داد.

موشک ذوالفقار بصیر نمونه دریایی موشک بالستیک ذوالفقار با برد ۷۰۰ کیلومتر و برای هدف قرار دادن اهداف دریایی است. موشک قیام نیز بردی ۸۰۰ کیلومتری دارد و در عملیات‌های برون مرزی سپاه علیه مقرهای داعش و پایگاه عین الاسد آمریکا بکارگیری شد. سامانه پدافندی سوم خرداد هم یک سامانه پدافندی ارتفاع متوسط کاملاً بومی است که به دست متخصصان توانمند صنایع دفاعی کشور طراحی و تولید شده است و برای اولین بار در سال ۱۳۹۳ و در جریان بازدید رهبر معظم انقلاب اسلامی از نمایشگاه دستاوردهای نیروی هوافضای سپاه رونمایی شد.

شبکه الجزیره در گزارشی به موشک‌های به نمایش درآمده اشاره کرد و گفت: «سپاه پاسداران ایران سه نوع موشک بالستیک ساخت داخل را در مسیر راهپیمایی در تهران به نمایش گذاشته بود. همچنین یک سامانه دفاع هوایی تولید ایران نیز که در ژوئن سال ۲۰۱۹ یک پهپاد آمریکایی را ساقط کرده بود نیز به نمایش عموم درآمده بود». خبرگزاری رویترز نیز نوشت: «تهران در قبال تلاش‌های غرب برای متوقف کردن برنامه موشکی اش، موشک‌های بالستیک را نیز در مسیرهای راهپیمایی به نمایش درآورده بود». چند رسانه خارجی دیگر نیز به این اتفاق اشاره کردند.



شبکه‌های تلویزیونی الجزیره مباشر و المیادین با قطع برنامه‌های عادی خود، بخش‌هایی از مراسم گرامیداشت چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در تهران را به صورت زنده پخش کردند. این شبکه‌ها همچنین با پخش سخنان رئیس‌جمهور ایران در این مراسم، جملاتی از سخنرانی او را به صورت خبرفوری و زیرنویس پوشش دادند.

تورنتواستار، خبرگزاری دولتی سوریه، المنار، یا هونیوز، خبرگزاری آناتولی، شبکه روسی راپتلی، پایگاه رادیویی WGEM، ریپابلیک ورلد، شبکه الاتجاه، واشنگتن پست، الاخباریه سوریه و... نیز به انعکاس جشن مردم ایران در روز ۲۲ بهمن پرداختند. حضور باشکوه مردم در مراسم بزرگداشت روز ۲۲ بهمن نشان داده شد که مردم همچنان پای آرمان‌های انقلاب اسلامی ایستاده‌اند. امام خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی به حضور مردم در مراسم بزرگداشت چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کردند و فرمودند: «انصافاً ملت ایران خسته نشدند، که خب شما نمونه‌هایش را در این تشییع جنازه‌ی عجیب شهید سلیمانی، بعد هم در این بیست و دوم بهمن امسال با این شرایط کرونایی، با ابتکار جدید که چطور وارد میدان شدند و با شور و شوق نگذاشتند بیست و دوم بهمن تعطیل بشود و در قضایای گوناگون دیگر دیده‌اید.»

بازتاب جشن ۲۲ بهمن در رسانه‌های جهان

برگزاری متفاوت جشن روز ۲۲ بهمن مورد توجه رسانه‌های خارجی قرار گرفت. خبرگزاری آناتولی ترکیه نوشت: «ایران امسال چهل و دومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی را به روشی قابل توجه به دلیل محدودیت‌های کشوری موجود در پی شیوع بیماری کرونا گرامی داشت.»

خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز عنوان کرد: «ایران که امسال درگیر شیوع بیماری کرونا بود، به جای راهپیمایی هرساله که با پیاده روی منظم مردم در خیابان‌ها انجام می‌شد، امسال مردم سوار بر موتورسیکلت‌ها و خودروها در راهپیمایی بزرگداشت چهل و دومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران شرکت کردند. انتظار می‌رود که ده‌ها هزار تن از مردم در شهرهای مختلف در این راهپیمایی با موتورسیکلت و خودرو شرکت کرده باشند.» پایگاه روزنامه انگلیسی ایندپندنت نیز نوشت: «مردم ایران با حضور خودرویی و موتوری در خیابان‌ها، سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ را جشن گرفتند.»

مراسم روز ۲۲ بهمن مورد توجه رسانه‌های معارض نیز قرار گرفت. روزنامه صهیونیستی تایمز آو اسرائیل نوشت: «مردمی که در این راهپیمایی شرکت کرده بودند، پلاکاردهایی در دست داشتند که رویشان مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل و مرگ بر انگلیس نوشته شده بود.»



انتشارات موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

۸۸۶۵۷۰۱۹

پرواز ۳۵۷

کتاب خاطراتی از

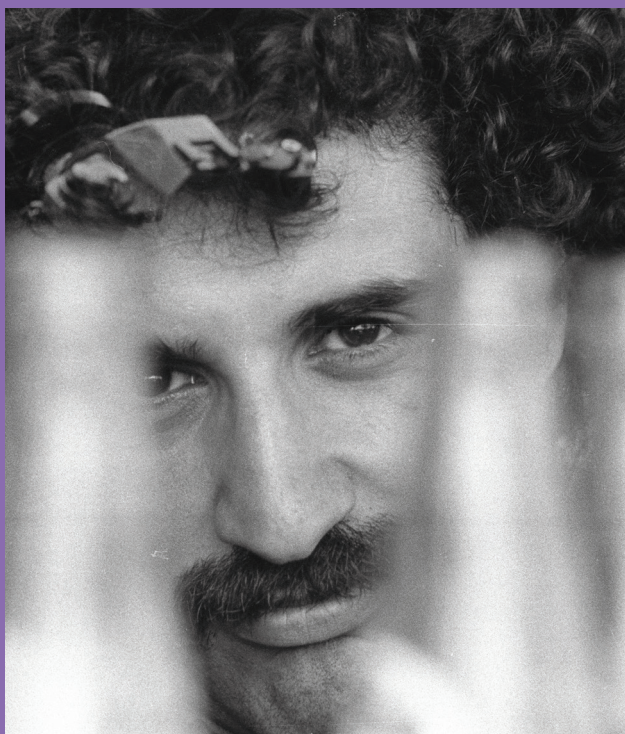
نقش نیروی هوایی

در پیروزی انقلاب اسلامی ایران



تدوین گر: ناصر ملائی

دیدمان



میشل ستبون (Michel Setboun) عکاس فرانسوی است که در سال های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰ در ایران حضور داشت و هنگام انقلاب اسلامی ایران برای آژانس عکس سیپا کار می کرد، آنچه می آید گزیده ای از عکس های دیده نشده ی او در روزهای انقلاب است .



فرود هلیکوپتر ارتش در قبرستان { بهشت زهرا } جهت انتقال امام خمینی؛ وقایع سیاسی اجتماعی دوران انقلاب اسلامی ایران. { بهمن ۵۷ } 



پادگان عشرت آباد؛ تخلیه ادوات نظامی پادگان در درگیری های مسلحانه خیابانی بین مردم و عوامل رژیم شاه؛ وقایع سیاسی اجتماعی دوران انقلاب اسلامی ایران. { بهمن ۵۷ } 

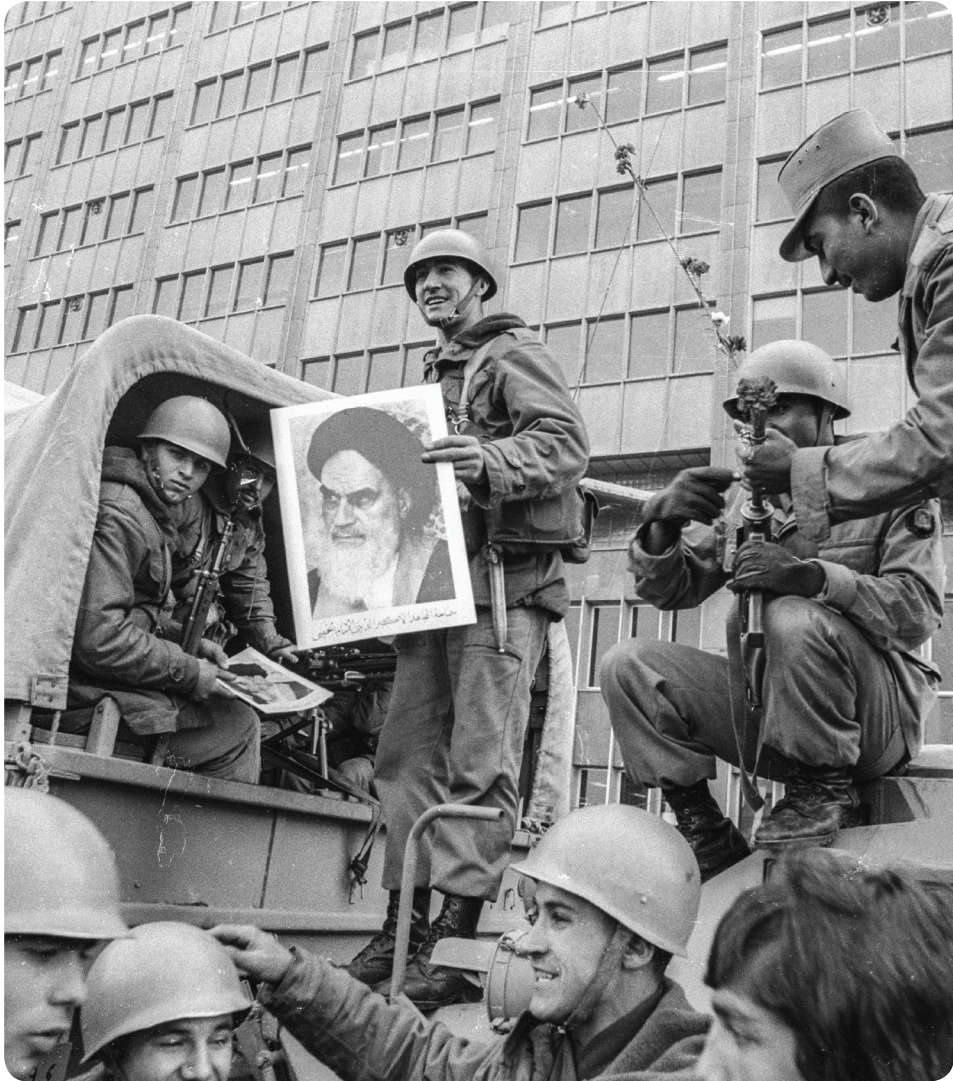


نواده پیامبر اسلام، امام خمینی مرجع عالی قدر شیعیان و رهبری انقلاب با عبا و عمامه مشکی؛ نشسته در هواپیما و در حال عزیمت به تهران؛ وقایع سیاسی اجتماعی دوران انقلاب اسلامی ایران. {بهمن ۵۷}



یادگان عشرت اباد؛
تخلیه ادوات نظامی
یادگان درگیری های
مسلحانه خیابانی بین
مردم و عوامل رژیم
شاه؛ وقایع سیاسی
اجتماعی دوران انقلاب
اسلامی ایران. {بهمن
۵۷}

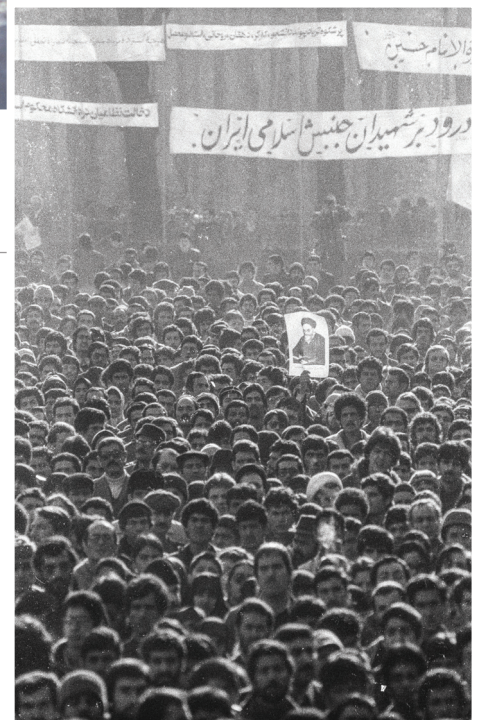




خوشحالی نظامیان مسلح پس از خروج شاه از کشور در یک کامیون نظامی ارتش با دست نوشته و تصاویری از امام خمینی؛ وقایع سیاسی اجتماعی دوران انقلاب اسلامی ایران. {دی ۵۷}



درگیری مردم و نظامیان مسلح رژیم شاه در خیابان های شهر (و در اعتراض
به کشتار مردم سایر شهرهای کشور)؛ وقایع سیاسی- اجتماعی دوران انقلاب
اسلامی ایران. {آذرودی ماه ۵۷}



نمایی از اجتماع مردم و دانشجویان
در مراسم بازگشایی دانشگاه ها؛ وقایع
تاریخی، سیاسی و اجتماعی دوران
انقلاب اسلامی ایران. {دی ۵۷}



سفریاسر عرفات به ایران چند روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛ تصویررنگی وی در کنار آیت الله بهشتی و آیت الله رفسنجانی.



به آتش کشیدن برخی اسناد حکومتی شاه
و تصاویر خاندان سلطنتی توسط مردم
معترض انقلابی و در اعتراض به کشتار
دانشجویان در آبان ماه؛ وقایع و ناآرامی های
سیاسی اجتماعی دوران
انقلاب اسلامی ایران. {آبان ۵۷}



مراسم عزاداری ایام محرم در بازار شهر و حضور هیئات در تظاهرات علیه رژیم شاه: وقایع سیاسی- اجتماعی دوران انقلاب اسلامی ایران. (آذر ۵۷)





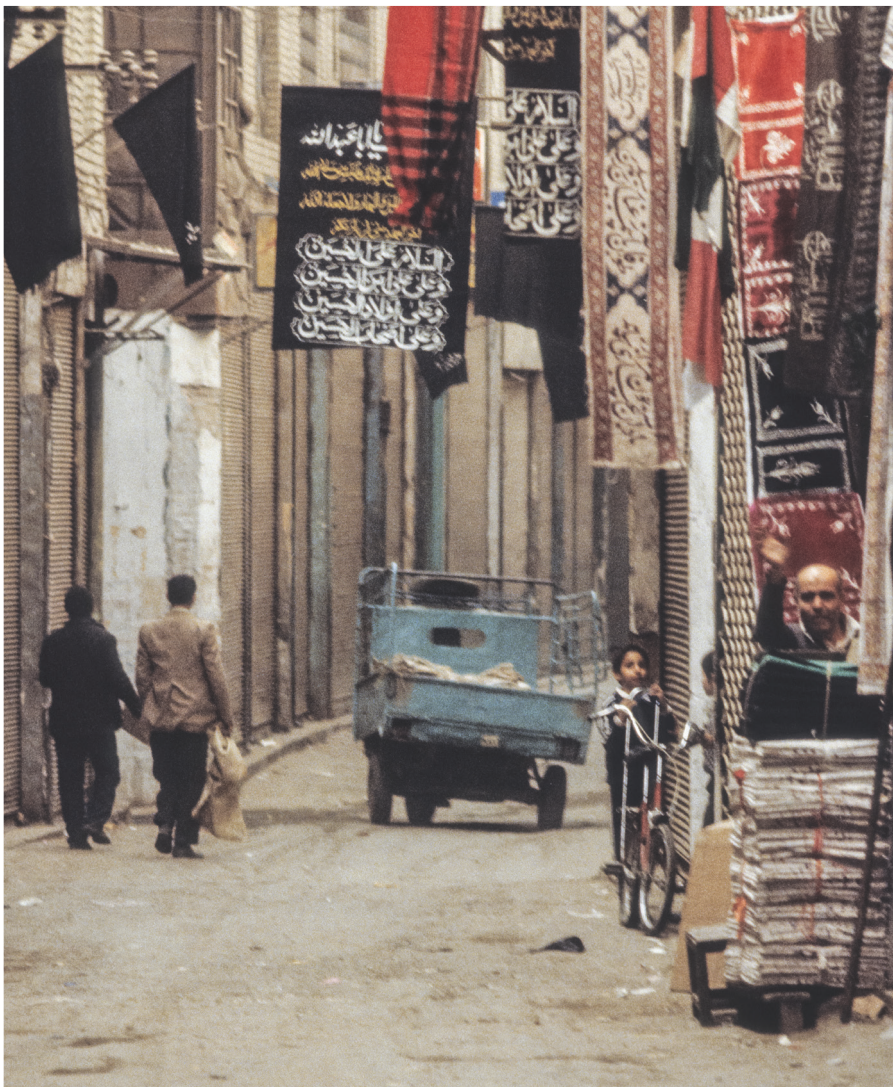
مراسم عزاداری ایام محرم در بازار شهر و حضور هیئات در تظاهرات علیه رژیم شاه؛ وقایع سیاسی - اجتماعی دوران انقلاب اسلامی ایران. {آذر ۵۷}



زندگی سخت حاشیه نشینان و شرایط اجتماعی نابسامان مردم در دوران حکومت رژیم شاه. {دی ماه ۵۷}



حضور و راهپیمایی زنان ایرانی با پوشش اسلامی و چادرهای مشکی در حمایت از انتصاب مهدی بازرگان به نخست‌وزیری
توسط امام خمینی؛ وقایع سیاسی - اجتماعی دوران انقلاب اسلامی ایران. {بهمن ۵۷}



نصب پرچم های مشکی، آیین های مذهبی مردم و تعطیلی بازار تهران در ایام محرم
وقایع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دوران انقلاب اسلامی ایران. {آذر ۵۷}

